



پاسخ نامه

سال دوم

درس اول: جلوه‌های حکمت و تدبیر

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۳۳	۲۲	۲۶
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۴	۱	۴

گزینه ۲

عبارت: «در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟»، یکی از سؤال‌های اصلی (نه روزمره‌ی) هر نوجوان و جوانی است. هر پاسخی که به این سؤال داده شود، در بینش و روش زندگی انسان مؤثر است. یعنی در نگاه وی به زندگی تأثیر می‌گذارد و به برنامه‌ها و تصمیم‌های او جهت می‌دهد.

نکته‌ی طلایی پاسخ این سؤال: «در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟» از دیدگاه وحی، آیه‌ی شریفه‌ی: «خلق الله السماوات و الأرض بالحق...» است.

گزینه ۳

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۱

آیه‌ی شریفه‌ی: «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَیَ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»، با توجه به دو کلمه‌ی «فَسْوَیَ» و «قَدَّرَ»، بیانگر این است که: «هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود هستند.» و با توجه به کلمه‌ی «هدی»، بیانگر آن است که: «هر موجودی به گونه‌ای ساخته شده که هدف خاصی را دنبال می‌کند.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا قسمت اول گزینه‌ی (۲) و قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، مفهوم عبارت شریفه‌ی: «ربنا ما خلقت هذا باطلا» است. قسمت اول گزینه‌ی (۳)، مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» می‌باشد.

گزینه ۲

مفهوم مشترک هر سه آیه‌ی شریفه‌ی: «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَیَ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»، «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْشَأَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» و «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، این است که «هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود است.»

توضیح بیش‌تر این سه آیه، علاوه بر داشتن این پیام مشترک، هر یک از آن‌ها نیز دارای یک مفهوم اختصاصی می‌باشند. مفهوم خاص آیه‌ی: «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَیَ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»، تعیین هدفی خاص برای هر یک از مخلوقات است. و مفهوم خاص آیه‌ی: «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادَةً وَ...»، اتقان صنع به معنای محکم و استوار بودن نظام آفرینش می‌باشد و مفهوم خاص آیه‌ی: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، تقدم خلقت بر تقدیر است.

گزینه ۴

قرآن کریم مردم را دعوت می‌کند که به پدیده‌های پیرامون خود (انّ فی خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار) نظر کنند، پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز، خورشید، ماه و ... که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند. این مشاهده و تفکر سبب خواهد شد که انسان حکیمانه بودن جهان را با عقل و استدلال و منطق بپذیرد، زیرا در پدیده‌های جهان برای کسانی که بیندیشند، نشانه‌هایی است.

تمرین تست‌زنی بهترین شیوه‌ی پاسخ دادن به تست‌های ترکیبی و چند قسمتی، حذف گزینه‌های نادرست است تا به پاسخ صحیح برسیم. قسمت سوم گزینه‌ی (۲) و (۳) نادرست است، زیرا قرآن کریم ما را به تفکر در پدیده‌های پیرامون خود (روزمره) دعوت می‌کند نه شگفت انگیز. قسمت اول گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا پذیرش از روی عقل و استدلال و منطق، ویژگی «اولی‌الالباب» است نه «مؤمنان».

گزینه ۳

در این آیات، دو ویژگی برای خردمندان ذکر شده است: اولین ویژگی خردمندان یاد همیشگی خداوند (الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم) و دومین ویژگی آنان، تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین (و یتفکرون فی خلق السماوات و الارض) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست است، زیرا ذکر و تفکر ویژگی خردمندان است نه مؤمنان و براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «خلق الله السماوات و الأرض بالحقّ إنّ فی ذلک لآیة للمؤمنین»، در به حق و حکیمانه آفریده شدن نظام هستی، نشانه‌ای برای اهل ایمان است. قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، بیانگر اتقان صنع است.

گزینه ۱

این سه مورد: الف- رد بیهودگی و عبث بودن نظام آفرینش (ربنا ما خلقت هذا باطلا)، ب- تسبیح خداوند (سبحانک) ج- نیایش به درگاه او (فقنا عذاب النار)، بازتاب و نتیجه‌ی این دو ویژگی: «یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم» و «و یتفکرون فی خلق السماوات و الارض» اولوالالباب است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا مفهوم عبارت قرآنی: «ربنا ما خلقت هذا باطلا»، مردود شمردن بی‌فراجم یافتن مخلوقات جهان است نه فقط انسان. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، ویژگی خردمندان را به ترتیب بیان نکرده است.

گزینه ۳

مردود یافتن عبث آفرینی در نظام خلقت، که مفهوم عبارت شریفه‌ی: «ربنا ما خلقت هذا باطلا» است، معلول و بازتاب یاد خدا و تفکر در آیات و نشانه‌های الهی (خردمندی پیشه‌کردن در نشانه‌های الهی) از سوی خردمندان است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا مردود یافتن عبث آفرینی در نظام خلقت، نتیجه‌ی تفکر در آیات الهی است نه صفات الهی. مفهوم قسمت دوم گزینه‌ی (۴) بیانگر اتقان صنع است نه مردود یافتن عبث آفرینی در نظام خلقت.

گزینه ۱

صاحبان خرد (اولوالالباب) که با یاد همیشگی خداوند و تفکر در آیات الهی به عبث نبودن خلقت جهان (ربنا ما خلقت هذا باطلا) پی برده‌اند، ابتدا خداوند را تسبیح گفته (سبحانک) و سپس از او می‌خواهند که از عذاب آتش در امان بمانند. (فقنا عذاب النار)

نکته‌ی طلایی در مورد اولوالالباب، تقدم و تأخر این کلمات را به ذهن خود بسپارید: «ذکر خدا - تفکر در پدیده‌های روزمره - درک و بیان باطل نبودن خلقت - تسبیح خداوند - تقاضای دوری از عذاب»

نکته‌ی طلایی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است ولی در به حق آفریده شدن آسمان‌ها و زمین، نشانه‌ای برای مؤمنان است.

گزینه ۳

۱۵

آیه‌ی شریفه: «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ»، با توجه به کلمه‌ی «بالحق» و عبارت قرآنی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» نیز با توجه به رد عبث آفرینی جهان، بیانگر هدفمندی جهان می‌باشند. با توجه به این دو آیه، در می‌یابیم که هدف، شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌های بزرگ و کوچک جهان محسوب می‌شود و آن‌ها را به یک نظام تبدیل می‌کند و با بودن آن (شاخصه‌ی هدفمندی)، مجموعه‌ی فعالیت‌ها، «ثمریخش»، «هدفمند» و در یک کلام، «حق» می‌گردد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه بدون هدف، هر یک از اجزا به تنهایی ناقص و ناتمام (نه تمام و کامل) می‌باشند. آیه‌ی گزینه‌های (۲) و (۴)، بیانگر ساختار معین مخلوقات و اتقان صنع می‌باشد نه هدفمندی مخلوقات.

گزینه ۲

۱۶

پیام مشترک آیات گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴)، این حقیقت است که هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها پیام گزینه‌ی (۲) این است که وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، در می‌یابیم که جهان بر «حق» و درستی استوار است.

گزینه ۱

۱۷

پیام آیه‌ی شریفه: «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»، این است که استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات، نشانه‌ی حکمت و تدبیر است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیه‌ی گزینه‌های (۲) و (۴)، بیانگر استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات نمی‌باشند. آیه‌ی شریفه: «ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ...» در این دو گزینه، بیانگر نبودن تفاوت و فطور و همچنین این مفهوم است که هر یک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهان را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، مفهوم آیه‌ی شریفه: «ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ...» است.

گزینه ۴

۱۸

پیام آیه‌ی شریفه: «أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»، این است که «کسی می‌تواند حقیقت جهان را به درستی دریابد که اهل تعقل و خردورزی باشد».

توضیح منظور از حقیقت جهان، همان هدف‌مندی و حکیمانه بودن خلقت است که درک آن از طریق خردورزی یعنی عقل و استدلال و منطق امکان‌پذیر است.

گزینه ۱

۱۹

قرآن کریم از انسان‌های خواهد که درباره‌ی تصویر حکیمانه بودن نظام جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این‌رو مردم را دعوت می‌کند به پدیده‌های پیرامون خود نظر کنند؛ پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز و ... که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا نظر در پدیده‌های روزمره نه شگفت‌انگیز و خارق‌العاده، زمینه ساز پذیرش منطقی حقیقت جهان است.

گزینه ۳

۱۰

این قسمت آیه: «تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ - آن‌ها را ساکن و جامد می‌پنداری در حالی که مانند ابرها در حرکت‌اند»، ویژگی کوه‌ها می‌باشد. این آیه، بیانگر دو مفهوم است: الف- هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود است. ب- اتقان صنع و محکم و استوار بودن نظام آفرینش.

روش مطالعه برای پاسخ به این سبک سؤالات حفظی از آیات که در کنکورهای ۹۵ و ۹۶ آمده است، سعی کنید واژگان کلیدی آیه که با رنگی متفاوت در کتاب جامع مشخص شده‌اند را به ذهن خود بسپارید و از طریق این واژگان با مفاهیم آن آیه ارتباط برقرار کنید. در این آیه، دو کلمه‌ی «جبال» و «صنع» برای شما باید یادآور مفاهیم اصلی این آیه، یعنی «نظم» و «اتقان صنع» باشد.

گزینه ۲

۱۱

آیه‌ی شریفه: «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»، بیانگر «اتقان صنع» به معنای «محکم و استوار بودن نظام آفرینش» و همچنین بیانگر این مفهوم: «استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات نشانه‌ی حکیمانه بودن نظام خلقت است».

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۱) مفهوم این آیه نمی‌باشد. قسمت اول گزینه‌ی (۳) و قسمت دوم گزینه‌ی (۴) مفهوم آیه‌ی: «ما تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ...» است.

گزینه ۱

۱۲

آیه‌ی شریفه: «الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فُهِدِي»، بیانگر تقدم خلقت (خلق) بر سامان بخشی (فسوئی) است. و براساس همین آیه، خداوند ساختار منظم و خاصی به هر موجود اختصاص داده و هر یک را به سوی هدف خاصی هدایت می‌کند. ولی آیه‌ی شریفه: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، به تقدم «سامان بخشی و تقدیر» بر «خلقت مخلوقات» اشاره دارد.

نکته‌ی طلایی اکثر دانش‌آموزان سؤال می‌کنند، بالاخره نفهمیدیم که آیا خلقت مقدم است یا سامان بخشی؟ در پاسخ باید بگوییم که اصل و اساس نظام آفرینش بر تقدم تقدیر به معنای «سامان بخشی، تعیین ویژگی یا طرح و نقشه» بر «آفرینش مخلوقات» است. یعنی خداوند ابتدا ویژگی یا طرح و نقشه‌ی هر موجودی را تعیین می‌کند و سپس آن ویژگی‌ها و طرح و نقشه را اجرا می‌کند. آیه‌ی شریفه: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، به مرحله‌ی تعیین ویژگی اشاره دارد ولی آیه‌ی شریفه: «الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فُهِدِي»، به مرحله‌ی اجرا و پیاده کردن طرح و نقشه‌ی هر مخلوق اشاره دارد. یعنی در این مرحله، خداوند ابتدا خلق می‌کند و سپس ویژگی‌هایی که از قبل مشخص شده را پیاده می‌کند. یعنی این آیه، به مراحل اجرای طرح و نقشه‌ی اولیه‌ی مخلوقات اشاره دارد.

گزینه ۱

۱۳

آیه: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، بیانگر این مطلب است که «هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود هستند». این پیام، مفهوم مشترک همین آیه و دو آیه: «الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فُهِدِي»، «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، مفهوم آیه‌ی شریفه: «الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فُهِدِي» می‌باشد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، بیانگر رد عبث آفرینی جهان است نه تعیین نظم و ساختار معینی برای مخلوقات.

گزینه ۳

۱۴

براساس آیه: «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ»، به حق آفریده شدن آسمان‌ها و زمین (خلق السماوات والأرض بالحق)، نشانه‌ای برای اهل ایمان (مؤمنین نه اولوالالباب) است. براساس این آیه، وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، در می‌یابیم که جهان بر «حق و درستی» استوار است.

۲۰

گزینه ۱

برای پذیرفتن حکیمانه بودن نظام جهان از روی عقل و استدلال و منطق، قرآن کریم مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند. با وجود تمام نشانه هایی که در جهان آفرینش و در پیرامون ما انسان ها وجود دارد، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد (علت یا زاینده)، زبان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. (معلول یا مولود) بیت «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار»، نیز بیانگر سرانجام همین افراد است.

نکته ی طلایی «فرجام عدم توجه به پیام آیه ی شریفه ی: «ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الیل و النهار لایات لا ولی الا للباب»، در بیت: «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار»، خسران زدگی و جهل از جایگاه خود در جهان ترسیم شده است.

۲۱

گزینه ۳

برای جهان خیالی، «بی هدفی، فقدان نظم، نبودن همکاری، مسئولیت ناپذیری» را می توان ذکر کرد.

تمرین تست زنی «بهترین روش برای این نوع تست ها، حذف گزینه های نادرست است. در این روش، کافی است در هر گزینه، یک عبارت مخالف با موضوع خواسته شده را پیدا کرده و آن گزینه را حذف نمود تا به پاسخ رسید. در گزینه ی (۱)، ضوابط مستمر و مداوم و در گزینه ی (۲)، غایت مندی و در گزینه ی (۴)، «غایت مندی، تکمیل کار یک دیگر، وظیفه ی معین»، از ویژگی های جهان واقعی می باشد.

۲۲

گزینه ۳

«داشتن اجزای خاص و معین، آرایش مخصوص، خواص ویژه، پیوستگی و ارتباط میان وظایف و مسئولیت ها»، کامل ترین ویژگی های یک مجموعه ی منظم است که در این گزینه آمده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «در گزینه های (۱) و (۲) کامل بودن هر یک از اجزا و در گزینه ی (۴)، خواص مشترک نادرست است.

۲۳

گزینه ۲

در پاسخ به اولین فرض که «همه ی این هماهنگی ها و همکاری ها خودبه خود و بدون نقشی قبلی اتفاق می افتند»، باید گفت: «رویه ی عملی همه ی انسان ها آن است که نظم خودبه خودی و اتفاقی را نمی پذیرند و پیش آمدن این همکاری و نظم براساس حساب احتمالات نیز بسیار ضعیف و نزدیک به صفر است.» (بنابراین عقلا نه نیست که این نظر را بپذیریم).

۲۴

گزینه ۳

فرض دوم در پیدایش موجودات این است که «خود اجزا از این آگاهی برخوردارند و متناسب با آن هدف گرد هم می آیند و همکاری را آغاز می کنند». این نظر را دانشمندان قبول نمی کنند و نمی پذیرند که یک سلول با آگاهی از نقش و جایگاه خود در بدن وظیفه ی خود را تشخیص دهد و در محل و جایگاه خود قرار گیرد.

۲۵

گزینه ۲

وجود سازماندهی بین انسان و مجموعه های جهان به گونه ای است که منجر به یک نتیجه ی معین می شود و این نشان دهنده ی طرح و نقشی قبلی است و چون این طرح و نقشی قبلی از خود اجزا نیست از یک وجود برتر بیرونی به نام خداوند است. **دلیل نادرستی سایر گزینه ها** «گزینه ی (۴) نادرست است، زیرا اگر بپذیریم که این طرح و نقشه از ناحیه ی خود اجزا است، نظر دوم را در پیدایش یک مجموعه ی منظم پذیرفته ایم و این نظر را دانشمندان قبول نمی کنند.

۲۶

گزینه ۱

نظر مورد قبول در پیدایش مجموعه های منظم جهان این است که بپذیریم وجودی آگاه و مدبر و حکیم، ابتدا هدف را در نظر می گیرد و متناسب با آن، اجزا را به وجود می آورد و با طرح و نقشه و برنامه ی معین، همکاری ها را شکل می دهد تا هدف و غایت محقق شود. **نکته ی طلایی** طرح مورد قبول در پیدایش مجموعه ها به ترتیب عبارت است از: «هدف - پیدایش اجزاء - طرح و نقشه و برنامه ی معین - شکل دادن همکاری ها - تحقق هدف».

۲۷

گزینه ۴

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

۲۸

گزینه ۳

براساس آیه ی شریفه ی: «إنا کل شیء خلقناه بقدر»، خداوند تمامی مخلوقات را براساس یک طرح و نقشه آفریده است. امام علی (ع) در خطبه ی ۹۰ نهج البلاغه می فرماید: «او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه ی آماده و پیش ساخته ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری تقلید کند». مفهوم این فرمایش امام علی (ع) که خلقت جهان بدیع بوده و در آفرینش آن از طرح و نقشی قبلی استفاده نشده و در کار آفرینش تقلید نکرده است.

۲۹

گزینه ۱

مطابق فرمایش امام علی (ع)، آثار صنع و نشانه های حکمت خداوند در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست. آیت و نشانه بودن همه ی موجودات، بر حکمت و تدبیر الهی دلالت دارد. چرا که به تعبیر امام علی (ع)، همه ی موجودات حتی اگر جامد و بی زبان باشند، با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کنند و تدبیر خدا را باز می گویند. **نکته ی طلایی** از دیدگاه امام علی (ع): نوآوری های خلقت، نشانگر صنع و حکمت الهی است.

۳۰

گزینه ۲

امام علی (ع) در خطبه ی ۹۰ نهج البلاغه می فرماید: «خداوند متعال همه ی مخلوقات را براساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید». هر دو آیه ی شریفه ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» و «إنا کل شیء خلقناه بقدر»، بیانگر ساختار منظم مخلوقات است. ولی خلقت متناسب با «مقیاس، نظم مشخص، اندازه های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات» که بیانگر هدایت خاصه ی مخلوقات است از آیه ی شریفه ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» مفهوم می گردد. در ضمن گزینه (۴) به دلیل عبارت متناسب با جثه مخلوقات که در سخن امام علی (ع) نیامده، نادرست است. **توضیح** «به استعداد های خاصی که خداوند در ساختمان هر یک از مخلوقات نهاده تا به هدف خاص از خلقت خود برسند، هدایت خاصه گفته می شود.

۳۱

گزینه ۳

این فرمایش امام علی (ع) در خطبه ی ۹۰ نهج البلاغه: «خداوند در آفرینش مخلوقات طوری اندازه ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فروپاشند.» و آیه ی شریفه ی: «صنع الله الذی اتقن کل شیء»، به محکم و استوار بودن مخلوقات (اتقان صنع) اشاره دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت دوم گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا آیه ی شریفه ی: «إنا کل شیء خلقناه بقدر»، به ساختار منظم مخلوقات اشاره دارد ولی آیه ی شریفه ی: «صنع الله الذی اتقن کل شیء»، علاوه بر بیان «ساختار منظم مخلوقات» به «محکم و استوار بودن مخلوقات (اتقان صنع)» نیز اشاره دارد.

۳۷	گزینه ۳
امام علی^(ع) می‌فرماید: «او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این‌که از هیچ نمونه‌ای آماده و پیش ساخته‌ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند». مفهوم این فرمایش امام علی^(ع) که خلقت جهان بدیع بوده و در آفرینش آن از طرح و نقشه‌ی قبلی استفاده نشده این است که خداوند تقلید نکرده است نه اینکه نظام جهان بدون طرح و نقشه ساخته شده باشد، چراکه براساس آیه‌ی: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، هر خلقتی براساس یک طرح و نقشه (تقدیر) است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا خداوند این جهان را بر اساس طرح و نقشه آفریده است نه اینکه این امر را مردود بشماریم.	

۳۸	گزینه ۳
انسان‌های صاحب خرد، پس از یاد خدا و تفکر در خلقت آسمان‌ها و زمین در می‌یابند که: «خداوند هیچ چیزی را به باطل نیافریده است». سپس با عبارت: «سبحانک» به تسبیح خداوند پرداخته و پس از آن، با بیان عبارت: «فنا عذاب النار»، به نیایش به درگاه او می‌پردازند.	

۳۹	گزینه ۳
آیه‌ی شریفه‌ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی»، بیانگر این حقیقت است که خداوند موجودات بسیاری را خلق کرده (الذی خلق) و هر یک را برای «هدفی خاص» آفریده و متناسب با آن هدف، نظم و ساختار معینی (فسوی) به هر کدام بخشیده است. از این‌رو «شیوه‌ی هدایت خاصی» برای آن‌ها معین فرموده (و الذی قدر) و از «راه مخصوصی» به هدف می‌رساند. (فهدی)	

۴۰	گزینه ۱
روابط ثابتی که باید بین اشیا حاکم باشد، ناشی از قانون و قانون‌مندی جهان است. در پاسخ به اولین فرض در پیدایش مجموعه‌های منظم جهان که «همه‌ی این هماهنگی‌ها و همکاری‌ها خودبه‌خود و بدون نقشه‌ی قبلی اتفاق می‌افتند»، باید گفت که رویه‌ی عملی همه‌ی انسان‌ها آن است که نظم خودبه‌خودی و اتفاقی را نمی‌پذیرند و پیش آمدن این همکاری و نظم براساس حساب احتمالات نیز بسیار ضعیف و نزدیک به صفر است». بنابراین عاقلانه نیست که این نظر را بپذیریم.	

۴۱	گزینه ۲
این مفهوم که: «خالقی آگاه، خبیر و حکیم، متناسب با هدفی که در نظر دارد، اجزا را به وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا آن هدف و غایت محقق شود»، بیانگر هدایت خاصی مخلوقات است که آیه‌ی شریفه‌ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی»، به بهترین وجه این مقصود را بیان می‌کند.	

۴۲	گزینه ۲
این سخن امام علی^(ع) که می‌فرماید: «خدای متعال در آفرینش موجودات طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرو نپاشند»، و آیه‌ی شریفه‌ی: «صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون»، به محکم و استوار بودن مخلوقات (اتقان صنع) اشاره دارند.	

۳۲	گزینه ۲
امام علی^(ع) در خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «خداوند هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و آن‌گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دستیابی به هدف خاص وی هدایت کرد». این قسمت از فرمایش امام علی^(ع): «آن را در مسیر انجام وظیفه و دستیابی به هدف خاص وی هدایت کرد»، بیانگر هدایت خاصی موجودات و مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» است. «توضیح بیش‌تر» مراحل خلقت و هدایت خاصی مخلوقات از نظر امام علی^(ع) به ترتیب عبارت است از: ۱- مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات ۲- برقراری اندازه‌ها برای اتقان صنع ۳- مطابق برنامه‌ای دقیق طراحی به بهترین شکل ۴- نظم و ظرافت بخشیدن ۵- هدایت به هدف خاص»	

۳۳	گزینه ۳
براساس خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه: «همه‌ی این کارها (خلقت و سامان بخشی مخلوقات و هدایت به هدف خاص آنان) بدان جهت بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند». یعنی گزینه‌ی (۳) جزء این اهداف نمی‌باشد.	

۳۴	گزینه ۲
«نکته‌ی طلایی» این سه هدف: ۱- عدم تجاوز مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خدا ۲- عدم کوتاهی برای رسیدن به کمال خود ۳- عدم سرکشی در برابر دستورات خدا»، از نظر امام علی^(ع) معلول نظم و هدایت خاص مخلوقات است.	

۳۵	گزینه ۲
براساس خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه: «همه‌ی این کارها (مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات - برقراری اندازه‌ها برای اتقان صنع - مطابق برنامه‌ای دقیق طراحی به بهترین شکل - نظم و ظرافت بخشیدن - هدایت به هدف خاص)، به منظور تحقق این سه هدف بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند».	

۳۶	گزینه ۱
خداوند به تصور باطل آن دسته از انسان‌ها که می‌پندازند کوه‌ها ثابت هستند، می‌فرماید: «و کوه‌ها را می‌بینی می‌پنداری که ساکن هستند در حالی که همچون ابرها در حرکتند ساخته‌ی آن خدایی است که هر چیزی را استوار ساخته است همانا او بدانچه می‌کنید آگاه است».	

۳۷	گزینه ۴
در پاسخ به این سؤال که: «چگونه اجزای مجموعه‌های منظم جهان، متناسب با هدفی که دارند، کنار یک‌دیگر جمع می‌شوند»، می‌توان گفت خداوند آگاه و مدبر و حکیم، ابتدا هدف را در نظر می‌گیرد و متناسب با آن، اجزا را به وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا هدف و غایت محقق شود. «تمرین تست زنی» برای پاسخ دادن به این تست، بهتر است از روش حذف گزینه‌های نادرست کمک بگیریم. قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا رویه‌ی عملی همه‌ی انسان‌ها آن است که نظم خود به خودی و اتفاقی را نمی‌پذیرند. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، تنها به هدف‌مندی نظام جهان اشاره دارد.	

۴۳

گزینه ۲

امام علی (ع) در خطبه ۹۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «هر یک از موجوداتی که خدا آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست.» در آیهی شریفه: «و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بامر» نیز هر یک از مخلوقات، آیه و برهانی بر وجود خدا معرفی شده است. این فرمایش امام علی (ع): «خدای متعال همه‌ی مخلوقات را براساس نظم مشخص و متناسب با هر یک از آن‌ها آفرید»، به نظم و ساختار معین مخلوقات اشاره دارد. آیهی شریفه: «صنع الله الذی اتقن کل شیء»، نیز بیانگر این است که هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود است.

۴۴

گزینه ۱

در این سخن امام علی (ع): «خداوند در آفرینش مخلوقات طوری اندازه‌ها (علت) را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرونیاشند»، عامل استحکام و استوار ماندن مخلوقات «اندازه‌ها» معرفی شده که عدم فروپاشی آن‌ها را موجب شده است، و آیهی: «انا کل شیء خلقناه بقدر»، نیز به همین عامل (اندازه‌ها) اشاره دارد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** (۲)، به محکم و استوار بودن مخلوقات اشاره دارد نه علت و عامل این استواری و استحکام مخلوقات.

۴۵

گزینه ۴

در این سخن امام علی (ع): «خداوند در آفرینش مخلوقات طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرو نیاشند»، به دو عامل «اندازه‌ها» و «اتقان صنع» اشاره شده است. آیات شریفه: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» و «انا کل شیء خلقناه بقدر»، بیانگر آفرینش مخلوقات براساس اندازه‌های مشخص است. آیهی شریفه: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء ...»، نیز به محکم و استوار بودن مخلوقات یا اتقان صنع که نتیجه‌ی این اندازه‌های معین است، اشاره دارد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** (۴)، به نبودن تفاوت و فطور در نظام خلقت اشاره دارد که در این قسمت از سخن امام علی (ع) به آن اشاره نشده است.

۴۶

گزینه ۲

امام علی (ع) می‌فرماید: «خدای متعال پس از آفرینش مخلوقات، براساس مقیاس و نظم مشخص، در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند. سپس هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و آن‌گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دستیابی به هدف خاص وی هدایت کرد. همه‌ی این کارها بدان جهت بود که اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.»

۴۷

گزینه ۲

قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد که درباره‌ی تصویر حکیمانه بودن نظام جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این‌رو مردم را دعوت می‌کند به پدیده‌های پیرامون خود نظر کنند؛ پدیده‌هایی چون آمد و شد شب و روز، خورشید و ... که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است. با وجود تمام نشانه‌هایی که در جهان آفرینش و در پیرامون ما انسان‌ها وجود دارد، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زبان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت.

توضیح خردمندی پیشه نکردن در آیات الهی علت است و به خسران زندگی و نشناختن جایگاه خود در جهان منجر (منتج) می‌شود. قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا خردورزی نکردن در آیات الهی، علت خسران زندگی و نشناختن جایگاه خود در جهان است نه نتیجه‌ی آن.

۴۸

گزینه ۳

این فرمایش حضرت علی (ع): «هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد و آن‌گاه بدان نظم و ظرافت بخشید»، مفهوم این قسمت: «صورکم فاحسن صورکم»، از آیهی شریفه: «خلق السماوات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر» می‌باشد. (توضیح بیش‌تر در درس بعد)

۴۹

گزینه ۴

خردمندان پس از یاد دائمی خداوند و تفکر در آفرینش، عبارت: «ربنا ما خلقت هذا باطلا» را بر زبان می‌آورند که بیانگر رد بیهودگی جهان و هدف‌دار بودن سراسر گیتی است و پس از آن درخواست خود را که عبارت شریفه: «فققنا عذاب النار» است، بیان می‌کنند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم سایر گزینه‌ها نادرست است.

۵۰

گزینه ۱

عناصر موجود در طبیعت، که هر کدام ساختمان و آثار خاص خود را دارند، در دسته‌ها و شکل‌های مختلف با هم همکاری می‌کنند که حاصل آن پیدایش موجودات جدید با ساختمان جدید و با خواص و آثار تازه است. هر یک از این همکاری‌ها از نظم و قانونمندی خاصی پیروی می‌کند و نتایج معینی (هدف) خاصی نه وظیفه‌ی معینی را در پی دارد که آن‌را از سایر سامان‌دهی‌ها و همکاری‌ها جدا می‌کند.

۵۱

گزینه ۲

آیهی شریفه: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء اینه خیر بما تفعلون»، بیانگر اتقان صنع و همچنین این دو مفهوم است: «هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود است.» و «استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات نشانه‌ی حکمت و تدبیر خداوند است.» **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** (۱)، مفهوم عبارت شریفه: «ربنا ما خلقت هذا باطلا» می‌باشد. گزینه‌ی (۳)، مفهوم آیهی شریفه: «ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الليل و النهار» می‌باشد. گزینه‌ی (۴)، مفهوم آیهی شریفه: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» می‌باشد.

۵۲

گزینه ۱

در سخن امام علی (ع)، جمله‌ی: «اندازه‌های مخصوص و متناسب را برقرار کرد»، با آیات شریفه: «انا کل شیء خلقناه بقدر» و «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی»، هم‌مفهوم است. و با توجه به عبارت: «محکم و استوار»، آیهی شریفه: «صنع الله الذی اتقن کل شیء» و با توجه به عبارت: «به بهترین شکل طراحی کرد»، آیهی شریفه: «خلق السماوات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم» نتیجه می‌شود.

تمرین تست‌زنی بهترین شیوه‌ی پاسخ دادن به تست‌های ترکیبی، حذف گزینه است تا به پاسخ صحیح برسیم. قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۳) و قسمت سوم گزینه‌ی (۴) با توجه به توضیحات قبل نادرست است.

۵۳

گزینه ۳

بهترین روش در پاسخ دادن به این تست، حذف گزینه است تا به پاسخ صحیح برسیم. با توجه به قسمت آخر سؤال، عدم تفکر در آیات الهی یا خردمندی پیشه نکردن به نشناختن جایگاه خود در جهان می‌انجامد. پس گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شوند. گزینه‌ی (۲) هم حذف می‌شود چون مفهوم آیهی: «خلق الله السماوات و الارض بالحق» هدفمند بودن جهان است نه وجود ساختار معین در مخلوقات. آیهی شریفه: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر ...»، بیانگر این است که هر یک از موجودات دارای نظم و ساختار معینی هستند.



۶۰	گزینه ۱
بر اساس خطبه‌ی ۹۰ نهج البلاغه: «خدای متعال همه‌ی مخلوقات را بر اساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هریک از آن مخلوقات آفرید. و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرونیاشند و ... همه‌ی این کارها بدان جهت بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.»	

۶۱	گزینه ۳
قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»، از انسان‌ها می‌خواهد که درباره‌ی حکیمانه بودن نظام جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این‌رو مردم را دعوت می‌کند به پدیده‌های پیرامون خود که تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است، نظر کنند. باوجود این نشانه‌ها، هرکس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد زیان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی می‌گوید: «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار»	

۶۲	گزینه ۴
وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، در می‌یابیم که جهان بر «حق و درستی» استوار است. و این مفهوم، پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «خلق الله السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا «روابط مستحکم و نظم استوار جهان» (که هدف ندارد)، زمینه‌ساز به حق بودن و هدفمند بودن جهان است ولی استحکام، نظم و هدفمندی مخلوقات (که هدف دارد)، نشانه‌ی حکمت و تدبیر خداوند (اتقان صنع) است.	

۶۳	گزینه ۱
با توجه به کلمه‌ی «أُولَى الْأَلْبَابِ» در آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولَى الْأَلْبَابِ»، این مفهوم برداشت می‌شود که: «کسی می‌تواند حقیقت جهان را به درستی دریابد که اهل تعقل و خردورزی باشد.»	

۶۴	گزینه ۱
هر جا استحکام و نظمی در مخلوقات به چشم می‌خورد، جای پایی از (معلول) حکمت و تدبیر الهی (نه هدفمندی) در عمق جان بهره‌مند از بصیرت (خردمند) می‌نشیند. آیه‌ی شریفه‌ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، به حکیمانه بودن نظام خلقت اشاره دارد. تمرین تست‌زنی «برای پاسخ دادن به این گونه تست‌ها، در مرحله‌ی اول، باید صورت سؤال را به درستی و با دقت خواند و به کلمات استفاده شده در آن و معنی این کلمات توجه بیش‌تری کرد. به طور مثال در هنگام پاسخ به این سؤال باید از خود پرسید که در نظم و استحکام مخلوقات، جای پایی از هدف دیده می‌شود یا حکمت و تدبیر الهی؟»	

۶۵	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» و دو آیه‌ی: «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»، «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»، به این حقیقت اشاره دارند که هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه‌ی خود (یا قانون‌مندی خاص خود) است.	

۵۴	گزینه ۳
وجودی آگاه و مدبر و حکیم، ابتدا هدف را در نظر می‌گیرد و متناسب با آن، اجزا را به وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا هدف و غایت محقق شود. خردمندان ابتدا به تسبیح خدا (سبحانک) می‌پردازند و سپس از خداوند می‌خواهند که آنان را از آتش دوزخ دور نگهدارد. (فقنا عذاب النار)	

۵۵	گزینه ۴
خردمندان پس از نظر کردن در خلقت آسمان‌ها و زمین و با تفکر در آن‌ها در می‌یابند که: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، یعنی خداوند هیچ چیزی را باطل یعنی بی‌هوده و بی‌هدف نیافریده است. پیوستگی، ارتباط و هماهنگی در یک مجموعه آن گاه معنا دارد که «هدف» و «غایت» در کار باشد.	

۵۶	گزینه ۲
عبارت شریفه‌ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، سخن خردمندان و بازتاب این دو مورد است: اول: در همه حال به یاد خدا هستند و در هیچ حال از یاد او غافل نمی‌شوند. (یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم) دوم: آن‌ها در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند. (و یتفکرون فی خلق السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ)	

۵۷	گزینه ۱
بدون «هدف»، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام، شکل نمی‌گیرد. همکاری و پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد. کلمه‌ی حق در آیه‌ی شریفه‌ی: «خلق السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ...»، بیانگر هدفمندی و غایت‌مندی نظام خلقت است.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، بیانگر هدفمندی جهان خلقت نمی‌باشد. در ضمن عبارت شریفه‌ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، که در ادامه‌ی همین آیه آمده است به ردّ بی‌هودگی و عبث بودن نظام خلقت می‌پردازد.	
--	--

۵۸	گزینه ۱
عبارت: «در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟»، یکی از سؤال‌های اصلی هر نوجوان و جوانی است که در نگاه وی به زندگی تأثیر می‌گذارد و به برنامه‌ها و تصمیم‌های او جهت می‌دهد. عبارت قرآنی: «خلق الله السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ...»، در پاسخ به این سؤال که «در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟»، جهان را ثمربخش و هدفمند معرفی می‌نماید. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، درباره‌ی ماهیت و چگونگی نظام جهان سخن نمی‌گوید.	

۵۹	گزینه ۳
این سه مورد: الف- رد بی‌هودگی و عبث بودن نظام آفرینش (ما خلقت هذا باطلا)، ب- تسبیح خداوند (سبحانک) ج- نیایش به درگاه او (فقنا عذاب النار)، بازتاب و نتیجه‌ی این دو مورد: «یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم» و «و یتفکرون فی خلق السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ» برای اولوالالباب یا خردمندان است. روش مطالعه «برای پاسخ دادن به این گونه تست‌ها، باید عین عبارت‌های آیات را حفظ نمایید.	

۷۳	گزینه ۱
باتوجه به عبارت شریفه ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، که بیانگر هدف مندی نظام خلقت است، این مفهوم برداشت می گردد که شاخصه اصلی مجموعه ی منظم «هدف» است که در همه ی اجزا و فعالیت های آن مجموعه حضور دارد و به آن ها معنی می بخشد. دلیل نادرستی سایر گزینه ها «سایر گزینه ها مفهوم این آیه نمی باشند.	

۷۴	گزینه ۱
دو ویژگی خردمندان به ترتیب عبارتند از: ۱- یاد همیشه خدادر همه حالات ۲- تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین. خردمندان پس از یاد خدا و تفکر در نظام آفرینش می گویند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» که سخن از قانون مندی و هدف مندی نظام جهان است. دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت دوم گزینه ی (۳) بعد از این مرحله است.	

گزینه ۳	۷۵
آیهی شریفه: «و تَرَى الْجِبَالِ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّفَقَ كُلُّ شَيْءٍ - وَ كَوْنَهَا رَا مِی بَیْنِی وَ أَنْهَا رَا سَاكِنٌ وَ جَامِدٌ مِی پنداری در حالی که مانند ابرها در حرکت اند. این آفرینش الهی است که هر چیزی را متفن آفریده است.» به «اتقان صنع و محکم و استوار بودن نظام آفرینش» اشاره دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه (۱) به نبودن تفاوت و فطور در نظام عالم و گزینه (۲)، به وجود ساختار معین و هدف خاص در مخلوقات و گزینه (۴)، به تفکر در آیات و نشانه های روزمره الهی برای درک حقیقت جهان اشاره دارد.	

۷۶	گزینه ۱
شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ی منظم، هدف یا غایت است که عبارت شریفه‌ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، بیانگر هدف‌مندی نظام جهان است.	

گزینه ۱	۷۷
در آیات این درس، دو ویژگی برای خردمندان ذکر شده است: اول: در همه حال (قیاما و قعودا و علی جنوبهم) به یاد خدا (یذکرون الله) هستند و در هیچ حال از یاد او غافل نمی شوند. دوم: آن ها در آفرینش آسمان ها و زمین تفکر می کنند. (و یتفكرون فی خلق السموات و الارض) «دلیل نادرستی سایر گزینه ها» گزینه ی (۳) نادرست است، چراکه تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین، ویژگی دوم خردمندان است. گزینه های (۲) و (۴) نادرست است، چراکه این آیه ویژگی خردمندان است، نه متفکران در نظام آفرینش.	

گزینه ۱	۷۸
پیام آیهی شریفه: «و تَرَى الْجِبَالِ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَ هِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّفَقَ كُلُّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»، بیانگر اتقان صنع است یعنی خدای متعال هر چیزی را محکم و استوار ساخته است. «دلیل نادرستی سایر گزینه ها» گزینهی (۲)، نتیجهی ذکر و تفکر برای خردمندان است و بیانگر هدفمندی جهان می باشد. آیهی گزینهی (۳)، بیانگر نبودن خلل و شکاف در نظام هستی است. آیهی گزینهی (۴)، نشانه هایی برای «اولی الالباب» است.	

گزینه ۴	۷۹
براساس خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه: «همه‌ی این کارها (آفرینش همراه با نظم و هدایت به هدف خاص مخلوقات) بدان جهت بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادنش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند»، این مفهوم دریافت می‌شود که عدم تجاوز مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند حاکی از آن است که هر مخلوقی در نظام موجود جایگاه خاص با ویژگی‌های خاص خود را دارد.	

۶۶	گزینه ۱
آیهی شریفه: «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، بیانگر این حقیقت است که هر یک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژهی خود (یا قانون مندی خاص خود) است. و آیهی شریفه: «صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّفَقَ كُلُّ شَيْءٍ»، این مفهوم را می‌رساند که خدای متعال هر چیزی را محکم و استوار ساخته است.	

گزینه ۴

۶۷

در آیهی شریفه: «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَیَ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَعْدَى»، به تقدم «خلقت مخلوقات» بر «سامان بخشی آنان» اشاره شده است. در حالی که آیهی شریفه: «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، بر عکس آن، به تقدم «تعیین ویژگی و سامان بخشی» بر «خلقت مخلوقات» اشاره دارد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» برای توضیح بیش تر به پاسخ تست ۱۲

مراجعه شود.

گزینه ۳	۶۸
مفهوم آیهی شریفه: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سِحْرَانِ فَقْنَا عَذَابَ النَّارِ»، این است که بیهودگی و عبث بودن در موجودات جهان راه ندارد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) و (۴)، با توجه به کلمه‌ی «حق»، بیانگر هدفمند بودن جهان است.	

گزینه ۲	۶۹
با توجه به کلمه‌ی «أُولَى الْأَبَابِ» در آیه‌ی شریفه‌ی: «أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولَى الْأَبَابِ»، این مفهوم برداشت می‌شود که: «کسی می‌تواند حقیقت جهان را به درستی دریابد که اهل تعقل و خردورزی باشد.»	

۷۰

گزینه ۱

عبارت شریفه: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، سخن خردمندان و بازتاب ذکر خدا و تفکر در آفرینش است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، سخن خردمندان

پس از هدفدار یافتن نظام خلقت و گزینه‌های (۳) و (۴)، از ویژگی‌های خردمندان است.

۷۱	گزینه ۲
با توجه به ادامهی آیهی شریفه: «و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب صنع الله الذی اتفق کل شیء...»، این آیه، بیانگر استواری و استحکام نظام آفرینش (اتقان صنع) است. و آیهی شریفه: «ربّنا ما خلقت هذا باطلا»، بیانگر حکیمانه بودن و هدفداری خلقت است.	

۷۲

گزینه ۲

شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌های بزرگ و کوچک همان هدف است که بدون آن پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد. مطابق فرمایش امام علی (ع): «هر یک از موجوداتی که خداوند آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست، حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد؛ چرا که آن هم با زبان بی‌زبانی خالق خود را معرفی می‌کند و تدبیر خدا را باز می‌گوید... خداوند در آفرینش مخلوقات طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرو نیاشند.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «با توجه به فرمایش امام علی (ع)، قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است.



گزینه ۱ **۸۵**

با استناد به آیهی شریفه: «يَسْجُدُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَ الْمَلِكِ وَلَهُ الْحَمْدُ»، تمامی مخلوقات موجود در آسمان‌ها و زمین، به صورت تکوینی خداوند را تسبیح می‌کنند. و براساس این آیه، علت انحصار هر گونه حمد و ستایشی (و له الحمد) به درگاه خداوند متعال، فرمانروایی و حاکمیت مطلق خداوند (له الملك) بر نظام خلقت است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از تمام مخلوقات (ما فی السَّمَاوَاتِ و ما فی الأرض) است نه فقط موجودات مختار. قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴) با توجه به ادامه‌ی آیه نادرست است.

گزینه ۳ **۸۶**

پیام این قسمت: «صَوْرَكَمْ فَأَحْسَنَ صَوْرَكَمْ» از آیهی: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكَمْ فَأَحْسَنَ صَوْرَكَمْ وَ إِلَهِهِ الْمَصِيرُ»، این حقیقت است که هریک از مخلوقات در بهترین شکل و ترکیب خلق شده‌اند و خداوند آنچه را که لازمه‌ی رساندن آن‌ها به هدفشان (لوازم و مقدمات رسیدن به هدف - هدایت خاصه) بوده، در خلقت آنان قرار داده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، چراکه معنای عبارت «صَوْرَكَمْ» در این آیه، شکل و ترکیب است نه نظم و ترتیب. قسمت سوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا مفهوم این آیه، نبودن تفاوت و فطور در نظام عالم است.

گزینه ۲ **۸۷**

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

واژگان کلیدی این آیه «بالحق: هدفمند و حکیمانه بودن نظام خلقت. صورتكم: قرار دادن لوازم و مقدمات رسیدن به هدف در ساختمان مخلوقات. إلیه المصیر: سیر تکاملی جهان به سوی خدا

گزینه ۲ **۸۸**

در آیهی شریفه: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى...»، دو تعبیر «به حق آفریده شدن (بالحق)» و «سرآمد معینی داشتن (أجل مسمی)» آسمان‌ها و زمین، بیانگر هدف‌مندی و غایت‌مندی نظام آفرینش که ناشی از حکمت الهی است، می‌باشد. علت به حق بودن نظام آفرینش این است که سرآمدی مشخص و هدفی معین (أجل مسمی) دارد.

تمرین تست‌زنی «برای پاسخ به این نوع تست‌ها، فقط باید به شیوه‌ی حذف گزینه‌های نادرست عمل کنیم. با توجه به توضیحات داده شده، این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت است. بر این اساس، قسمت سوم تمامی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی (۲) نادرست است. در ضمن قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نیز نادرست است، زیرا این آیه به سیر تکاملی جهان اشاره ندارد.

گزینه ۴ **۸۹**

با استناد به آیهی شریفه: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طُوعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَهِهِ يَرْجِعُونَ»، تسلیم بودن موجودات در برابر خداوند (له اسلم من فی السَّمَاوَاتِ و الارض طوعاً و کرهاً) به این معناست که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌ها است (إلیه یرجعون)، روان می‌باشند. در گزینه‌ی (۲)، حرکت مخلوقات به سوی سعادت آخری نادرست است.

واژگان کلیدی این آیه «أسلم: تحت قانون واحد الهی عمل کردن مخلوقات - طوعاً و کرهاً: تسلیم بودن تمامی مخلوقات در برابر خداوند به صورت «ارادی یا جبری» - إلیه یرجعون: سیر تکاملی جهان به سوی خداوند

گزینه ۱ **۸۰**

شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ی منظم هدف است و عبارت شریفه: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، نیز بیانگر غایت‌مندی و هدف‌مندی نظام جهان است. عبارت قرآنی: «وَ إِلَهِهِ يَرْجِعُونَ»، نتیجه‌ی هدف‌مندی جهان را حرکت تکاملی جهان به سوی خداوند معرفی می‌کند.

گزینه ۲ **۸۱**

طبق آیهی مذکور، در آفرینش آسمان‌ها و زمین نشانه‌هایی برای خردمندان است که دو ویژگی یاد خدا و تفکر در آفرینش دارند. از این دو خصوصیت بارز خردمندان، ویژگی اصلی آن‌ها متفکر بودنشان است.

درس دوم: با کاروان هستی

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۳۵	۱۹	۲۶
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۴	۴	۴

گزینه ۳ **۸۲**

در آیات قرآن کریم از جمله در آیهی شریفه: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى...»، آفرینش جهان براساس «حق»، یعنی ثمربخش و هدفمند و ناشی از حکمت الهی معرفی شده است.

واژگان کلیدی این آیه «حق: بیانگر ثمر بخش و هدفمند بودن جهان، حکیمانه بودن نظام خلقت است. أجل مسمی: بیانگر سرآمدی معین، نظم موقتی و علت به حق بودن جهان است.

گزینه ۱ **۸۳**

براساس آیهی شریفه: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى»، تمام مخلوقات این جهان به «حق و هدفمند» آفریده شده‌اند و براساس عبارت «أجل مسمی»، تمامی مخلوقات جهان، دارای سرآمد و پایانی معین می‌باشند که این مفهوم بیانگر نظم موقتی آنان است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲)، به قرار دادن لوازم رسیدن به هدف در ساختمان مخلوقات و سیر تکاملی کاروان هستی به سوی خداوند اشاره دارد. عبارت قرآنی: «ما تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ» در گزینه‌ی (۳)، که به معنای نبودن بی‌نظمی در خلقت است، بیانگر نظم دائمی جهان است. در حالی که عبارت قرآنی: «أجل مسمی»، در گزینه‌ی (۱)، بیانگر نظم و قانون‌مندی موقتی در بین مخلوقات است. گزینه‌ی (۴)، به تحت قانون مندی واحد بودن تمام مخلوقات و حرکت تکاملی کاروان هستی به سوی خداوند اشاره دارد.

گزینه ۳ **۸۴**

با استناد به آیهی: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْزَلُوا مَعْزُونِينَ»، کافران که منکر معاندند از آن چه انذار داده می‌شوند (یعنی از به حق بودن جهان و سرآمد معین داشتن آن) اعراض می‌کنند و روی برمی‌گردانند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، چراکه وجود سرآمدی معین (أجل مسمی) برای موجودات در دنیا مورد نظر است نه آخرت. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا براساس این آیه، کافران از انذار الهی روی گردانند نه منافقان.

۹۴	گزینه ۲
با استناد به آیهی شریفه‌ی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، تسلیم بودن موجودات در برابر خداوند (له اسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً) به این معناست که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌ها است (إلیه یرجعون)، روان می‌باشند. «واژگان کلیدی این آیه» اسلم: تحت قانون واحد الهی عمل کردن مخلوقات - طوعاً و کرها: تسلیم بودن تمامی مخلوقات در برابر خداوند به صورت «ارادی یا جبری» - إلیه یرجعون: سیر تکاملی جهان به سوی خداوند.	

۹۵	گزینه ۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۹۶	گزینه ۲
در آیهی مورد سؤال، عبارت: «وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ» بیان‌گر این حقیقت است که خداوند موجودات را به بهترین شکل و ترکیب خلق کرده و آنچه را که لازمه‌ی رساندن آن‌ها به هدف بوده، در خلقتشان قرار داده است و عبارت: «وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» نیز حاکی از حرکت کاروان هستی به سوی خداوند است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، مفهوم آیهی شریفه‌ی: «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُتُورٍ» است.	

۹۷	گزینه ۳
پیام آیهی شریفه‌ی: «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُتُورٍ»، این است که هر یک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهان را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، به حمد و تسبیح تکوینی خداوند توسط مخلوقات در سراسر هستی و گزینه‌ی (۲)، به به حق بودن و سرآمدی معین داشتن هر یک از مخلوقات و گزینه‌ی (۴)، به تحت قانون‌مندی واحد الهی بودن همه‌ی مخلوقات اشاره دارند.	

۹۸	گزینه ۳
پیام مشترک دو آیهی شریفه‌ی: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» و «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، این حقیقت است که «کاروان هستی همان طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد». «نکته‌ی طلایی» این دو آیه و بیت: «مَا زَبَلَايِمُ وَ بَالَا مِی رَوِیْمُ / مَا زِ دَرِیَا مِی رَوِیْمُ»، به حرکتی رو به رشد و رو به تکامل جهان به سوی خدا اشاره دارند. حرکتی که فتح همه‌ی قله‌های کمال و زیبایی را هدف قرار داده است.	

۹۹	گزینه ۲
براساس عبارت شریفه‌ی: «لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً»، همه‌ی موجودات خواه و ناخواه، تسلیم فرمان خداوند هستند و این تسلیم بودن به این معناست که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌ها است (وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ)، روان می‌باشند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۴) نادرست است؛ زیرا قرب الهی مقصد نهایی انسان است نه همه‌ی مخلوقات که تنها با اعمال اختیاری او به دست می‌آید.	

۹۰	گزینه ۳
براساس آیهی شریفه‌ی: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، صورت‌گری آدمی به بهترین شکل (وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ) به این معناست که خداوند لوازم و مقدمات رسیدن به هدف را در وجود انسان و سایر مخلوقات قرار داده تا به سوی خداوند که کمال مطلق است، (وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ) در حرکت باشند. «نکته‌ی طلایی» دو عبارت قرآنی: «وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» و «وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، هر دو به معنای سیر تکاملی کاروان هستی به سوی خداوند می‌باشد با این تفاوت که اولی پس از عبارت قرآنی: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ» آمده و دومی پس از عبارت قرآنی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً» آمده است.	

۹۱	گزینه ۱
خداوند در آیهی شریفه‌ی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، به کسانی که غیر از دین خدا را می‌جویند، دو مورد را یادآوری می‌کند: ۱- تسلیم بودن همه‌ی مخلوقات در برابر خدا به صورت ارادی و غیر ارادی ۲- بازگشتن همه‌ی مخلوقات به سوی او «نکته‌ی طلایی» یادآوری تسلیم بودن و بازگشت همه‌ی مخلوقات به سوی خداوند، به کسانی که غیر از دین الهی را می‌جویند (أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ)، بیانگر این مطلب است که پیروی از دین الهی، مسیر اختیاری انسان در حرکت هماهنگ با نظام هستی به سوی خداوند است.	

۹۲	گزینه ۴
در آیهی شریفه‌ی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، تعبیر قرآنی: «طَوْعاً وَ كَرْهاً»، حالت تسلیم بودن همه‌ی مخلوقات در برابر خداوند را به صورت ارادی و غیر ارادی بیان می‌کند که این امر مقدمه‌ی «وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا با توجه به عبارت شریفه‌ی: «أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، تسلیم بودن همه‌ی مخلوقات مورد نظر است نه فقط کسانی که غیر از دین الهی را می‌جویند.	

۹۳	گزینه ۴
خداوند در آیهی شریفه‌ی: «... مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُتُورٍ»، با بیان استفهام (پرسش) انکاری، نبودن بی‌نظمی (تفاوت) و خلل و شکاف (فتور) در نظام جهان را به انسان‌ها یادآوری کرده و این موضوع را بیان می‌کند که هر یک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام‌های واحد جهانی را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند. گزینه‌ی (۱)، مفهوم آیهی شریفه‌ی: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى...» است. گزینه‌ی (۲)، مفهوم آیهی شریفه‌ی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» است. گزینه‌ی (۳)، مفهوم دو آیهی شریفه‌ی: «أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» و «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَ صَوْرُكُمْ فَأَحْسَنَ صَوْرُكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» می‌باشد. «واژگان کلیدی این آیه» نبودن تفاوت: نبودن بی‌نظمی در خلقت، ارتباط مخلوقات با یکدیگر، خلق جهان برپایه‌ی یک تعاون و مددسانی به یکدیگر - فارجه البصر: نگاه عمیق‌تر، دقیق‌تر و همراه با تفکر - نبودن فتور: نبودن خلل و شکاف در نظام هستی، پیوستگی میان ارکان هستی	

۱۰۶	گزینه ۱
وقتی به کهری زمین نگاه می‌کنیم موجودات بی‌شماری را مشاهده می‌کنیم که هر کدام سامان خاص خود را دارند و همه به هم وابسته‌اند و یک مجموعه‌ی عظیم را در این کره شکل داده‌اند و سبب شده‌اند که حیات و زندگی بر روی کهری زمین ادامه یابد و در پرتو این حیات، انسان‌ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف‌های خود برنامه‌ریزی کنند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، زیرا پیوستگی و ارتباط موجودات به تنهایی باعث تکامل حیات اجتماعی نمی‌شود بلکه باعث تداوم حیات بر روی کهری زمین می‌شود و تداوم حیات زمینه‌ساز سامان بخشی زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا پیوستگی و ارتباط موجودات باعث تکامل معنوی انسان که امری اختیاری است نمی‌شود.	

۱۰۷	گزینه ۳
با توجه به عبارت: «وإليه المصير» که در ادامه‌ی آیه‌ی «خلق السماوات والأرض بالحق» و صورت فاعل حسن صورت کم و الیه المصیر آمده است، این مفهوم قابل درک است که «کاروان هستی، همان طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به تسبیح تکوینی مخلوقات و گزینه‌ی (۲)، به انسجام و پیوستگی بین مخلوقات و گزینه‌ی (۴)، به اتقان صنع به معنای استواری و استحکام مخلوقات اشاره دارند.	

۱۰۸	گزینه ۲
با استناد به آیات قرآن، جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده (و صورت کم فاعل حسن صورت کم) و هیچ گونه خلل و شکاف و بی‌نظمی در آن راه ندارد (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور) و به سوی خداوند که کمال مطلق است در حرکت است. (إليه يرجعون در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی: «أفغير دين الله يبغون و له أسلم من في السماوات و الأرض طوعا و کرها و إليه يرجعون») «تمرین تست‌زنی» برای پاسخ سریع و درست به این تست، باید از روش حذف گزینه‌های نادرست استفاده کنید.	

۱۰۹	گزینه ۱
دو آیه‌ی: «خلق السماوات والأرض بالحق» و صورت کم فاعل حسن صورت کم و الیه المصیر و «أفغير دين الله يبغون و له أسلم من في السماوات و الأرض طوعا و کرها و إليه يرجعون»، و بیت: «ما زبالاتیم و بالا می‌رویم / ما ز دریایم و دریا می‌رویم»، به یکی بودن مبدأ و مقصد هستی و سیر تکاملی جهان در حرکت به سوی خداوند اشاره دارند.	

۱۱۰	گزینه ۴
این دو مورد: «خلق السماوات والأرض» و «اختلاف ألسنتکم و ألوانکم»، از نشانه‌های خداوند برای دانایان (عالمین و نه عالمین) است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «خواب در شب و روز و تلاش برای کسب نعمت‌های الهی در گزینه‌ی (۱)، نشانه‌ای برای افراد شنواست. آمدن برق که ترس به همراه داشته و امید نزول باران را به دنبال دارد در گزینه‌ی (۲)، نشانه‌ای برای افراد عاقل است و خروج از قبرها در گزینه‌ی (۳)، به مرحله‌ی دوم قیامت اشاره دارد.	

۱۱۱	گزینه ۱
بنابر آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغاءکم من فضله إن فی ذلک لآیات لقوم یسمعون»، خواب انسان در شب و روز و روزی طلبی و کسب فضایل الهی، نشانه‌هایی برای مردم شنوا (لقوم یسمعون) است و بیانگر حکیمانه بودن خلقت جهان می‌باشد. نکته‌ی طلایی در اندیشه‌ی اسلامی، افراد شنوا کسانی هستند که تابع عقل و حجت باطن می‌باشند.	

۱۰۰	گزینه ۳
خداوند به کسانی که غیر از دین خدا را می‌جویند (افغیر دین الله یبغون)، این دو مورد را یادآوری می‌کند: ۱- تسلیم بودن ارادی و غیر ارادی همه‌ی مخلوقات در برابر خدا (و له أسلم من فی السماوات و الأرض طوعا و کرها) ۲- بازگشت همه‌ی مخلوقات به سوی اوست. (و الیه یرجعون)	

۱۰۱	گزینه ۴
مجموعه‌ی نظام‌مند، مجموعه‌ای است که اجزای آن به گونه‌ای سامان یافته‌اند که فعالیت دسته‌جمعی آن‌ها منتهی به هدفی معین (نه هدفی متعالی) شود. شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ی منظم هدف است که آیه‌ی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما إلا بالحق و أجل مسمى»، به این شاخصه اشاره دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «هدف متعالی در گزینه‌های (۱) و (۳) یک امر اکتسابی و مخصوص انسان است و در مورد سایر مخلوقات نادرست است. آیه‌ی گزینه‌ی (۲)، به نبودن تفاوت و فطور در بین مخلوقات اشاره دارد و به شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ی منظم که هدف است اشاره ندارد.	

۱۰۲	گزینه ۳
نظام‌های موجود از نظام‌های کوچک شروع می‌شوند و به نظام‌های بزرگ و بزرگ‌تر می‌رسند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها این مفهوم، در گزینه‌ی (۳) برعکس بیان شده است.	

۱۰۳	گزینه ۳
تمام نظام‌ها و مجموعه‌های این جهان از نظام‌های کوچک شروع می‌شوند و به نظام‌های بزرگ‌تر می‌رسند و منتهی به یک نظام کل بزرگ می‌شوند که این موضوع بیانگر پیوستگی بین نظام‌ها و مجموعه‌هاست. و آیه‌ی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور»، با اشاره به نبودن بی‌نظمی (تفاوت) و خلل و شکاف (فطور) در نظام هستی، بیانگر انسجام و پیوستگی در بین موجودات و وجود یک نظام واحد جهانی است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا مفهوم پیوستگی را نمی‌رساند. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا نظام‌های تو در تو یک هدف دارند نه هدف‌های متفاوت. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا نظام‌های تو در تو متناقض نیستند، بلکه در راستای رسیدن به یک هدف، با هم همکاری می‌کنند.	

۱۰۴	گزینه ۱
آیه‌ی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور»، این موضوع را یادآوری می‌کند که هر یک از مخلوقات و مجموعه‌های آن‌ها که نظام واحد جهانی را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا با گسترش و بزرگ‌تر شدن دایره‌ی نظام، نظم و قانون‌مندی بیش‌تری (نه کم‌تری) لازم است که نظام‌های کوچک‌تر را در درون خود جای دهد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا فعالیت هر عضو نه تنها در خدمت همان قسمت (نه تمام قسمت‌ها) است، بلکه در خدمت نهایی‌ترین هدف نیز هست. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا نظام‌های تودرتو که یک مجموعه را می‌سازند، فعالیت هماهنگ (نه ناهماهنگ) یا سازمان یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به هدف نهایی می‌شود.	

۱۰۵	گزینه ۲
نظام‌های بزرگ از به هم پیوستن نظام‌های کوچک شکل می‌گیرند. هرچه دایره‌ی نظام، بزرگ‌تر می‌شود نظم و قانون‌مندی گسترده‌تری لازم است.	

۱۱۲

گزینه ۲

در این آیه، آمدن برق که ترس به همراه داشته و امید نزول باران را به دنبال دارد، نشانه‌ای برای عاقلان و بیانگر نظام‌مندی و غایت‌مندی و حکیمانه بودن خلقت است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، عبارت شریفه‌ی: «و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغاؤکم من فضله»، نشانه‌ای برای افراد شنواست. در گزینه‌ی (۴)، عبارت شریفه‌ی: «و من آیاته خلق السماوات و الأرض و اختلاف ألستکم و ألوانکم»، نشانه‌ای برای دانایان است.

۱۱۳

گزینه ۴

در آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها...»، آمدن برق که ترس (خوف) به همراه داشته و امید نزول باران (طمع) را به دنبال دارد، نشانه‌ای برای افراد عاقل و بیانگر حکیمانه بودن خلقت جهان می‌باشد.

«جمع‌بندی» آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها، نشانه‌ای برای دانایان (لقوم یعلمون) است. ۲- در خواب شب و روز و تلاش برای به دست آوردن روزی، نشانه‌ای برای مردم شنوا (لقوم یسمعون) است. ۳- در آمدن برق و پس از آن نزول باران و رستاخیز طبیعت، نشانه‌ای برای عاقلان (لقوم یعقلون) است.

۱۱۴

گزینه ۱

در آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته ان تقوم السماء و الأرض بامرهم ثم اذا دعاکم دعوه من الأرض اذا انتم تخرجون»، عبارت شریفه‌ی: «اذا دعاکم دعوه من الأرض اذا انتم تخرجون»، به معاد جسمانی و خروج انسان‌ها از قبرها در قیامت اشاره می‌کند و عبارت: «و من آیاته»، بیانگر حکیمانه بودن خلقت است.

۱۱۵

گزینه ۲

آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته خلق السماوات و الأرض و ما بث فیهما من دابة و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر»، ناظر بر توانایی خداوند بر گردآوری مخلوقات (هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر) در قیامت و مبین حکیمانه بودن خلقت (و من آیاته) است.

۱۱۶

گزینه ۱

در گزینه‌ی (۱)، عبارت قرآنی: «منامکم باللیل و النهار و ابتغاؤکم من فضله» به دلیل اینکه از آیات الهی است، بیانگر حکیمانه بودن خلقت و عبارت قرآنی: «ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما الا بالحق و أجل مسمى»، به دلیل داشتن کلمه‌ی حق، بیانگر حکیمانه بودن خلقت است.

«نکته‌ی طلایی» این عبارت‌ها بیانگر حکیمانه بودن خلقت است: ۱- به عبث و باطل خلق نشدن جهان ۲- به حق آفریده شدن جهان ۳- سیر تکاملی مخلوقات به سوی خداوند (إلیه یرجعون) ۴- آیاتی که عبارت: «و من آیاته» دارند.

۱۱۷

گزینه ۳

مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الزّحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، وقتی می‌گوییم در جهان تفاوت نیست، به این معناست که اشیای جهان، اشیایی دور و پراکنده و بی ربط با یکدیگر نیستند. بلکه موجودات جهان خلقت به طوری با هم ارتباط دارند که نتیجه‌ی فعالیت یک موجود به موجودات جهان دیگر می‌رسد و همین امر سبب می‌شود که کل این موجودات بتوانند به هدفی که برای آن خلق شده‌اند، برسند و دیگران نه تنها مانع او نشوند، بلکه به او کمک کنند. یعنی جهان برپایه‌ی یک تعاون و مدد رسانی به یکدیگر خلق شده است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، به محکم و استوار بودن مخلوقات یا ایتقان صنع اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، سیمای خردمندان را بیان می‌کند و گزینه‌ی (۴)، به قانون‌مندی واحد در نظام جهان اشاره دارد.

۱۱۸

گزینه ۱

بنابر آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغاؤکم من فضله إن فی ذلک لآیات لقوم یسمعون»، خواب انسان در شب و روز و روزی طلبی و کسب فضایل الهی، نشانه‌هایی برای مردم شنوا (لقوم یسمعون) است و بیانگر حکیمانه بودن خلقت جهان می‌باشد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۲)، عبارت قرآنی: «فیحیی به الأرض بعد موتها»، به فصل بهار که نمونه‌ای از قیامت است و در گزینه‌ی (۳)، عبارت قرآنی: «اذا انتم تخرجون» و در گزینه‌ی (۴)، عبارت قرآنی: «و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر» به قیامت اشاره دارند.

۱۱۹

گزینه ۴

در پاسخ به این سؤال که: «کسی که می‌داند جهان از خداست و رو به سوی او دارد، این عقیده چه تأثیری در زندگی او خواهد داشت؟»، باید گفت تفاوت بینش انسان‌ها به جهان به تفاوت عمل آن‌ها در زندگی می‌انجامد. اگر انسان درک کند که او و جهان رو به سوی خدا دارند و به این موضوع یقین داشته باشد، به خود و کارهای خود توجه دیگری خواهد کرد و فرصت‌های زندگی و عمر را به آسانی از دست نخواهد داد و خود را آماده‌ی حضور در پیشگاه الهی خواهد کرد.

۱۲۰

گزینه ۳

آیه‌ی شریفه‌ی: «افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السماوات و الأرض»، با اشاره به تسلیم خدا بودن تمامی مخلوقات و بازگشت آنان به سوی خداوند، دین طلبی از راه غیر الهی (افغیر دین الله یبغون) را رد می‌کند. و بیانگر این حقیقت است که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی (أسلم) عمل می‌کنند و به‌سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌هاست، روان می‌باشند.

«نکته‌ی طلایی» براساس این آیه، با پیروی از دین الهی، می‌توان هماهنگ با نظام هستی به سوی خداوند حرکت کرد.

۱۲۱

گزینه ۲

مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «و من آیاته خلق السماوات و الأرض و اختلاف ألستکم و ألوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین»، این است که این دو مورد: «خلق السماوات و الأرض» و «اختلاف ألستکم و ألوانکم»، از نشانه‌های خداوند برای دانایان (عالمین و نه عالمین) است.

۱۲۲

گزینه ۳

در آیه‌ی شریفه‌ی: «خلق السماوات و الأرض بالحق و صورکم فأحسن صورکم و إلیه المصیر»، عبارت قرآنی: «و صورکم فأحسن صورکم»، بیانگر این حقیقت است که هر یک از مخلوقات در بهترین شکل و ترکیب خلق شده‌اند و آن چه را که لازمه‌ی رساندن آن‌ها به هدف بوده خداوند در خلقتشان قرار داده است. و مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی»، این است که خداوند مخلوقات را در مسیر انجام وظیفه و دست‌یابی به هدف خاص هدایت می‌کند.

۱۲۳

گزینه ۱

وقتی به کره‌ی زمین نگاه می‌کنیم، موجودات بی‌شماری را، مشاهده می‌کنیم که هرکدام سامان خاص خود را دارند و همه به هم وابسته‌اند و یک مجموعه‌ی عظیم را در این کره شکل داده‌اند و سبب شده‌اند که حیات و زندگی بر روی کره‌ی زمین ادامه یابد و در پرتو این حیات، انسان‌ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف‌های خود برنامه‌ریزی کنند. سایر گزینه‌ها، این مفهوم را بیان نمی‌کنند.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» سایر گزینه‌ها از نظر علمی نادرست است.

۱۳۰ **گزینه ۴**

نبودن بی‌نظمی در نظام خلقت، مفهوم عبارت قرآنی: «ما تری فی خلق الرّحمن من تفاوت» می‌باشد. و توجه به دین خدا از راه قانون‌مندی واحد الهی، مفهوم آیهی شریفه‌ی: «أفغیر دین الله ینیغون و له اسلم من فی السماوات و الارض» است.

۱۳۱ **گزینه ۴**

براساس آیهی شریفه‌ی: «أفغیر دین الله ینیغون و له اسلم من فی السماوات و الارض»، با پیروی از دین الهی، می‌توان هماهنگ با نظام هستی به سوی خداوند حرکت کرد. آیهی شریفه‌ی: «خلق السّماوات و الارض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم و إلیه المصیر» و بیت: «ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم»، بیانگر این است که کاروان هستی، همان‌طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد.

۱۳۲ **گزینه ۳**

با توجه به آیهی مذکور درمی‌یابیم که «تمام مخلوقات این جهان به حق آفریده شده‌اند و دارای هدف و سرآمد معین می‌باشند.» و «به این خاطر جهان خلقت حق است که آینده‌ی روشن و هدف معین دارد.» حق بودن آفرینش به معنای هدف‌مندی آن است که از حکمت الهی منشأ می‌گیرد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از سرآمدی معین است نه سرآغاز معین برای جهان. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا وجود آینده‌ی روشن و هدف معین برای همه‌ی مخلوقات علت به حق بودن جهان خلقت است نه بر عکس. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از «نگرش عمیق در آفرینش آسمانها و زمین» و «روابط مستحکم و نظم استوار جهان» نیست.

۱۳۳ **گزینه ۴**

در آیهی شریفه‌ی: «أفغیر دین الله ینیغون و له أسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها و إلیه یرجعون»، تعبیر قرآنی: «طوعا و کرها»، بیانگر تسلیم بودن تمامی مخلوقات در برابر خداوند به صورت «ارادی یا جبری» است. این آیه، بیانگر این حقیقت است که همه‌ی موجودات آسمانها و زمین تحت قانون‌مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به‌سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌هاست، روان می‌باشند. و بیت: «ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم»، بیانگر آن است که همه‌ی جهان از خداست و به‌سوی او که کمال مطلق است، حرکت می‌کند.

۱۳۴ **گزینه ۱**

پیام آیهی شریفه‌ی: «و من آیاته خلق السّماوات و الارض و ما بثّ فیهما من دابةً و هو علی جمیعهم اذا یشاء قذیر»، این است که استوار بودن آسمانها و زمین به امر خدا (أن تقوم السّماء و الارض بأمره) و زنده شدن انسانها در روز حساب (إذا أنتم تخرجون)، از نشانه‌های حکمت خداوند و بیانگر غایت‌مندی جهان و بیانگر حکیمانه بودن نظام خلقت است.

۱۳۵ **گزینه ۴**

کافران (والذین کفروا) که منکر معادند از آنچه انذار می‌شوند (یعنی از به حق آفریده شدن و سرانجام مشخص داشتن جهان) اعراض می‌کنند، و روی برمی‌گردانند (عمّا أنذروا معرضون). هر دو آیهی شریفه‌ی: «و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بأمره ...» و «و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بثّ فیهما ...»، به توانایی خداوند در برچیدن بساط حیات مادی و برپایی معاد اشاره دارند.

۱۲۴ **گزینه ۴**

در آیهی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی ...»، سر آغاز هستی، خداوند و سرآمد آن، «اجل مسمی» معرفی شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها لازم به تذکر است که در آیهی شریفه‌ی: «خلق السّماوات و الارض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم و إلیه المصیر»، مبدأ و مقصد «کاروان هستی» تعیین شده است.

۱۲۵ **گزینه ۴**

مطابق آیهی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الرّحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، وقتی می‌گوییم در جهان تفاوت نیست، به این معناست که اشیای جهان، اشیایی دور و پراکنده و بی ربط با یکدیگر نیستند. بلکه موجودات جهان خلقت به طوری با هم ارتباط دارند که نتیجه‌ی فعالیت یک موجود به موجودات دیگر جهان می‌رسد و همین امر سبب می‌شود که کل این موجودات بتوانند به هدفی که برای آن خلق شده‌اند، برسند و دیگران نه تنها مانع او نشوند، بلکه به او کمک کنند. یعنی جهان برپایه‌ی یک تعاون و مددسانی به یکدیگر خلق شده است.

۱۲۶ **گزینه ۱**

دو آیهی شریفه‌ی: «خلق السّماوات و الارض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم و إلیه المصیر» و «أفغیر دین الله ینیغون و له أسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها و إلیه یرجعون» و بیت «ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم»، بیانگر این حقیقت هستند که کاروان هستی، همان‌طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد.

۱۲۷ **گزینه ۳**

عبارت: «فارجع البصر» در آیهی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الرّحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، ما را به تفکر عمیق‌تر در جهان دعوت می‌کند و نتیجه‌ی این بصیرت عمیق‌تر را رد هر گونه خلل و شکاف در نظام جهان اعلام می‌کند.

۱۲۸ **گزینه ۳**

براساس آیهی شریفه‌ی: «و من آیاته یریکم البرق خوفاً و طمعا و ینزل من السماء ماء ...»، آمدن برق که ابتدا بیم (خوف) به همراه دارد ولی امید نزول باران (طمع) را نیز به دنبال دارد، نشانه‌ای برای عاقلان و افراد دوراندیش بوده و بیانگر حکیمانه بودن خلقت است.

۱۲۹ **گزینه ۳**

آیهی شریفه‌ی: «أفغیر دین الله ینیغون و له اسلم من فی السماوات و الارض»، بیانگر این است که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی (أسلم) عمل می‌کنند و به‌سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌هاست، روان می‌باشند. و آیهی شریفه‌ی: «ما تری فی خلق الرّحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، بیانگر آن است که هر یک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهان را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، به محکم و استوار بودن نظام خلقت یا اتقان صنع اشاره دارد.

۱۳۶

گزینه ۳

براساس آیهی شریفه: «ما خلقنا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ»، کافران (وَالَّذِينَ كَفَرُوا) که منکر معاندند، از آنچه انذار داده می‌شوند (به حق آفریده شدن جهان و داشتن سرآمدی معین) اعراض می‌کنند، و روی برمی‌گردانند. (عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ)

روش مطالعه برای پاسخ دادن به این گونه تست‌ها باید آیه‌ها را حفظ نمود. گزینه‌ی (۱)، بخشی از آیهی شریفه: «أَغْفِرَ دِينَ لِلَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» است. . گزینه‌ی (۲)، بخشی از آیهی شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِمَا أَلَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» در درس ۵ است. گزینه‌ی (۴)، بخشی از آیهی شریفه: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» در درس ۵ می‌باشد.

۱۳۷

گزینه ۴

براساس آیهی شریفه: «ما خلقنا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ»، نظم حاکم بر پدیده‌ها و قانون‌مندی آن‌ها امری موقتی (أَجَلٍ مُّسَمًّى) است و مدت زمان پدیده‌های هدفمند آفرینش با این سامان بودن همیشگی نیست. کافران (وَالَّذِينَ كَفَرُوا) که منکر معاندند، از آنچه انذار داده می‌شوند (به حق آفریده شدن جهان و داشتن سرآمدی معین) اعراض می‌کنند، و روی برمی‌گردانند. (عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) و (۳) مفهوم آیهی شریفه: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» می‌باشد. گزینه‌ی (۲)، مفهوم آیهی شریفه: «أَغْفِرَ دِينَ لِلَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» است.

۱۳۸

گزینه ۲

در آیهی شریفه: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، عبارت قرآنی: «وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ»، بیانگر سرشت متعالی انسان است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) به هدفمند بودن جهان و علت آن، گزینه‌ی (۳)، به علت آگاهی خداوند از وسوسه‌های نفس آماره و گزینه‌ی (۴)، به تسبیح تکوینی مخلوقات اشاره دارند.

۱۳۹

گزینه ۴

در آیهی شریفه: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ»، به ترتیب «استوار بودن آسمان‌ها و زمین به امر خدا» (أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ) و «زنده شدن انسان‌ها در روز حساب» (إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ)، از نشانه‌های حکمت خداوند و بیانگر نظام‌مندی و غایت‌مندی جهان و مؤید حکیمانه بودن نظام خلقت است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا این آیه به غیرمادی بودن روح اشاره‌ای ندارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا به مفهوم اصلی آیه که همان حکیمانه بودن خلقت است، اشاره‌ای نشده است.

۱۴۰

گزینه ۴

پیام آیهی شریفه: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، این است که: «جهان از خداست و رو به سوی او دارد.» اگر انسان درک کند که او و جهان رو به سوی خدا دارند و به این موضوع یقین داشته باشد، به خود و کارهای خود توجه دیگری خواهد کرد و فرصت‌های زندگی و عمر را به آسانی از دست نخواهد داد و خود را آماده حضور در پیشگاه الهی خواهد کرد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، زیرا آیهی شریفه: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، بیانگر این حقیقت است که تمام مخلوقات این جهان، به حق (بالحق) آفریده شده‌اند و دارای هدف و سرآمد معینی (أَجَلٍ مُّسَمًّى) می‌باشند.

۱۴۱

گزینه ۳

این نظام‌های به هم پیوسته و تودرتو که بدن را می‌سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می‌شود. در آیهی: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، دو عبارت: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» و «وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»، بیانگر حکیمانه بودن خلقت است.

نکته‌ی طلایی این عبارت‌ها بیانگر حکیمانه بودن خلقت است: ۱- به عبث و به باطل خلق نشدن جهان ۲- به حق آفریده شدن جهان ۳- سیر تکاملی مخلوقات به سوی خداوند (إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ) ۴- آیاتی که عبارت: «وَ مِنْ آيَاتِهِ» دارند.

۱۴۲

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَ هُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ»، آفرینش آسمان‌ها و زمین و انواع جنبندگان بین آن‌ها (خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ) و توانایی خداوند بر گردآوری آن‌ها در قیامت (وَ هُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ)، از آیات الهی (وَ مِنْ آيَاتِهِ) معرفی شده که بیانگر غایت‌مندی جهان و حکیمانه بودن خلقت است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا عبارت خلقت آسمان و زمین و برپایی آن به فرمان خدا، مفهوم آیهی شریفه: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» است. قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴) مفهوم این آیه نمی‌باشد.

۱۴۳

گزینه ۴

دو آیهی: «خلق السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» و «أَغْفِرَ دِينَ لِلَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، و بیت: «ما زبالاتیم و بالا می‌رویم / ما ز دریا می‌رویم، به یکی بودن مبدأ و مقصد هستی و سیر تکاملی جهان در حرکت به سوی خداوند اشاره دارند.

۱۴۴

گزینه ۳

پیام آیهی شریفه: «أَغْفِرَ دِينَ لِلَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، این است که همه‌ی مخلوقات عالم تحت قانون‌مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به‌سوی خداوند که مقصد نهایی آن‌هاست، روان می‌باشند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) به هدفمند بودن مخلوقات و علت آن، گزینه‌ی (۲) به انسجام و پیوستگی نظام جهان و گزینه‌ی (۴)، به هدایت خاصه مخلوقات و حرکت تکاملی آنان به سوی خداوند اشاره دارند.

۱۴۵

گزینه ۴

در آیهی شریفه: «ما خلقنا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ...»، با توجه به عبارت «أَجَلٍ مُّسَمًّى» و این که هر یک از مخلوقات سرآمد و پایانی معین دارند، این حقیقت مفهوم می‌گردد که نظم حاکم بر پدیده‌ها و قانون‌مندی آن‌ها امری موقتی و پایان‌پذیر (أَجَلٍ مُّسَمًّى) است و مدت زمان پدیده‌های هدفمند آفرینش با این سامان بودن همیشگی نیست.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها نبودن بی نظمی در خلقت که مفهوم آیهی: «ما تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ» در گزینه‌ی (۲) است، بیانگر نظم دائمی جهان می‌باشد.

گزینه ۲ **۱۵۲**

از تفکر در آیهی: «و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف ألسنتکم و اللوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین»، درمی یابیم که آفرینش آسمان ها و زمین (خلق السماوات والأرض) و اختلاف و ناهمگونی زبان ها و رنگ ها (و اختلاف ألسنتکم و ألوانکم) بیهوده و عبث نیست، بلکه هدف مند بوده و مؤید حکیمانه بودن خلقت و نشانه هایی برای دانایان است.

گزینه ۲ **۱۵۳**

از تفکر در آیهی شریفه: «ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ و أجل مسمی» در می یابیم که تمام مخلوقات این جهان به حق (حکیمانه و مدبّرانه) آفریده شده اند و دارای هدف و سرآمد معینی (أجل مسمی) می باشند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها قسمت دوم گزینه ی (۱)، به تسبیح تکوینی خداوند توسط مخلوقات اشاره دارد.

گزینه ۳ **۱۵۴**

در آیهی شریفه: «أفغیر دین الله یغون و له أسلم من فی السماوات و الأرض طوعاً و کرهاً و إلیه یرجعون»، خداوند به کسانی که غیر از دین خدا را می جویند (أفغیر دین الله یغون) با یادآوری این دو مورد: «الف- تسلیم امر خداوند بودن تمامی مخلوقات موجود در آسمان ها و زمین به صورت «ارادی یا غیر ارادی» است. (و له أسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرها) ب- بازگشت همه ی آن ها به سوی خداوند (و إلیه یرجعون)»، دین طلبی از راه غیر الهی را مردود می شمارد.

گزینه ۳ **۱۵۵**

در آیهی شریفه: «ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ و أجل مسمی و الذین کفروا عما أنذروا معرضون»، دو تعبیر «به حق آفریده شدن (بالحقّ)» و «سرآمد معینی داشتن (أجل مسمی)» آسمان ها و زمین، بیانگر هدف مندی و غایت مندی آفرینش آسمان ها و زمین است.

گزینه ۳ **۱۵۶**

از دقت در آیهی شریفه: «و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغواکم من فضله»، مفهوم استراحت شبانه گاهی (منامکم باللیل و النهار) و روزی طلبی (ابتغواکم من فضله)، از آیات الهی که نشانگر حکیمانه بودن خلقت است برداشت می گردد که نشانه هایی برای افراد شنواست.

گزینه ۳ **۱۵۷**

هدف مندی پدیده های جهان از حکمت و تدبیر خداوند سرچشمه می گیرد و آیهی شریفه: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، بیانگر آن است که مجموعه ی جهان خلقت، نظامی واحد و به هم پیوسته است که هیچ گونه خلل و شکافی ندارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها قسمت دوم گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا عبارت شریفه: «ربنا ما خلقت هذا باطلا»، مبین حکیمانه بودن مخلوقات جهان است نه نظام واحد و به هم پیوسته ی جهانی.

گزینه ۲ **۱۵۸**

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها گزینه ی (۱)، به محکم و استوار بودن نظام آفرینش (اتقان صنع) و گزینه ی (۳)، به حرکت تکاملی مخلوقات به سوی خداوند و گزینه ی (۴)، به تفکر در آیات و نشانه های الهی به منظور درک حقیقت جهان اشاره دارند.

گزینه ۴ **۱۴۶**

در آیهی شریفه: «أفغیر دین الله یغون و له أسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و إلیه یرجعون»، تعبیر قرآنی: «طوعاً و کرها»، بیانگر تسلیم بودن تمامی مخلوقات در برابر خداوند از روی اراده یا به صورت جبری و غیر ارادی است. براساس این آیه، همه ی مخلوقات عالم تحت قانون مندی واحد الهی (أسلم) عمل می کنند و به سوی خداوند که مقصد نهایی آن هاست، روان می باشند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها گزینه ی (۱) به انسجام و پیوستگی مخلوقات، گزینه ی (۲) به حرکت مخلوقات به سوی خدا و گزینه ی (۳) به تسبیح تکوینی آن ها اشاره دارند.

گزینه ۴ **۱۴۷**

مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها گزینه ی (۱)، به هدایت خاصی مخلوقات و حرکت تکاملی آنان به سوی خدا اشاره دارد. گزینه ی (۲)، به قانون مندی واحد همه ی مخلوقات عالم و حرکت تکاملی آنان به سوی خدا اشاره دارد. گزینه ی (۳)، به تسبیح تکوینی مخلوقات اشاره دارد.

گزینه ۲ **۱۴۸**

آیهی شریفه: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور»، با اشاره به نبودن تفاوت (بی نظمی) و فطور (شکاف) در نظام خلقت، بیانگر این مفهوم است که «هریک از مخلوقات و مجموعه ی آن ها که نظام واحد جهانی را تشکیل می دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می باشند».

دلیل نادرستی سایر گزینه ها گزینه ی (۱)، به سیر تکاملی مخلوقات به سوی خدا و گزینه ی (۳) به تسبیح تکوینی مخلوقات و گزینه ی (۴) به هدفمند بودن مخلوقات و علت این هدفمندی اشاره دارند.

گزینه ۴ **۱۴۹**

آیهی شریفه: «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»، با توجه به عبارت «من آیاته»، بیانگر این است که «آفرینش همسران آرامش آفرین (لتسکنوا الیها)، یکی از نشانه های حکیمانه بودن خلقت است».

نکته ی طلایی عبارت قرآنی: «و من آیاته»، در آیات این درس و سایر درس ها بیانگر حکیمانه بودن خلقت می باشد.

گزینه ۲ **۱۵۰**

پیام دو آیهی شریفه: «خلق السماوات و الأرض بالحقّ و صورکم فأحسن صورکم و إلیه المصیر» و «أفغیر دین الله یغون و له أسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و إلیه یرجعون»، و بیت: «ما زبلا لیم و بالا می رویم / ما ز دریا بیم و دریا می رویم»، بیانگر این حقیقت است که «کاروان هستی، همان طور که از خدا است، رو به سوی خدا نیز دارد».

دلیل نادرستی سایر گزینه ها گزینه ی (۱)، به نبودن تفاوت و فطور در نظام خلقت و همچنین وجود انسجام و پیوستگی در بین مخلوقات، گزینه ی (۳)، به تسبیح تکوینی مخلوقات و گزینه ی (۴)، به هدفمند بودن مخلوقات و علت این هدفمندی که همان «أجل مسمی» می باشد، اشاره دارند.

گزینه ۳ **۱۵۱**

از تفکر در آیهی شریفه: «و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بأمره ثم اذا دعاکم دعوة من الارض اذا أنتم تخرجون»، درمی یابیم که «استوار بودن آسمان ها و زمین به امر خدا (أن تقوم السماء و الأرض بأمره)» و «زنده شدن انسان ها در روز حساب (إذا أنتم تخرجون)»، از آیات الهی بوده و بیانگر حکیمانه بودن خلقت است.

۱۵۹

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «افغیر دین الله یغون و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون»، خداوند به کسانی که غیر از دین خدا را می جویند، دو مورد را یادآوری می کند: ۱- تسلیم بودن ارادی و غیر ارادی (طوعا و کرها) همه ی مخلوقات در برابر خدا ۲- بازگشتن همه ی مخلوقات به سوی اوست.

روش مطالعه «سؤالات سال ۹۵ و ۹۶ به مانند این سؤال طرح شده اند. یعنی قسمتی از آیه آورده شده و از دانش آموز خواسته شده با توجه به ادامه ی آیه که باید آن را حفظ باشد، به سؤال پاسخ دهد. پس علاوه بر یادگیری مفاهیم هر آیه، باید به حفظ عبارت های آن آیه نیز پرداخت.

۱۶۰

گزینه ۲

در آیهی مذکور، جهان آفرینش یک نظام یکپارچه و واحد معرفی شده که با ارتباط طولی با اراده و تدبیر الهی، در یک حرکت تکاملی به سوی خداوند روان است. **دلیل نادرستی سایر گزینه ها** «گزینه ی (۱) نادرست است، چرا که این آیه در ارتباط با تسبیح تشریعی انسان نیست. گزینه ی (۳) نادرست است، چرا که موجودات یک ارتباط طولی با خدا دارند، نه عرضی. گزینه ی (۴) نادرست است، چرا که ولایت تکوینی خدا و تسبیح پدیده ها با او مفهوم این نیست.

۱۶۱

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابة و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر - و از نشانه های اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از انواع جنینده در میان آن دو پراکنده است، و او هرگاه بخواهد بر گرد آوردن آنان تواناست»، آفرینش آسمان ها و زمین و انواع موجودات (خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابة) و توانایی بر گردآوری آن ها در قیامت (و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر) از نشانه های خداوند که بیانگر حکیمانه بودن خلقت (و من آیاته) است، معرفی شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «در گزینه ی (۱)، برچیدن خلقت نادرست است.

درس سوم: سرمایه های انسان

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۴	۲۳	۳۷
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۲	۴	۴

۱۶۲

گزینه ۳

در میان کاروان هستی که به سوی خدا در حرکت است، انسان سرنوشت ویژه ای دارد. سرانجام او در جهان آخرت (نه عالم بعد از مرگ که شامل برزخ هم می شود) این گونه است که گروهی به تقرب الهی می رسند و بهشت نصیب شان می شود و گروهی دیگر سرانجامی تلخ دارند و به جهنم می آیند. این سرنوشت ویژه، به دلیل برخورداری از ویژگی های ممتازی است که در فطرت او وجود دارد.

توضیح «ویژگی های ممتازی که خداوند در فطرت انسان قرار داده تا سرنوشت ویژه ی او را رقم بزنند عبارتند از: منزلت و کرامت انسان، عقل، اختیار، فطرت خدا گرا، گرایش به نیکی و زیبایی علاوه بر این امتیازات فطری دو عامل بیرونی او را در رسیدن به این مقصد یاری می کنند: هدایت انبیا و امدادهای غیبی (ولایت معنوی)

۱۶۳

گزینه ۴

ارزش هر کس به میزان درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه انسان در کاروان هستی بستگی دارد و در واقع ارزش و کرامت هر کس متناسب با خودشناسی اوست.

توضیح پیش تر «خودشناسی که عامل تعیین کننده ی میزان ارزش هر شخصی است، به معنای درک هر کسی از حقیقت هستی و جایگاه او در کاروان هستی است. از نظر امام علی ^(ع)، یعنی بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می رود. و به تعبیر مولانا درک این حقیقت که: «از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می روم آخر، نمایی وطنم»

۱۶۴

گزینه ۱

امام علی ^(ع) در حدیث: «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می رود». و مولوی در بیت: «از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می روم آخر، نمایی وطنم»، راه رسیدن به خودشناسی را علم به این حقیقت که از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می رود معرفی کرده اند.

۱۶۵

گزینه ۴

ارزش هر کس به میزان درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه انسان در کاروان هستی بستگی دارد. این روایت امام علی ^(ع): «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می رود»، نیز به همین مفهوم اشاره دارد. قسمت دوم گزینه ی (۱)، به فطرت خدا آشنایی انسان اشاره دارد.

تکنه ی طلایی «درک آغاز و پایان خلقت انسان، عامل دست یابی به خودشناسی است و خودشناسی عامل برخورداری از رحمت الهی است.

۱۶۶

گزینه ۲

مطابق حدیث: «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا می رود»، از نظر امام علی ^(ع)، درک آغاز و پایان خلقت و جایگاه خود در نظام آفرینش، عامل برخورداری از رحمت الهی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت دوم گزینه ی (۴) نادرست است، زیرا درک جایگاه خود (نه خداوند) در نظام هستی باعث برخورداری از رحمت الهی می شود.

۱۶۷

گزینه ۲

آیهی شریفه: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر مَن خلقنا تفضیلا»، به منزلت و کرامت انسان در نزد خدا اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت دوم گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا این قسمت آیه، به منزلت و کرامت اختیاری انسان ها نزد خدا اشاره دارد که یکسان نمی باشند و مطابق اعمال افراد متفاوت می باشد.

۱۶۸

گزینه ۴

سه گزینه ی اول پیرامون منزلت و کرامت انسان سخن می گویند ولی گزینه ی (۴)، به فطرت خداگرایی انسان اشاره دارد.

۱۶۹

گزینه ۱

آیهی شریفه: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر مَن خلقنا تفضیلا»، به کرامت و منزلت انسان و فضیلت او بر بسیاری از مخلوقات اشاره دارد که این ویژگی فطری و خدادادی است ولی بقای آن در طول عمر به اختیار خود انسان است.

۱۷۶	گزینه ۳
آیهی: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، بیانگر قدرت اراده و اختیار انسان است، یعنی هر کس با انتخاب خود، می‌تواند یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. نکته‌ی طلایی تشخیص، بیانگر عقل و مسئول، بیانگر اختیار است. دوری از شقاوت با اختیار ولی دوری از جهل با عقل است.	

۱۷۷	گزینه ۲
ارزشمندترین سرمایه‌های فطری انسان برای سفر به سوی کمال، «منزلت و کرامت انسان»، «سرشت خداشنا»، «گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها»، «قوه‌ی تفکر و تعقل»، «اختیار» و «گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها» هستند. و علاوه بر این موارد باید از «هدایت انبیا» و «امدادهای غیبی فرشتگان» که بیرونی است، نیز بهره بگیرد. در گزینه‌ی (۲) به هر دو مورد اشاره شده و کامل‌ترین گزینه است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱)، نفس آماره، در گزینه‌ی (۳)، نظام بر حق جهان و در گزینه‌ی (۴)، معجزات انبیا از عوامل رشد نمی‌باشند.	

۱۷۸	گزینه ۲
هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد. فطرت و سرشت خداشنا یا خداگرایی انسان، امری فطری، درونی و ناآموخته است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها امور فطری ناآموخته هستند بنابراین واژه‌ی اکتسابی در مورد فطرت خداشنای انسان در گزینه‌ی (۴) نادرست است.	

۱۷۹	گزینه ۳
آیه‌ی شریفه‌ی: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...»، و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، به سرشت خداشنای انسان اشاره دارد ولی گزینه‌ی (۳) به گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها مربوط می‌شود. نکته‌ی طلایی گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها، معلول و برخاسته از فطرت خداگرایی انسان است.	

۱۸۰	گزینه ۳
گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از خداوند می‌شوند، ولی باز که به خود برمی‌گردیم (توبه یا بازگشت)، او را در کنار خود می‌یابیم و می‌گوییم: «دوست نزدیک‌تر از من به من است/ وین عجب‌تر که من از وی دورم - چه کنم با که توان گفت که او/ در کنار من و من مهجورم» جمع‌بندی این دو بیت: «دوست نزدیک‌تر از من به من است/ وین عجب‌تر که من از وی دورم/ چه کنم با که توان گفت که او/ در کنار من و من مهجورم»، و آیه‌ی شریفه‌ی: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا...» و روایت امام علی^(ع): «ما رایت شیئا الا و رأیت...» به فطرت خداشنای انسان اشاره دارند.	

۱۸۱	گزینه ۲
ابیات: «دوست نزدیک‌تر از من به من است/ وین عجب‌تر که من از وی دورم/ چه کنم با که توان گفت که او/ در کنار من و من مهجورم»، به سرشت خداشنای انسان یعنی «خدا را در خود یافتن و احساس محبتش در دل که بازتاب نگرش قلبی در آفاق و انفس است» اشاره دارند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا گرایش به فضایل معلول گرایش به نیکی است نه تفکر در عالم درون و بیرون. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا عکس‌العمل در برابر گناهان و زشتی‌ها، معلول وجدان و نفس لواحه است، نه مجاهدت در راه خدا. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا تشخیص درستی از نادرستی و خوبی از بدی، معلول نیروی عقل است نه تلاش و مجاهدت در راه حق.	

۱۷۰	گزینه ۳
اعطای این سه مورد: «الف- برنشاندن آدمی در خشکی و دریا (و حملناهم فی البرّ و البحر)، ب- روزی دادن به انسان از انواع روزی‌های پاکیزه (و رزقناهم من الطّیبات) ج- و برتری کامل بخشیدن بر بسیاری از آفریدگان الهی (و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً)»، نشانگر منزلت و کرامت ذاتی انسان در نزد خداوند است. نکته‌ی طلایی تفاوت کرمانا و فضلنا: اولی مربوط به امور ذاتی و ملحقات آن از غرایز است، و دومی مربوط به امور اکتسابی است که خود او باید تحصیل کند.	

۱۷۱	گزینه ۲
عبارت: «تشخیص‌دهنده‌ی حقایق»، بیانگر نیروی عقل و خرد انسان است. براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «فیشّر عباد الذّین یستمعون القول فیستبعون أحسنه أولئک الذّین هداهم الله و أولئک هم أولوا الألباب»، خداوند به انسان نیروی عقل و خرد داده تا با بهره گرفتن از این نیرو راه درست زندگی را از راه نادرست تشخیص داده و با درک حقایق از جهالت و نادانی دور شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، بیانگر قدرت اختیار است.	

۱۷۲	گزینه ۶
تعبیر قرآنی: «أولئک الذّین هداهم الله»، بشارت خداوند به عاقلان و به تعبیر قرآن: «عباد الذّین یستمعون القول فیستبعون أحسنه» می‌باشد. افرادی که تابع عقل هستند، در آخر همین آیه، «و أولئک هم أولوا الألباب» نامیده شده‌اند. نکته‌ی طلایی شرط برخورداری از هدایت الهی در آیه‌ی: «أولئک الذّین هداهم الله»، تبعیت از عقل و خرد یعنی به تعبیر قرآن: «یستمعون القول فیستبعون أحسنه» باشد.	

۱۷۳	گزینه ۱
دو بشارتی که خداوند به تابعان خرد یعنی: «عباد الذّین یستمعون القول فیستبعون أحسنه» می‌دهد، برخورداری از هدایت الهی (اولئک الذّین هداهم الله) و در زمره‌ی خردمندان قرار گرفتن (و أولئک هم أولوا الألباب) است. و این بشارت معلول تبعیت از قدرت عقل (یستمعون القول فیستبعون أحسنه) می‌باشد. واژگان کلیدی این آیه یستمعون: تابع عقل بودن یستعون: برگزیدن (اختیار) هداهم الله: هدایت مادی و معنوی اولوا الألباب: صاحبان خرد که مصداق «یستمعون القول فیستبعون أحسنه» می‌باشند.	

۱۷۴	گزینه ۱
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «أولئک الذّین هداهم الله و أولئک هم أولوا الألباب»، برخورداری از هدایت الهی و در زمره‌ی خردمندان قرار گرفتن، نتیجه‌ی کار کسانی است که به درستی از قوه‌ی عقل خود بهره گرفته و از آن تبعیت کرده و از جهالت و نادانی دور شده‌اند. (عباد الذّین یستمعون القول فیستبعون أحسنه) نکته‌ی طلایی درک حقایق با نیروی عقل و گزینش طریق سعادت با نیروی اراده و اختیار است.	

۱۷۵	گزینه ۲
از عبارت شریفه‌ی: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، مفهوم قدرت اراده و اختیار انسان به معنای مسئول بودن آدمی در برابر کارهای خود دریافت می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها عبارت: «و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً» در گزینه‌ی (۱)، بیانگر کرامت نفس و منزلت انسان است. عبارت شریفه‌ی: «لنهدینهم سبیلنا و إنّ الله لمع المحسنین» در گزینه‌ی (۳)، به امدادهای الهی و عبارت شریفه‌ی: «و یستمعون القول فیستبعون أحسنه» در گزینه‌ی (۴)، به قوه‌ی عقل اشاره دارد.	

۱۸۲

گزینه ۲

تمام گزینه‌ها به فطرت خداشنای انسان اشاره دارند، به جز گزینه‌ی (۲) که بیانگر اهمیت شناخت جایگاه خود در کاروان هستی برای دستیابی به ارزش و کرامت بالاتر است.

۱۸۳

گزینه ۴

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها: سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید، آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد»، روی آوردن به خیر و نیکی و پرهیز از گناه و زشتی و بیزاری از آن معلول و مولود و بازتاب گرایش فطری به نیکی و زیبایی است. (زاینده علت است نه معلول)

روش تشخیص علت و معلول «علت همیشه مقدم بر (قبل از پیدایش) معلول بوده و وجود دهنده به معلول است. پس شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن، مقدم و علت روی آوردن به خیر و نیکی و پرهیز از گناه و زشتی است. قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، بر عکس بیان شده است. کلماتی مانند مولود، بازتاب، مترادف معلول است. و کلماتی مانند مولد، زاینده، عامل، مترادف علت است.

۱۸۴

گزینه ۱

عبارت قرآنی: «فآلهمها فجورها و تقواها: آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد»، به گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها اشاره دارد. وجود این گرایش در انسان سبب شده (علت) که اگر به یکی از گناهان آلوده شد خود را سرزنش و ملامت کند و در اندیشه‌ی جبران برآید. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است.

نکته‌ی طلایی «گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها معلول و برخاسته از فطرت خداگری انسان و علت وجدان و سرزنش پس از گناه است.

۱۸۵

گزینه ۱

علت این که فضائی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم، وجود گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها در درون ما انسان‌هاست که مفهوم عبارت شریفه‌ی: «فآلهمها فجورها و تقواها: آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد» می‌باشد.

۱۸۶

گزینه ۴

آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها»، بیانگر گرایش به زیبایی‌ها و نیکی‌ها است. گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب شده (علت) که در مقابل گناه و زشتی عکس‌العمل نشان دهد.

نکته‌ی طلایی «سرزنش و ملامت پس از گناه و در اندیشه‌ی جبران آن برآمدن، توسط نفس لوامه صورت می‌گیرد ولی معلول و برخاسته از گرایش به نیکی می‌باشد.

۱۸۷

گزینه ۱

عبارت شریفه‌ی: «فآلهمها فجورها و تقواها: آن گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد»، بیانگر گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌هاست، به این معنا که انسان به صورت فطری، درونی و ناآموخته، خوبی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «سایر گزینه‌ها در صورت صحیح بودن، مفهوم این آیه نمی‌باشد.

۱۸۸

گزینه ۴

خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها»، ابتدا به نفس و سپس به آن که نفس را سامان بخشیده سوگند یاد کرده و در نهایت، از الهام بدکاری و تقوا به آدمی (گرایش به نیکی و زیبایی) سخن گفته است.

۱۸۹

گزینه ۱

گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب شده است که در مقابل گناه و زشتی عکس‌العمل نشان دهیم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت کنیم و در اندیشه‌ی جبران برآیم. قرآن کریم، این سرزنش‌کننده‌ی درونی را «نفس لوامه» یعنی نفس سرزنشگر نامیده و به آن سوگند خورده است.

۱۹۰

گزینه ۲

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

۱۹۱

گزینه ۴

خداوند سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در ما قرار داد. (علت) از این رو هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند. (فطرت خدا آشنا) خداوند شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد (علت) تا به خیر و نیکی روآوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. از این‌روست که همه‌ی ما فضائی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم. پروردگار، به ما قوه و نیرویی به نام عقل (حجت باطن) عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم، حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

۱۹۲

گزینه ۳

علاوه بر سرمایه‌های بزرگ (کرامت، عقل، اختیار، فطرت خدا گرا و گرایش به نیکی)، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاده است تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند. آیه‌ی شریفه‌ی: «و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و إن الله لمع المحسنین» باتوجه به عبارت «لنهیدینهم سبلنا» می‌تواند به هدایت اشاره داشته باشد. ولی در اصل این آیه، بیانگر بهره‌مندی از امدادهای الهی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «با توجه به عبارت‌های «نشان دادن طریق سعادت» و «فرستاده است» در صورت سؤال، گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا نشان دادن کار حجت ظاهر است نه امدادهای الهی.

۱۹۳

گزینه ۴

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و إن الله لمع المحسنین»، کسانی که در راه خدا که راه خوشبختی خودمان است، تلاش و مجاهدت نمایند (و الذین جاهدوا فینا) مشمول دو چیز می‌شوند: الف- برخورداری از «لنهیدینهم سبلنا» یعنی، خداوند نیز ادامه‌ی مسیر را به آنان نشان می‌دهد و هدایتشان می‌کند. ب- این وعده‌ی خداوند که: «و إن الله لمع المحسنین»، یعنی، هر کس در راه خدا تلاش کند، او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند.

نکته‌ی طلایی «شرط برخورداری از هدایت الهی در عبارت قرآنی: «أو لئک الذین هداهم الله»، تبعیت از عقل و خرد «یستمعون القول فیتبعون أحسنه» می‌باشد. و شرط برخورداری از هدایت الهی مطرح شده در عبارت شریفه‌ی: «لنهیدینهم سبلنا»، جهاد در راه خدا (جاهدوا فینا) می‌باشد.

۱۹۴

گزینه ۳

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، بیانگر منزلت و کرامت عام انسان است. گزینه‌ی (۲)، شامل تابعان عقل و خرد می‌شود و گزینه‌ی (۴)، در مورد کسانی است که زندگی خود را بر محور عشق به غیر خدا بنا کرده‌اند.

«نکته‌ی طلایی» نفس اماره، انسان را از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد و راه نجات از وسوسه‌های آن از دیدگاه قرآن، برخورداری از رحمت الهی است.

گزینه ۲

۲۰۳

گزینه‌ی (۲) در مورد شیطان است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» بیت مورد سؤال و سه گزینه‌ی (۱) و (۳) و (۴)، در مورد نفس اماره است.

گزینه ۲

۲۰۴

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی: «یا ایها الناس کلوا ممّا فی الأرض حلالا طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان...»، برای اجتناب از حرام‌خواری، شرط بهره‌مند شدن انسان‌ها (یا ایها الناس) از تمام نعمت‌های خداوند در زمین (ممّا فی الأرض)، «حلال و پاکیزه بودن» (حلالا طیباً)، آن نعمت‌ها است.

گزینه ۴

۲۰۵

در این آیه، پیروی از وسوسه‌های شیطانی (خطوات الشیطان) به دلیل این که به تعبیر قرآن: «إنّه لکم عدوّ مبین إنّما یامرکم بالسوء و الفحشاء و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون» نهی شده است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳) درباره‌ی نفس اماره است.

گزینه ۲

۲۰۶

گزینه‌ی (۲)، در مورد نفس اماره است.

گزینه ۱

۲۰۷

مطابق آیات قرآن، دشمن آشکار آدمی (عدو مبین)، شیطان است چرا که ما را به «سوء و فحشاء» دعوت می‌کند (إنما یامرکم بالسوء و الفحشاء) و اینکه چیزی را از روی جهل به خداوند نسبت دهیم، (و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون)

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، درباره‌ی نفس اماره است.

گزینه ۴

۲۰۸

مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الوريد»، علت آگاهی خداوند از وسوسه‌های نفس اماره‌ی انسان، نزدیک‌تر بودن او از رگ گردن به انسان است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، درباره‌ی شیطان است.

گزینه ۳

۲۰۹

شیطان که به تعبیر قرآن، «عدوّ مبین» است، همواره انسان‌ها را به دو مورد امر می‌کند: «بالسوء و الفحشاء» و «و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون»

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا به تعبیر امام علی^(ع)، نفس اماره، دشمن‌ترین دشمن انسان است.

گزینه ۳

۲۱۰

عبارت قرآنی: «و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون - و این که درباره‌ی خدا بگویید آن چه را نمی‌دانید»، درباره‌ی شیطان به کار رفته است. کار شیطان وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز همین وسوسه، راه نفوذ دیگری ندارد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، دعوت به سرپیچی از نظر علمی نادرست است.

گزینه ۱

۱۹۵

خداوند به به ما یادآوری می‌کند که عامل درونی سقوط و گمراهی همان نفس اماره است، که برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، انسان‌ها را به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد.

«نکته‌ی طلایی» نفس اماره نقطه‌ی مقابل عقل و وجدان است.

گزینه ۲

۱۹۶

پراساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الوريد» ما انسان را آفریدیم و به آن چه نفس او وسوسه می‌کند آگاهیم و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم، علت آگاهی خداوند از وسوسه‌های نفس اماره، نزدیکی خداوند به انسان (یا قرب وجودی خدا) معرفی شده است.

گزینه ۴

۱۹۷

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

«توضیح» علت و معلولیت همان علت و معلول است. علت وجود دهنده به معلول و از نظر وجودی مقدم بر معلول است. به عبارتی تا علت نباشد، معلول وجود پیدا نمی‌کند. معلول که اثر یا پدیده است، توسط علت وجود پیدا می‌کند، بنابراین مؤخر از علت است و با عبارت‌هایی چون بازتاب، نتیجه، مولود بیان می‌شود. با این توضیح از بین «قرب وجودی خدا» و «آگاهی از نفس اماره»، هر کدام از نظر وجودی مقدم باشد، علت است.

گزینه ۳

۱۹۸

نفس اماره، عاملی درونی است که انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند. حضرت علی^(ع) درباره‌ی نفس اماره می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.»

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» منظور از دشمن آشکار (عدو مبین) در گزینه‌ی (۱)، همان شیطان است.

گزینه ۴

۱۹۹

حضرت علی^(ع) درباره‌ی نفس اماره فرمودند: «دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.» و براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الوريد»، علت آگاهی از وسوسه‌های نفس اماره، نزدیک‌تر بودن خداوند از رگ گردن به انسان است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، درباره‌ی گرایش به نیکی و گزینه‌ی (۲) و (۳)، در مورد شیطان است.

گزینه ۳

۲۰۰

نفس اماره برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، انسان‌ها را به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد.

گزینه ۱

۲۰۱

امام علی^(ع) «دشمن‌ترین دشمن انسان»، رانفس اماره‌ی او معرفی کرده‌اند که براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الوريد»، خداوند به دلیل قرب وجودی خود از وسوسه‌های آن آگاه است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) و (۳) در مورد شیطان است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چرا که با رحمت الهی (نه با عقل و وحی) می‌توان از وسوسه‌های نفس اماره نجات یافت.

گزینه ۳

۲۰۲

با استناد به آیه‌ی «و ما أبرء نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربی...» می‌توان گفت که علت دور ماندن حضرت یوسف^(ع) از وسوسه‌های نفس اماره، رحمت الهی است.

گزینه ۱	۲۱۹
خداوند از موجود گمراه کننده‌ای خبر می‌دهد که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد. شیطان که به تعبیر قرآن، «عدُو مبین» است، همواره انسان‌ها را به دو مورد امر می‌کند «بالسوء و الفحشاء» و «و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون: و این که درباره‌ی خدا بگویند آن چه را نمی‌دانید.»	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا نسبت دادن سخنی به خداوند از روی چهل است نه از روی علم.»	

گزینه ۴	۲۲۰
«حق‌پذیری» به معنای تابع عقل و دلیل بودن که عامل شناخت مسیر صواب از ناصواب (درست از نادرست) از عوامل رشد آدمی است. مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله ...» این است که خداوند به انسان نیروی عقل داده تا با بهره گرفتن از این نیرو راه درست زندگی را از راه نادرست تشخیص داده و با درک حقایق از جهالت و نادانی دور شود.	

گزینه ۴	۲۲۱
آن گروه از بندگان خدا که به سخنان دیگران گوش می‌دهند (یستمعون القول) و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند (فیتبعون احسنه) (علت)، مشمول این سه مورد می‌شوند: الف- بشارت خداوند (فبشر) ب- هدایت الهی (اولئک الذین هداهم الله) ج- اینان از خردمندان اند. (و اولئک هم اولوا الالباب)	

گزینه ۱	۲۲۲
عاملی درونی سقوط و گمراهی همان نفس اماره است، که برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، انسان‌ها را به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد. آیه‌ی شریفه‌ی: «و لقد خلقتنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد»، به همین مانع درونی رشد اشاره دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) و قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، مربوط به شیطان است.»	

گزینه ۲	۲۲۳
آیه‌ی: «انّ المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملک مقتدر»، منزلت و جایگاه متقین و پرهیزکاران را قرب الهی و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی بیان می‌کند که از ودیعه‌های بیرونی و درونی برای رسیدن به کمال نهایت بهره را برده‌اند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴) در مورد پیروی کنندگان از عقل و خرد است.»	

گزینه ۳	۲۲۴
تشخیص راه درست از نادرست توسط عقل انسان صورت می‌گیرد. خدا به آن گروه از بندگان خود که به سخنان دیگران گوش می‌دهند (یستمعون القول) و با نیروی عقل بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند (فیتبعون احسنه) (علت)، این دو مورد را بشارت داده است: الف- هدایت الهی (اولئک الذین هداهم الله) ب- اینان از خردمندان اند. (و اولئک هم اولوا الالباب)	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، مربوط به اختیار است.»	

گزینه ۱	۲۱۱
کار شیطان وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز همین وسوسه، راه نفوذ دیگری ندارد.	
گزینه ۲	۲۱۲
شیطان معمولاً از راه‌های زیر، انسان را به نافرمانی از خدا وسوسه می‌کند: ۱- آراستن و زیبا نشان دادن گناه ۲- سرگرم کردن انسان‌ها به آرزوهای دور و دراز دنیایی ۳- غافل کردن از یاد خدا و کارهایی که به یاد خدا می‌اندازد، مانند نماز ۴- ایجاد دشمنی و کینه میان افراد	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «آراستن و زیبا نشان دادن گناه (نه دنیا) راه وسوسه‌ی شیطان به نافرمانی از خداوند است.»	

گزینه ۳	۲۱۳
شیطان در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می‌گوید: «خداوند به شما وعده‌ی حق داد اما من به شما وعده دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم، فقط شما را به گناه دعوت کردم، این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید، نه مرا. نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.»	

گزینه ۱	۲۱۴
این سخن شیطان به گناه کاران که: «پس مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید»، به مختار بودن انسان در انجام کارهایش اشاره دارد و با آیه‌ی شریفه‌ی: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» که به مختار بودن انسان اشاره دارد، تناسب معنایی دارد.	

گزینه ۴	۲۱۵
آیه‌ی شریفه‌ی: «انّ المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملک مقتدر - همانا پرهیزکاران در بهشت‌هایی هستند که نهرهایی در آن جاری است، در مکان راستی و نزد پادشاهی مقتدر»، منزلت و جایگاه متقین و پرهیزکاران را بیان می‌کند که از ودیعه‌های بیرونی و درونی برای رسیدن به کمال نهایت بهره را برده باشند.	
توضیح «در این آیه و آیات درس ۹ دوم، از متقین سخن گفته شده است.»	

گزینه ۳	۲۱۶
«نفس اماره»، یک مانع درونی است که انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند (توسوس به نفسه) و از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) و (۲)، درباره‌ی شیطان و گزینه‌ی (۴)، به فطرت خدا آشنای انسان اشاره دارد.»	

گزینه ۴	۲۱۷
خداوند به آن گروه از بندگان خدا که به سخنان دیگران گوش می‌دهند (یستمعون القول) و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند (فیتبعون احسنه) (علت)، این دو مورد را بشارت داده است: الف- هدایت الهی (اولئک الذین هداهم الله) ب- اینان از خردمندان اند. (و اولئک هم اولوا الالباب)	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) پاداش مجاهدان راه خدا (والذین جاهدوا فینا) می‌باشد.»	

گزینه ۳	۲۱۸
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۲۳۱	گزینه ۴
شیطان سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد. کار شیطان، وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد.	

۲۳۲	گزینه ۲
در آیات قرآن، رحمت الهی (إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)، علت در امان ماندن از وسوسه‌های نفس اماره (لَأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ) معرفی شده است. علت گرایش به نیکی و زیبایی، فطرت خداگرایی انسان است که مفهوم آیهی شریفه: «فَاقْمْ وُجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» می‌باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینهی (۳)، به نیروی عقل و گزینهی (۴)، به شیطان اشاره دارد.	

۲۳۳	گزینه ۳
درک حقایق و در پی آن دور شدن از جهل و نادانی به کمک عقل انسان صورت می‌گیرد. آیهی شریفه: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ...»، به این سرمایه‌ی فطری و درونی رشد اشاره دارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینهی (۱) به نفس اماره، گزینهی (۲) به فطرت خداگرایی انسان و گزینهی (۴) به امدادهای غیبی اشاره دارد.	

۲۳۴	گزینه ۲
توانایی «دوری از جهل و نادانی»، به کمک عقل انسان صورت می‌گیرد و آیهی شریفه: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ...»، به این سرمایه‌ی فطری و درونی رشد اشاره دارد. «دوری از شقاوت»، توسط اختیار انسان صورت می‌گیرد و مفهوم آیهی شریفه: «أَنَا هَدَيْتُهُ السَّبِيلَ أَمَا شَاكَرًا أَمَّا كُفْرًا» است.	

۲۳۵	گزینه ۳
خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در ما قرار داد. از این رو هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند؛ بنابراین صورت سؤال بیانگر مفهوم «فطرت خداشنا و خداگرا و قرب وجودی خداوند با انسان» است. مفهوم آیهی شریفه: «فَاقْمْ وُجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، فطرت خداشنا و خداگرا و مفهوم آیات «و نحن اقرب اليه من حبل الوريد» و «و اذا سألک عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة»، قرب وجودی خداوند با انسان است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینهی (۳)، آیهی: «و لئن سألتهم من خلق السماوات و الأرض ليقولنَّ الله»، بیانگر خالقیت پروردگار است که عقلانی است و ارتباطی با فطرت خداشنا و قرب وجوی خداوند با انسان ندارد.	

۲۳۶	گزینه ۴
برای پاسخ به این تست، فقط از روش حذف گزینه استفاده کنید. دوست داشتن فضایی چون صداقت، کرامت و ... و بیزاری از دورویی، حقارت و ظلم، بیانگر یکی از عوامل رشد در وجود انسان یعنی گرایش به نیکی و خیر است که مفهوم آیهی: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها» می‌باشد. و آیهی شریفه: «فَاقْمْ وُجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، بیانگر آن است که خداوند دین خود را بر پایه‌ی فطرت الهی انسان تنظیم کرده است. یعنی دین که برنامه‌ی زندگی است، برنامه‌ای منطبق با ویژگی‌های خلقتی انسان است. خداوند دین را فرستاده تا انسان‌ها با عمل به آن استعدادهای فطری خود را شکوفا کنند و به کمال رسانند. سعادت و رستگاری انسان در گرو شکوفایی همین استعدادهاست.	

۲۲۵	گزینه ۲
نفس اماره، عامل درونی سقوط و گمراهی است، که برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، انسان‌ها را به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می‌دارد. آیهی شریفه: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد»، به همین مانع درونی رشد اشاره دارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینهی (۳)، به نیروی عقل و گزینهی (۴)، به شیطان اشاره دارد.	

۲۲۶	گزینه ۱
براساس آیهی شریفه: «و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا و إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، کسانی که در راه خدا که راه خوشبختی خودمان است، تلاش و مجاهدت نمایند (و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا) مشمول دو چیز می‌شوند: الف- برخورداری از «لنهدیَنَّهُم سُبُلَنَا» یعنی، خداوند نیز ادامه‌ی مسیر را به آنان نشان می‌دهد و هدایتشان می‌کند. (هدایت معنوی) ب- این وعدهی خداوند که: «و إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، یعنی، هر کس در راه خدا تلاش کند، او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) به تابعان عقل و خرد تعلق می‌گیرد.	

۲۲۷	گزینه ۳
این عبارت «همه‌ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم»، بیانگر گرایش به نیکی و زیبایی و مفهوم آیهی شریفه: «فآلهمها فجورها و تقواها» - آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد، است. این گرایش ریشه در فطرت و سرشت خداشنای انسان دارد.	

۲۲۸	گزینه ۴
این سخن شیطان که «من فقط شما را به گناه دعوت کردم»، بیانگر اختیار انسان در محدوده‌ی حیات دنیوی او می‌باشد. سایر عبارات، مربوط به اختیار دنیوی انسان نمی‌باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینهی (۱) و (۲) مربوط به آخرت است. گزینهی (۳) بیانگر اختیار انسان نیست.	

۲۲۹	گزینه ۲
به تعبیر قرآن، اولوا الالباب یا خردمندان کسانی هستند که به سخنان دیگران گوش می‌دهند (یستمعون القول) و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را بر می‌گزینند (فیتبعون احسنه) خداوند به این افراد این دو مورد را بشارت داده است: الف- برخورداری از هدایت الهی (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ) ب- اینان از خردمندان اند. (و أولئك هم أولوا الألباب)	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، در مورد خردمندان است ولی عبارت قرآنی: «و أولئك هم أولوا الألباب»، در مورد آیه نمی‌باشد.	

۲۳۰	گزینه ۲
عبارت شریفه: «و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد» به نفس اماره از موانع رشد اشاره دارد. ولی سایر گزینه‌ها به عوامل رشد انسان اشاره دارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینهی (۱)، عبارت قرآنی: «فصلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصيلا»، بیانگر منزلت و کرامت انسان در نزد خدا و در گزینهی (۳)، عبارت قرآنی: «و لا اقسام بالنفس اللوامة»، بیانگر وجدان و در گزینهی (۴)، عبارت قرآنی: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها»، بیانگر گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها می‌باشد.	

۲۴۲	گزینه ۲
در این آیه، خداوند به صراحت اشاره می‌کند که به انسان کرامت بخشیده (کَرَمًا) و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است. (و فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ) دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، به نیروی عقل و گزینه (۳)، به شیطان و گزینه (۴)، به نفس اماره اشاره دارد.	

۲۴۳	گزینه ۳
این سخن امام علی ^(ع) : «در هیچ چیزی ننگریستم، مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم»، با آیهی مبارکه‌ی: «فَاقُمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» تناسب معنایی داشته و هر دو بیانگر فطرت خداگرای انسان می‌باشند.	

۲۴۴	گزینه ۴
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، به منزلت و کرامت انسان در نزد خدا و گزینه (۲)، به مانع درونی رشد یعنی نفس اماره و گزینه (۴)، به امدادهای غیبی از عوامل رشد اشاره دارند.	

۲۴۵	گزینه ۴
در آیهی شریفه: «و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ...» به پیروی نکردن از وسوسه‌های شیطان تأکید شده است. نقطه‌ی مقابل پیروی نکردن از شیطان، پیروی کردن از عقل و خرد است که آیهی شریفه: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» به این مفهوم اشاره دارد.	

۲۴۵	گزینه ۴
این سخن امام علی ^(ع) : «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود.» و آیهی کریمه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» به «منزلت انسان در نزد خداوند» که نتیجه‌ی خویششن شناسی است، اشاره دارند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، به نیروی اراده و اختیار، گزینه (۲)، به گرایش به نیکی و زیبایی و گزینه (۳)، به نیروی عقل و خرد از عوامل درونی رشد اشاره دارند.	

۲۴۶	گزینه ۲
در میان کاروان هستی که به سوی خدا در حرکت است، انسان سرنوشت ویژه‌ای دارد. این سخن امام علی ^(ع) : «در هیچ چیزی ننگریستم، مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم»، بیانگر شکوفا شدن فطرت خداگرای انسان است.	

۲۴۷	گزینه ۲
دوست داشتن فضایل و گرایش به آن‌ها، بیانگر گرایش به نیکی و زیبایی می‌باشد که ریشه در فطرت خداگرای انسان دارد. آیهی مبارکه‌ی: «فَاقُمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» بیانگر فطرت خداگرای انسان و علت و سرچشمه‌ی گرایش به نیکی و زیبایی می‌باشد.	

۲۴۸	گزینه ۳
براساس آیهی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، کسانی در راه خدا که راه خوشبختی خودمان است، تلاش و مجاهدت نمایند (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا) مشمول دو چیز می‌شوند: الف- خداوند نیز ادامه‌ی مسیر را به آنان نشان می‌دهد و هدایتشان می‌کند. ب- این وعده‌ی خداوند که: «و إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، یعنی، او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند سازد و در رسیدن به مقصد یاری کند.	

۲۴۹	گزینه ۴
نکته‌ی طلایی «گرایش به نیکی و زیبایی، معلول فطرت خداگرای انسان و علت وجدان و نفس لَوَّامه است.	

۲۳۷	گزینه ۴
نقش نفس لَوَّامه، سرزنش انسان گناه‌کار پس از ارتکاب گناه است و نقش نفس اماره، دعوت انسان به گناه است. هم‌چنین مقصود از آیهی شریفه: «و نفس و ما سَوَّاهَا فَالِهَمَهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»، این نیست که خداوند به انسان هم استعداد زشتی داده و هم استعداد خوبی و در نتیجه، هم گرایش به خوبی دارد و هم گرایش به بدی؛ بلکه مقصود از آیه آن است که انسان اصول کلی خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌شناسد و می‌داند که چه چیزی خوب است و گرایش به آن دارد و چه چیزی بد است و گرایش به آن ندارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت سوم گزینه (۳) نادرست است، زیرا مفهوم آیهی مورد سؤال، گرایش به نیکی است نه استعداد نیکی.	

۲۳۸	گزینه ۲
این سخن شیطان: «مَنْ بَرَّ شِمَا تَسْلَطُی نَاشِئْتُمْ، فَقَطَّ شِمَا رَا بِهٖ گَناه دَعْوَت کَرْدَمْ؛ خُود رَا سَرزَنَش کَنید نَه مَرَا»، بیانگر اختیار انسان است و آیهی شریفه: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، نیز بیانگر همین موضوع است. بیت: «دوست نزدیک‌تر از من به من است / وین عجب‌تر که من از وی دورم» و آیهی: «فَاقُمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» به سرشت خدا آشنای انسان اشاره دارند.	

۲۳۹	گزینه ۱
بیت: «چه کنم با که توان گفت که او / در کنار من و من مهجورم»، با آیهی شریفه: «فَاقُمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا...» و روایت امام علی ^(ع) : «ما رایت شیئا الا و رایت...» مطابقت مفهومی داشته و همگی به فطرت خداآشنای انسان اشاره دارند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۲)، محور زندگی کسانی که زندگی خود را براساس عشق به خدا و یا بر پایه‌ی غیر خدا بنا کرده‌اند را بیان می‌کند. گزینه (۳)، لازمه محبت الهی را پیروی از خداوند معرفی می‌کند. گزینه (۴)، بیانگر منزلت و کرامت انسان در نزد خدا می‌باشد.	

۲۴۰	گزینه ۳
این که خداوند، آن‌چه را که در آسمان‌ها و زمین است برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود او قرار داده، بیانگر منزلت و کرامت انسان در نزد خداوند و مفهوم آیهی شریفه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» است.	

۲۴۱	گزینه ۴
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، نتیجه‌ی عزت نفس که به معنای شکست ناپذیری در برابر گناه است را بیان می‌کند. گزینه (۲)، به هدف‌مندی جهان و علت این هدف‌مندی اشاره دارد. گزینه (۴)، به نافرمانی از وسوسه‌های شیطان و دلایل آن اشاره دارد.	

۲۴۱	گزینه ۴
در آیهی شریفه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، اعطای این سه مورد: «الف- برنشدن آدمی در خشکی و دریا (و حملناهم فی البرّ و البحر)، ب- روزی دادن به انسان از انواع روزی‌های پاکیزه (و رزقناهم من الطّیبات) ج- و برتری کامل بخشیدن بر بسیاری از مخلوقات (و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً)»، نشانگر منزلت و کرامت انسان در نزد خداوند است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، بیانگر گرایش به نیکی و زیبایی و گزینه (۲)، بیانگر فطرت خدا گرا و گزینه (۳)، بیانگر اختیار انسان است.	

۲۵۵	گزینه ۴
«خداوند را سرچشمه‌ی همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها یافتن»، بیانگر سرشت خداشنای انسان و «تنفر و بیزاری از دورویی و ذلت و دون‌همتی»، بیانگر گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌هاست. و همین گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب شده (علت) که در مقابل گناه و زشتی عکس‌العمل نشان دهیم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم خود را سرزنش و ملامت می‌کنیم و در اندیشه‌ی جبران برمی‌آییم. نکته‌ی طلایی سرزنش پس از گناه توسط وجدان و نفس لوّامه صورت می‌گیرد ولی همین سرزنش برخاسته از گرایش به نیکی و زیبایی است.	

۲۵۶	گزینه ۴
آیه‌ی شریفه‌ی: «فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا». با سخن امام علی^(ع) تناسب معنایی داشته و هر دو به سرشت خداشنای انسان اشاره دارند.	

۲۵۷	گزینه ۴
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَعْدِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، برتری دادن انسان به سایر مخلوقات از سوی خداوند (و لقد کرّمنا بنی آدم) یک کرامت ذاتی است که همه‌ی انسان‌ها از آن برخوردارند ولی برتری یافتن بر بسیاری از مخلوقات (فضلناهم علی کثیر) به اختیار انسان و بیانگر منزلت اختیاری انسان است. نکته‌ی طلایی تفاوت کرّمنا و فضّلنا: اولی مر بوط به امور ذاتی و ملحقات آن از غرایز است، و دومی مربوط به امور اکتسابی است که خود او باید تحصیل کند.	

۲۵۸	گزینه ۲
شیطان معمولاً از راه‌های زیر انسان را گمراه می‌کند: زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه - سرگرم کردن انسان‌ها به آرزوهای سراب‌گونه‌ی دنیایی - غافل کردن از خدا و یاد او - ایجاد کینه و دشمنی میان مردم دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها زیبا نشان دادن گناه از راه‌های فریب دادن شیطان است نه زیبا نشان دادن دنیا.	

۲۵۹	گزینه ۳
تعبیر قرآنی: «فَیْ مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِیکِ الْمَقْتَدِرِ»، جایگاه متقین و مبین قرب الهی و بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت است. عبارت شریفه‌ی: «وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ - این که درباره‌ی خدا بگوئید آن چه را نمی‌دانید»، از روش‌های شیطان برای فریب انسان‌ها در ناآگاهانه سخن گفتن درباره‌ی خداوند است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲)، به علت آگاهی خداوند از وسوسه‌های نفس اماره اشاره دارند. قسمت اول گزینه‌ی (۴)، به سیر تکاملی جهان به سوی خداوند اشاره دارند.	

۲۶۰	گزینه ۲
عکس‌العمل نشان دادن در مقابل گناه و زشتی که توسط وجدان اخلاقی یا نفس لوّامه صورت می‌گیرد، معلول و برخاسته از گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها است. این گرایش مفهوم عبارت شریفه‌ی: «فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» می‌باشد.	

۲۵۹	گزینه ۳
این سخن حضرت علی^(ع): «دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.» و آیه‌ی شریفه‌ی: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسُّوسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، هر دو به نفس اماره اشاره دارند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱)، در مورد شیطان، گزینه‌ی (۲)، درباره‌ی گرایش به نیکی و زیبایی و گزینه‌ی (۴) درباره‌ی وجدان یا نفس لوّامه سخن می‌گوید.	

۲۵۰	گزینه ۱
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِنَّمَا كَفَرُوا»، بیانگر این است که «خداوند تعالی، انسان را مختار و مسئول سرنوشت خویش قرار داد» و آیه‌ی شریفه‌ی: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»، مؤید این است که «بیهودگی در نظام آفرینش جایگاهی ندارد». دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، به نفس لوّامه اشاره دارد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، به هدف‌مندی مخلوقات (نه ردّ بیهودگی مخلوقات) اشاره دارد.	

۲۵۱	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «...فَيُشَرِّعُ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، به قوه‌ی عقل اشاره دارد، یعنی پروردگار متعال، به ما قوه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط، تشخیص دهیم، حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱)، به نیروی اراده و اختیار و گزینه‌ی (۳)، به امدادهای غیبی و گزینه‌ی (۴)، به فطرت خداگرایی انسان از عوامل رشد آدمی اشاره دارند.	

۲۵۲	گزینه ۳
کار شیطان وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها سایر گزینه‌ها از راه‌هایی است که شیطان از طریق آن‌ها انسان را گمراه می‌کند.	

۲۵۳	گزینه ۳
این که انسان فضایی چون صداقت و عزت‌نفس را دوست دارد و از دورویی، حقارت نفس و ریا بیزار است، بیانگر گرایش به نیکی و زیبایی می‌باشد. این گرایش، مفهوم عبارت شریفه‌ی: «فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، بیانگر نفس اماره است.	

۲۵۴	گزینه ۱
وقتی انسان در دوراهی گناه و پاکی قرار می‌گیرد، خودنمایی نفس اماره شروع می‌شود و انسان را به گناه وسوسه می‌کند. آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمَا أَمْرٌ إِلَّا نَفْسُ الْإِنْسَانِ لَا مَرَّةَ بِالسَّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ...» - و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده‌ی مهربان است» که در ماجرای حضرت یوسف^(ع) بیان شده و بیانگر همین مانع رشد است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها دلیل نادرست بودن گزینه‌ی (۳)، این است که آیه‌ی شریفه‌ی: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسُّوسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، به موضوع خودنمایی نفس اماره اشاره ندارد.	

۳۶۸	گزینه ۳
شیطان سوگند یاد کرده است که فرزندان آدم را فریب دهد. البته در پیشگاه خداوند اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد. شیطان معمولاً از راه‌های سرگرم کردن انسان‌ها به آرزوهای دور و دراز دنیایی، انسان را به نافرمانی از خدا و سوسه می‌کند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست‌اند، زیرا شیطان از طریق آراستن و زیبا نشان دادن گناه (نه دنیا) انسان را به نافرمانی از خدا و سوسه می‌کند. گزینه‌ی (۳) کامل‌تر از گزینه‌ی (۴) می‌باشد.	

۳۶۹	گزینه ۱
آیه‌ی شریفه: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها - پس روی خود را حق گرایانه به سوی دین الهی نگه دار همان سرشت خدایی که همه‌ی مردم را بر آن سرشته است»، بیانگر فطرت خداگرای انسان است، یعنی هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند.	

۳۷۰	گزینه ۴
خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، در ما قرار داد. از این رو، هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد (فطری) و محبتش را در دل حس می‌کند. لازم به یادآوری است که امور فطری آموختنی و اکتسابی نیستند و هر انسانی آن‌ها را در درون خود می‌یابد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است، زیرا انسان امور فطری را بدون هیچ واسطه‌ای در درون خود می‌یابد نه اینکه از طریق آموختن به آن‌ها آگاه شود.	

۳۷۱	گزینه ۳
این سخن امام علی ^(ع) که فرمودند: «در هیچ چیز نظر نکردم، مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم» و آیه‌ی شریفه: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها»، به فطرت خداگرای انسان اشاره دارند. عکس‌العمل نشان دادن در برابر گناه و زشتی توسط نفس لوامه صورت می‌گیرد، ولی بازتاب و نتیجه‌ی گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌هاست. آیه‌ی شریفه: «و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها»، به گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها اشاره دارد.	

۳۷۲	گزینه ۱
در آیه‌ی شریفه: «ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه و از وسوسه‌های شیطانی پیروی نکنید»، درباره‌ی معلول بودن وسوسه‌های شیطانی و علت بودن حرام خواری سخن می‌گوید. به عبارت دیگر حرام خواری علت گرفتار شدن به دام وسوسه‌های شیطانی است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، موضوع علت و معلول بودن حرام خواری و پیروی از وسوسه‌های شیطانی را بر عکس بیان کرده است. قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴) مفهوم آیه‌ی مورد سؤال نمی‌باشد.	

۳۷۳	گزینه ۲
شیطان سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و انتقام رانده شدن از درگاه الهی را بگیرد. کار او وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز این راه نفوذ دیگری در ما ندارد. و عامل مؤثر در اثرگذاری وسوسه‌های شیطان، همان هوس‌ها و نفس‌آماره‌ی خود انسان است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا سرگرم کردن فرزندان آدم به آرزوهای طولانی از جمله راه‌هایی است که شیطان از طریق آن انسان را گمراه می‌کند. نه این که عامل مؤثر در اثرگذاری وسوسه‌های شیطان باشد.	

۳۶۱	گزینه ۱
آن مرتبه از «نفس» که به دلیل عظمت و جایگاهش، مورد سوگند باری تعالی قرار گرفته است، نفس لوامه است که ظهور و بروزش به هنگام گرفتار شدن به گناه است و علت مسبب این سرزنش پس از گناه، گرایش به نیکی و زیبایی می‌باشد که مفهوم عبارت شریفه: «فالهمها فجورها و تقواها» است.	
«تمرین تست زنی» همان طور که قبلاً بارها گفته شد، بهترین روش برای پاسخ دادن به این قبیل تست‌ها حذف گزینه‌های نادرست است. قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است، چرا که نفس مطمئنه مبرا از گناه است. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نیز نادرست است، زیرا نفس لوامه پس از ارتکاب گناه به سرزنش انسان می‌پردازد.	

۳۶۲	گزینه ۴
از عبارت قرآنی: «پس مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید»، مفهوم می‌گردد که گناه به اختیار انسان انجام می‌گیرد و موقع ارتکاب گناه، شیطان بر انسان هیچ تسلطی ندارد.	

۳۶۳	گزینه ۲
بر اساس آیه‌ی شریفه: «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد - ما انسان را آفریدیم و به آن چه نفس او وسوسه می‌کند آگاهیم و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم»، علت آگاهی خداوند از وسوسه‌های نفس انسان، نزدیک‌تر بودن خداوند از رگ گردن به انسان (قرب وجودی خداوند به انسان) است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از علم خداوند به وسوسه‌های نفس آماره است نه سخن از علم الهی به انسان و نفس وسوسه‌گر او. قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است زیرا علت آگاهی خداوند نزدیک‌تر بودن از رگ گردن به انسان است نه علم ذاتی او.	

۳۶۴	گزینه ۴
آیه‌ی شریفه: «جز این که شما را دعوت کردم و شما مرا پاسخ دادید»، به اختیار انسان در دنیا اشاره دارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۳) عبارت: «پس مرا سرزنش نکنید و خود را سرزنش کنید»، نیز بیانگر اختیار انسان است، ولی نه در محدوده‌ی حیات دنیوی، بلکه این عبارت در آخرت و قبل از ورود به دوزخ خطاب به جهنمیان بیان می‌شود.	

۳۶۵	گزینه ۳
این سخن امام علی ^(ع) : «در هیچ چیزی ننگریستم، مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم»، با آیه‌ی مبارکه‌ی: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها»، تناسب معنایی داشته و هر دو بیانگر فطرت خداگرای انسان می‌باشند. قرآن جایگاه متقین در بهشت را «فی مقعد صدق عند ملک مقتدر» معرفی می‌کند.	

۳۶۶	گزینه ۳
کرامت انسان بر بسیاری از مخلوقات در گرو خویشستن شناسی (شناخت جهان و درک جایگاه انسان در کاروان هستی) است. و اعطای این مقام به انسان نتیجه‌ی برخورداری او از روح و نفس است.	

۳۶۷	گزینه ۱
در آیه‌ی شریفه: «ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه و از وسوسه‌های شیطانی پیروی نکنید»، به طور صریح به واجب بودن حلال و طیب خواری و حرام بودن همگامی با شیطان تأکید شده است.	



۲۸۰ **گزینه ۳**

خداوند در آیهی شریفه‌ی: «ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغة فخلقنا المضغة عظاماً فكسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله أحسن الخالقين»، مراحل پنج‌گانه‌ی خلقت «مادی و جسمانی انسان» را به ترتیب، این‌گونه معرفی کرده است: ۱- نطفه ۲- خون بسته (علقه) ۳- پاره‌ی گوشت (مضغه) ۴- استخوان (عظام) ۵- پوشاندن استخوان‌ها با گوشت (فکسونا العظام لحماً)

جمع‌بندی در آیات این درس، دو روایت از مراحل خلقت انسان داریم: مراحل خلقت انسان خطاب به ملائکه و مراحل خلقت جنینی انسان.

۲۸۱ **گزینه ۴**

مراجعة شود به پاسخ پرسش قبل. (فقط از طریق حذف گزینه پاسخ دهید.)

نکته‌ی طلایی کلمه‌ی «نعمال»، یادآوری سریع مراحل خلقت جنینی انسان است: «ن» آن بیانگر نطفه، «ع» آن بیانگر علقه، «م» آن بیانگر مضغه، «لف» آن، بیانگر الف عظام و «ل» آن بیانگر لحم می‌باشد.

۲۸۲ **گزینه ۲**

عبارت شریفه‌ی: «ثم انشأناه خلقاً آخر - پس او را به آفرینشی دیگر باز آفریدیم» و عبارت قرآنی «نفخت فيه من روحي - از روح خود در او دمیدم»، هر دو به اثبات بعد روحانی انسان می‌پردازند.

نکته‌ی طلایی هر دو عبارت: «نفخت فيه من روحي» و «ثم انشأناه خلقاً آخر»، بیانگر مجرد و غیر مادی بودن روح انسان است، با این تفاوت که اولی علت مسجود فرشتگان بودن انسان است و دومی بیانگر خلقت متفاوت با جسم انسان می‌باشد.

۲۸۳ **گزینه ۳**

خداوند پس از پایان خلقت جسمانی (مراحل پنج‌گانه‌ی جنینی) و سپس روحانی می‌فرماید: «فتبارك الله أحسن الخالقين» که بیانگر قدرت‌نمایی خداوند در آفرینش انسان است.

نکته‌ی طلایی پس از دمیدن روح خداوند در جسم انسان، عبارت قرآنی «فقووا له ساجدين» آمده و پس از خلقت متفاوت با جسم انسان، عبارت قرآنی: «فتبارك الله أحسن الخالقين» آمده است.

۲۸۴ **گزینه ۱**

مطابق تعبیر قرآنی: «أنشأناه خلقاً آخر»، روح انسان خلقتی متفاوت (خلقاً آخر) با بعد جسمانی او دارد. زیرا خداوند پس از تکمیل مراحل جسم انسان (مراحل پنج‌گانه‌ی جنینی) می‌فرماید: «سپس او را به آفرینشی دیگر (خلقاً آخر) باز آفریدیم». خلقتی دیگر به معنای خلقتی متفاوت با مراحل خلقت جسمانی انسان است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۲)، دومین مرحله‌ی خلقت جسمانی انسان خطاب به ملائکه است. گزینه‌ی (۳)، بیانگر غیر مادی بودن روح انسان است. گزینه‌ی (۴)، اولین مرحله‌ی خلقت مادی انسان خطاب به ملائکه است.

۲۸۵ **گزینه ۳**

قدرت اختیار و تصمیم‌گیری انسان، مربوط به بعد روحانی و غیر جسمانی او می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱)، اخلاق و قدرت اختیار و تصمیم‌گیری‌های انسان، تنها در مورد ارزش‌ها نادرست است. در گزینه‌ی (۲)، غرایز مربوط به بعد روحانی انسان نمی‌باشد. در گزینه‌ی (۴)، روح تجزیه و تحلیل می‌پذیرد، اشتباه است.

۲۷۴ **گزینه ۱**

مفهوم «احساس خرسندی از انجام زیبایی‌ها و ملامت‌گر خویش بودن در پی انجام بدی‌ها»، بیانگر گرایش به نیکی و زیبایی و مفهوم گزینه‌ی (۱) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۲)، به غیرمادی بودن روح که علت مسجود فرشتگان شدن آدمی است اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، به فطرت خداگرایی انسان اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، به منزلت و کرامت آدمی در نزد خدا اشاره دارد.

۲۷۵ **گزینه ۲**

آیه‌ی مذکور به منزلت و کرامت انسان در نزد خداوند اشاره دارد و دست‌یابی به این مقام در گرو خویش‌شناسی است.

درس چهارم: خود حقیقی

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۳۰	۱۹	۱۸
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۳	۲	۲

۲۷۶ **گزینه ۲**

در این دو آیه: «اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشراً من طين فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين»، خداوند خطاب به ملائکه مراحل خلقت انسان را این‌گونه بیان می‌کند: وقتی انسان را از خاک و مواد موجود در طبیعت (خالق بشراً من طين - بعد جسمانی) پدید آورد، به او روح بخشید (و نفخت فيه من روحي) و تمام استعدادها و ارزش‌های انسانی (سرشت خدا آشنا، گرایش به نیکی ...) را در وجودش (بعد روحانی) قرار داد.

تمرین تست‌زنی برای پاسخ سریع به این تست از روش حذف گزینه استفاده می‌کنیم. با توجه به اینکه آیه خطاب به ملائکه است، قسمت سوم گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است. در قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، مراحل خلقت انسان برعکس بیان شده است.

۲۷۷ **گزینه ۱**

با توجه به توضیحات سؤال قبل، مراحل خلقت انسان خطاب به ملائکه به ترتیب عبارت است از: «خلقت از خاک - آراستن - دمیدن روح در جسم»

۲۷۸ **گزینه ۴**

بر خورداری انسان از روح الهی (نفخت فيه من روحي)، علت مسجود فرشتگان شدن آدمی است. تعبیر قرآنی: «سويته» یا آراستن انسان، به تفاوت خلقت جسمانی او با سایر مخلوقات اشاره دارد.

نکته‌ی طلایی عبارت قرآنی: «سويته»، بیانگر خلقت متفاوت جسم انسان با سایر مخلوقات ولی عبارت: «ثم انشأناه خلقاً آخر»، بیانگر خلقت متفاوت با جسم انسان است.

۲۷۹ **گزینه ۱**

خداوند پس از دمیدن روح خود در انسان، خطاب به فرشتگان فرمود: «فقووا له ساجدين» که در برابر انسان به سجده درآید.

۲۹۳	گزینه ۲
قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه‌ی پذیرش همین «من» ثابت بنا شده‌اند، به طوری که مجازات جنایت کار بیست سال قبل، تنها در صورت استقلال شخصیت از جسم، قابل توجیه است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۴) نادرست است، چرا که نه تنها از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته یا یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه عرضه نموده است، اکنون تجلیل می‌کنیم بلکه اگر به جنایتی دست زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات می‌کنیم.	

۲۹۴	گزینه ۴
در صورت وابسته بودن شخصیت انسان به جسمش، مجازات یک شخص جنایت کار پس از ۳۰ سال، بی‌عدالتی محسوب شود، چرا که این شخص با گذشت زمان به فردی دیگر تبدیل شده، و مجازات این شخص جدید که همان انسان سی سال پیش نمی‌باشد، برخلاف عدالت است. بنابراین شخصیت انسان مستقل از جسمش می‌باشد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا روح انسان تغییرات زیادی می‌پذیرد. با توجه به توضیحات داده شده گزینه‌ی (۲) نادرست است. گزینه‌ی (۳) بی ربط است.	

۲۹۵	گزینه ۳
«من» یا روح انسان ثابت است یعنی تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود و به چیز دیگری تبدیل نمی‌شود. و مانند مواد جسمانی بدن نیست که جای خود را به مواد دیگری دهد. چرا که اگر چنین اتفاقی بیفتد، این «من» جدید را نمی‌توان همان «من» قبلی دانست. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، زیرا در صورت وابستگی من به جسمش، من آدمی همانند جسمش فرسودگی و تجزیه و تحلیل خواهد داشت. گزینه‌ی (۴)، نقض صورت سؤال است.	

۲۹۶	گزینه ۱
برخی انسان‌ها قسمت‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند، اما نه خودشان و نه دیگران هیچ‌گاه احساس نمی‌کنند که قدری از من و هویت او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و خود ما ناشی از ثبات اندام ما نیست. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» توضیح بالا، علت اصلی این امر است، سایر گزینه‌ها علت آن نیست.	

۲۹۷	گزینه ۳
رؤیاهای صادقه، خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می‌دهند، یا ویژگی‌های مکانی را بیان می‌کنند که شخص بیننده‌ی خواب هرگز آن‌جا را ندیده است. «توضیح» از بین انواع خواب‌ها، تنها رؤیاهای صادقه به اثبات تجرد و غیرمادی بودن روح می‌پردازند.	

۲۹۸	گزینه ۴
خواب‌هایی که خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می‌دهند یا ویژگی‌های مکانی را بیان می‌کنند که شخص بیننده‌ی خواب هرگز آن‌جا را ندیده است، بر غیرمادی بودن و تجرد روح دلالت دارند.	

۲۸۶	گزینه ۳
بعد روحانی و غیرجسمانی انسان، تحلیل نمی‌پذیرد، تلاشی نمی‌شود و به همین جهت، بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست‌اند، چرا که من حقیقی و هویت واقعی آدمی مستقل از جسمش است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چرا که روح انسان تحلیل پذیر نمی‌باشد.	

۲۸۷	گزینه ۴
مهم‌ترین دلایل عقلانی غیر مادی بودن روح، «روای صادقه» و «ثبات شخصیت» می‌باشند. «نکته‌ی طلایی» دو دلیل نقلی در این درس در اثبات غیر مادی بودن روح، عبارت است از: «تفخت فیه من روحی» و «ثم انشأناه خلقاً آخر»	

۲۸۸	گزینه ۴
هر کسی درک روشنی از خود دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می‌کند، به هیچ‌گونه استدلالی نیاز ندارد. «نکته‌ی طلایی» لازم به یادآوری است که اثبات روح نیاز به استدلال دارد، بنابراین روح همانند اختیار و من حقیقی انسان، از تصورات روشن و بدیهی نیست.	

۲۸۹	گزینه ۳
محدود بودن به مکان و زمان خاص، از ویژگی‌های جسم است، در حالی که من و شخصیت حقیقی انسان، وابسته به روح آدمی می‌باشد و مستقل از جسم اوست.	

۲۹۰	گزینه ۱
با گذشت حدود هفت سال (نه ده سال)، تمام عناصر بدن تجدید می‌شوند.	

۲۹۱	گزینه ۱
شخصیت و هویت و من حقیقی انسان، مستقل از جسمش است. اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست. هر کس این را در خود می‌یابد که کس دیگری جایگزین او نشده و او همواره خودش بوده است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا اگر شخصیت انسان وابسته به جسمش باشد همانند جسم تغییرپذیر است و می‌تواند استعدادهایش را شکوفا کند و به کمال آن برساند. قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا با وابستگی من و حقیقت وجود انسان به روحش، این دو مفهوم رخ نخواهد داد.	

۲۹۲	گزینه ۴
این حقیقت که: «اگر انسان کارهایی در طول سالیان گذشته انجام داده باشد، همه‌ی این کارها را به همین «خود» نسبت می‌دهد و خود را عامل آن کارها می‌داند»، معلول عدم وابستگی شخصیت انسان به جسمش و استقلال شخصیت او از جسم و کالبدش است.	

۲۹۳	گزینه ۴
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، بی ربط است. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چرا که با گذشت حدود ۷ سال، تمام عناصر جسمانی بدن (نه روح و شخصیت) تجدید می‌شوند. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چرا که هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می‌کند به هیچ‌گونه استدلالی احتیاج ندارد.	

گزینه ۱	۳۰۴
اگر روح انسان به کرامت‌های اخلاقی آراسته باشد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا با این موارد نمی‌توان مسجود فرشتگان شد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا کمالات افول ناپذیرند.	

گزینه ۲	۳۰۵
هر سه عبارت «درک جاودانگی و طلب آن»، «کسب کرامت یا رذایل اخلاقی» و «توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری»، از ویژگی‌های روح و بعد غیر جسمانی انسان است.	

گزینه ۲	۳۰۶
عبارت قرآنی: «ثم أنشأناه خلقا آخر»، به خود حقیقی انسان یا بعد مجرد و غیرمادی انسان اشاره دارد و کسب رذیلت‌های اخلاقی و ارتکاب گناهان مربوط به خود حقیقی انسان می‌باشد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا عبارت قرآنی: «انی خالق بشر من طین»، به بعد مادی و جسمانی انسان اشاره دارد.	

گزینه ۲	۳۰۷
خداوند پس از پایان خلقت جسمانی (مراحل پنج‌گانه‌ی خلقت جنینی) و سپس خلقت بعد روحانی انسان که متفاوت با جسم اوست (ثم أنشأناه خلقا آخر) می‌فرماید: «فتبارک الله احسن الخالقین» که بیانگر قدرت‌نمایی خداوند در آفرینش انسان است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها خداوند پس از دمیدن روح خود در انسان (و نفخت فيه من روحي)، خطاب به فرشتگان فرمود: «فقعوا له ساجدين که در برابر انسان به سجده درآیید.»	

گزینه ۲	۳۰۸
خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی: «ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین»، اولین مرحله‌ی خلقت انسان در رحم مادر را نطفه معرفی می‌کند و پس از پایان مراحل پنج‌گانه‌ی خلقت جنینی انسان به خلقت بعد روحانی انسان که متفاوت با جسم اوست (ثم أنشأناه خلقا آخر) اشاره کرده و پس از آن، می‌فرماید: «فتبارک الله احسن الخالقین» که بیانگر قدرت‌نمایی خداوند در آفرینش انسان است.	

گزینه ۴	۳۰۹
عبارت قرآنی: «ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین»، بیان‌کننده‌ی این مطلب است که بعد روحانی انسان خلقتی متفاوت از جسمش دارد. یکی از دلایل اثبات بعد روحانی انسان از طریق من حقیقی یا خود واقعی او می‌باشد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا اثبات روح بر خلاف من حقیقی انسان، نیاز به استدلال دارد. یعنی روح انسان، از تصورات روشن و بدیهی و بی‌نیاز از استدلال نیست.	

گزینه ۲	۳۱۰
عبارت شریفه‌ی: «و دخل معه السجن فتیان قال احدهما انی ارانی اعصر خمرا»، خواب زندانی اول و بیانگر انگور فشردن زندانی برای پادشاه بود. حضرت یوسف ^(ع) این خواب را برای زندانی اولی تعبیر کرد و به او فرمود تو آزاد می‌شوی و در دربار پادشاه مصر موقعیت خوبی می‌یابی. آیه‌ی شریفه‌ی: «انی ارانی احمل فوق راسی خبزا تأکل الطیر منه نبثنا بتأویله انا نراک من المحسنین»، خواب زندانی دوم و بیانگر به دار آویخته شدن زندانی بود. حضرت یوسف این خواب را برای زندانی دومی تعبیر کرد و به او فرمود تو را به دار می‌آویزند.	

گزینه ۱	۲۹۹
۴ رؤیای صادقه که در سوره‌ی یوسف آمده عبارتند از: ۱- آیات شریفه‌ی: «اذ قال یوسف لاییه یا ابت انی رأیت احد عشر کوکبا و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین: زمانی که یوسف به پدرش گفت من یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم آن‌ها به من سجده می‌کنند» ۲- «و دخل معه السجن فتیان قال احدهما انی ارانی اعصر خمرا: و دو جوان با او به زندان درآمدند. یکی از آن دو گفت من خویشتن را در خواب دیدم که شراب می‌فشارم» ۳- «و قال الآخر انی ارانی احمل فوق راسی خبزا تأکل الطیر منه نبثنا بتأویله انا نراک من المحسنین: و دیگری گفت من خود را به خواب دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم» ۴- «و قال الملک انی اری سبع بقرات سمان يأکلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر یابسات: پادشاه مصر گفت من در خواب دیدم هفت گاو چاق، که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند. هفت خوشه‌ی سبز و هفت خوشه‌ی خشکیده‌ی دیگر» گزینه‌ی (۱) جزو این موارد نیست.	

گزینه ۲	۳۰۰
برای پاسخ به این تست، به شیوه‌ی حذف گزینه عمل شود. پراساس آیات شریفه‌ی: «اذ قال یوسف لاییه یا ابت انی رأیت احد عشر کوکبا و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین»، حضرت یوسف ^(ع) خواب خود را برای پدرش بیان کرد، حضرت یعقوب ^(ع) به ایشان گفت که خوابش را برای کسی تعریف نکنند. آیه‌ی: «انی ارانی اعصر خمرا»، مربوط به رهاسدن از زندان است. و آیه‌ی: «انی ارانی احمل فوق راسی خبزا» مربوط به خواب زندانی محکوم به اعدام است.	

گزینه ۲	۳۰۱
آیات شریفه‌ی: «اذ قال یوسف لاییه یا ابت انی رأیت احد عشر کوکبا و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین: زمانی که یوسف به پدرش گفت من یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم آن‌ها به من سجده می‌کنند»، بیانگر رسیدن حضرت یوسف ^(ع) به مقام ولایت الهی است. و آیه‌ی شریفه‌ی: «و قال الملک انی اری سبع بقرات سمان يأکلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر یابسات: پادشاه مصر گفت من در خواب دیدم هفت گاو چاق، که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند. هفت خوشه‌ی سبز و هفت خوشه‌ی خشکیده‌ی دیگر»، بیانگر بروز یک دوره‌ی هفت ساله‌ی آبادانی و پس از آن یک دوره‌ی هفت ساله‌ی خشکی و قحطی در مصر است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، سخن هم‌زندانی حضرت یوسف ^(ع) به ایشان است.	

گزینه ۱	۳۰۲
اگر دستگاه‌های ادراکی انسان همگی مادی بودند، مجال بود انسان بتواند از واقعیت‌هایی که هنوز در عالم خارج وجود ندارند دقیقاً خبر بدهد.	
نکته «اینکه انسان می‌تواند از واقعیت‌هایی که هنوز در عالم خارج وجود ندارند دقیقاً خبر بدهد، بیانگر وجود دستگاه‌های غیر مادی در وجود انسان است.	

گزینه ۴	۳۰۳
خارج شدن از زمان حال و رفتن به زمانی در آینده و گذشته و همچنین خارج شدن از مکان خود و مشاهده‌ی مکانی که در آن حضور ندارد، از جمله ویژگی‌های رؤیای صادقه است که به بعد روحانی و غیر جسمانی انسان مربوط می‌شود.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) نادرست است، چراکه انسان در رؤیای صادقه به دنبال کمالات بی‌نهایت و نامحدود نمی‌رود.	

گزینه ۲	۳۱۷
در آیهی مورد سؤال، به مراحل خلقت مادی انسان اشاره شده است نه مراحل تکوین روح انسان.	

گزینه ۴	۳۱۸
اگر شخصیت یا «من» حقیقی انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست.	

گزینه ۲	۳۱۹
عبارت قرآنی: «ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين»، بیان کنندهی این مطلب است که بعد روحانی انسان خلقتی متفاوت با جسمش دارد، زیرا پس از بیان مراحل پنج گانهی خلقت مادی انسان در رحم مادر، می فرماید با خلقتی دیگر او را باز آفریدیم.	

گزینه ۱	۳۲۰
«من» و «هویت» انسان ثابت است و مستقل از جسم اوست. ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اندامهای ما نیست. هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می کند به هیچ گونه استدلالی احتیاج ندارد. دو عبارت قرآنی: «و نفخت فيه من روحي» و «ثم انشأناه خلقا آخر»، به بعد مجرد و روحانی و غیرمادی انسان اشاره دارند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت سوم گزینه ی (۳)، به خلقت مادی انسان اشاره دارد.	

گزینه ۳	۳۲۱
مقصود از آن «خود» که برخوردار از خلقتی متفاوت با جسم انسان است، بعد روحانی اوست که تجزیه و تحلیل ناپذیر است. آیهی شریفه: «ثم انشأناه خلقا آخر»، بیانگر خلقت متفاوت روح انسان با جسم اوست و آیهی شریفه: «و قال الملك اني ارى سبع بقرات سمان...»، از رویاهای صادقه و بیانگر تجرد روح است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت دوم گزینه ی (۱) به خلقت متفاوت روح انسان با جسمش اشاره ندارد. قسمت اول گزینه های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا روح انسان ثابت نیست و تغییرات زیادی می پذیرد.	

گزینه ۲	۳۲۲
این عبارت که: «با از دست رفتن قسمتی از بدن شخص پس از حادثه این احساس را در شخص پدید می آورد که قدری از هویت او کم شده است»، نادرست است، چرا که برخی انسان ها قسمت هایی از بدن خود را در حادثه ای از دست می دهند، اما نه خودشان و نه دیگران هیچ گاه احساس نمی کنند که قدری از من و هویت او کم شده باشد و این نشان می دهد که ثبات هویت و خود ما ناشی از ثبات اندام ما نیست.	

گزینه ۲	۳۲۳
بعد روحانی انسان در جست و جوی جاودانگی است و رویاهای صادقه نشانه ای بر وجود آن است و نمونه ی آن را در داستان یوسف پیامبر ^(ع) می توان مشاهده نمود.	

گزینه ۱	۳۲۴
در آیهی: «و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من طين فاذا سويتة و نفخت فيه من روحي فقولا له ساجدين»، درمی یابیم که سامان بخشی آدمی (سویته) پس از آفرینش انسان از خاک (خالق بشرا من طين) و بعد مادی او است و فرمان الهی به فرشتگان مبتنی بر وجوب سجده به انسان معلول و تابع دمیدن روح خود در کالبد انسان و پس از بهره مندی از سرشت مجرد اوست.	

گزینه ۴	۳۱۱
عبارت قرآنی: «ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين»، بیان کنندهی این مطلب است که بعد روحانی انسان خلقتی متفاوت با جسمش دارد. خداوند پس از این مرحله فرموده است: «فتبارك الله احسن الخالقين»	
یادآوری خداوند پس از دمیدن روح در کالبد انسان (و نفخت فيه من روحي) به فرشتگان دستور داد که «فقعوا له ساجدين»	

گزینه ۳	۳۱۲
بعد روحانی و غیر جسمانی انسان تجزیه و تحلیل نمی پذیرد، متلاشی نمی شود و بعد از مرگ بدن، باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد. با وجود تجزیه و تحلیل ناپذیری و عدم فرسودگی، تغییرات و دگرگونی های زیادی می پذیرد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا ثبات هویت آدمی ناشی از ثبات اندامهای نیست. گزینه ی (۲) نادرست است، زیرا روح آدمی پس از مرگ، باقی مانده و آگاهی خود را از دست نمی دهد. گزینه ی (۴) نادرست است، زیرا روح انسان به فضائل آراسته شده و همین بعد (نه جسم انسان) تن به ردالت ها می دهد.	

گزینه ۲	۳۱۳
قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه ی پذیرش همین «من» ثابت بنا شده اند. به همین دلیل اگر از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته یا یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه عرضه نموده است، اکنون تجلیل می کنیم یا اگر به جنایتی دست زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات می کنیم.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا روح انسان (نه خود انسان) می تواند از ظرف زمان یا مکان خود خارج شود. گزینه ی (۳) نادرست است، زیرا خود حقیقی ما و شخصیت واقعی ما ناشی از بعد مجرد و غیرمادی (نه بعد غیر مجرد یا جسمانی) اوست. گزینه ی (۴) نادرست است، زیرا «من» ثابت انسان در عین روشن بودن، بی نیاز از استدلال است.	

گزینه ۲	۳۱۴
«تغییرپذیری»، ویژگی بعد جسمانی و روحانی انسان و «توانایی درک واقعیات» و «طلب کمالات نامحدود»، ویژگی بعد روحانی انسان است. «بازسازی» ویژگی بعد جسمانی انسان است، چرا که جسم انسان مدام در حال تجزیه و تحلیل و بازسازی است.	
تمرین تست زنی «با در نظر گرفتن توضیح داده شده، برای پاسخ به این تست، فقط از روش حذف گزینه استفاده شود.	

گزینه ۴	۳۱۵
عبارت قرآنی: «ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين»، که بیان کنندهی خلقت متفاوت بعد روحانی انسان با جسمش است، به اثبات بعد غیر جسمانی یا مجرد بودن روح انسان می پردازد. خداوند پس از این مرحله ی آفرینش انسان فرموده است: «فتبارك الله احسن الخالقين» که بیانگر قدرت نمایی بی نظیر خدا در خلقت انسان است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت اول گزینه های (۲) و (۳) نادرست است، زیرا روح انسان ثابت نیست و بلکه تغییرات زیادی می پذیرد. قسمت دوم گزینه ی (۱) نادرست است، زیرا عبارت قرآنی: «فقعوا له ساجدين»، پس از دمیدن روح خداوند در جسم انسان بیان شده است نه پس از خلقتی متفاوت با جسم او.	

گزینه ۲	۳۱۶
از توجه در آیهی شریفه: «اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من طين فاذا سويتة و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين»، درمی یابیم که سامان بخشی آدمی (سویته) پس از آفرینش انسان از خاک (خالق بشرا من طين) و بعد مادی او است و فرمان الهی به فرشتگان مبتنی بر وجوب سجده به انسان معلول و تابع دمیدن روح خود در کالبد انسان و پس از بهره مندی از سرشت مجرد اوست.	

۳۳۰	گزینه ۳
آیهی شریفه: «قال احدهما انی ارانی اعصر خمراً و قال الآخر انی ارانی احمل فوق راسی خبزا تاكل الطیر منه: و دیگری گفت من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم»، مربوط به خواب هر دو زندانی همراه حضرت یوسف^(ع) بوده و دلیل بر غیرمادی بودن روح است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا این آیه بیانگر غیرمادی بودن روح است نه دو ساحتی بودن انسان. قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا فقط قسمت اول آیه، مربوط به زندانی محکوم به اعدام است و کل آیه مربوط به هر دو زندانی است.	

۳۳۱	گزینه ۱
آیهی شریفه: «انی اری سبع بقرات سمان یا کلهن سبع عجاف: و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو چاق که هفت [گاو] لاغر آن‌ها را می‌خورند»، خواب پادشاه مصر است که تعبیر کننده‌ی آن، حضرت یوسف^(ع) بود.	

۳۳۲	گزینه ۲
پیام آیهی شریفه: «انی اری سبع بقرات سمان یا کلهن سبع عجاف»، مربوط به خواب عزیز مصر و تعبیر کننده‌ی آن یوسف پیامبر^(ع) بود. پیام آیهی شریفه: «انی ارانی اعصر خمراً»، خواب زندانی منتهی به تقرب به عزیز مصر است که تعبیر کننده‌ی آن یوسف پیامبر^(ع) بوده است.	

۳۳۳	گزینه ۳
آیهی شریفه: «ابت انی رأیت احد عشر کوباً و الشمس و القمر لی ساجدین ...» یکی از رؤیاهای صادق است که در سوره ی یوسف^(ع) مطرح شده و این گونه خواب‌ها دلیلی بر وجود بعد غیر مادی انسان یا غیر مادی بودن روح است.	

۳۳۴	گزینه ۱
من ثابت یا هویت واقعی که با گذشت زمان از تغییر مصون است، از دلایل عقلی در اثبات غیر مادی بودن روح است. ثابت بودن من و هویت انسان نشانگر ثبات روح نیست، چراکه روح آدمی تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد.	

۳۳۵	گزینه ۴
عامل الوده شدن انسان به گناه، بی‌توجهی به خدا و آخرت است. پس فرد غافل از خدا و آخرت به راحتی تن به گناه می‌دهد. براساس عبارت شریفه: «و نفخت فیه من روحی ففعواله ساجدین»، سجده‌ی فرشتگان بر آدمی، معلول بهره‌مندی او از روح الهی است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها برای پاسخ به این تست باید به شیوه‌ی حذف گزینه عمل کنیم. قسمت سوم گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است، سجده‌ی فرشتگان بر آدمی، معلول بهره‌مندی او از روح الهی است. با توجه به توضیح داده شده، قسمت اول و دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است.	

۳۳۶	گزینه ۴
وقتی می‌گوییم روح انسان ثابت است، بدین معنی نیست که دچار هیچ تغییری نمی‌شود، بلکه روح انسان تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد. منظور از ثبات روح این است که دست تجزیه و تحلیل و فرسایش و استهلاک از دانش به دور است و آیهی: «انی اری سبع بقرات سمان»، مربوط به خواب عزیز مصر و آیهی: «انی ارانی احمل فوق راسی خبزا»، مربوط به خواب زندانی محکوم به اعدام است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا روح آدمی با وجود ثابت بودن تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد.	

۳۳۵	گزینه ۴
بعد روحانی و غیر جسمانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. با وجود تجزیه و تحلیل ناپذیری و عدم فرسودگی، تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد. قوه‌ی تفکر و اندیشه، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری، عواطف و احساسات و اخلاق، همه مربوط به این بعد از وجود انسان است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، زیرا تفکر و اختیار فقط مربوط به بعد روحانی انسان است نه دو ساحتی بودن او و این بعد روحانی انسان تجزیه نمی‌پذیرد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا قوه‌ی تفکر و اندیشه، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری؛ همه مربوط به بعد روحانی انسان است نه بعد جسمانی انسان که تجزیه می‌پذیرد.	

۳۳۶	گزینه ۳
با توجه به آیهی: «إذ قال ربک للملائکة انی خالق بشرا من طین فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین»، که در صورت سؤال آمده است، مراحل خلقت انسان به ترتیب عبارت است از: ابتدا آفرینش او از خاک (طین) و سپس آراستنش (سوّیته) و سپس دمیدن روح در جسم انسان. خداوند پس از دمیدن از روح خود در جسم آدمی، به فرشتگان دستور داد تا بر انسان سجده کنند. (فقعوا له ساجدین) دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) نادرست است، زیرا در آیهی: «ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا المضة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارک الله أحسن الخالقین»، خداوند پس از بیان مراحل پنج‌گانه‌ی خلقت «مادی و جسمانی انسان»: ۱- نطفه ۲- خون بسته (علقه) ۳- پاره‌ی گوشت (مضغه) ۴- استخوان (عظام) ۵- پوشاندن استخوان‌ها با گوشت (فکسونا العظام لحما)، خداوند می‌فرماید: «سپس ما آن را آفرینش تازه‌ای دادیم» (ثم أنشأناه خلقا آخر).	

۳۳۷	گزینه ۱
همین بعد روحانی انسان است که فضیلت‌ها و ردیلت‌های اخلاقی را کسب می‌کند. و اگر به فضیلت‌ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود و اگر به ردیلت‌ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می‌کند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها با این توضیح، سایر گزینه‌ها باعث رسیدن به مقام قرب الهی و مسجود فرشتگان شدن آدمی نمی‌شود.	

۳۳۸	گزینه ۲
آیهی شریفه: «انی اری سبع بقرات سمان یا کلهن سبع عجاف»، خواب عزیز مصر بود و این خواب را حضرت یوسف برای عزیز مصر تعبیر کرد و فرمود که یک دوره‌ی هفت ساله‌ی آبادانی در پیش است و پس از آن یک دوره‌ی هفت ساله‌ی خشکی و قحطی خواهد آمد. یادآوری چهار رؤیای صادق که در در سوره‌ی یوسف بیان شده است، به اثبات تجرد و غیر مادی بودن بعد روحانی انسان می‌پردازند.	

۳۳۹	گزینه ۱
پیام آیهی شریفه: «انی رأیت احد عشر کوباً»، مربوط به خواب حضرت یوسف^(ع) و تعبیر کننده‌ی آن حضرت یوسف^(ع) بوده است، چراکه ایشان در آیات قرآن یادآوری می‌کند که من تعبیر آن خواب را می‌دانستم. و پیام آیهی شریفه: «انی ارانی احمل فوق راسی خبزا»، مربوط به خواب زندانی محکوم به مرگ و تعبیر کننده‌ی آن حضرت یوسف^(ع) بوده است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها برای پاسخ به این گونه تست‌ها، حتماً باید از روش حذف گزینه استفاده کنید. قسمت چهارم گزینه‌ی (۳) قطعاً نادرست است، زیرا تعبیر کننده‌ی خواب زندانی محکوم به مرگ، حضرت یوسف^(ع) بود نه حضرت یعقوب^(ع).	

درس پنجم: پنجره‌ای به روشنائی

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۳	۲۳	۳۶
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۶	۴	۶

گزینه ۳

۳۴۳

براساس آیهی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و الذین کفروا عما أنذرو معرضون»، جهان به حق آفریده شده و سرآمدی معین (اجل مسمى) دارد. این مفهوم، بیانگر هدفمندی و غایت‌مندی جهان و برخاسته از حکمت الهی است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است چون عبارت قرآنی: «اجل مسمى»، بیانگر سرآمدی معین است نه سرآغازی معین.

گزینه ۲

۳۴۴

براساس آیهی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و الذین کفروا عما أنذرو معرضون»، علت به حق آفریده شدن نظام جهان این است که سرانجامی معین (اجل مسمى) دارد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» سایر گزینه‌ها نادرست است، چون این آیه بیانگر حکمت الهی است نه عدل و رحمت الهی.

گزینه ۳

۳۴۵

با استناد به آیهی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و الذین کفروا عما أنذرو معرضون»، یکی از انذارهایی که مورد بی‌توجهی کافران قرار می‌گیرد، به حق آفریده شدن و سرانجام معین داشتن نظام خلقت است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، چراکه به حق بودن همین جهان مادی موضوع این آیه است، نه بر حق بودن حیات اخروی. قسمت دوم و سوم گزینه‌ی (۴)، مطابق توضیح داده شده نادرست است.

گزینه ۴

۳۴۶

براساس آیهی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و الذین کفروا عما أنذرو معرضون»، علت (دلیل) به حق بودن خلقت جهان این است که نظام جهان آینده‌ای روشن و پایانی معین (اجل مسمى) دارد.

«نکته‌ی طلایی» داشتن پایانی مشخص (اجل مسمى)، «علت به حق بودن خلقت جهان» و همچنین بیانگر «نظم موقت حاکم بر پدیده‌ها» می‌باشد.

گزینه ۱

۳۴۷

با توجه به آیهی شریفه‌ی: «قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله ینشیئ الشأه الاخرة ان الله علی کل شیء قدیر»، علت دعوت به سیر و گردش در زمین، مشاهده‌ی خلقت اولیه‌ی مخلوقات به‌منظور پذیرش معاد است.

«نکته‌ی طلایی» این آیه، امکان معاد جسمانی را به ترتیب با توجه به خلقت نخستین (کیف بدأ الخلق) و قدرت نامحدود الهی (ان الله علی کل شیء قدیر) اثبات می‌نماید.

گزینه ۱

۳۳۷

رؤیاهای صادقه مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می‌کنند. این گونه رؤیاها اثباتی برای وجود روح و بعد غیر مادی وجود انسان‌اند و منظور از ثبات روح آدمی، تجزیه ناپذیری آن است و سجده‌ی فرشتگان بر آدم براساس آیهی شریفه‌ی: «و نفخت فیہ من روحی ففعوا له ساجدین»، معلول وجود روح است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم و سوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا روح آدمی با وجود ثابت بودن تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد.

گزینه ۴

۳۳۸

آیهی ذکر شده به رویاهای صادقه‌ی حضرت یوسف^(ع) اشاره دارد که تجرد روح و بعد غیر مادی وجود انسان را بیان می‌کند.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا روح آدمی تغییرات و دگرگونی‌های زیادی می‌پذیرد.

گزینه ۳

۳۳۹

عزیز مصر خواب دید که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند. همچنین هفت خوشه‌ی سبز و هفت خوشه‌ی خشک را هم در خواب دید. این خواب، یک رؤیای صادقه بود. این گونه خواب‌ها، بیانگر تجرد و غیرمادی بودن روح است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا رؤیاهای صادقه به اثبات معاد جسمانی و آفرینش مجدد جسم نمی‌پردازند.

گزینه ۳

۳۴۰

قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه‌ی پذیرش همین «من» ثابت بنا شده‌اند. وقتی می‌گوییم من و روح انسان ثابت است، به این معنا نیست که دچار هیچ تغییری نمی‌شود. روح آدمی تغییرات بسیاری می‌پذیرد. مثلاً اگر مؤمن و نیکوکار باشد، روزه‌روز بر کمالاتش افزوده می‌شود و اخلاق نیکو در او شکل می‌گیرد. حال آن که وقتی می‌گوییم روح ثابت است، منظور این است که «من» و «روح» تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود و به چیز دیگری تبدیل نمی‌گردد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا روح آدمی تغییرات زیادی می‌پذیرد.

گزینه ۳

۳۴۱

وقتی خداوند انسان را از همین خاک و مواد موجود در طبیعت پدید آورد، به او روح بخشید و این استعدادها و ارزش‌ها را در وجودش هویدا ساخت؛ و گرنه این خاک کجا و آن زیبایی‌های بی‌شمار کجا؟! از تدبّر در آیات قرآن کریم به‌دست می‌آید که وجود انسان از دو بعد (جسمانی و روحانی) تشکیل شده است. مسجود فرشتگان شدن آدمی، به تبع بهره‌مندی از بعد روح الهی است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) برعکس بیان شده است. گزینه‌ی (۲) صحیح است ولی گزینه‌ی (۳) کامل‌تر و جامع‌تر است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا مسجود فرشتگان شدن آدمی به خاطر برخورداری از بعد روحانی است نه جسمانی و روحانی.

گزینه ۴

۳۴۲

فارغ بودن از محدودیت زمان و مکان از ویژگی‌های موجودات غیر مادی و مجرد و متلاشی شدن (تلاشی‌پذیری) و تجزیه و تحلیل‌پذیری از ویژگی‌های موجودات غیر مجرد و مادی است.

گزینه ۲	۳۵۴
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «لَنْ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، نتیجه‌اش درآمدن در آتش می‌باشد. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از آخرت تنظیم می‌کنند و کاری برای آخرت نمی‌کنند، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، نتیجه‌ی کفر به آیات الهی و دیدار خداوند در آخرت است. گزینه‌ی (۳)، یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان در مورد انسان است. گزینه‌ی (۴)، سیمای زبان کارترین افراد را بیان می‌کند.	

گزینه ۱	۳۵۵
هرگاه سؤال شود که یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، چیست؟ در پاسخ به این سؤال، با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «وخلق الله السماوات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون»، باید گفت که چون جهان براساس حق است، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا خلقت جهان براساس حق و سرآمدی معین (ما خلقنا السماوات والأرض وما بينهما الا بالحق و اجل مسمى والذين كفروا عما أنذرو معروضون)، مقدمه‌ی تحقق عدل الهی در آخرت (و لتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون) نمی‌باشد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، از این آیه مفهوم نمی‌گردد.	

گزینه ۴	۳۵۶
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «لَنْ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، نتیجه‌اش درآمدن در آتش می‌باشد. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از آخرت تنظیم کرده و فریفته‌ی لذت‌های دنیا شده‌اند (و رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا)، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد. تمرین تست‌زنی «برای پاسخ دادن به تست‌های مفهومی باید به روش حذف گزینه‌های نادرست عمل کرد. گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا علت ورود به دوزخ برای غافلان از خدا و آخرت کارهایشان است نه این‌که رضایت خداوند هدف حیات دنیوی آنان نبوده است. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از غافلان از خدا و آخرت است نه سخن از معتقدان به خدا و آخرت. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا به علت قرار گرفتن در آتش دوزخ اشاره نشده است.	

گزینه ۱	۳۵۷
از دیدگاه قرآن، زبان کارترین مردم در کارها (بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا)، کسانی هستند که الف - تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم شده (الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) در حالی که می‌پندارند بهترین عملکرد را دارند. (و هم یحسبون أنهم يحسنون صنعا) ب - به آیات الهی و دیدار اخروی (أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ) کافرند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) و قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، مربوط به «بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» نمی‌باشد.	

گزینه ۲	۳۵۸
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل توضیح «زبان کار شدن از نظر ملاً و اشراف، پیروی از فردی مانند خود است.	

گزینه ۲	۳۵۸
در آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، خداوند به رسول خدا (ص) دستور می‌دهد که مشرکین را مخاطب قرار داده، و به سیر در زمین ارشادشان نماید (قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ - مقدم) تا بفهمند کیفیت آغاز خلقت (بَدَأَ الْخَلْقَ - مؤخر)، چگونه بوده است و آن را مقدمه‌ی پذیرش آخرت (النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ) قرار دهند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا مشاهده‌ی آغاز آفرینش مخلوقات، نتیجه‌ی سیر و گردش در زمین است نه مقدمه‌ی آن.	

گزینه ۴	۳۵۹
در آیه‌ی شریفه‌ی: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَاجِلٍ مَسْمُومٍ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مَعْزُومِينَ»، با توجه به فرمایش خداوند در انتهای آیه: «الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مَعْزُومِينَ»، یکی از انذارهایی که مورد بی‌توجهی کافران قرار می‌گیرد، به حق آفریده شدن و سرانجام معین داشتن نظام خلقت است.	

گزینه ۴	۳۶۰
آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است، سپس باز خداست که آفرینش آخرت را پدید آورد. خداست که بر هر چیزی تواناست»، با استناد به قدرت نامحدود خداوند (قدیر) امکان معاد جسمانی را ثابت می‌کند (این تست با توجه به توضیحات درس بعد طرح شده است). دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا قدرت نامحدود الهی (إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) بر امکان معاد دلالت دارد نه ضرورت معاد.	

گزینه ۳	۳۶۱
مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «وخلق الله السماوات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون»، یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، این است که چون جهان براساس حق است، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، مربوط به این آیه نمی‌باشد. به عبارت دیگر خلقت جهان براساس حق و سرآمدی معین (ما خلقنا السماوات والأرض وما بينهما الا بالحق و اجل مسمى والذين كفروا عما أنذرو معروضون)، مقدمه‌ی تحقق عدل الهی در آخرت (و لتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون) نمی‌باشد.	

گزینه ۲	۳۶۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «وخلق الله السماوات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون»، با توجه به کلمات «بالحق» و «أجل مسمى»، بیانگر ضرورت و حتمی بودن معاد در پرتو حکمت الهی و با توجه به عبارت شریفه‌ی: «و لتجزى كل نفس بما كسبت»، بیانگر ضرورت و حتمی بودن معاد در پرتو عدل الهی است. (این تست با توجه به توضیحات درس بعد طرح شده است).	

گزینه ۱	۳۶۳
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «لَنْ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، غرق شدن در زندگی دنیا و آرامش کاذب ناشی از آن (رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا) می‌تواند عاملی بر غفلت از آخرت (لا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا) و خداوند (عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ) باشد. یادآوری «این آیه، نگرش منکران معاد را درباره‌ی مرگ و زندگی پس از آن بیان می‌کند.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیه‌ی شریفه‌ی: «انَّ الذِّینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رِضَا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اطمأنُّوا بِهَا وَ الذِّینَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ اولئك ما واهم النار بما كانوا یکسبون»، مربوط به زیان‌کارترین افراد در کارها نیست.

گزینه ۱

۳۶۵

از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «ما هذه الحیة الدنیا لهو و لعب و انَّ الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون»، مفهوم می‌گردد که زندگی دنیا مستقل از آخرت، لهو و لعب است و حیات برتر حقیقی (لهی الحیوان) در آخرت است. **نکته‌ی طلایی** زندگی بدون توجه به آخرت، حاصلش آتش دوزخ است. و زندگی مستقل از آخرت، نتیجه‌اش لهو و لعب است.

گزینه ۴

۳۶۶

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و ما هذه الحیة الدنیا اِلَّا لهو و لعب و انَّ الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون»، دنیا مستقل از آخرت، لهو و لعب است و حیات جاودانه در آخرت است. مفهوم این حدیث پیامبر اسلام (ص) که می‌فرماید: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید بلکه برای بقا خلق شده‌اید، و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید»، نیز به جاودانگی حیات اخروی اشاره دارد. **نکته‌ی طلایی** عبارت قرآنی: «لهی الحیوان»، بیانگر «حیات برتر حقیقی در آخرت» و «جاودانگی و بقای ابدی حیات اخروی» و هم‌بیانگر «یکپارچگی حیات در آخرت» است.

گزینه ۳

۳۶۷

برخورداری از این مژده‌ی خداوند: «فاولئك کان سعیمهم مشکورا» یعنی: «سعی و تلاش او مقبول و مورد پذیرش خداوند واقع خواهد شد.» (معلول)، مشمول کسانی می‌شود که سه شرط زیر را داشته باشند: الف- «و من أراد الآخرة» (آن کس که آخرت را بخواهد و هدفش رسیدن به سعادت اخروی باشد) ب- «و سعی لها» (و برای رسیدن به سعادت جاوید اخروی تلاش کند) ج- «و هو مؤمن» (و به عمل خویش ایمان داشته باشد، و با خلوص نیت به عمل مشغول باشد). **یادآوری** این آیه، بیانگر اولین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ یعنی ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است.

گزینه ۲

۳۶۸

رهایی از ترس و اندوه در عبارت شریفه‌ی: «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»، معلول و بازتاب «من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا» می‌باشد. **یادآوری** این آیه، بیانگر اولین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ یعنی ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است.

گزینه ۲

۳۶۹

گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴)، دیدگاه پیروان انبیای الهی درباره‌ی معاد و حیات اخروی می‌باشند که به وجود آخرت و حیات پس از مرگ اشاره دارند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** گزینه‌ی (۲)، نظر ملاً و اشراف است که به انکار معاد و حیات اخروی می‌پردازند.

گزینه ۳

۳۷۰

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «ما هذه الحیة الدنیا لهو و لعب و انَّ الدار الآخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون»، زندگی دنیا بدون در نظر گرفتن آخرت لهو و لعب (بازیچه و سرگرمی) است و حیات جاودانه (لهی الحیوان) در آخرت است. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه دنیا بدون آخرت پوچ و باطل معرفی شده در صورتی که مطابق این آیه، لهو و لعب (بازیچه و سرگرمی) است. گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، چراکه دنیا یکپارچه حیات نیست، یکپارچگی حیات، ویژگی آخرت است.

گزینه ۱

۳۵۹

از عبارت شریفه‌ی: «و خلق الله السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ»، مفهوم سیطره‌ی ربوبیت الهی بر نظام هستی (به حق آفریده شدن جهان) در تحقق غایت از پیش تعیین شده برداشت می‌گردد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه رسیدن به عدالت موعود در ادیان آسمانی، هدف جوامع انسانی است، نه نظام هستی. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه نبودن خلل و شکاف مفهوم این عبارت قرآنی: «ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت» است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه در این آیه، هدف مخلوقات بیان شده است نه جوامع انسانی.

گزینه ۱

۳۶۰

عبارت شریفه‌ی: «اولئك ما واهم النار بما كانوا یکسبون - جایگاه آن‌ها آتش است به خاطر کارهایی که انجام دادند»، مجازات کسانی است که به تعبیر قرآن: «انَّ الذِّینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رِضَا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اطمأنُّوا بِهَا وَ الذِّینَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** گزینه‌های (۲) و (۳) و (۴) نادرست است، زیرا به تعبیر قرآن: «لا یرجون لقاءنا»، اینان به دیدار خدا امید می‌ندارند.

گزینه ۴

۳۶۱

تعبیر قرآنی: «الَّذین ضلَّ سعیمهم فی الحیة الدنیا و هم یحسبون أنَّهم یحسنون صنعا - آن‌ها که تلاش‌هایشان گم شده در زندگی دنیا و آن‌ها گمان می‌کنند بهترین عملکرد را دارند»، سیمای زیان‌کارترین مردم در کارها (بالأخسرین أعمالاً) را بیان می‌کند. این آیه، بیانگر دومین پیامد نگرش منکرین معاد درباره‌ی مرگ و حیات پس از آن است. در این پیامد، کسانی که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته و خود را به هر کار درست و نادرستی سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** در گزینه‌ی (۱) و (۲)، زیان‌کارترین افراد در کارها صحیح است نه زیان‌کارترین افراد در دوزخ. گزینه‌ی (۳)، ویژگی زیان‌کارترین افراد در کارها نمی‌باشد.

گزینه ۱

۳۶۲

بی‌اثر شدن کارها (فحبطت أعمالهم) و بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستاخیز (فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا)، معلول و بازتاب دومین ویژگی زیان‌کارترین افراد در کارها یعنی «کفروا بآیات ربهم و لقائه - کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت» می‌باشد.

نکته‌ی طلایی عبارت قرآنی: «کفروا بآیات ربهم و لقائه»، سیمای زیان‌کارترین افراد در کارها و عبارت قرآنی: «کفروا و کذبوا بلقاء الآخرة»، سیمای ملاً و اشراف است.

گزینه ۲

۳۶۳

با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «قل هل ننبئکم بالأخسرین أعمالاً الذِّین ضلَّ سعیمهم فی الحیة الدنیا و هم یحسبون أنَّهم یحسنون صنعا اولئك الذِّین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت أعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا»، عبارت: «کفروا بآیات ربهم و لقائه - کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت» دو نتیجه به همراه دارد: ۱- تباه شدن کارها (فحبطت أعمالهم) ۲- بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستاخیز (فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا) است. این آیه، دومین پیامد دیدگاه منکران معاد درباره‌ی مرگ (یعنی غفلت از مرگ و سرگرم شدن به هر کاری برای فراموش کردن آینده‌ی تلخی که در انتظار دارند) را بیان می‌کند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** عبارت: «و خدا را از یاد برده‌اند» در گزینه‌ی (۴) مفهوم این آیه نمی‌باشد.

گزینه ۲

۳۶۴

سیمای زیان‌کارترین افراد در کارها در سؤال قبل ترسیم شده است.

گزینه ۴	۳۷۷
دومین پیامد دیدگاه منکرین معاد این است که گروهی که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته‌اند، خود را به هر کار درست و نادرستی سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیه‌ی: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ...»، سیمای این گروه را بیان می‌کند.	

گزینه ۱	۳۷۸
در پاسخ به این سؤال که کدام گرایش درونی است که منکرین معاد را به بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌کشاند؟ باید گفت آنان که مرگ را پایان زندگی و نابودی بشر می‌دانند، چون حس جاودانگی را در درون خود دارند، ناچار می‌شوند وسایل غفلت خود را فراهم کنند تا از نگرانی نیستی به درآیند.	
نکته‌ی طلایی گرایش فطری و درونی جاودانگی، از دلایل عقلی است که با استناد به حکمت الهی، ضرورت معاد را ثابت می‌نماید.	

گزینه ۴	۳۷۹
نباید از آن چه واقعی است و حتماً اتفاق خواهد افتاد، فرار کرد. زیرا فرار از آن معنا ندارد. فرار از مرگ همان رفتن به سوی آن است. امیرالمؤمنین ^(ع) فرمودند: «ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می‌گریزد، آن را ملاقات می‌کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن است.»	

گزینه ۲	۳۸۰
حضرت رسول ^(ص) می‌فرمایند: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا خلق شده‌اید، و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.»	
توضیح این حدیث پیامبر اسلام ^(ص) با عبارت قرآنی: «لِهُيِ الْحَيَوَانِ» که به جاودانگی و بقای ابدی انسان در آخرت اشاره می‌کند، مطابقت مفهومی دارد.	

گزینه ۱	۳۸۱
حضرت علی ^(ع) می‌فرماید: «زندگی میدان از دست دادن جان و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن است. ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می‌گریزد، آن را ملاقات می‌کند.»	
نکته‌ی طلایی با توجه به اصل عقلی دفع خطر احتمالی لازم است، این روایت امام علی ^(ع) ، ما را به یک بررسی جدی درباره‌ی معاد و حیات پس از مرگ می‌کشاند.	

گزینه ۳	۳۸۲
باهوش‌ترین مؤمنان از نظر رسول خدا ^(ص) : آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.	

گزینه ۳	۳۸۳
تعبیر امام علی ^(ع) از زندگی: «میدان از دست دادن جان و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن» است.	
تمرین تست‌زنی برای پاسخ دادن به این گونه سؤال از روایات، باید سعی کنید متن احادیث را حفظ نمایید.	

گزینه ۴	۳۸۴
اولین پیامد نگرش پیامبران الهی درباره‌ی مرگ، بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و بازشدن پنجره‌ی امید و روشنائی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط (فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون) و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱) و (۲)، مربوط به دومین پیامد نگرش پیامبران الهی درباره‌ی مرگ است. در گزینه‌ی (۳)، ایجاد انگیزه‌ی زهد و ریاضت در زندگی از پیامدهای نگرش پیامبران الهی درباره‌ی مرگ نمی‌باشد.	

گزینه ۱	۳۷۱
مراجعه شود به پاسخ سه پرسش قبل.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها نتیجه‌ی ایمان به خدا و آخرت و انجام عمل صالح در گزینه‌ی (۲)، به «فَلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» می‌انجامد. نتیجه‌ی: «یَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» در گزینه‌ی (۳)، عبارت قرآنی: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُم اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» می‌باشد. نتیجه‌ی مجاهدت در راه خدا و انجام عمل صالح در گزینه‌ی (۴)، عبارت قرآنی: «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» است.	

گزینه ۲	۳۷۲
رهایی از حزن و ترس از عاقبت زندگی خود در عبارت شریفه‌ی: «فَلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»، معلول و بازتاب «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا» است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها نتیجه‌ی گزینه‌ی (۱)، عبارت قرآنی: «فَأُولَئِكَ كَانُ سَعِيَهُمْ مَشْكُورًا» است. نتایج گزینه‌های (۳) و (۴)، در پاسخ سؤال قبلی بیان شد.	

گزینه ۴	۳۷۳
زندگی ثمربخش در آخرت (فَأُولَئِكَ كَانُ سَعِيَهُمْ مَشْكُورًا) معلول سه مورد زیر است: الف- «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ» (آن کس که آخرت را بخواهد و هدفش رسیدن به سعادت اخروی باشد). ب- «وَسَعَى لَهَا» (و برای رسیدن به سعادت جاوید اخروی تلاش کند). ج- «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» (و به عمل خویش ایمان داشته باشد، و با خلوص نیت به عمل مشغول باشد).	
نکته‌ی طلایی مفهوم عبارت قرآنی: «فَأُولَئِكَ كَانُ سَعِيَهُمْ مَشْكُورًا»، زندگی پر ثمر، نتیجه بخش و مورد پذیرش خداوند می‌باشد.	

گزینه ۱	۳۷۴
اولین پیامد دیدگاه منکرین معاد در برابر مرگ این است: انسانی که میل به جاودانگی و وجودش را فرا گرفته، وقتی به چنین نگرشی (نیستی پس از مرگ) می‌رسد، همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، به اولین پیامد دیدگاه انبیای الهی درباره‌ی مرگ اشاره دارد. و قسمت اول گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است.	

گزینه ۳	۳۷۵
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بَهَا»، دیدگاه منکرین معاد درباره‌ی مرگ و حیات پس از آن را بیان می‌کند. اولین بازتاب و نتیجه‌ی پذیرش دیدگاه منکرین معاد، دچار شدن به یأس و ناامیدی و از دست دادن شادابی و نشاط در زندگی است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، نظر و دیدگاه انبیای الهی را درباره‌ی مرگ و حیات پس از آن بیان می‌کند.	

گزینه ۲	۳۷۶
اولین پیامد پذیرش دیدگاه منکرین معاد که معتقدند هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا دفتر عمرش بسته می‌شود و رهسپار نیستی می‌شود، دچار شدن به یأس و ناامیدی (نه یأس و پوچی) و از دست دادن شادابی و نشاط در زندگی است و این شخص از دیگران کناره می‌گیرد و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شود. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راهایی قدم می‌گذارد که روزبه‌روز سرگردان‌تر و مأیوس‌تر می‌شود.	
توضیح دومین پیامد دیدگاه منکرین معاد، غفلت از مرگ برای غلبه بر اضطراب فنا می‌باشد.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) و (۲) در مورد اقدامات امام علی^(ع) صحیح است و بیانگر اولین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ است. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه این حدیث، بیانگر پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ است نه دیدگاه آنان درباره‌ی مرگ.

گزینه ۱

۳۹۳

امام حسین^(ع) فرمودند: «من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم»

مقایسه «زندگی از نظر امام علی^(ع)، میدان فرار از مرگ در عین نزدیک شدن به آن است. زندگی با ظالمان از نظر امام حسین^(ع)، ننگ و خواری است.

گزینه ۱

۳۹۴

شب عاشورا «حضرت قاسم» فرزند امام حسن^(ع) نزد عمویش آمد و پرسید: عمو جان آیا من هم شهید می‌شوم؟ امام به جای جواب، پرسید: چنین رفتنی پیش تو چگونه است؟ جواب داد: شیرین‌تر از عسل! امام فرمود: آری، تو هم شهید خواهی شد.

نکته «این حدیث، بیانگر دومین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ (کاهش ترس از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا) است.

گزینه ۴

۳۹۵

اعتقاد به آخرت نه تنها سبب عقب‌ماندگی نیست، بلکه سبب تصحیح زندگی و پیش گرفتن اخلاق الهی در زندگی می‌شود.

گزینه ۱

۳۹۶

خداوند می‌فرماید: «و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند، و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند: این [مرد] جز بشری چون شما نیست؛ از آن‌چه می‌خورید، می‌خورد و از آن‌چه می‌نوشید، می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زبان کار خواهید بود.» عبارت مشخص شده، سیمای ملاً یا اشراف را بیان می‌کند که به تکذیب آخرت می‌پرداختند.

گزینه ۳

۳۹۷

به تعبیر قرآن، ملاً یا اشراف به تکذیب آخرت می‌پرداختند، زیرا می‌گفتند: «این [مرد] جز بشری چون شما نیست؛ از آن‌چه می‌خورید، می‌خورد و از آن‌چه می‌نوشید، می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زبان کار خواهید بود.»

توضیح «ملاً یا اشراف با بیان این عبارت به مردم: «أیعدکم أنکم إذا متّم و کنتم تراباً و عظاماً أنکم مخرجون هیهات هیهات لما توعدون»، به انکار معاد جسمانی می‌پرداختند.

گزینه ۳

۳۹۸

آیه‌ی شریفه‌ی: «أیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مُردید و خاک و استخوان شدید [باز] شما [از گور زنده] بیرون آورده می‌شوید؟ وه چه دور است آن‌چه که وعده داده می‌شود. جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست. می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد»، سخن ملاً یا اشراف است که چون پیامبر را فردی مانند سایر افراد می‌دانستند به انکار معاد یا زندگی اخروی می‌پرداختند.

گزینه ۳

۳۹۹

بی‌اثر شدن کارها (فحبطت أعمالهم) و بی‌نصیبی از میزان و ارزش در آخرت (فلا تقیم لهم یوم القیامة و زنا)، معلول و بازتاب «کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت (کفر با آیات ربّهم و لقائه)» از ویژگی‌های زبان کارترین افراد در کارها است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۴)، دقیقاً مفهوم صورت سؤال را بیان می‌کند و ما باید به دنبال علت این گزینه باشیم که در گزینه‌ی (۱) بیان شده است.

گزینه ۱

۳۸۵

انسانی که مرگ را گذرگاهی به جاودانگی می‌داند با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هرچه بیش‌تر به دیگران خدمت کند آخرت او زیاتر خواهد بود. حضرت علی^(ع) روزها به نخلستان می‌رفت و به حفر چاه مشغول می‌شد و وقتی به آب می‌رسید در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود آن را وقف می‌کرد و در اختیار عموم مردم قرار می‌داد.

گزینه ۲

۳۸۶

حضرت علی^(ع) گاه زمین بزرگی را انتخاب می‌کرد و به کاشتن نخل می‌پرداخت و وقتی کار به انجام می‌رسید آن را وقف مردم، به خصوص محرومان می‌کرد. این اقدام امام علی^(ع)، در مورد ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی و سپس خدمت به خلق خدا از آثار و پیامدهای اعتقاد به زندگی پس از مرگ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱) خدمت به خدا نادرست است و باید خدمت به خلق خدا باشد.

گزینه ۴

۳۸۷

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند، زیبا هم زندگی می‌کنند، اما به آن دل نمی‌سپارند، از این رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

گزینه ۴

۳۸۸

خداپرستان حقیقی معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند و با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند.

روش مطالعه «برای پاسخ به این نوع تست‌ها، فقط باید عین عبارت‌های کتاب را حفظ نمود.

گزینه ۱

۳۸۹

نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است چون از خداوند تقاضای عمر طولانی دارند نه عمر محدود.

گزینه ۳

۳۹۰

دومین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ، کاهش ترس از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خداست. وقتی ترس از مرگ کاهش می‌یابد، دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر (نه دشوارتر) می‌شود و شجاعت به مرحله‌ی عالی آن می‌رسد. و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری شود، انسان‌ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند.

گزینه ۳

۳۹۱

با کاهش ترس از مرگ که دومین پیامد نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ است، وقتی که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری شود، خداپرستان حقیقی به استقبال شهادت می‌روند تا با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند.

گزینه ۴

۳۹۲

این سخن امام حسین^(ع) که فرمودند: «من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم»، در ارتباط با دومین اثر و پیامد دیدگاه پیامبران الهی نسبت به مرگ و زندگی پس از آن است.

گزینه ۲ **۴۰۶**

عبارت شریفه‌ی: «اولئک مأواهم النار بما کانوا یکسبون - جایگاه آن‌ها آتش است به خاطر کارهایی که انجام دادند»، مجازات کسانی است که به تعبیر قرآن: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» دومین ویژگی زبان کارترین افراد در کارها، عبارت قرآنی: «کفروا بآیات ربهم و لقاءه - کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت» می باشد.

گزینه ۱ **۴۰۷**

برای کسی که مرگ را پایان زندگی می داند، «بی نشاط شدن زندگی» و «کناره گیری از دیگران» معلول و نتیجه‌ی «میل به جاودانگی» است. به عبارت دیگر، میل به جاودانگی، عامل «بی نشاط شدن زندگی» و «کناره گیری از دیگران» است.

گزینه ۲ **۴۰۸**

بی اثر شدن کارها (فجبطت أعمالهم) و بی نصیبی از میزان و ارزش در رستخیز (فلا نقیم لهم يوم القيامة وزنا)، معلول و بازتاب «کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت (کفروا بآیات ربهم و لقاءه)» برای زبان کارترین افراد در کارها می باشد.

گزینه ۲ **۴۰۹**

دومین پیامد دیدگاه الهیون درباره‌ی مرگ، نهراسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خداست. نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با نداشتن کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند. این مفهوم، با پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» که بیانگر پیامد نگرش الهیون درباره‌ی مرگ است، تناسب دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به مانع درونی رشد یعنی نفس اماره اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، به حتمی بودن معاد به دلیل صادق القول بودن خداوند اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، دیدگاه منکرین معاد را درباره‌ی مرگ بیان می کند.

گزینه ۲ **۴۱۰**

پیام آیه‌ی: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله بنشئ الشأه الاخرة إِنَّ الله علی کل شیء قدير»، این است که همان خدایی که این جهان را بدون الگو و نقشی قبلی آفریده است (بدأ الخلق)، قادر خواهد بود (إِنَّ الله علی کل شیء قدير) به همان صورت جهان آخرت را پدیدار سازد. (ثم الله بنشئ الشأه الاخرة)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، شرایط یک زندگی نتیجه بخش و پرثمر را بیان می کند. گزینه‌ی (۳)، یکی از نتایج برحق بودن جهان در مورد انسان را که تحقق عدالت در آخرت است، بیان می کند. گزینه‌ی (۴) به بر حق بودن جهان و علت برحق بودن آن اشاره دارد.

گزینه ۲ **۴۱۱**

زندگی همراه با ننگ و ذلت، عامل سعادت یافتن مرگ (شهادت طلبی) از دیدگاه الهیون است. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند، زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن دل نمی سپرند؛ (علت از این رو، مرگ را ناگوار نمی دانند. (معلول)

تمرین تست زنی «ساده ترین راه تشخیص علت از معلول این است که علت از نظر وجود داشتن مقدم بر معلول است. یعنی اول علت وجود دارد و سپس معلول به وجود می آید. به طور مثال، اول زندگی ذلت بار است و سپس شهادت طلبی پیدا می شود.

گزینه ۴ **۴۰۰**

گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به وجود حیات پس از مرگ اشاره دارند. عبارت شریفه‌ی: «ثم انشأنا خلقنا آخر فتبارک الله احسن الخالقین»، به بعد روحانی انسان که خلقتی متفاوت با جسم او دارد، اشاره می کند و این عبارت قرآنی به وجود حیات پس از مرگ اشاره ندارد.

گزینه ۱ **۴۰۱**

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»، شرط دچار حزن و ترس نشدن از عاقبت زندگی خود، سه چیز است: «ایمان به خدا، ایمان به آخرت و انجام عمل صالح». و براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «من اراد الاخرة و سعی لها سعیها و هو مؤمن فاولئک کان سعیهم مشكورا»، داشتن یک زندگی ثمربخش شامل کسانی می شود که سه شرط زیر را داشته باشند (علت): الف- «و من اراد الاخرة» (آن کس که آخرت را بخواهد و هدفش رسیدن به سعادت اخروی باشد) ب- «و سعی لها سعیها» (و برای رسیدن به سعادت جاوید اخروی تلاش کند) ج- «و هو مؤمن» (و به عمل خویش ایمان داشته باشد، و با خلوص نیت به عمل مشغول باشد).

گزینه ۳ **۴۰۲**

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

تمرین تست زنی «برای پاسخ به این نوع سؤالات مفهومی باید به حذف گزینه‌های نادرست پرداخت تا به پاسخ صحیح رسید. گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا آخرت خواهی برای کسانی مقبولیت دارد که سه شرط مطرح شده در آیه را داشته باشند نه برای هر کسی. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا، تلاش باید برای هدف اخروی باشد نه دنیوی. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا به همراه آخرت خواهی و ایمان به آن، باید سعی و تلاش برای رسیدن به هدف اخروی هم باشد.

گزینه ۴ **۴۰۳**

رسیدن به مقصد و بهره‌مندی از امدادهای الهی در گزینه‌ی (۴)، مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «و الذین جاهدوا فینا لنهدیهم سبیلنا ...» می باشد.

گزینه ۲ **۴۰۴**

این فرمایش امام علی^(ع)، بیانگر نگرش و دیدگاه انبیای الهی درباره‌ی مرگ است. مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «و ما هذه الحیاة الدنیا إلا لهو و لعب و إِنَّ الدار الاخرة لهی الحیوان لو کانوا یعلمون»، که دنیا مستقل از آخرت، لهو و لعب است و حیات جاودانه در آخرت است، نیز بیانگر همین دیدگاه درباره‌ی مرگ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)، بیانگر دیدگاه منکران معاد و یا پیامد دیدگاه آنان می باشد.

گزینه ۳ **۴۰۵**

به تعبیر قرآن، ملاً یا اشراف به تکذیب آخرت می پرداختند، زیرا می گفتند: «ما هذا إلا بشر مثلكم یأكل مما تأكلون منه و یشرّب ممّا تشربون و لئن أطعتم بشرا مثلكم إنکم إذا لخاسرون : این [مرد] جز بشری چون شما نیست؛ از آن چه می خورید، می خورد و از آن چه می نوشید، می نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیان کار خواهید بود.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) سخن ملاً و اشراف در مورد انکار معاد است. گزینه‌ی (۲) و گزینه‌ی (۴)، ویژگی این افراد است.

۴۱۲

گزینه ۳

عبارت قرآنی: «لَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ - جَزْإُ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الدُّنْيَا مَا يَكُونُ لَكُمْ رِجَاؤُهَا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد. سخن ملاً یا اشراف است که زندگی انسان را محدود به همین زندگی مادی و دنیوی می‌دانند و به انکار معاد می‌پردازند. (و ما نحن بمبعوثين) **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** عبارت قرآنی مطرح شده در گزینه‌ی (۲)، به منحصر کردن زندگی در دنیا اشاره ندارد.

۴۱۳

گزینه ۲

عبارت: «ثُمَّ أُنْشَاَهُنَّ أَزْوَاجًا فَهَبَّ لَهُنَّ مِنْ دُونِهَا أَبْنَاءً فَأَنكِحُوا لَهُنَّ أَخَوَاتَهُنَّ فَقَتَلُوا فِي يَوْمٍ ذَلِكَ أَبْنَاءَهُنَّ» به خلقت متفاوت روح انسان با جسم او اشاره داشته و به اثبات بعد روحانی او می‌پردازد و اشاره‌ای به حیات اخروی ندارد. (آیه‌ی درس قبل) **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴)، دیدگاه انبیای الهی را درباره‌ی مرگ بیان می‌کنند و به وجود حیات اخروی انسان اشاره دارند.

۴۱۴

گزینه ۲

این بیان هدایت‌بخش رسول گرامی اسلام^(ص) پیرامون باهوش‌ترین مؤمنان: «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بیش‌تر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند»، که بیانگر اولین پیامد دیدگاه الهیون درباره‌ی مرگ و حیات اخروی است، با آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ لَشَرِيفٍ» که به اولین پیامد دیدگاه درباره‌ی حیات پس از مرگ اشاره دارد، تناسب معنایی دارد. اولین پیامد نگرش انبیای الهی در مورد مرگ، ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است.

۴۱۵

گزینه ۳

آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا...» بیانگر دومین پیامد نگرش منکرین معاد درباره‌ی مرگ است. یعنی، این آیه، سرنوشت کسانی را ترسیم می‌کند که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته‌اند، خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** سایر گزینه‌ها بیانگر دیدگاه پیامبران الهی درباره‌ی مرگ است.

۴۱۶

گزینه ۳

نهراسیدن از مرگ سبب می‌شود دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر می‌شود و شجاعت به مرحله‌ی عالی آن می‌رسد. و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری شود، انسان‌ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند. اولین پیامد نگرش انبیای الهی، بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و بازشدن پنجره‌ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است. چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همت خستگی‌ناپذیر است و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هرچه بیش‌تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیاتر خواهد بود. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا خدمت به خلق مورد نظر است نه عبادت.

۴۱۷

گزینه ۴

مبنای قرآنی: «وَجُودَ هَمَّتْ خَسْتُكِي نَاطِزِيرِ»، عبارت قرآنی «فَاوْلُكْ كَانْ سَعِيْهَمْ مُشْكُورَا» است و «گمان بهترین عملکرد را داشتن» در عبارت قرآنی: «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» ملحوظ شده است که اولی پیامد نگرش الهیون نسبت به مرگ است.

۴۱۸

گزینه ۳

هر گاه سؤال شود که زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟ باید بگوییم که زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، نتیجه‌اش درآمدن در آتش می‌باشد. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از آخرت تنظیم می‌کنند و کاری برای آخرت نمی‌کنند، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد. (مفهوم آیه‌ی: إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) و هر گاه سؤال شود که چه تفاوت‌های مهمی میان دنیا و آخرت وجود دارد؟ باید بگوییم که اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگاه شود، چیزی جز لهو و لعب نیست. و حیات حقیقی برتر، از آن آخرت است. همچنین از مجموع آیات درمی‌یابیم که دنیا سرای عمل است و آخرت سرای پاداش. (مفهوم آیه‌ی: وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)

۴۱۹

گزینه ۳

در پاسخ به کسانی که معاد جسمانی را انکار می‌کنند و اعتقاد دارند که محال است که جسم پوسیده و متلاشی شده‌ی انسان دوباره زنده شود، خداوند با استناد به خلقت نخستین در آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»، معاد جسمانی را امری ممکن معرفی می‌کند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** گزینه‌ی (۱)، به اثبات ضرورت معاد با استناد به حکمت الهی می‌پردازد. گزینه‌ی (۲)، به مقایسه‌ی خصوصیات دنیا و آخرت می‌پردازد. گزینه‌ی (۴)، شرایط زندگی مقبول خداوند را بیان می‌کند.

۴۲۰

گزینه ۲

فِرَاجُ انْكَارِ مَعَادٍ (إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا) دنیادوستی (و رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِمَا) و غفلت از آیات الهی (وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ)، گرفتار شدن به عذاب جهنم به خاطر کارهایشان (أُولَٰئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) است.

۴۲۱

گزینه ۱

با توجه به آیات قرآن، «ملاً یا اشراف» کسانی هستند که: الف- به تکذیب و انکار قیامت می‌پردازند (الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ) -ب- و در زندگی دنیا مرفه بودند (و أَتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا). علت تکذیب آخرت از سوی ملاً یا اشراف این است که گفتند: «این مرد (پیامبر) جز بشری چون شما نیست از آن‌چه می‌خورید، می‌خورد؛ و از آن‌چه می‌نوشید، می‌نوشد. (ما هذا إِلَّا بشر مثلكم يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يُشْرِبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ) و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود (و لئن أَطَعْتُمْ لَمَنَّا لَمَثَلَكُم) اِنْكَم اِذَا لَخَسِرُونَ)

۴۲۲

گزینه ۴

دومین پیامد نگرش انبیای الهی نهراسیدن از مرگ است که سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر می‌شود و شجاعت به مرحله‌ی عالی آن می‌رسد. و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری شود، انسان‌ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا زندگی دنیا همیشه مایه‌ی ننگ نیست. گزینه‌ی (۲) و (۳) نادرست است، زیرا ترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

۴۲۳

گزینه ۱

براساس آیهی شریفه: «... و قال المأ من قومه الذين كفروا و كذبوا بقاء الآخرة و أترفناهم في الحياة الدنيا ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تاكلون منه و يشرب مما تشربون و لئن أطعتم بشرا مثلكم إنكم إذا لخاسرون أيعدكم أنكم إذا متم و كنتم ترابا و عظاما أنكم مخرجون هيئات لما توعدون...»، «مأ یا اشراف» کسانی هستند که به تکذیب و انکار قیامت می‌پردازند (الذین كفروا و كذبوا بقاء الآخرة) و در زندگی دنیا مرفه بودند (و أترفناهم في الحياة الدنيا). تعبیر: «هیئات هیئات لما توعدون»، سخن مأ یا اشراف است که وعدهی زنده‌شدن انسان‌ها پس از مرگ یا معاد جسمانی را، به دلیل این که از سوی کسی است که مانند سایر افراد می‌خورد و می‌آشامد، امری غیر ممکن و محال می‌داند. (أيعدكم أنكم إذا متم و كنتم ترابا و عظاما أنكم مخرجون) **نکته‌ی طلایی** از نظر مأ یا اشراف، پیروی از بشری که همانند سایر انسان‌ها می‌خورد و می‌آشامد، زیان کار شدن است. (إنكم إذا لخاسرون)

۴۲۸

گزینه ۲

آیهی شریفه: «إن هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین - جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست. می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد.» سخن مأ و اشراف در انکار معاد می‌باشد. اینان معتقدند مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها سه گزینه‌ی دیگر، نظر و دیدگاه پیروان انبیای الهی را درباره‌ی مرگ و حیات پس از آن بیان می‌کند.

۴۲۴

گزینه ۴

مطابق فرمایش خداوند در آیهی شریفه: «و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب و إن الدار الآخرة لهی الحيوان لو كانوا يعلمون»، اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگاه شود، چیزی جز لهو و لعب نیست و حیات حقیقی برتر از آن آخرت است. (و إن الدار الآخرة لهی الحيوان) باهوش‌ترین مؤمنان از نظر رسول خدا^(ص): «آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.» **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** با توجه به متن آیه، گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است.

۴۲۵

گزینه ۲

در آیهی شریفه: «قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله ینشی النشأة الآخرة إن الله علی کل شیء قدير»، خداوند به رسول خدا^(ص) دستور می‌دهد که مشرکین را مخاطب قرار داده و به سیر در زمین ارشادشان نماید (قل سیروا فی الأرض) تا با فکر آغاز خلقت و درک آن (بدأ الخلق)، آن را مقدمه‌ی پذیرش آخرت قرار دهند. (ثم الله ینشی النشأة الآخرة) **روش مطالعه** برای پاسخ به این نوع تست‌ها، باید عین متن آیه را حفظ نمود.

۴۲۶

گزینه ۱

در پاسخ به این سؤال که کدام گرایش درونی است که برخی منکرین معاد را به بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌کشند؟ باید بگوییم آنان که مرگ را پایان زندگی و نابودی بشر می‌دانند، چون حس جاودانگی را در درون خود دارند، ناچار می‌شوند وسایل غفلت خود را فراهم کنند تا از نگرانی نیستی به درآیند. امیر مؤمنان علی^(ع) فرمود: «ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می‌گریزد، آن را ملاقات می‌کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می‌باشد.»

نکته‌ی طلایی به دلیل اعتقاد به نیستی پس از مرگ در نظر منکرین معاد، میل به جاودانگی در آنان باعث بی‌توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از مرگ می‌شود.

۴۲۷

گزینه ۳

اولین پیامد مهم نگرش منکرین معاد برای انسانی که «گرایش به جاودانگی» دارد (علت)، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار شده، شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهد، از دیگران کناره می‌گیرد و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شود. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارد که روز به روز بر سرگردانی و یأس او می‌افزاید. (معلول)

گزینه ۲

۴۳۰

هر گاه سؤال شود که یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، چیست؟ در پاسخ به این سؤال، باید گفت که چون جهان براساس حق است، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است. (و خلق الله السماوات و الأرض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون)

نکته‌ی طلایی علت بر حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین و مخلوقاتش، داشتن سرآمدی معین (أجل مسمی) می‌باشد و یکی از نتایج برحق بودن جهان در مورد انسان، تحقق عدالت اخروی (لتجزی کل نفس بما کسبت) است.

گزینه ۴

۴۳۱

مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.

تمرین تست‌زنی بهترین روش پاسخ دادن به این قبیل تست‌ها که صورت سؤال آن‌ها برای بار اول مطرح می‌شود، از طریق حذف گزینه است. گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه آیهی شریفه: «و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب و إن الدار الآخرة لهی الحيوان» بیانگر تفاوت دنیا و آخرت است و به این موضوع اشاره‌ای ندارد. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه آیهی شریفه: «الذین ضل سعيهم في الحياة الدنيا و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا»، سیمای زیان‌کارترین افراد در کارها را ترسیم کرده است. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه آیهی شریفه: «من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»، شرایط خروج از حزن و اندوه را بیان می‌کند.

۴۳۷	گزینه ۳
در این حدیث رسول گرامی اسلام (ص): «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید بلکه برای بقا خلق شده‌اید، و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید»، علت آفرینش آدمی، بقا و جاودانگی در آخرت معرفی شده است. آیهی شریفه: «و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب و إن الدار الآخرة لهی الحيوان لو كانوا يعلمون»، حیات اخروی جاودانه معرفی شده است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) به بهشت برزخی پاکان اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، شرایط دچار نشدن به حزن و ترس در زندگی را بیان می‌کند. و گزینه‌ی (۴)، دیدگاه منکران معاد و علت انکار معاد را بیان می‌کند.	

۴۳۸	گزینه ۴
«مألاً یا اشراف» کسانی بودند که: الف- به تکذیب و انکار قیامت می‌پردازند (الَّذین كفروا و كذبوا بقاء الآخرة) ب- در زندگی دنیا مرفه بودند. (و أترفناهم فی الحياة الدنيا) این افراد وعده‌ی زنده‌شدن انسان‌ها پس از مرگ یا معاد جسمانی را، به دلیل این‌که از سوی کسی است که مانند سایر افراد می‌خورد و می‌آشامد، امری غیر ممکن و محال می‌دانند. (أیعدکم أنکم إذا مئتم و کنتم ترابا و عظاما أنکم مخرجون هیهات هیهات لما توعدون) بر این اساس می‌توان گفت که «یکی از زمینه‌های انکار نبوت انبیا و رستائیز، غرق شدن در نعمت‌های ارزانی شده از سوی خدا است.» «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است، زیرا عبارت اترفناهم به معنای اینکه ما آن‌ها را در زندگی دنیا مرفه کرده بودیم، که مفهوم نعمت‌های ارزانی شده از سوی خداست، تنها در گزینه‌ی (۴) آمده است.	

۴۳۹	گزینه ۴
هرگاه سؤال شود که زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟ با استناد به آیهی شریفه: «إِنَّ الدِّینَ لَا یَرْجُوْنَ لِقَاءَنَا وَ رِضَا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اطْمَأْنَوْا بِهَا وَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ»، باید بگوییم که زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، نتیجه‌اش درآمدن در آتش است. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از آخرت تنظیم می‌کنند و کاری برای آخرت نمی‌کنند، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد. «نکته‌ی طلایی» زندگی مستقل از آخرت لهو و لعب است. و زندگی بدون توجه به آخرت، قرار گرفتن در آتش دوزخ به خاطر کارهایشان است.	

۴۴۰	گزینه ۲
در پاسخ به سؤال: چگونه می‌توان یک زندگی نتیجه بخش و پربار داشت؟ با توجه به آیهی شریفه: «و من أراد الآخرة و سعى لها سعياً و هو مؤمن فأولئك كان سعيهم مشكوراً»، می‌توان گفت هر کس خواستار آخرت باشد و به خدا و آخرت ایمان داشته باشد و برای رسیدن به آخرت سعی کند، در آخرت به ثمرات آن می‌رسد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، به گردش در زمین به منظور درس عبرت گرفتن از آثار درگذشتگان اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، به برحق بودن جهان و علت آن اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، به پذیرش معاد از طریق تفکر در خلقت اولیه مخلوقات اشاره دارد.	

۴۴۱	گزینه ۴
آیهی مورد سؤال و سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳)، بیانگر دیدگاه و نگرش منکران معاد درباره‌ی مرگ و حیات پس از آن است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۴)، عبارت: «مرگ را پایان بخش دفتر زندگی می‌دانند»، بیانگر نگرش منکرین معاد درباره‌ی مرگ است ولی عبارت: «و آن را غروبی می‌دانند که طلوعی دیگر در پی دارد»، بیانگر دیدگاه الهیون درباره‌ی مرگ است.	

۴۳۲	گزینه ۱
براساس آیهی شریفه: «إِنَّ الدِّینَ لَا یَرْجُوْنَ لِقَاءَنَا وَ رِضَا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اطْمَأْنَوْا بِهَا وَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ»، جایگاه و سرانجام این سه گروه آتش است، به خاطر اعمالی که انجام می‌دهند (أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ): ۱- کسانی که امید لقای خداوند را ندارند و به رستائیز معتقد نیستند. (لا یرجون لقاءنا) ۲- به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند. (رضوا بالحیاة الدُّنْیَا وَ اطْمَأْنَوْا بِهَا) ۳- آن‌ها که از آیات الهی غافلند (عن آیاتنا غافلون) و در آن‌ها اندیشه نمی‌کنند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در سایر گزینه‌ها سخن از قرار گرفتن در آتش دوزخ به خاطر اعمال و کردار زشت دنیوی نمی‌باشد. (أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ)	

۴۳۳	گزینه ۲
بهترین تعریف دنیا از دیدگاه انبیای الهی (تعریفی ملکوتی نه ملکی) این است که اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگریسته شود، چیزی جز لهو و لعب نیست (و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب) و حیات حقیقی برتر از آن آخرت است. (و إن الدار الآخرة لهی الحيوان) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در سایر گزینه‌ها چهره‌ای از دنیای مادی از دیدگاه وحی ترسیم نشده است.	

۴۳۴	گزینه ۳
با استناد به آیهی شریفه: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرِینَ أَعْمَالًا الَّذِینَ ضَلُّ سَعِیْهِمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ هُمْ یَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَئِكَ الَّذِینَ كَفَرُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِیمُ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَزَنًا»، زیان‌کارترین مردم در کارها (بالأخسرین أَعْمَالًا)، کسانی هستند که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم شده (الَّذِینَ ضَلُّ سَعِیْهِمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا) در حالی که می‌پندارند بهترین عملکرد را دارند. (و هم یحسبون أنهم یحسبون صنعا) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، ویژگی دوم زیان‌کارترین افراد در کارها می‌باشد.	

۴۳۵	گزینه ۱
یکی از نتایج برحق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، تحقق عدالت در آخرت است. یعنی چون جهان براساس حق و حکیمانه است، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است تا انسان‌ها بازتاب اعمال خود را در آخرت دریافت کنند. (مفهوم آیهی: و خلق الله السماوات و الأرض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳)، به حکیمانه بودن کل خلقت که انسان هم جزئی از آن است اشاره دارد و به نتیجه‌ی این حکیمانه بودن در مورد انسان اشاره‌ای ندارد.	

۴۳۶	گزینه ۲
بهترین تعریف دنیا از دیدگاه وحی و انبیای الهی این است که اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگریسته شود، چیزی جز لهو و لعب نیست (و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب) و حیات حقیقی برتر از آن آخرت است. (و إن الدار الآخرة لهی الحيوان) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در سایر گزینه‌ها چهره‌ای از دنیای مادی از دیدگاه وحی ترسیم نشده است.	

تشخیص علت از معلول ساده‌ترین راه تشخیص علت از معلول این است که علت تقدم وجودی بر معلول دارد. به طور مثال در این سؤال، میل به جاودانگی در درون انسان وجود دارد و عدم پاسخ به این میل از سوی منکرین معاد باعث بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه‌ی دنیا و کفر به آیات پروردگار و لقای او می‌شود.

گزینه ۴

ملاً یا اشراف با بیان این عبارت استفهام انکاری: «أعبدکم انکم اذامتم و کنتم ترابا و عظاما انکم مخرجون - آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید باز شما از گور زنده بیرون آورده می‌شوید؟»، به انکار معاد جسمانی می‌پردازد و همچنین از نظر ملاً یا اشراف، زیان کار شدن، پیروی از بشری است که همانند سایر انسان‌ها می‌خورد و می‌آشامد. (و لئن اطعمتم بشرا مثلكم انکم اذا لخاسرون) **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** عبارت‌های ذکر شده در قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳)، به انکار معاد جسمانی اشاره ندارد. قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، سخن ملاً یا اشراف درباره‌ی پیروی غیر سودمند از انبیای الهی نمی‌باشد.

گزینه ۱

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۱

از نتایج نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ، کاهش ترس از مرگ است. و زمانی که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری شود (علت) انسان‌ها به استقبال شهادت می‌روند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار می‌کنند. (معلول) به عبارت دیگر، زندگی همراه با ننگ و ذلت، عامل سعادت یافتن مرگ و شهادت‌طلبی در راه خداوند می‌باشد.

گزینه ۳

عبارت: «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»، بازتاب و نتیجه‌ی این سه مورد «ایمان به خدا»، «ایمان به آخرت» و «انجام عمل صالح» بوده و بیانگر اولین ثمره‌ی نگرش انبیای الهی است که مرگ را طلوعی پس از غروب در این دنیا و تولدی دیگر می‌دانند.

گزینه ۱

انسانی که «میل به جاودانگی» وجودش را فرا گرفته، وقتی به چنین نگرشی (نیستی پس از مرگ) می‌رسد، همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود.

گزینه ۴

با توجه به عبارت پایانی آیه‌ی شریفه‌ی: «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً * الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا * اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلانقیم لهم یوم القیامه وزنا» نتیجه‌ی دل‌بستگی به دنیا (و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا)، بی‌اثر و تباه شدن کارها (فحبطت اعمالهم) و بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستخیز (فلا نقیم لهم یوم القیامه وزنا) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها با توجه به متن آیه، گزینه‌ی (۴) کامل‌ترین و شبیه‌ترین مفهوم به آیه‌ی مورد سؤال است.

گزینه ۳

این آیات: «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا ...»، سرنوشت کسانی را ترسیم می‌کند که راه غفلت از مرگ را پیش گرفته‌اند، خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

گزینه ۳

آیه‌ی شریفه‌ی: «انّ هی الاحیاء الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین - جز این زندگانی دنیایی ما چیزی نیست. می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد»، بیانگر عدم اعتقاد کفار (ملاً) به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا اعتراف به زندگی کردن در این دنیا از سوی ملاً، نشان می‌دهد که این افراد دچار اضطراب فنا نشده‌اند. گزینه‌ی (۲)، مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاه الدنیا و ...» است. گزینه‌ی (۴)، مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «انّ الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحدیة الدنیا و اطمانوا بها و ...» است.

گزینه ۳

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند، زیبا هم زندگی می‌کنند، اما بدان دل نمی‌سپارند، از این رو مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

گزینه ۳

باهوش‌ترین مؤمنان از نظر رسول خدا(ص) آنان‌اند که «فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.» و زیان‌کارترین مردم در کارها کسانی هستند که به تعبیر قرآن: «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامه وزنا»

گزینه ۱

خداپرستان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

گزینه ۳

«بالآخرین اعمالاً» کسانی هستند که «الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه» و فرجام این افراد که به آیات الهی و دیدار خداوند در آخرت کافرنند، این‌گونه: «فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامه وزنا» معرفی شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، سرانجام: «انّ الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحدیة الدنیا و اطمانوا بها» می‌باشد.

گزینه ۱

این سخن که: «و قال المألم من قومه الذین کفروا و کذبوا بلقاء الآخره و اترفنا هم فی الحیاه ما هذا الا بشر مثلكم یا کل مما تاكلون منه و یشرّب مما تشربون ... این مرد جز بشری چون شما نیست؛ از آن چه می‌خورید، می‌خورد و از آن چه می‌نوشید، می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زبان کار خواهید بود»، سخن ملاً یا اشراف است که در زندگی دنیا مرفه بودند (و اترفنا هم فی الحیاه) بی‌نصیب از توحیداند و به دلیل این که پیامبرشان را شخصی مانند سایر افراد می‌دانند، به انکار آخرت و نبوت می‌پردازند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های دیگر کاملاً بی‌ربط است.

گزینه ۱

اولین پیامد دیدگاه منکرین معاد برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود. بنابراین میل به جاودانگی علت بی‌ارزش شدن زندگی چند روزه‌ی دنیا و کفر به آیات پروردگار و لقای او نیز معلول می‌باشد.

۴۵۶

گزینه ۲

در آیهی شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» با توجه به عبارت آخر آیه که علت ورود به دوزخ را انجام کارهای دنیایی (بما کاناو یکسبون) معرفی کرده، در می‌یابیم که آتش دوزخ، فرجام تلاش مستمر برای تحقق اهداف دنیایی است.

۴۵۷

گزینه ۳

بی‌اثر شدن کارها (فجبطت أعمالهم) و بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستخیز (فلا نقیم لهم يوم القيامة وزنا، معلول و بازتاب «کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خداوند در آخرت (کفروا بآیات ربهم و لقائه)» است.

نکته‌ی طلایی «إحباط: گناهانی هستند که باعث از بین رفتن حسنات انسان می‌شوند. براساس این آیه، کفر به خدا و آخرت باعث از بین رفتن تمامی اعمال نیک انسان می‌شوند.

درس ششم: آینده‌ی روشن

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۱	۱۷	۳۷
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۳	۵	۴

۴۵۸

گزینه ۳

آیهی شریفه: «لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» خداوند معبودی جز او نیست و به یقین همه‌ی شما را در روز رستخیز جمع می‌کند، شکی در آن نیست و چه کسی از خداوند راستگوتر است؟» با فعل تأکیدی «لِيَجْمَعَنَّكُمْ» ضرورت و حتمی بودن معاد و جمع کردن انسان‌ها در روز قیامت را بیان کرده است. این خبر حتمی از معاد، ما را به یک تحقیق و بررسی جدی درباره‌ی معاد به عنوان یک خطر احتمالی می‌کشاند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا این آیه به میل جاودانگی اشاره ندارد. قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا این آیه، یک استدلال نقلی در اثبات ضرورت و حتمی بودن معاد (نه امکان) است.

۴۵۹

گزینه ۱

تأکید خداوند بر صداقتش در عبارت قرآنی: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» - و چه کسی از خداوند راستگوتر است؟» که در مورد خبر دادن از معاد و در ادامه‌ی آیهی شریفه: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» آمده است، بیانگر ضرورت و حتمی بودن معاد می‌باشد. بر این اساس، قرآن کریم وقوع حیات اخروی انسان را حتمی می‌داند و همه‌ی انسان‌ها، قطعاً در قیامت جمع خواهند شد. این خبر دادن قطعی از معاد، با توجه به قانون عقلی دفع ضرر احتمالی، توجه ما را به معاد ضروری می‌سازد و بیانگر «قانون عقل و خبر پیامبران» است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا این آیه به زنده شدن انسان‌ها در آخرت اشاره دارد نه بعد از مرگ و در برزخ. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در این آیه، به هیچ‌یک از نشانه‌های حکمت الهی اشاره نشده است.

۴۶۰

گزینه ۲

براساس آیهی شریفه: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» به ترتیب، به حتمیت و حقانیت رستخیز (لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، و خالی از تردید بودن معاد (لا ريب فيه) به دلیل صادق القول بودن خداوند (و من اصدق من الله حديثا) اشاره شده است. این گونه خبر دادن حتمی از معاد، ما را به یک تحقیق و بررسی جدی درباره‌ی معاد به عنوان یک خطر احتمالی می‌کشاند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه پس از مرگ عذاب برزخی وجود دارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در این آیه اشاره‌ای به توفی نشده است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه در این آیه، به عدل الهی استناد نشده است.

۴۶۱

گزینه ۴

حکیم، کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود. خدای حکیم مرتکب کار عبث و بیهوده نمی‌شود، زیرا کار عبث از جهت و نادانی سرچشمه می‌گیرد. آیهی شریفه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»، بارِ عبث بودن خلقت جهان، بیانگر حکمت الهی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، یک دلیل نقلی و قرآنی بر ضرورت و حتمی بودن معاد است نه بر ضرورت معاد براساس حکمت الهی.

۴۶۲

گزینه ۳

از توجه در آیهی: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» که بعد از توحید و یکتاپرستی، درباره‌ی معاد سخن گفته است، این مفهوم حاصل می‌شود که همه‌ی پیامبران پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه‌ی ایمان به خدا دانسته‌اند.

تمرین تست‌زنی برای پاسخ به این تست حتماً باید به شیوه‌ی حذف گزینه عمل کنید. گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه همه‌ی پیامبران ایمان به آخرت را لازمه‌ی ایمان به خدا (نه عدل الهی) دانسته‌اند. گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، چراکه قانون عقلی (نه شرعی) دفع خطر احتمالی، ضرورت توجه و بحث درباره‌ی معاد را اثبات می‌کند نه امکان آن را.

۴۶۳

گزینه ۳

آیهی شریفه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ: آیا پنداشته‌اید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟»، با توجه به انکار عبث و بیهوده بودن آفرینش جهان، بیانگر هدف‌مندی و غایت‌مندی جهان است که ضرورت معاد را در پرتو حکمت الهی ثابت می‌کند. در ضمن، حکمت الهی یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را ثابت می‌کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا حکمت الهی به اثبات ضرورت معاد می‌پردازد نه امکان معاد. هر دو قسمت گزینه‌های (۲) و (۴)، مفهوم این آیه نبوده و نادرست می‌باشند.

۴۶۴

گزینه ۱

در آیهی شریفه: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»، این پندار و ظن کافران که آفریده شدن آسمان‌ها و زمین به عبث و باطل است، مردود شمرده شده و واژه‌ی «نار» صریحاً به مجازات این افراد که آتش دوزخ است اشاره می‌کند.

نکته‌ی طلایی با استناد به این آیه می‌توان گفت که یکی از مصادیق کفر، حکیمانه ندانستن آفرینش آسمان‌ها و زمین است.

گزینه ۱	۴۷۰
چون خبر دادن از معاد و سرای آخرت، توسط خداوند و به صورت حتمی (لیجمعنکم الی یوم القیامه) است، عقل ما حکم می‌کند که معاد را به عنوان یک خطر احتمالی در نظر گرفته و نه تنها آن را بپذیریم، بلکه باید بکوشیم درباره‌ی آن اطلاعات بیش‌تری به دست آوریم و بدانیم چگونه باید خود را برای آن روز آماده کنیم که زیان نبینیم. نکته‌ی طلایی «آیه‌ی شریفه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه...»، که در آن به صورت قطعی و حتمی از وقوع معاد خبر داده شده است، مشمول قاعده‌ی عقلی «دفع ضرر محتمل لازم است.» می‌شود و این اصل عقلی ما را به یک بررسی و تحقیق جدی در موضوع معاد دعوت می‌کند.	

گزینه ۲	۴۷۱
اگر سیم برقی را بدون حفاظ بر دیوار منزل خود مشاهده کنیم و یکی از اعضای خانه به ما بگوید برق دارد، از دست زدن به آن خودداری می‌کنیم، زیرا بنابر قاعده‌ی عقلی، «دفع خطر احتمالی لازم است.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا این اصل عقلی، به اثبات حکمت و عدل الهی نمی‌پردازد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا اصل دفع خطر احتمالی، یک اصل عقلی است نه فقهی.	

گزینه ۴	۴۷۲
این مطلب که «پس از توحید و یکتاپرستی، درباره‌ی هیچ موضوعی به اندازه‌ی معاد، سخن نرفته است.» براساس آیات قرآن کریم است نه تعالیم انبیای الهی.	

گزینه ۴	۴۷۳
مهم‌ترین خبری که انبیا برای بشر آوردند، خبر از معاد و سرای آخرت است. عبارت شریفه‌ی: «لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه» به حتمیت و قطعیت معاد اشاره دارد. نکته‌ی طلایی «اولین و مهم‌ترین اصل در دعوت انبیا، توحید است ولی مهم‌ترین خبر انبیا، خبر از معاد و سرای آخرت است.	

گزینه ۲	۴۷۴
همه‌ی پیامبران پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه‌ی ایمان به خدا دانسته‌اند. این موضوع به روشنی در آیه‌ی شریفه‌ی: «من آمن بالله و الیوم الآخر...» نیز بیان شده است، یعنی در این آیه، ابتدا ایمان به خدا و سپس ایمان به روز آخرت بیان شده است. توضیح «در آیه‌ی شریفه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه...» نیز به همین موضوع اشاره شده است.	

گزینه ۴	۴۷۵
در قرآن کریم، بعد از توحید و یکتاپرستی، درباره‌ی هیچ موضوعی به اندازه‌ی معاد سخن نرفته است. در آیه‌ی شریفه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا»، ابتدا سخن از یگانگی خدا (الله لا اله الا هو) است و سپس خداوند با عبارت: «لیجمعنکم الی یوم القیامه» از حتمی بودن وقوع معاد جسمانی سخن می‌گوید. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول تمامی گزینه‌ها به مهم‌ترین موضوعاتی که در قرآن کریم اشاره دارند ولی قسمت دوم و سوم آن‌ها نادرست است.	

گزینه ۳	۴۷۶
قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ی: «لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه»، با چنان صراحت و قطعیتی از معاد یاد می‌کند که جای هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست است و در آیه‌ی گزینه‌ی (۲)، از موضوع معاد سخن به میان نیامده است.	

گزینه ۲	۴۶۵
در این آیه‌ی شریفه‌ی: «و ما خلقتنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار»، با توجه به مردود شمردن این پندار کافران که تصور می‌کنند آسمان‌ها و زمین به عبث و به باطل آفریده شده است، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی اثبات می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا باطل نبودن خلقت آسمان‌ها و زمین، به اثبات ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی اشاره دارد نه امکان معاد. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا این آیه، به حکمت الهی اشاره دارد نه عدل الهی.	

گزینه ۳	۴۶۶
آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض - آیا کسانی که ایمان آورده‌اند و کار شایسته انجام داده‌اند را مانند تبیه‌کاران در زمین قرار می‌دهیم» و عبارت شریفه‌ی: «ام نجعل المتقین کالفجار - آیا پرهیزکاران را هم چون بدکاران قرار خواهیم داد؟» با اشاره به نابرابر بودن پاکان و ناپاکان در روز حساب، هر دو بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است. قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، به ضرورت معاد براساس حکمت الهی اشاره دارد.	

نکته‌ی طلایی «هر آیه و عبارتی که به نابرابری پاکان و ناپاکان در نزد خدا و در روز حساب اشاره داشته باشد، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است.	
---	--

گزینه ۱	۴۶۷
زندگی انسان‌ها نیز در داخل نظام عادلانه‌ی جهان قرار دارد، از این رو خداوند وعده داده که هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند و به عدل رفتار کند، این موضوع که بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است در آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل المتقین کالفجار» نیز تجلی دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، فقط به ضرورت و حتمی بودن معاد بدون دلالت بر عدل و یا حکمت الهی اشاره دارد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) با توجه به توضیحات قبل نادرست است.	

گزینه ۳	۴۶۸
آیه‌ی: «و ما خلقتنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا» و آیه‌ی شریفه‌ی: «فحسبتم انما خلقتکم عبثا...» هر دو بیانگر رد عبث آفرینی آفرینش است. آیه‌ی شریفه‌ی: «ما خلقتنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق...» به برحق و هدفمند بودن آفرینش اشاره دارد. این سه آیه، بیانگر ضرورت معاد براساس حکمت الهی است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، آیه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامه لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا» تنها به قطعیت و حتمی بودن معاد اشاره دارد و در قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، آیه‌ی شریفه‌ی: «لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون»، با تأکید به ظلم نشدن به هیچ کس، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است.	

گزینه ۳	۴۶۹
آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض» بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است و از این نظر با آیات شریفه‌ی: «لتجزی کل نفس بما کسبت...» و «ام نجعل المتقین کالفجار»، که بیانگر عدل الهی می‌باشند، تناسب معنایی دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌ی (۱)، بیانگر امکان معاد با اشاره به قدرت نامحدود الهی و قسمت دوم آن فقط بیانگر ضرورت و حتمی بودن معاد است. قسمت اول گزینه‌ی (۲)، به ضرورت و امکان اشاره‌ای ندارد. قسمت اول گزینه‌ی (۴)، به ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی اشاره دارد.	

۴۷۷

گزینه ۲

چون خبر از معاد و سرای آخرت در آیات قرآن به صورت قطعی و حتمی است، حتی اگر هیچ دلیلی جز انذار انبیای الهی نداشته باشیم، عقل ما حکم می کند که این انذار را جدی بگیریم و معاد را به عنوان یک خطر احتمالی در نظر گرفته و نه تنها آن را بپذیریم، بلکه باید بکوشیم درباره‌ی آن اطلاعات بیش تری به دست آوریم و بدانیم چگونه باید خود را برای آن روز آماده کنیم که زبان نینیم.

۴۷۸

گزینه ۳

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده و بارها با دلیل و برهان ضرورت آن را ثابت کرده است که از جمله راههای آن عبارت‌اند از حکمت و عدل الهی.

۴۷۹

گزینه ۲

حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. خدای حکیم کار عبث و بیهوده نمی کند، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می گیرد. **نکته‌ی طلایی** «این موارد بیانگر حکمت الهی است: ۱- به حق آفریده شده جهان ۲- به عبث و باطل آفریده نشدن جهان (ربنا ما خلقت هذا باطلا) ۳- حرکت جهان و مخلوقات به سوی هدف خود (الیه المصیر) ۴- آیاتی از قرآن که عبارت: «و من آیاته» دارند. ۵- هماهنگی بین عالم درون و بیرون در زمینه‌ی تمایلات انسان (میل تشنگی در درون و آب در خارج)

۴۸۰

گزینه ۲

به دلیل هماهنگی بین عالم درون و بیرون که ناشی از حکمت الهی است، اگر خداوند تمایلات و خواسته‌هایی در وجود انسان آفریده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. خداوندی که میل به جاودانگی را در درون انسان قرار داده است، در صورتی این میل، عبث و بیهوده نخواهد بود که در عالم بیرون پاسخ داشته باشد و آدمی بعد از مرگ نیست و نابود نشود.

نکته‌ی طلایی «عبارت شریفه‌ی: «إن الدار الآخرة لهی الحيوان» که بیانگر جاودانگی حیات در آخرت است، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی می باشد.

۴۸۱

گزینه ۴

حکیم، کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. خدای حکیم مرتکب کار عبث و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می گیرد. و هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می نماید. آیه‌ی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق...» با توجه به عبارت: «بالحق»، به حکمت الهی و حکیمانه بودن خلقت اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، به حکیمانه بودن نظام خلقت و حکمت الهی اشاره ندارد.

۴۸۲

گزینه ۱

حکیم، کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. خدای حکیم مرتکب کار عبث و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می گیرد. و هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می نماید. و اگر تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به طور مثال برای احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند. هر انسانی گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. دنیایی که در آن زندگی می کنیم و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این نیاز نیست و از خدای حکیم محال است که نیازی را در وجود انسان بی پاسخ قرار دهد. از این مطلب، ضرورت حیات پس از مرگ در پرتو حکمت الهی برداشت می شود.

۴۸۳

گزینه ۲

هر انسانی گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. حکمت الهی باعث شده تا اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به طور مثال برای احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند. چون این میل در این دنیا پاسخ داده نمی شود، باید زندگی پس از مرگ باشد تا انسان به جاودانگی دست یابد. پس این میل ضرورت و حتمی بودن معاد را برای پاسخ‌گویی به میل جاودانگی انسان براساس حکمت الهی ثابت می کند. آیه‌ی شریفه‌ی: «ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق...» با استناد به حکمت الهی ضرورت معاد را ثابت می کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «آیه‌ی گزینه‌ی (۳) به اثبات امکان معاد از طریق قدرت نامحدود الهی می پردازد.

۴۸۴

گزینه ۱

هر انسانی طالب و خواستار همه‌ی کمالات و زیبایی‌هاست و این طلب به هیچ حدی محدود نمی شود. او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی‌هاست. حکمت الهی باعث شده تا اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. و چون این میل در این دنیا پاسخ داده نمی شود، باید زندگی پس از مرگ باشد تا انسان به کمالات نامحدود دست یابد. پس این میل ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا میل به کمالات بی‌نهایت، به دنبال امور پایان ناپذیر است نه امور قابل تحقق. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا میل به کمالات بی‌نهایت در وجود انسان براساس حکمت الهی ضرورت معاد را ثابت می کند نه براساس عدل الهی.

۴۸۵

گزینه ۲

حکمت الهی باعث شده تا اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به طور مثال برای احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند. با استناد به هماهنگی میان عالم درون و بیرون در زمینه‌ی تمایلات انسان، ضرورت و حتمی بودن معاد در پرتو حکمت الهی ثابت می شود، تا دو گرایش فطری میل به جاودانگی و میل به کمالات بی‌نهایت، در این عالم پاسخ داده شوند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، این مفهوم که میل به جاودانگی و بازتاب واقعیت محدود و موقت اوست، نادرست می باشد.

۴۸۶

گزینه ۳

انسان‌های درستکار و با ایمان، در طول زندگی خود با پیروی از دستورات دین و تبعیت از عقل و فطرت به درجاتی از رشد و کمال می‌رسند و به فضایل معنوی و خصلت‌های الهی آراسته می‌شوند. سایر گزینه‌ها فقط به یک مورد از این دو سرمایه اشاره شده است.

نکته‌ی طلایی «پیروی از دستورات دین، بیانگر هدایت ویژه و خاص انسان و تبعیت از عقل و فطرت، بیانگر هدایت خاصه یا تکوینی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، به محدودیت نظام عالم در برقراری عدل الهی به صورت کامل اشاره دارند.

گزینه ۳

۴۹۵

چون «پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان‌پذیر نیست. همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسر نیست»، بر این اساس، ضروری بودن وجود معاد و سزایی دیگر برای تحقق کامل عدل الهی ثابت می‌شود. **نکته‌ی طلایی** «دو استدلال حکمت و عدل الهی در اثبات ضرورت معاد و همچنین سه استدلال قرآن در اثبات امکان معاد، همگی عقلی می‌باشند.

گزینه ۳

۴۹۶

برخی افراد در امکان وقوع معاد جسمانی و چنین واقعه‌ی عظیمی در تردیدند. آنان فکر می‌کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست و می‌گویند: «چگونه ممکن است همه‌ی انسان‌ها پس از مرگ و پوسیده شدن، دوباره زنده شوند؟» قرآن از دو جهت به این سؤال پاسخ می‌دهد؛ یکی روحانی بودن حقیقت وجود انسان و دیگری آوردن سه نوع استدلال در اثبات امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است.

گزینه ۱

۴۹۷

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۳

۴۹۸

این آیه، با توجه به کلمه‌ی «توفی» که به دریافت روح انسان‌ها به طور تمام و کمال توسط فرشتگان در هنگام مرگ اشاره دارد، اولین پاسخ خداوند به شبهه‌ی منکرین است که می‌پندارند با متلاشی شدن جسم‌شان از بین می‌روند. در این آیه، خداوند به این شبهه‌ی آنان پاسخ می‌دهد که حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی‌شود بلکه توسط فرشته‌ی مرگ به تمام و کمال دریافت می‌گردد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** «گزینه‌ی (۱) و (۴) نادرست است، زیرا در هنگام مرگ، تنها روح انسان به طور کامل توفی می‌شود نه روح و جسمش. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا معاد جسمانی و روحانی است نه فقط روحانی.

گزینه ۲

۴۹۹

برخی می‌پذیرند که زندگی بدون معاد معنایی ندارد، اما در امکان چنین واقعه‌ی عظیمی در تردیدند. این افراد با تصور جسمانی بودن حقیقت وجود آدمی و این که جسم انسان به هنگام مرگ نابود می‌شود، به انکار قیامت می‌پردازند. قرآن به این افراد دو پاسخ می‌دهد: ۱- حقیقت وجود انسان را نفس یا روح او تشکیل می‌دهد که هنگام مرگ، نیست و نابود نمی‌گردد، بلکه توسط فرشته‌ی مرگ توفی یعنی به تمام و کمال دریافت می‌شود. ۲- اثبات امکان معاد و آفرینش مجدد جسم انسان پس از مرگ با آوردن سه استدلال «آفرینش نخستین انسان»، «قدرت نامحدود الهی» و «نظام مرگ و زندگی در طبیعت». آیه‌ی مورد سؤال، امکان معاد را با توجه به استدلال «آفرینش نخستین انسان» ثابت می‌نماید. **نکته** «سه استدلال قرآنی در اثبات امکان معاد جسمانی انسان، همگی عقلی می‌باشند و نقلی در این مورد نادرست است.

گزینه ۲

۵۰۰

آیه‌ی شریفه‌ی: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوءَ بَنَانَهُ أَيَا إِنْسَانَ مَيِّبٌ لِّدَارِهِمْ وَبِئْسَ مَا لَهَا مَرْدَادًا سِرَّانَ» (آیا انسان می‌پندارد که استخوان‌های او را هرگز جمع نمی‌کنیم؟ بلی ما قادریم (حتی) سرانگشتان او را هم درست گردانیم»، با اشاره به «قدرت نامحدود الهی (قادرین)» که یک استدلال عقلی است، امکان معاد را ثابت می‌کند. **تمرین تست‌زنی** «برای پاسخ به این تست، باید آیه را حفظ نمود تا بتوان با توجه به قسمت داده شده، ادامه‌ی آیه و مفهوم آن را به خاطر آورد.

گزینه ۲

۴۸۷

اگر مرگ، پایان زندگی انسان باشد، عموم دستورات الهی و سفارش‌های عقل و فطرت بیهوده می‌شوند و همه‌ی آن کمالات کسب شده، بیهوده و عبث خواهد بود. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** «گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا هماهنگی بین عالم درون و بیرون بیانگر حکمت الهی است نه عدل الهی.

گزینه ۲

۴۸۸

نمی‌شود که انسان‌های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند. ولی با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه‌ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم، محال است و هرگز سرنخواهد زد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** «قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا میل به کمالات بی‌نهایت از دلایل عقلی در اثبات ضرورت معاد براساس حکمت الهی است نه براساس عدل الهی.

گزینه ۱

۴۸۹

آیه‌ی مورد سؤال و بیت گزینه‌ی (۱)، بیانگر هدف‌مند بودن و حکیمانه بودن نظام جهان است که ضرورت معاد را در پرتو حکمت الهی ثابت می‌کنند.

گزینه ۲

۴۹۰

این سخن پیامبر(ص): «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ - آسمان‌ها و زمین براساس عدل پابرجاست»، و آیه‌ی شریفه‌ی: «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»، هر دو بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی می‌باشند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** «عبارت قرآنی قسمت سوم گزینه‌ی (۴)، بیانگر حکمت الهی است نه عدل الهی.

گزینه ۱

۴۹۱

این سخن پیامبر(ص): «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ - آسمان‌ها و زمین براساس عدل پابرجاست»، یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد در پرتو عدل الهی را به اثبات می‌رساند.

گزینه ۱

۴۹۲

رسول خدا(ص) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ: آسمان‌ها و زمین براساس عدل پابرجاست.» زندگی انسان‌ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد، از این رو خداوند وعده داده که هر کس را به آن چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند و به عدل رفتار کند. پس عدل الهی، یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را به اثبات می‌رساند. **نکته‌ی طلایی** «رساندن انسان‌ها به استحقاقشان و نابرابری پاکان و ناپاکان در روز حساب، هر دو بیانگر عدل الهی می‌باشند.

گزینه ۲

۴۹۳

حکمت الهی اقتضا کرده که هیچ میلی در طبیعت گزاف و بیهوده نبوده و اگر تمایلات و خواسته‌هایی در وجود انسان آفریده، پاسخ مناسب آن را پیش‌بینی کند. همچنین انذار معاد که توسط پیامبران انجام شده، به خاطر لازم بودن دفع خطر احتمالی، ما را به بحث و تحقیق جدی درباره‌ی معاد وای می‌دارد.

گزینه ۱

۴۹۴

این که در این دنیا، میل به کمالات بی‌نهایت انسان بی‌پاسخ می‌ماند، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کند و ربطی به صورت سؤال که بیانگر عدل الهی است، ندارد.

گزینه ۴

۵۰۱

آیهی شریفه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوءَ بَنَانَهُ»، با توجه به کلمه‌ی «قادرین»، بیانگر قدرت نامحدود الهی است که امکان معاد جسمانی را ثابت می‌کند.

گزینه ۱

۵۰۲

آیهی شریفه: «وَضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسَىٰ خَلْقَهُ قَالَ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامُ وَ هِيَ رَمِيمٌ - وَ بِرَأْيِ مَا مَلَىٰ أَوْرَدَ وَ أَفْرِنْشِ خُودَ رَا فَرَامُوشْ كَرْد؛ گفتم: چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد؟» با توجه به عبارت قرآنی: «نسی خلقه»، که به استدلال عقلی: «آفرینش نخستین انسان» اشاره دارد به اثبات امکان معاد جسمانی می‌پردازد.

نکته‌ی طلایی در آیات این درس، عبارت‌های قرآنی: «نسی خلقه»، «أنشأها أول مرة» و «و هو بكل خلق عليم»، به خلقت نخستین انسان اشاره دارند.

گزینه ۴

۵۰۳

آیهی شریفه: «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ - بَٰكُو هَمَانُ كَسَىٰ كَهْ نَخْسْتِينَ بَارَ أَنْ رَا پَدِيدَ أَوْرَدَ وَ اَوَسْتَ كَهْ بِهْ هَر [گونه] أَفْرِنْشِي دَانَاست»، با استناد به «خلقت نخستین انسان (أنشأها أول مرة)» که یک استدلال عقلی است، امکان معاد را ثابت می‌کند.

گزینه ۳

۵۰۴

آیهی: «وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مِيتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ - خداست آن که بادها را فرستاد تا آبری را پراکند و دگرگون کرده سپس آن ابر را به سوی سرزمین مرده‌ای رانده و آن گاه زمین را که مرده بود، به وسیله‌ی آن زنده کردیم. زنده شدن در قیامت نیز چنین است.»، با استناد به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» که یک استدلال عقلی است، امکان معاد را ثابت می‌کند.

نکته‌ی طلایی در آیات این درس، عبارت‌های قرآنی: «الرِّيح»، «فأحیینا به الأرض بعد موتها»، «كذلك النُّشُور»، «یحیی الأرض بعد موتها» و «كذلك تخرجون»، با یادآوری رستاخیز طبیعت و نظام مرگ و زندگی در طبیعت، به اثبات امکان معاد جسمانی می‌پردازند.

گزینه ۱

۵۰۵

آیهی شریفه: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ - زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد و زمین را بعد از مرگ زنده گرداند و همین گونه شما را هم از خاک بیرون آرند.»، با استناد به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت (و یحیی الأرض بعد موتها)» که یک استدلال عقلی است، امکان معاد را ثابت می‌کند.

گزینه ۲

۵۰۶

از فرمایش خداوند در آیهی شریفه: «وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مِيتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ»، برمی‌آید که «نشور» و زنده شدن آدمی در قیامت (كذلك النُّشُور)، همانند زنده شدن هر ساله‌ی طبیعت در فصل بهار (فأحیینا به الأرض بعد موتها) امری ممکن است. بنابراین این آیه، بیانگر امکان وقوع معاد با استناد به نظام مرگ و زندگی در طبیعت است.

گزینه ۳

۵۰۷

بنابر فرمایش خداوند در آیهی شریفه: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ»، زنده شدن آدمی در قیامت (و كذلك تخرجون) نیز همانند زنده شدن همه ساله‌ی طبیعت در فصل بهار (و یحیی الأرض بعد موتها) امری ممکن است. (امکان وقوع معاد)

گزینه ۴

۵۰۸

آیهی شریفه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوءَ بَنَانَهُ»، به اثبات امکان معاد جسمانی از طریق قدرت نامحدود الهی اشاره دارد. آیهی شریفه: «وَ ضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسَىٰ خَلْقَهُ قَالَ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامُ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»، به خلقت نخستین انسان در اثبات امکان معاد اشاره دارد. آیهی شریفه: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ»، به اثبات امکان معاد با استدلال عقلی رستاخیز طبیعت (نظام مرگ و زندگی در طبیعت) می‌پردازد.

گزینه ۱

۵۰۹

خداوند حکیم، هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می‌کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می‌نماید و اگر تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به‌طور مثال برای احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند. آیهی شریفه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنْما خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنْكُمْ لَئِنَّا لَا تَرْجِعُونَ»، با استناد به عبث نبودن خلقت جهان، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است.

نکته‌ی طلایی هماهنگی بین عالم درون و بیرون در زمینه‌ی تمایلات انسان که بیانگر حکمت الهی است، ضرورت و حتمی بودن معاد را به‌خاطر پاسخ‌گویی به دو میل فطری جاودانگی و کمالات بی‌نهایت ثابت می‌نماید.

گزینه ۴

۵۱۰

آیهی شریفه: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا...»، با توجه به عبارت: «ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا»، که به باطل آفریده شدن آسمان‌ها و زمین را یک تصور و پندار برای کافران معرفی می‌کند، موضوع مؤید ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را اثبات می‌نماید.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها تنها در گزینه‌ی (۴)، به حکیمانه ندانستن جهان و کافران اشاره دارد.

گزینه ۴

۵۱۱

آیهی شریفه: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ»، به اثبات امکان معاد با استناد به استدلال عقلی رستاخیز طبیعت (نظام مرگ و زندگی در طبیعت) می‌پردازد. و آیهی شریفه: «وَ ضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسَىٰ خَلْقَهُ قَالَ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامُ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»، با اشاره به خلقت نخستین انسان به اثبات امکان معاد اشاره دارد.

گزینه ۱

۵۱۲

این که انسان‌های با ایمان و درست‌کار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند، بیانگر میل به کمالات بی‌نهایت در اثبات ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است. و این که خداوند وعده داده که هر کس را به آن‌چه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است.

گزینه ۱

۵۱۳

آیات گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است، ولی آیهی شریفه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ أَنْ نَسُوءَ بَنَانَهُ»، با استناد به خلقت نخستین انسان، به اثبات امکان معاد می‌پردازد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) و قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، به حکمت الهی اشاره دارند نه بر عدل الهی.

گزینه ۱

۵۲۱

خدای حکیم مرتکب کار عبث و بیهوده نمی‌شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می‌گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته‌ای خلق می‌کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می‌نماید و اگر تمایلات و گرایش‌هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است. به‌طور مثال برای احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند. این عبارت و آیه‌ی گزینه‌ی (۱) بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۲)، به قدرت الهی از دلایل قرآنی در اثبات امکان معاد اشاره دارد.

گزینه ۳

۵۲۲

آیه‌ی شریفه‌ی: «اللّٰه لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا»، بیانگر ضرورت و حتمیت معاد با تکیه بر صداقت بی‌انتهای خداوند (و من اصدق من الله حدیثا) است. در این آیه، پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه‌ی ایمان به خدا دانسته است.

گزینه ۳

۵۲۳

بنابر آیه‌ی شریفه‌ی: «اللّٰه لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة ...»، ضرورت و حتمی بودن معاد با استناد بر قاعده‌ی عقلی: «دفع خطر احتمالی لازم است.» اثبات می‌گردد. آیات شریفه‌ی: «و الله الذی أرسل الرّیاح فتثیر سحابا فیسقنا الی بلد میت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النّشور» و «و یرفع الحی من المیت و یرفع المیت من الحی و یحیی الأرض بعد موتها و کذلک تخرجون»، هر دو با استناد به استدلال «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» بیانگر امکان معاد می‌باشند.

گزینه ۴

۵۲۴

آیه‌ی شریفه‌ی: «قل یحییها الذی انشاها اول مرّة»، بیانگر خلقت نخستین در اثبات امکان معاد و آیه‌ی شریفه‌ی: «فاحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون»، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی و آیه‌ی شریفه‌ی: «بلی قادرین علی ان نسوی بنانه»، بیانگر قدرت نامحدود الهی در اثبات امکان معاد است.

گزینه ۳

۵۲۵

گرایش به بقا و جاودانگی به اندازه‌ای در آدمی قوی و شدید است که عموم تلاش‌های انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، به تیهایی جای مناسبی برای پاسخ‌گویی به این نیاز نیست و تنها در آخرت به این میل پاسخ داده می‌شود. پس این میل، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کند.

گزینه ۱

۵۲۶

آیه‌ی شریفه‌ی: «و الله الذی أرسل الرّیاح فتثیر سحابا فیسقنا الی بلد میت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النّشور»، با اشاره به «رستاخیز طبیعت» در فصل بهار و استدلال «نظام مرگ و زندگی در طبیعت (فأحیینا به الأرض بعد موتها)»، امکان وقوع معاد جسمانی را ثابت می‌کند و یک استدلال عقلی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا این آیه، به معاد اشاره ندارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا حقیقت وجود انسان، روح است نه جسم و روح. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا در بهار جسم زنده می‌شود و در برزخ، روح انسان حیات دارد نه جسم او.

گزینه ۳

۵۱۴

هر انسانی طالب و خواستار همه‌ی کمالات و زیبایی‌هاست و این طلب به هیچ حدّی محدود نمی‌شود. او به دنبال پایان‌ناپذیرها و افول‌ناشدنی‌هاست. این مطلب، بیانگر میل کمالات بی‌نهایت و بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است. و در صورت انکار معاد، این میل عبث و بیهوده بوده و عبارت قرآنی: «و انکم الینا لا ترجعون»، نفی‌کننده‌ی آن است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت سوم گزینه‌ی (۱)، بیانگر عدل الهی است در صورتی که میل نام‌برده براساس حکمت الهی در انسان نهاده شده است.

گزینه ۴

۵۱۵

از فرمایش خداوند در این آیه‌ی شریفه‌ی: «و الله الذی أرسل الرّیاح فتثیر سحابا فیسقنا الی بلد میت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النّشور»، برمی‌آید که «نشور» و زنده شدن مجدد آدمی در قیامت (کذلک النّشور)، همانند زنده شدن هر ساله‌ی طبیعت در فصل بهار (فأحیینا به الأرض بعد موتها) امری ممکن است. و این آیه، یکی از استدلال‌های قرآنی در پاسخ کسانی است که با تصور جسمانی بودن حقیقت وجود انسان در امکان وقوع معاد جسمانی تردید دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۱)، به معاد جسمانی اشاره دارد. در صورتی که مطابق صورت سؤال باید به فصل بهار و زنده‌شدن طبیعت در این فصل اشاره داشته باشد.

گزینه ۱

۵۱۶

عبارت: «بلی قادرین علی ان نسوی بنانه»، بیانگر امکان معاد با استناد به قدرت نامحدود الهی است و آیه‌ی شریفه‌ی: «فاحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون»، بیانگر ضرورت معاد براساس حکمت الهی است و عبارت شریفه‌ی: «قل یحییها الذی انشاها اول مرّة»، بیانگر امکان معاد براساس پیدایش نخستین انسان است.

گزینه ۴

۵۱۷

این سخن پیامبر (ص): «بالعدل قامت السماوات و الارض - آسمان‌ها و زمین براساس عدل پابرجاست» و آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض»، هر دو بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی می‌باشند.

گزینه ۱

۵۱۸

با در نظر گرفتن حکمت الهی، نمی‌توان گفت که خداوند عشق به خود و حیات ابدی را در وجود کسی قرار دهد و سپس او را در حالی که مشتاق اوست، از هستی بیندازد. حکمت الهی نیز بیانگر ضرورت معاد و برپایی رستاخیز است عدم امکان تحقق وعده‌ی خداوند در وصول به استحقاق‌های انسان‌ها در این دنیا، دال بر عدل الهی است.

گزینه ۱

۵۱۹

قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از آخرت یاد می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد. با توجه به آیه‌ی مبارکه‌ی: «ام نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض»، عدل خداوندی این گونه ایجاب می‌نماید که با مصلح و مفسد به یکسان رفتار نگیرد.

گزینه ۲

۵۲۰

عبارت‌های: «تلف شدن استعدادها در پی تعدّی متجاوزان» و «محدودیت نظام دنیا در مجازات واقعی ظالم» و آیات شریفه‌ی: «ام نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض» و «ام نجعل المتّقین کالفجّار»، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی می‌باشند و عبارت: «به دنبال افول ناشدنی‌ها بودن» و آیه‌ی: «و ما خلقتنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا»، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است.

۵۲۷

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مِنْ أَصْدَقِ مَنْ اللَّهِ حَدِيثًا»، ابتدا سخن از یگانگی خدا (الله لا اله الا هو) است و سپس خداوند با عبارت: «لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» از حتمی بودن وقوع معاد جسمانی سخن می گوید. و در ادامه ی آیه، به خالی از تردید بودن معاد (لا ریب فیه) به دلیل صادق القول بودن خداوند (و من اصدق من الله حدیثا) اشاره شده است.

۵۲۸

گزینه ۴

برخی از افراد در امکان معاد و چنین واقعهی عظیمی در تردیدند. آنان فکر می کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست، می گویند چگونه ممکن است همه ی انسان ها، پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟ قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد: ۱- حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی شود بلکه توسط فرشتهی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد. (توفی) ۲- امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت. قرآن کریم امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت را به سه گونه طرح کرده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است. استدلال هایی که به اثبات امکان معاد می پردازند عبارت اند از: الف- آفرینش نخستین انسان ب- قدرت نامحدود الهی ج- نظام مرگ و زندگی در طبیعت. آیهی شریفه: «وَضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسَى خَلْقَهُ قَالَ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يَحْيٰىهَا الَّذِیْ اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ، بَا اَسْتَدْبَا بِهٖ خَلْقَتْ نَخْسْتِیْنِ اِنْسَانٍ» می گوید: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا ذلک ظنّ الذّٰین کفروا فویل للذّٰین کفروا من النّٰار»، عبارت شریفه: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا»، بیانگر به عبث و بیهوده خلق نشدن آسمان و زمین و آنچه میان آنها و همچنین بیانگر هدفمندی جهان می باشد. با توجه به عبارت شریفه: «ذلک ظنّ الذّٰین کفروا»، «به باطل آفریده شدن آسمان ها و زمین» و «حکیمانه ندانستن و نیافتن نظام آفرینش»، پندار کافران و یکی از مصادیق کفر است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: سایر گزینه ها، بیانگر ضرورت معاد است.

۵۲۹

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا ذلک ظنّ الذّٰین کفروا فویل للذّٰین کفروا من النّٰار»، عبارت شریفه: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا»، بیانگر به عبث و بیهوده خلق نشدن آسمان و زمین و آنچه میان آنها و همچنین بیانگر هدفمندی جهان می باشد. با توجه به عبارت شریفه: «ذلک ظنّ الذّٰین کفروا»، «به باطل آفریده شدن آسمان ها و زمین» و «حکیمانه ندانستن و نیافتن نظام آفرینش»، پندار کافران و یکی از مصادیق کفر است.

۵۳۰

گزینه ۲

ظرفیت این جهان برای مجازات بسیاری از ستم ها و پاداش بسیاری از نیکوکاری ها محدود است. و چون خداوند عادل است، نمی شود که انسان ها با مرگ نابود شوند و به خاطر ستمی که کرده اند یا کار نیکی که نموده اند، مجازات و پاداش داده نشوند. بنابراین، خداوند پس از این جهان، جهان آخرت را آفریده تا هر کس به مجازات و پاداش لایق و شایسته ی خود برسد. این استدلال ضرورت معاد در پرتو عدل الهی را ثابت می کند.

۵۳۱

گزینه ۳

رسول خدا (ص) می فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» زندگی انسان ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد (معلول)، از این رو خداوند وعده داده که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند و به عدل رفتار کند. پس عدل الهی، یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را به اثبات می رساند. آیهی شریفه: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِیْنَ فِی الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِیْنَ كَالْفُجَّارِ» به همین موضوع اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: گزینه های (۱) و (۲)، با استناد به حکمت الهی به اثبات ضرورت معاد می پردازند. گزینه ی (۴)، با استناد به صادق القول بودن خداوند به ضرورت و حتمی بودن معاد اشاره دارد.

۵۳۲

گزینه ۴

برخی افراد در امکان معاد جسمانی و چنین واقعهی عظیمی در تردیدند. آنان فکر می کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست و می گویند: «چگونه ممکن است همه ی انسان ها پس از مرگ و پوسیده شدن، دوباره زنده شوند؟» قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد: یکی روحانی بودن حقیقت وجود انسان و دیگری مربوط به امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است. آیهی شریفه: «يَخْرُجُ الْحَيُّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يَخْرُجُ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ وَ يَحْيِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ»، یکی از پاسخ های خداوند به این افراد است که با استناد به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت»، امکان وقوع معاد جسمانی را ثابت می کند و یک استدلال عقلی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: در گزینه ی (۲)، بعثت در عالم برزخ نادرست است چون بعثت در قیامت است.

۵۳۳

گزینه ۱

آیهی شریفه: «وَضَرْبَ لَنَا مِثْلًا وَ نَسَى خَلْقَهُ قَالَ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يَحْيٰىهَا الَّذِیْ اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ، بَا اَسْتَدْبَا بِهٖ خَلْقَتْ نَخْسْتِیْنِ اِنْسَانٍ»، امکان معاد جسمانی را ثابت می کند. و آیهی شریفه: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِیْنَ فِی الْأَرْضِ»، یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را در پرتو عدل الهی به اثبات می رساند. «عادلانه بودن نظام آفرینش»، پیام آیهی دوم است.

۵۳۴

گزینه ۲

آیهی شریفه: «قُلْ يَحْيٰىهَا الَّذِیْ اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِیْمٌ»، با استناد به خلقت نخستین انسان (انشاها اول مره)، امکان معاد جسمانی را ثابت می کند. و آیهی شریفه: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا...»، به اثبات ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی می پردازد.

۵۳۵

گزینه ۲

آیهی شریفه: «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِیْنَ كَالْفُجَّارِ» یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را در پرتو عدل الهی به اثبات می رساند. و آیهی شریفه: «وَالَّذِیْ اَرْسَلْنَا رِیْحًا فَتَثِیْرٌ سَحَابًا مِّمَّنْ اَلٰی بَلَدٍ مِّمَّیْتٍ فَاحْیِیْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ النُّشُورُ»، با اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (رستاخیز طبیعت) امکان معاد جسمانی و آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت را ترسیم می کند. عادلانه بودن نظام آفرینش، پیام آیهی اول می باشد.

۵۳۶

گزینه ۴

از دیدگاه انبیای الهی، لازمه ی ایمان به خدا، ایمان به آخرت است و پیش بینی پاسخ مناسب برای تمایلات، لازمه ی حکمت الهی است که پیامش، ضرورت تحقق رستاخیز می باشد.

۵۳۷

گزینه ۲

در آیهی شریفه: «فَحَسْبُكُمْ أَمَّا خَلْقَانِکُمْ عَبَثًا وَ اَنْکُمْ اِلَیْنَا لَا تُرْجَعُونَ؟» آیا پنداشته اید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟، به وقوع معاد و زندگی پس از مرگ از راه طرح استفهام انکاری، پی می بریم.

۵۳۸

گزینه ۲

خداوند وعده داده که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند و به عدل رفتار کند. پس عدل الهی، یک استدلال عقلی است که ضرورت معاد را به اثبات می رساند.

گزینه ۱	۵۴۷
آیه‌ی شریفه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا رب فیه و من اصدق من الله حدیثاً» با توجه به عبارت: «لا اله الا هو»، مبین توحید در عقیده و عبادی است و با توجه به عبارت: «لیجمعنکم الی یوم القیامة لا رب فیه و من اصدق من الله حدیثاً»، مبین موضوع حتمی بودن وقوع معاد جسمانی و روحانی است و در آیه‌ی دومی، توکل بر خداوند نیز بیانگر توحید عبادی است.	

گزینه ۴	۵۴۸
آیه‌ی شریفه‌ی: «و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه قال من یحیی العظام و هی رمیم قل یشحیها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم» با استناد به خلقت نخستین انسان (یحییها الذی انشاها اول مرة)، به اثبات امکان وقوع معاد جسمانی و روحانی از طریق آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح اشاره دارد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱) معاد روحانی نادرست است.	

گزینه ۱	۵۴۹
انسان‌های باایمان با پیروی از دین و تبعیت از عقل و فطرت به درجاتی از رشد و کمال می‌رسند و اگر با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود همه‌ی کمالات کسب شده را از دست می‌دهند که این با حکمت خداوند سازگار نیست (میل به کمالات بی‌نهایت) و ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را بیان می‌کند. از طرفی این دنیا ظرفیت پاداش دادن به این افراد را ندارد که با عدل خداوند سازگار نیست و ضرورت معاد در پرتو عدل الهی را نشان می‌دهد. آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل المتقین کالفجار - آیا قرار خواهیم داد پرهیزکاران را همچون بدکاران؟» به ضرورت معاد در پرتو عدل الهی اشاره دارد.	

گزینه ۲	۵۵۰
گزینه‌های (۱) و (۳)، با استناد به «خلقت نخستین انسان»، امکان معاد جسمانی را ثابت می‌کنند. گزینه‌ی (۴) با استناد به «قدرت نامحدود خداوند» امکان معاد را ثابت می‌کند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» آیه‌ی گزینه‌ی (۲)، در درس ۸ چهارم و ۱۲ دوم درباره‌ی «زینت و طبیات» به کار رفته که در دنیا و به ویژه در آخرت مخصوص مؤمنان است و به اعتدال در ابعاد مادی و معنوی اشاره دارد.	

گزینه ۱	۵۵۱
آیات گزینه‌های (۲) و (۳)، با استناد به «خلقت نخستین انسان»، امکان معاد جسمانی را ثابت می‌کنند. آیه‌ی گزینه‌ی (۴)، با استناد به «قدرت نامحدود خداوند»، امکان معاد جسمانی را ثابت می‌کند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» آیه‌ی گزینه‌ی (۱)، به دریافت تمام و کمال روح در عالم برزخ اشاره دارد. (درس ۷ دوم)	

گزینه ۱	۵۵۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا - و آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست را به بیپرده نیافریدیم»، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کند و آیه‌ی شریفه‌ی: «ام نجعل المتقین کالفجار - آیا قرار خواهیم داد پرهیزکاران را همچون بدکاران؟»، به اثبات ضرورت معاد در پرتو عدل الهی می‌پردازد.	

گزینه ۴	۵۵۳
بیت مذکور به ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی اشاره دارد ولی آیه‌ی گزینه‌ی (۴)، به ضرورت معاد در پرتو عدل الهی اشاره دارد.	

گزینه ۱	۵۳۹
آیه‌ی شریفه‌ی: «و الله الذی أرسل الریاح فتثیر سحابا فسقناه الی بلد میت فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور»، با اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (رستاخیز طبیعت) امکان معاد جسمانی و آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت را ترسیم می‌کند.	

گزینه ۱	۵۴۰
خداوند در پاسخ به شخصی که با تصور جسمانی بودن حقیقت وجودش به انکار معاد جسمانی پرداخته بود، آفرینش اولیه‌اش را به او متذکر می‌شود: «قل یحییها الذی أنشأها أول مرة»، چراکه به تعبیر قرآن: «و هو بکل خلق علیم» (امکان وقوع معاد با استناد به خلقت نخستین انسان)	

گزینه ۴	۵۴۱
عبارت: «أم نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الأرض»، به برابر نبودن «اهل ایمان و عمل صالح» با «مفسدان» در پیشگاه خداوند اشاره داشته و بر همین اساس ضرورت معاد را در پرتو عدل الهی ثابت می‌کند. هر دو عبارت قرآنی: «أفحسبتم أنما خلقتناکم عبثاً»، «و أنکم إلینا لا ترجعون»، با اشاره به حکیمانه بودن نظام هستی، یک استدلال عقلی در اثبات ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی هستند.	

گزینه ۴	۵۴۲
محدودیت عمر انسان، در دریافت پاداش اعمال، بیانگر «ضرورت معاد در پرتو عدل الهی» و شوق و اشتیاق رفتن به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی‌ها بیانگر میل به کمالات بی‌نهایت و حکایت‌گر «ضرورت معاد در پرتو حکمت خداوند» می‌باشد.	

گزینه ۱	۵۴۳
خداوند در پاسخ به شخصی که با تصور جسمانی بودن حقیقت وجودش به انکار معاد جسمانی پرداخته بود، فرمود: «أیحسب الإنسان أن ینجم عظامه بلی قادرین علی أن نسوی بنانه». این آیه، با اشاره به قدرت نامحدود الهی (بلی قادرین) به اثبات امکان خلقت جسم انسان برای پیوستن به روح در آخرت می‌پردازد.	

گزینه ۴	۵۴۴
عبارت: «لا اله الا الله» در آیه‌ی شریفه‌ی: «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا رب فیه و من اصدق من الله حدیثاً»، بیانگر توحید در عقیده و عبادی است. ادامه‌ی آیه نیز به دلیل صادق القول بودن خداوند، به اثبات حقانیت رستاخیز و خالی از تردید بودن آن می‌پردازد.	

گزینه ۱	۵۴۵
سومین پاسخ خداوند به شخصی که با تصور جسمانی بودن حقیقت وجودش به انکار معاد جسمانی پرداخته بود، عبارت قرآنی: «یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی و یحیی الأرض بعد موتها و کذلک تخرجون» است تا با دعوت او به تفکر در «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» به اثبات امکان خلقت جسم انسان برای پیوستن به روح در آخرت بپردازد.	

گزینه ۳	۵۴۶
آن جا که «احساس تشنگی» با آب برطرف می‌شود، بیانگر هماهنگی بین عالم درون و بیرون در زمینه‌ی تمایلات انسان است که ضرورت معاد را در پرتو حکمت الهی ثابت می‌کند و آن جا که «مصلح» و «مفسد»، پاداشی درخور صلاح و فساد دریافت می‌کنند، مبین ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است.	

گزینه ۳	۵۶۲
نگرانی انسان‌ها از مرگ، زائیده‌ی گرایش به بقا و جاودانگی است و این گرایش فطری، بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است.	

درس هفتم: منزلگاه بعد		
تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۴۵	۱۵	۳۰
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۳	۴	۳

گزینه ۴	۵۶۳
این بخش از آیه‌ی شریفه‌ی: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ - آن گاه که مرگ یکی از آن‌ها برسد می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) بازگردانید، شاید عمل صالحی انجام دهم؛ آن چه را در گذشته ترک کرده‌ام»، درخواست «مشرکان» از خداوند پس از مرگ و در عالم برزخ است. این آیه، بیانگر حیات برزخی و افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ و همچنین مؤید بیدار شدن انسان از خواب غفلت است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) و (۲) و (۳) نادرست است، چراکه این آیه مربوط به برزخ است نه آخرت و دوزخ.	

گزینه ۱	۵۶۴
مشرکان، پس از مرگشان از خداوند تقاضای بازگشت به دنیا را دارند (رَبِّ ارْجِعُونِ) تا شاید عمل صالحی انجام دهند و گذشته را جبران نمایند. (لعلی أعمل صالحاً فِيمَا تَرَكْتُ) و حیات برزخی به صورت روحانی می‌باشد.	
نکته‌ی طلایی «هر آیه و عبارتی که بیانگر گفت‌وگوی خداوند و فرشتگان با انسان‌ها بلافاصله پس از مرگ باشد، بیانگر حیات برزخی و افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ است.	

گزینه ۴	۵۶۵
آیه‌ی شریفه‌ی: «كَلَّا أَنهَآ كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا - هرگز! این صرفاً سخنی است که او می‌گوید»، پاسخ خداوند به درخواست مشرکانی است که پس از مرگ و در عالم برزخ، برای جبران گذشته‌شان تقاضای بازگشت به دنیا دارند. لازم به تذکر است که حیات برزخی به صورت روحانی می‌باشد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) و (۳) نادرست است، چراکه در این آیه سخن از حیات روحانی برزخی است نه حیات جسمانی و روحانی اخروی. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه عبارت: «کافران است که می‌خواهند با نور چهره‌ی مؤمنان رؤسفيد باشند»، مربوط به آخرت است نه برزخ.	

گزینه ۲	۵۶۶
مشرکان پس از مرگشان از خداوند تقاضای بازگشت به دنیا را دارند تا شاید عمل صالحی انجام دهند و گذشته را جبران نمایند. (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، مجازات روحانی ظالمین به خود در جهنم برزخی است. گزینه‌ی (۳)، مربوط به آگاه شدن از تمامی اعمال خود در آخرت و گزینه‌ی (۴)، مربوط به جهنم برزخی آل فرعون است.	

گزینه ۱	۵۵۴
گرایش به بقا و جاودانگی به اندازه‌ای در آدمی قوی و شدید است که عموم تلاش‌های او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، به تنهایی جای مناسبی برای پاسخ‌گویی به این نیاز نیست و تنها در آخرت به میل جاودانگی (لهی الحیوان) پاسخ داده می‌شود. پس این میل، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «با توجه به جاهای خالی، گزینه‌ی (۳) مناسب نیست.	

گزینه ۴	۵۵۵
گرایش به بقا و جاودانگی و میل به کمالات بی‌نهایت، هر دو ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کنند.	

گزینه ۴	۵۵۶
آیه‌ی شریفه‌ی: «افحسبتم أنما خلقناکم عبثاً - آیا پنداشته‌اید شما را بیهوده آفریده‌ایم؟» ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی و عبارت شریفه‌ی: «ام نجل المتقين کالفجار آیا قرار خواهیم داد پرهیزکاران را همچون بدکاران؟» ضرورت معاد در پرتو عدل الهی را ثابت می‌کند.	

گزینه ۲	۵۵۷
آیه‌ی شریفه‌ی: «افحسبتم أنما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون»، ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی را ثابت می‌کند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی، گزینه‌ی (۳)، بیانگر قطعی و حتمی بودن معاد و گزینه‌ی (۴)، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است.	

گزینه ۲	۵۵۸
در عبارت شریفه‌ی: «الله لا اله الا الله»، عبارت «الله»، بیانگر تولی و محبت نسبت به خداوند و عبارت «لا اله»، بیانگر تبری و بیزاری جستن از غیر خداست. عبارت شریفه‌ی: «لَجَمْعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، ضروری و حتمی بودن معاد را بیان می‌کند.	
نکته «لازم به تذکر است که این عبارت، نشانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی نمی‌باشد، چرا که هیچ‌یک از نشانه‌های حکمت الهی در آن نیامده است.	

گزینه ۳	۵۵۹
آیه‌ی: «وَاللّٰهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُفِيرُ سَحَابًا فَيَسْقِيهِ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ النُّشُورُ: خداست آن که بادها را فرستاد تا آبری را پراکنده و دگرگون کرده سپس آن آبر را به سوی سرزمین مرده‌ای رانده و آن گاه زمین را که مرده بود، به وسیله‌ی آن زنده کردیم. زنده شدن در قیامت نیز چنین است»، با استناد به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» که یک استدلال عقلی است، امکان معاد را ثابت می‌کند.	

گزینه ۱	۵۶۰
آیه‌ی شریفه‌ی: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلا: و آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن‌هاست را به بیهوده نیافریدیم»، بیانگر حکمت خداوند است و ضرورت معاد را ثابت می‌کند.	

گزینه ۱	۵۶۱
«میل به بقا و جاودانگی»، «عدم قابلیت جبران خوبی‌ها و بدی‌ها در دنیا» و «بی‌نهایت طلبی انسان»، ضرورت معاد را به ترتیب، در پرتو «حکمت الهی»، «عدل الهی» و «حکمت الهی» اثبات می‌نماید.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱) نادرست است، چرا که تعبیر خداوند از این افراد در این آیه، ظالمین به خود می‌باشد نه مستضعف. قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا این آیه مربوط به برزخ است نه دوزخ یا جهنم اخروی.

گزینه ۱

۵۷۳

آیهی شریفه: «فأولئك مأواهم جهنم و ساءت مصيرا - آن‌ها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی است»، مجازات ظالمین به خود در جهنم برزخی است که آتش جهنم برزخی روح ستمگران به خود را در بر می‌گیرد. از این آیه برمی‌آید که مرحله‌ی اول پاداش و کیفر انسان در عالم برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۳) نادرست است، چرا که این آیه مربوط به جهنم برزخی است نه دوزخ و جهنم اخروی. گزینه (۴) نادرست است، چرا که عذاب برزخی جسم انسان را در بر نمی‌گیرد.

گزینه ۲

۵۷۴

عبارت شریفه: «سلام علیکم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون - به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید»، سخن فرشتگان به پاکیزگان (طیبین نه متقین) هنگام دریافت روح آنان است که نشانگر حیات برزخی، غیر مادی بودن روح، افزایش آگاهی روحانی و مرحله‌ی اول پاداش به آن‌ها در برزخ است. این آیه با عبارت شریفه: «كلا إنها كلمة هو قائلها»، که مربوط به برزخ است، تناسب زمانی دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا این آیه، معرف سیمای پاکان یا طیبین است نه متقین. قسمت دوم گزینه (۲) نادرست است، چرا که این آیه، مربوط به آخرت است نه برزخ.

گزینه ۲

۵۷۵

عبارت شریفه: «الذين تتوفاهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم...»، به اولین مرحله‌ی پاداش پاکان در بهشت برزخی اشاره دارد که روح و جان آنان را در بر می‌گیرد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، به مجازات آل فرعون در آخرت، گزینه (۳) به آگاهی از تمامی آثار اعمال خود در قیامت و گزینه (۴)، به تجسم عمل در آخرت اشاره دارد.

گزینه ۱

۵۷۶

در آیه: «و حاق بال فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدواً و عشيا - و احاطه کرد آل فرعون را بدترین عذاب. آنان بر آتش عرضه می‌شوند هر بامداد و شامگاه»، هر دو عبارت: «سوء العذاب» و «النار يعرضون عليها غدواً و عشيا»، مربوط به جهنم برزخی است و بیانگر این حقیقت است که مرحله‌ی اول جزای کافران و پاداش مؤمنان در عالم برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۲) نادرست است، چرا که مرحله‌ی اول مجازات انسان در برزخ است نه دنیا. گزینه (۳) نادرست است، چرا که این قسمت آیه به برزخ اشاره دارد نه آخرت. گزینه (۴) نادرست است، چرا که جهنم برزخی جسم انسان را در بر نمی‌گیرد و فقط روحانی است.

گزینه ۲

۵۷۷

عبارت قرآنی: «أشد العذاب»، مربوط به جهنم اخروی و عبارت قرآنی: «سوء العذاب»، مربوط به جهنم برزخی است. عبارت شریفه: «يَتَبَا الانسان يومئذ بما قدم و اخر»، مربوط به آخرت و عبارت قرآنی: «فأولئك مأواهم جهنم و ساءت مصيرا»، بیانگر جهنم برزخی برای ظالمین به خود است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «آیهی اول گزینه‌های (۱) و (۳)، مربوط به برزخ و با صورت سؤال هم‌خوانی ندارد. و آیهی دوم گزینه (۲)، مربوط به بهشت برزخی است که برای مطابقت با سؤال باید مربوط به جهنم برزخی باشد.

گزینه ۳

۵۶۷

آیهی شریفه: «و من وراءهم برزخ إلى يوم يبعثون - و پشت سرشان برزخ و فاصله‌ای است تا روزی که برانگیخته شوند»، پاسخ خداوند به درخواست مشرکانی است که پس از مرگ و در عالم برزخ، برای جبران گذشته‌شان تقاضای بازگشت به دنیا دارند. و بیانگر استمرار وضعیت روحانی مشرکان در برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱)، مربوط به ثبت آثار ماتأخر در برزخ است. گزینه (۲)، پاسخ ملائکه به ظالمین به خود در برزخ است. گزینه (۴)، مجازات آل فرعون در جهنم برزخی است.

گزینه ۱

۵۶۸

پس از مرگ، فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود، اما فرشتگان روح انسان‌ها را «توفی» می‌کنند، یعنی روح انسان را به طور تمام و کمال دریافت می‌کنند. بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد، اما روح همچنان فعالیت آگاهانه‌ی خویش را در برزخ ادامه می‌دهد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) نادرست است، زیرا حیات و کیفر پاداش برزخی فقط به صورت روحانی است نه جسمانی و روحانی. گزینه (۴) نادرست است، زیرا در برزخ، تنها روح انسان توفی می‌شود نه جسم و روح او.

گزینه ۲

۵۶۹

آیهی شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ - کسانی که فرشته‌ها روح آن‌ها را گرفتند در حالی که ستمکار به خویش‌اند به آن‌ها گفتند شما در چه حالی بودید؟»، مربوط به عالم برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۱) نادرست است، چرا که در برزخ لذت‌های مادی وجود ندارد. گزینه (۲) نادرست است، چرا که تنها روح انسان توفی می‌شود. گزینه (۳) نادرست است، چرا که این آیه مربوط به آخرت و معاد جسمانی نمی‌باشد.

گزینه ۲

۵۷۰

براساس آیه: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ...»، اولین سؤالی که ملائکه از ظالمین به خود پس از توفی روح آنان در بدو ورود به عالم برزخ از آنان می‌پرسند، عبارت «فیم کنتم - در چه حالی بودید؟» می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا در هنگام مرگ تنها روح انسان توفی می‌شود نه روح و کالبد او. قسمت دوم گزینه (۲) سخن ملائکه به پاسخ ظالمین به خود است که در پاسخ به اولین سؤال ملائکه گفته‌اند ما در زمین مستضعف بودیم.

گزینه ۱

۵۷۱

ظالمین به خود در پاسخ به اولین سؤال ملائکه در برزخ که از آنان می‌پرسند: «فیم کنتم - در چه حالی بودید؟» این‌گونه پاسخ می‌دهند که: «قالوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ - ما در سرزمین خود مستضعف بودیم». این عبارت، بیانگر وجود آگاهی روحانی در برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه (۳) نادرست است، چرا که در برزخ آگاهی‌های انسان به صورت روحانی است نه دنیوی. گزینه (۲) و (۴) نادرست است، چرا که مخاطب ملائکه در این آیه، ظالمین به خود می‌باشند نه ظالمین به خدا.

گزینه ۳

۵۷۲

عبارت شریفه: «الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها - گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟»، پاسخ فرشتگان به ظالمین به خود است که در پاسخ به اولین سؤال آنان (فیم کنتم)، خودشان را در زمین، مستضعف می‌پنداشتند. این آیه، نشانگر حیات برزخی و آگاهی روحانی آدمی پس از مرگ است.

۵۸۴	گزینه ۴
براساس آیهی شریفه‌ی: «يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرُ»، انسان در عالم قیامت (نه برزخ)، مجموعه‌ی اعمال خود که در دنیا انجام داده است و آثار آن‌ها را به صورت کامل می‌بیند و آگاه می‌شود. نکته‌ی طلایی» مشاهده‌ی تمامی اعمال خود به همراه آثار ماتقدم و ماتأخر آن‌ها که مفهوم آیهی شریفه‌ی: «يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرُ» است، فقط در آخرت صورت می‌گیرد.	

۵۸۵	گزینه ۱
مرحله‌ی اول پاداش و جزای مؤمنان و کافران، در عالم برزخ آغاز می‌گردد که تنها بخشی از پاداش و جزای انسان است. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم در آخرت‌اند، روزگار می‌گذرانند. و عبارت قرآنی: «النار یعرضون علیها و ...» به مجازات آل فرعون در جهنم برزخی اشاره دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در برزخ پاداش و کیفر جسمانی وجود ندارد.	

۵۸۶	گزینه ۳
ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ از طریق آثار ماتأخر هم چنان برقرار است، بدین معنا که پرونده‌ی اعمال انسان‌ها با مرگ بسته نمی‌شود و پیوسته بر آن افزوده می‌گردد. آیهی شریفه‌ی: «اِنَّا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتٰی وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَرَهُمْ»، نیز بیانگر همین موضوع است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ از طریق آثار ماتقدم نمی‌باشد. گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، چراکه ارتباط دنیا با آخرت از طریق آثار ماتأخر برقرار نیست.	

۵۸۷	گزینه ۱
سرنوشت آدمی در عالم برزخ در همین دنیا رقم زده می‌شود. در این عالم، پرونده‌ی اعمال انسان‌ها به کلی بسته نیست و تنها آثار مثبت یا نتایج منفی اعمالی که آثار ماتأخر دارند، در زندگی برزخی نصیب انسان می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه در برزخ تنها از طریق آثار ماتأخر در نامه‌ی عمل انسان تغییر ایجاد می‌شود. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه پرونده‌ی عمل انسان با مرگ به کلی مسدود نمی‌شود بلکه در آثار ماتأخر باز است. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه زندگی در برزخ فقط به صورت روحانی است نه به صورت جسمانی و روحانی.	

۵۸۸	گزینه ۴
همان‌طور که در پاسخ پرسش قبل بیان شد، پس از مرگ، پرونده‌ی اعمال باز است و در برزخ از طریق آثار ماتأخر، در آن تغییر ایجاد می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱) و (۲)، به کلی مسدود است و در گزینه‌ی (۳)، تغییر در نامه‌ی عمل در برزخ از طریق آثار ماتقدم، نادرست است.	

۵۸۹	گزینه ۳
اعمالی که آثار آن پیش از مرگ در پرونده‌ی اعمال فرد ثبت شده است، ماتقدم نامیده می‌شود و در حیات برزخی تنها آثار مثبت یا نتایج منفی اعمالی که آثار ماتأخر دارند نصیب انسان می‌شود. نکته» باقیات الصالحات، بیانگر آثار ماتأخر می‌باشند و عامل ارتباط دنیا با برزخ می‌باشند.	

۵۷۸	گزینه ۴
در آیهی شریفه‌ی: «النَّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْهَا غَدُوًا وَ عَشِیًا - اَنَّا نَبْرَزُ النَّارَ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ لِّمَنْ یُّرِیدُ» می‌شوند هر بامداد و شامگاه، مربوط به جهنم برزخی است که در بر گیرنده‌ی نفس و روح آل فرعون می‌باشد. نکته‌ی طلایی» این عبارت‌های قرآنی: «فَاُولٰٓئِکَ مَا وَاٰهُم جَهَنَّمُ وَاَسَاءَتْ مَصِیْرًا»، «سوء العذاب» و «النَّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْهَا غَدُوًا وَ عَشِیًا»، بیانگر جهنم برزخی می‌باشند.	

۵۷۹	گزینه ۱
باتوجه به معنای این آیه: «وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَرَهُمْ» آثار ایشان و آن‌چه از پیش فرستاده‌اند، می‌نویسیم»، ثبت اعمال ماتقدم در دنیا و آثار ماتأخر آن‌ها در برزخ صورت می‌گیرد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، چراکه این آیه مربوط به رسیدگی به اعمال نمی‌باشد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه ثبت آثار ماتقدم اعمال در برزخ صورت نمی‌گیرد.	

۵۸۰	گزینه ۳
مراد از تعبیر قرآنی: «ءَاثَرَهُمْ» در آیهی شریفه‌ی: «وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَرَهُمْ» آثار ماتأخر اعمال است. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند. آثاری را که بعد از مرگ برجا می‌گذارد، «ماتأخر» می‌نامند. یعنی با این‌که فرد از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش هم چنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. نشر خرافات مثال آن است. نکته‌ی طلایی» آیهی شریفه‌ی: «وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَرَهُمْ»، به ارتباط برزخ با دنیا و تغییر در نامه‌ی عمل انسان از طریق ثبت آثار ماتأخر در برزخ اشاره دارد.	

۵۸۱	گزینه ۲
براساس آیهی: «يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرُ»، در روز قیامت که یوم الحساب است، انسان از تمامی اعمالش و آثار آن‌ها (ماتقدم و ماتأخر) آگاه می‌شود. نکته‌ی طلایی» آیهی شریفه‌ی: «يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرُ»، به ترتیب به هر سه عالم آخرت (بنیاً، دنیا (قَدَم) و برزخ (اٰخِر) اشاره دارد.	

۵۸۲	گزینه ۳
مطابق آیهی شریفه‌ی: «وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَرَهُمْ»، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند. آثاری را که بعد از مرگ برجا می‌گذارد، «ماتأخر» می‌نامند. یعنی با این‌که از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش هم چنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. به اعمال و آثاری که پیش از مرگ در پرونده‌ی اعمال فرد ثبت شده است، «ماتقدم» می‌گویند. تمامی کارهای دنیوی انسان، چه از نوع «ما قدموا» (آثار ماتقدم) یا «آثارهم» (آثار ماتأخر) باشند، به ترتیب در دنیا و برزخ ثبت می‌گردد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) ناقص می‌باشد و به ثبت آثار ماتقدم در دنیا اشاره نکرده است. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چون در آخرت پرونده‌ی اعمال انسان به طور کامل بسته است. گزینه‌ی (۴) بی‌ربط و مفهوم این آیه نمی‌باشد.	

۵۸۳	گزینه ۱
حقیقت وجودی انسان را روح و نفس یا جان او تشکیل می‌دهد که به هنگام مرگ، توفی (به تمام و کمال دریافت) می‌شود و پس از ورود به عالم برزخ، آگاهی و شعور کامل خود را دارد. همچنین اموری را در ک می‌نماید که درک آن‌ها در دنیا، ممکن نبود. نکته‌ی طلایی» کلمه‌ی «توفی»، به دریافت روح یا نفس انسان در هنگام مرگ به طور کامل دلالت دارد و یک استدلال نقلی است که غیر مادی بودن روح را ثابت می‌کند.	

گزینه ۲	۵۹۶
مطابق فرمایش امام کاظم ^(ع) ، مؤمن بر حسب مقدار فضیلت‌هایش پس از مرگ به دیدار خانواده‌اش می‌آید.	
نکته‌ی طلایی » این حدیث، به ارتباط برزخ با دنیا برای گروه خاصی از انسان‌ها اشاره دارد.	

گزینه ۳	۵۹۷
از فرمایش امام کاظم ^(ع) ، وجود حیات برزخی و این حقیقت که نفس و روح آدمی، پس از مرگ نیز آگاهی و شعور کامل خود را دارد، مفهوم می‌گردد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها » گزینه‌ی (۱) نادرست است، چون در برزخ جسم انسان حیات ندارد. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه فعالیت‌های آگاهانه‌ی روح افزایش می‌یابد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چون ارتباط دنیا با برزخ (نه آخرت) از طریق آثار متأخر است.	

گزینه ۲	۵۹۸
امام صادق ^(ع) فرمودند: هنگامی که مرده‌ای را در قبر می‌گذارند شخصی بر او ظاهر می‌شود و به او می‌گوید: «ای فلان! ما در دنیا سه چیز بودیم؛ رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد، خانواده‌ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم و با تو می‌مانم. آگاه باش که من در میان این سه در نزد تو از همه بی‌ارزش‌تر و سبک‌تر بودم.»	
نکته‌ی طلایی » تجسم عمل انسان در برزخ، به صورت شخصی است که بر او ظاهر می‌شود و انسان می‌تواند تمامی اعمال خود را به صورت یک شخص ببیند.	

گزینه ۱	۵۹۹
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

گزینه ۴	۶۰۰
طبق روایتی از امام صادق ^(ع) ، رزق آدمی که هنگام مرگ قطع می‌شود و خانواده‌اش که او را رها می‌کنند، در دنیا در نزد متوفی بارزش‌تر از عملش هستند که با او می‌ماند.	

گزینه ۴	۶۰۱
طبق فرمایش پیامبر ^(ص) ، هر کس سنت نبکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون این که از اجر عامل آن کم کنند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها » این حدیث، بیانگر باز بودن نامه‌ی عمل در برزخ و تغییر در آن از طریق اعمالی است که آثار متأخر دارند.	

گزینه ۱	۶۰۲
امام صادق ^(ع) فرمود: شش چیز است که مؤمن پس از مرگ نیز از آن‌ها بهره‌مند می‌شود. این حدیث، مؤید تغییرپذیری نامه‌ی عمل در برزخ از طریق آثار متأخر است.	
روشن مطالعه » این مورد را دقیقاً باید به خاطر سپرد تا بتوانید به سؤالات احتمالی از این حدیث پاسخ دهید.	

گزینه ۱	۶۰۳
امام صادق ^(ع) فرمود: شش چیز است که مؤمن پس از مرگ نیز از آن‌ها بهره‌مند می‌شود: ۱- فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند. ۲- کتاب قرآنی که از آن قرائت شود. ۳- چاه آبی که برای مردم حفر کرده. ۴- درختی که کاشته است. ۵- آبی که برای خیرات جاری نموده. عروش پسندیده‌ای که بنا نهاده و دیگران آن را ادامه می‌دهند.	

گزینه ۳	۵۹۰
فردی که مسجدی می‌سازد، تا مردم در آن خدا را عبادت کنند و وظایف اجتماعی خود را انجام دهند، تا وقتی که این فرد زنده است، به خاطر هر کار خیری که در مسجد صورت می‌گیرد به او پاداش می‌دهند، این پاداش مربوط به مسجد ساختن و آثار ماتقدم آن است. پس از مرگ او نیز تا زمانی که از مسجد استفاده می‌کنند، در پرونده‌ی عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، این افزایش حسنات مربوط به آثار متأخر است.	
نکته‌ی طلایی » خبر رسانی به دیگران در زمان حیات خود ماتقدم و پس از مرگ متأخر است.	

گزینه ۲	۵۹۱
در عالم برزخ، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد، اما روح همچنان فعالیت آگاهانه‌ی خویش را ادامه می‌دهد، آدمی با خداوند و فرشتگان گفت‌وگو می‌کند و اموری را می‌بیند و درک می‌کند که درک آن‌ها در دنیا امکان‌پذیر نبود. این‌ها به دلیل وجود نداشتن محدودیت‌های دنیا صورت می‌گیرد و بیانگر افزایش قدرت درک انسان در برزخ است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها » گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه بعد از مرگ انسان توانایی سخن گفتن با دوستان نزدیک و خانواده‌ی خود را ندارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه فعالیت‌های آگاهانه‌ی روح افزایش می‌یابد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه در برزخ توانایی انجام عمل وجود ندارد.	

گزینه ۲	۵۹۲
همان‌طور که در پاسخ پرسش قبل هم اشاره شد، به دلیل از بین رفتن محدودیت‌ها در برزخ، روح انسان پس از مرگ از شعور و آگاهی بیش‌تری برخوردار است.	
نکته‌ی طلایی » به دلیل رفع موانع آگاهی در هنگام مرگ و مشاهده‌ی واقعیت‌هایی که یک عمر از آن‌ها غفلت داشته است، از مرگ به نوعی بیداری تعبیر می‌شود که بیانگر افزایش آگاهی‌های روحانی انسان در برزخ است.	

گزینه ۳	۵۹۳
در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد: «ای فلان! ای فلان! آن‌چه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یاقیم. آیا شما نیز آن‌چه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟» این پرسش، نشان دهنده‌ی حیات برزخی و افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ است. و آیه‌ی شریفه: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» به همین عالم اشاره دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها » گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه آیه‌ی شریفه: «ینبأ الا انسان یومئذ بما قدّم و آخر» به آخرت اشاره دارد. گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، چراکه این ماجرا به جنگ بدر ارتباط دارد نه جنگ احد.	

گزینه ۴	۵۹۴
پس از شنیدن سخن پیامبر ^(ص) به بزرگان کشته شده‌ی لشکر کفار در جنگ بدر، یارانش پرسیدند: «ای رسول خدا، آیا ایشان را می‌خوانی در حالی که مردگان‌اند؟» پیامبر ^(ص) فرمودند: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند.» این ماجرا، بیانگر وجود حیات برزخی و افزایش آگاهی‌های روحانی انسان در برزخ است.	
نکته‌ی طلایی » در جنگ احد، رسول گرامی اسلام ^(ص) مسلمانان را از خطر بازگشت به جاهلیت هشدا داده بودند. (درس ۷ سوم)	

گزینه ۳	۵۹۵
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۶۰۴

گزینه ۱

آثار اعمال متأخر حتی پس از کوچ انسان از این جهان از بین نمی‌روند. آن شش مورد که امام صادق بدان‌ها اشاره کرده‌اند، از این دسته اعمال هستند. مانند ترویج سستی نیک که پس از مرگ شخص مردم به آن عمل می‌کنند.

۶۰۵

گزینه ۳

پاسخ پیامبر (ص) به پرسش یارانش پیرامون مردگان لشکر کفر در جنگ بدر، نشانگر حیات برزخی و افزایش شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، بیانگر نگرش انبیای الهی درباره‌ی مرگ است.

۶۰۶

گزینه ۴

روح و نفس هم در حیات دنیوی و هم در حیات اخروی، از آگاهی و حیات برخوردار است. آیه‌ی: «سلام علیکم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»، به حیات برزخی اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که ثبت آثار متأخر فقط در برزخ صورت می‌گیرد. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چرا که اختیار و تکلیف پذیری از ویژگی‌های انسان در دنیا است، نه در برزخ. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چرا که ثبت و ضبط تمامی اعمال فقط در دنیا صورت می‌گیرد و در برزخ فقط آثار متأخر ثبت می‌شود.

۶۰۷

گزینه ۴

شبهات برزخ و آخرت در وجود پاداش و کیفر در هر دو عالم است چراکه مرحله‌ی اول پاداش و جزای انسان‌ها، در بهشت و جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم اخروی است انجام می‌پذیرد. در آیه‌ی شریفه‌ی: «فوقاه الله سیئات ما مکروا و حاق بال فرعون ...»، به مجازات برزخی و اخروی آل فرعون اشاره شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا رسیدگی کامل به اعمال انسان فقط در آخرت صورت می‌گیرد. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا در برزخ پاداش و کیفر مادی وجود ندارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا شهادت شاهدان و اعضای انسان مخصوص آخرت است.

۶۰۸

گزینه ۲

عبارت شریفه‌ی: «سوء العذاب: بدترین عذاب»، به اولین مرحله‌ی عذاب آل فرعون در جهنم برزخی اشاره دارد که تنها روح آنان را در بر می‌گیرد. در مرحله‌ی دوم قیامت به مأموران عذاب گفته می‌شود: «ادخلوا آل فرعون اشد العذاب: وارد کنید آل فرعون را در شدید عذاب» عبارت شریفه‌ی: «فاولئک ماؤاهم جهنم و ساءت مصیرا: آن‌ها جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی است»، نیز به جهنم برزخی ظالمین به خود اشاره دارد. عبارت شریفه‌ی: «ینبأ الانسان یومئذ بما قدم و اخر: در آن روز به انسان خبر داده می‌شود به آنچه پیش فرستاده و آنچه پس فرستاده است»، به آگاهی از تمامی اعمال و آثارشان در آخرت اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «هر دو قسمت گزینه‌ی (۱) و (۴) به برزخ اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، به ترتیب به آخرت و برزخ اشاره دارد.

۶۰۹

گزینه ۳

این فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) که: «هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون این که از اجر عامل آن کم کنند»، مؤید تأثیر آثار متأخر اعمال در برزخ است. و آیه‌ی شریفه‌ی: «انا نحن نجی الموتی و نکتب ما قدموا و ءاثرهم»، به نوشتن آثار متأخر اعمال در برزخ اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) نادرست است، زیرا با مرگ انسان پرونده‌ی اعمالی که آثار ماتقدم دارند بسته می‌شود. قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، به تأثیر آثار متأخر در برزخ اشاره ندارد.

۶۱۰

گزینه ۴

عبارت قرآنی: «کَلَّا إِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى یَوْمِ یُعْثُون»، پاسخ قطعی خداوند در ردّ اولین تقاضای مشرکان بعد از مرگ (ربّ ارجعون) است و بیانگر وجود حیات پس از مرگ (حیات برزخی) و همچنین افزایش آگاهی و قدرت درک روحی انسان در برزخ (به دلیل گفتگو با خداوند و فرشتگان در برزخ) می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا تنها بعد روحانی انسان به تمام و کمال دریافت می‌شود نه جسم و روح او. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا این آیه به جهنم برزخی کافران اشاره ندارد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا مشرکان در این آیه، تسلیم به مرگ نیستند بلکه تقاضای بازگشت به دنیا را دارند.

۶۱۱

گزینه ۲

عبارت قرآنی: «ربّ ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت»، اولین درخواست مشرکان از خداوند در برزخ است و حاکی از مواجه شدن آنان با واقعیت‌هایی است که عمری از آن غفلت داشته‌اند. این درخواست بازگشت به دنیا برای انجام صالحات ترک شده، بیانگر این حقیقت است که تباه کردن عمر و فرصت، سبب حسرت در هنگام مرگ می‌شود.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، پاسخ ملائکه به گناه کارانی است که خود را در زمین مستضعف می‌پنداشتند. گزینه‌ی (۳)، به آگاهی انسان از تمامی آثار اعمال خود در آخرت اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، به عذاب برزخی آل فرعون اشاره دارد.

۶۱۲

گزینه ۳

آیه‌ی شریفه‌ی: «انا نحن نجی الموتی و نکتب ما قدموا و ءاثرهم»، بیانگر این حقیقت است که پس از مرگ و ورود انسان به برزخ، ارتباط این عالم با دنیا از طریق آثار متأخر اعمال برقرار است.

۶۱۳

گزینه ۴

از این فرمایش امام کاظم (ع) که مؤمن بر حسب مقدار فضیلت‌هایش پس از مرگ به دیدار خانواده‌اش می‌آید، به وضعیت مؤمنان در برزخ پی می‌بریم و همچنین مفهوم می‌گردد که با فرارسیدن مرگ و ورود انسان به برزخ، ارتباط این عالم با دنیا برقرار است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «شش مورد مطرح شده در گزینه‌ی (۲)، از اعمالی هستند که آثار متأخر دارند، و آثار مثبت یا نتایج منفی آن‌ها در عالم برزخ، نصیب انسان می‌شود و به وضعیت مؤمنان در برزخ کمتر اشاره دارد.

۶۱۴

گزینه ۱

ظرف تحقق دو عبارت شریفه‌ی: «ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» و «ینبأ الانسان یومئذ بما قدم و اخر»، رستاخیز و حیات اخروی است. و ظرف تحقق عبارت شریفه‌ی: «فوقاه الله سیئات ما مکروا»، همین دنیای مادی می‌باشد.

۶۱۵

گزینه ۳

بر اساس فرمایش امام کاظم (ع)، مؤمن بر حسب مقدار فضیلت‌هایش پس از مرگ به دیدار خانواده‌اش می‌آید.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه در عالم برزخ پرونده‌ی عمل انسان در اعمالی که آثار متأخر دارند، باز است و بسته نمی‌شود. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه انسان در جهان آخرت اختیار ندارد و بساط تکلیف بسته است و آثار اعمال در پرونده‌ی اعمال ثبت نمی‌گردد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه خداوند به آنان که دلیل معصیت‌شان را استضعاف بیان می‌کنند، مهاجرت را پیشنهاد می‌نماید نه جهاد را.

گزینه ۱	۶۲۱
توفی به معنای دریافت تمام و کمال روح انسان توسط ملائکه در عالم برزخ است و نشان می‌دهد که روح در عالم برزخ حیات دارد و به فعالیت آگاهانه‌ی خود ادامه می‌دهد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت سوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا کلمه‌ی توفی به ارتباط دنیا با برزخ اشاره ندارد.	

گزینه ۱	۶۲۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا»، به افزوده شدن بر پرونده‌ی اعمال انسان در برزخ از طریق آثار متأخر و عدم قطع ارتباط عالم برزخ با دنیا اشاره دارد. بنابر سخن امام صادق (ع)، این شش مورد: «۱- فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند. ۲- کتاب قرآنی که از آن قرائت شود. ۳- چاه آبی که حفر کرده (و به مردم آب می‌دهد). ۴- درختی که کاشته است. ۵- آبی که برای خیرات جاری کرده و روش پسندیده‌ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را ادامه می‌دهند.» از مواردی است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن‌ها بهره‌مند می‌شود.	

گزینه ۲	۶۲۳
زمان تحقق آیه‌ی شریفه‌ی: «يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ»، در قیامت است، چراکه تنها در آخرت (یومئذ)، انسان از آثار ماتقدم و متأخر اعمال خود به طور کامل آگاه می‌شود. اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند. آثاری را که بعد از مرگ برجا می‌گذارد، «متأخر» می‌نامند. یعنی با این‌که فرد از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش هم چنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا به جای این‌که به تعریف آثار متأخر بپردازد به تعریف آثار ماتقدم پرداخته است.	

گزینه ۲	۶۲۴
رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون این‌که از اجر انجام‌دهنده‌ی آن کم کنند. و هر کس سنت زشتی را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون این‌که از گناه عامل آن کم کنند.»	

گزینه ۴	۶۲۵
در آیه‌ی شریفه‌ی: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، عبارت قرآنی: «رَبِّ ارْجِعُونِ»، اولین درخواست مشرکان از خداوند در برزخ است. دلیل تقاضای بازگشت مشرکان به دنیا در برزخ، «اقدام به جبران گذشته آن‌هم با تردید» (لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ) است. عبارت قرآنی: «كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، پاسخ قطعی خداوند در ردّ اولین تقاضای مشرکان بعد از مرگ (رَبِّ ارْجِعُونِ) است و بیانگر وجود حیات پس از مرگ (حیات برزخی) و همچنین افزایش آگاهی و قدرت درک روحی انسان در برزخ (به دلیل گفتگو با خداوند و فرشتگان در برزخ) می‌باشد.	

گزینه ۱	۶۱۶
تجلی کوچکی از بهشت و جهنم اخروی در برزخ است. که عبارت شریفه‌ی: «يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»، به جهنم اخروی اشاره دارد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، سیمای ظالمین به خود را در هنگام ورود به برزخ بیان می‌کند. گزینه‌ی (۳)، مجازات ظالمین به خود در برزخ است. گزینه‌ی (۴)، سیمای آل فرعون را در برزخ بیان می‌کند.	

گزینه ۱	۶۱۷
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «فَوَافَاهُ اللَّهُ سِئَاتِ مَا مَكَرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ...»، عبارت شریفه‌ی: «سوء العذاب»، به اولین مرحله‌ی عذاب آل فرعون در جهنم برزخی اشاره دارد که تنها روح آنان را در بر می‌گیرد. آیه‌ی شریفه‌ی: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»، اولین سخن ملائکه به پاکیزگان پس از توفی روح آنان است و مؤید این است که مرحله‌ی اول پاداش مؤمنان در عالم برزخ آغاز می‌شود و مؤمنان بخشی از پاداش اعمال خود «بما كنتم تعملون» را در برزخ دریافت می‌کنند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، مربوط به عذاب جسمانی و روحانی آل فرعون در آخرت است. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، سیمای متقین را به هنگام ورود به بهشت اخروی بیان می‌کند.	

گزینه ۳	۶۱۸
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ...»، اولین سؤال ملائکه از ظالمین به خود پس از توفی روح آنان در برزخ، عبارت: «فیم كنتم - شما در چه حالی بودید؟» است. آیه‌ی شریفه‌ی: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ...»، اولین سخن ملائکه به پاکیزگان پس از توفی روح آنان است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) و (۲)، مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ...» است. قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، مربوط به بهشت اخروی است نه برزخی.	

گزینه ۲	۶۱۹
پیام عبارت شریفه‌ی: «إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثَرَهُمْ»، این است که ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ از طریق آثار متأخر نیز همچنان برقرار است. پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»، با توجه به کلمه‌ی «توفی»، بیانگر این است که گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد، اما روح پس از دریافت کامل توسط ملائکه همچنان به فعالیت آگاهانه‌ی خویش در برزخ ادامه می‌دهد.	

گزینه ۴	۶۲۰
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنُكْتِبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثَرَهُمْ»، حاکی از این است که ارتباط دنیا با برزخ پس از مرگ همچنان برقرار است، یعنی پرونده‌ی اعمال انسان‌ها با مرگ بسته نمی‌شود و از طریق اعمالی که آثار متأخر دارند، پیوسته بر آن افزوده می‌گردد. به بیان امام کاظم (ع)، مؤمن بر حسب مقدار فضیلت‌هایش پس از مرگ به دیدار خانواده‌اش می‌آید.	

۶۲۶

گزینه ۲

برای پاسخ به این تست، آیات درس ۷ دوم را باید حفظ بود. در آیهی شریفه: «فوقاه الله سيئات ما مكروا و حاق بآل فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدواً و عشياً و يوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون أشد العذاب»، عبارت شریفه: «سوء العذاب»، به اولین مرحلهی عذاب آل فرعون در جهنم برزخی اشاره دارد که تنها روح آنان را در بر می گیرد. «عرضه شدن بر آتش در هر بامداد و شامگاه» که در عبارت شریفه: «النار يعرضون عليها غدواً و عشياً»، بیان شده است، مبین «مجازات روحانی آل فرعون در جهنم برزخی» است. عبارت: «و يوم تقوم الساعة»، به مرحلهی دوم قیامت اشاره دارد. عبارت قرآنی: «أشد العذاب»، بیانگر عذاب اخروی و در برگیرندهی روح و جسم آنان است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه (۱)، مطابق آیهی شریفه: «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما باطلا ذلك ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار»، بیانگر عذاب اخروی است. گزینه (۳)، مطابق آیهی شریفه: «إن الذين توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين فی الارض قالوا ألم تكن أرض الله واسعة فتهاجروا فيها فأولئك مأواهم جهنم وساءت مصيرا»، بیانگر جهنم برزخی ظالمین به خود است. گزینه (۴)، مطابق آیهی شریفه: «حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون لعلى أعمل صالحا فيما تركت كلاً إنها كلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ إلى يوم يبعثون»، بیانگر جهنم برزخی مشرکان و گناه کاران است.

۶۲۷

گزینه ۲

آیهی شریفه: «يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»، سخن ملائکه به پاکان به هنگام ورود به بهشت برزخی می باشد که این پاداش، نتیجهی اعمال نیک مستمر دنیایی آنان است و عبارت توفی در آیات قرآن، بیانگر ادامه فعالیت آگاهانهی روح در برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه (۱) نادرست است، زیرا در برزخ، روح انسان از طریق آثار متأخر با دنیا ارتباط دارد.

۶۲۸

گزینه ۳

این حدیث امام صادق (ع) که فرمودند: «شش چیز است که مؤمن پس از مرگ نیز از آن بهره مند می شود: فرزند صالح که برای او طلب مغفرت کند، و روش پسندیده ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را ادامه می دهند»، بیانگر ارتباط برزخ با دنیا و تغییر در نامه ی عمل انسان در برزخ از طریق آثار متأخر است که آیهی شریفه: «ينبأ الإنسان يومئذ بما قدم و أخر»، نیز به همین موضوع اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه های (۱) و (۲)، به قضاوت بر معیار حق از وقایع قیامت اشاره دارند. گزینه (۴)، سخن مشرکان در برزخ به منظور تقاضای بازگشت به دنیا می باشد.

۶۲۹

گزینه ۲

زمان تحقق آیهی شریفه: «ينبأ الإنسان يومئذ بما قدم و أخر»، در قیامت است، چراکه تنها در آخرت (یومئذ)، انسان از آثار ماتقدم و ماتأخر اعمال خود به طور کامل آگاه می شود. و این آیه، در برگیرندهی ارتباط بین دنیا و برزخ است، چراکه در برزخ، پروندهی اعمال انسان باز بوده و از طریق آثار متأخر در آن تغییراتی داده می شود.

۶۳۰

گزینه ۱

از دقت در پیام آیهی شریفه: «النار يعرضون عليها غدواً و عشياً و يوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون أشد العذاب»، مفهوم می گردد که «عرضه شدن بر آتش در هر بامداد و شامگاه - النار يعرضون عليها غدواً و عشياً» مبین «مجازات روحانی آل فرعون در جهنم برزخی» و همچنین مؤید «شباهت دنیا و برزخ در داشتن صبح و شام» است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه های (۲) و (۳) بی ربط است و گزینه (۴) بیانگر آشکار شدن حقایق از وقایع قیامت است.

۶۳۱

گزینه ۲

آیهی شریفه: «سلام عليكم ادخلوا الجنة...»، اولین سخن ملائکه به پاکیزگان پس از توفی روح آنان است و مؤید این است که اعمال نیک و مستمر انسان، زمینه ساز درود فرشتگان، در آستانه ی ورود به عالم برزخ است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه (۱)، به پاداش و کیفر اخروی از نوع تجسم عمل اشاره دارد. گزینه (۳)، ذکر متقین در هنگام ورود به بهشت اخروی است. گزینه (۴)، سخن ملائکه به متقین هنگام ورود به بهشت اخروی است.

۶۳۲

گزینه ۳

این کلام رسول خدا (ص) که فرمود: «هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند»، بیانگر ارتباط برزخ با دنیا و تغییر در نامه ی عمل انسان در برزخ از طریق آثار متأخر است که آیهی شریفه: «انا نحن نحیی الموتی و نكتب ما قدموا و آثارهم» نیز به همین موضوع اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه (۱)، دلیل آگاهی خداوند از وسوسه های نفس اماره را بیان می کند. گزینه (۲) سخن مشرکان هنگام ورود به عالم برزخ است. گزینه (۴)، یکی از نتایج بر حق بودن جهان در مورد انسان است.

۶۳۳

گزینه ۳

«توفی» یعنی دریافت تمام و کمال که در قرآن برای دریافت تمام و کمال روح انسان توسط ملائکه در عالم برزخ به کار برده شده است و بیانگر این است که روح انسان ثابت است و تجزیه ناپذیر و خالی از هر گونه استهلاک می باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه (۱) نادرست است، زیرا روح انسان تغییرات زیادی می پذیرد.

۶۳۴

گزینه ۱

پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح (نه جسم و روح) است توفی می کنند.

۶۳۵

گزینه ۴

آیهی شریفه: «ادخلوا آل فرعون أشد العذاب»، مربوط به آخرت و آیهی شریفه: «حاق بآل فرعون سوء العذاب»، مربوط به برزخ و آیهی شریفه: «سلام عليكم ادخلوا الجنة» سخن ملائکه به پاکان هنگام ورود به بهشت برزخی است. آیهی شریفه: «نعم اجر العالمین» مربوط به بهشت اخروی (درس ۹) است.

۶۳۶

گزینه ۴

این کلام امام صادق علیه السلام که فرمود: «شش چیز است که مؤمن، پس از مرگ نیز از آن ها بهره مند می شود ...» و آیه شریفه «انا نحن نحیی الموتی و نكتب ما قدموا و آثارهم»، به دریافت آثار ماتأخر اعمال در برزخ اشاره دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه (۱)، دلیل آگاهی خداوند از وسوسه های نفس اماره را بیان می کند. گزینه (۲)، یکی از نتایج بر حق بودن جهان در مورد انسان است. گزینه (۳) سخن مشرکان هنگام ورود به عالم برزخ است.

۶۳۷

گزینه ۳

امام صادق علیه السلام فرمودند: عمل دنیایی انسان در عالم برزخ به صورت شخصی بر انسان ظاهر می شود و انسان بدان آگاه می گردد و فرشتگان در همان عالم خطاب به بهشتیان می گویند: «سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه (۴) نادرست است، زیرا نه در برزخ و نه در قیامت عمل انسان به صورت فرشته ظاهر نمی شود.

گزینه ۳	۶۴۴
به تعبیر قرآن، ظالمین به خود در پاسخ به اولین سؤال ملائکه در برزخ که «فیم کنتم - در چه حالی بودید؟» می‌گویند: «کُنَّا مُسْتَغْفِرِينَ فِي الْأَرْضِ - ما در سرزمین خود مستضعف بودیم». ولی ملائکه به آنان می‌گویند «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك ماواهم جهنم و ساءت مصيرا» این عبارت، بیانگر حیات برزخی است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، اولین سؤال ملائکه از کافران در هنگام ورود به جهنم اخروی است. (درس ۹ دوم)	

گزینه ۴	۶۴۵
این بخش از آیه‌ی شریفه‌ی: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ - آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها برسد می‌گوید: پروردگار! مرا (به دنیا) بازگردانید، شاید عمل صالحی انجام دهم؛ آن‌چه را در گذشته ترک کرده‌ام»، اولین درخواست «مشرکان» از خداوند پس از مرگ است و بیانگر حیات برزخی و افزایش آگاهی روحانی انسان در برزخ و پس از تحقق توفی می‌باشد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چون خیلی کلی گفته شده و مشخص نکرده که مربوط به چه زمانی است. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا مرگ برای اهل ایمان تحقق آرزوهای وعده داده شده است. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا با تحقق توفی فعالیت‌های روحانی تداوم می‌یابد نه روحانی و جسمانی.	

گزینه ۲	۶۴۶
این بخش از آیه‌ی شریفه‌ی: «النار يعرضون عليها غدواً وعشياً - آنان بر آتش عرضه می‌شوند هر بامداد و شامگاه» که مجازات برزخی آل فرعون است، شباهت برزخ و دنیا را در داشتن بامداد و شامگاه بیان می‌کند. عبارت: «حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون - آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها برسد می‌گوید: پروردگار! مرا (به دنیا) بازگردانید»، مبین تفاوت دنیا و برزخ در مختار بودن دنیوی انسان و پایان اختیار و عملش در برزخ است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه آیه‌ی قسمت دوم آن، مربوط به آخرت است.	

گزینه ۳	۶۴۷
پیامبر گرامی اسلام^(ص) درباره‌ی بزرگان کشته شده‌ی لشکر کفار در جنگ بدر فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند». این سخن پیامبر^(ص) بیانگر حیات برزخی و افزایش آگاهی‌های روحانی انسان در برزخ است.	

گزینه ۲	۶۴۸
آگاهی کامل از آثار اعمال ماتقدم و متأخر، در روز قیامت صورت می‌گیرد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، به توفی ظالمین به خود و ورود به جهنم برزخی اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، به توفی پاکیزگان و ورود به بهشت برزخی اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، به زنده کردن مردگان در قیامت و به ثبت اعمال ماتقدم و متأخر انسان در دنیا و برزخ اشاره دارد.	

گزینه ۱	۶۴۹
آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ... فاولئك ماواهم جهنم و ساءت مصيرا»، به توفی ظالمین به خود و ورود به جهنم برزخی اشاره دارد. آیه‌ی شریفه‌ی: «ادخلوا آل فرعون أشدَّ العذاب»، به کفر آل فرعون در جهنم اخروی اشاره دارد. آیه‌ی شریفه‌ی: «الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ... سلام عليهم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»، به توفی پاکیزگان و ورود آنان به بهشت برزخی اشاره دارد.	

گزینه ۲	۶۳۸
ارتباط عالم برزخ با دنیا را آثار متأخر اعمال انسان‌ها اثبات می‌کند و مطابق سخن امام کاظم^(ع)، مقدار و کمیت دیدار برزخیان با خانواده‌ی خویش، را میزان فضیلت آنان رقم می‌زند. و استمرار بخش ارتباط انسان با دنیا، آثار متأخر رفتارهای اوست. «تمرین تست‌زنی» برای پاسخ به این تست اگر با توجه به قسمت سوم آن بخواهیم حذف گزینه کنیم پاسخ به آسانی به دست می‌آید.	

گزینه ۱	۶۳۹
مؤمنان در بهشت برزخی و مشرکان در جهنم برزخی تنها بخشی از پاداش و جزای خود را می‌بینند نه تمام آن را. «نکته‌ی طلایی» مشاهده‌ی کامل اعمال و رسیدگی کامل به اعمال و دریافت پاداش و کیفر کامل اعمال، همگی مربوط به آخرت است نه برزخ.	

گزینه ۳	۶۴۰
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیمما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون - آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا می‌رسد می‌گوید: پروردگار! مرا بازگردانید، شاید عمل صالحی انجام دهم؛ آن‌چه در گذشته ترک کرده‌ام»، مشرکان در آستانه‌ی ورود به برزخ از کاستی انجام وظایف خویش آگاه می‌شوند و به همین دلیل برای جبران آن‌ها تقاضای بازگشت به دنیا را دارند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) به آگاهی از تمامی اعمال و آثار آن‌ها در آخرت اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، پاسخ قطعی خداوند به مشرکانی است که بعد از مرگ تقاضای بازگشت به دنیا را دارند. گزینه‌ی (۴)، سیمای ظالمین به خود را در هنگام ورود به برزخ بیان می‌کند.	

گزینه ۲	۶۴۱
ظالمین به خود در پاسخ به اولین سؤال ملائکه در برزخ که در چه حالی بودید (فیم کنتم)، می‌گویند ما در زمین مستضعف بودیم (قالوا کُنَّا مُسْتَغْفِرِينَ فِي الْأَرْضِ) و ملائکه در پاسخ به آنان می‌گویند: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها» «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، اولین سؤال ملائکه از کافران در هنگام ورود به جهنم اخروی است.	

گزینه ۱	۶۴۲
مطابق فرمایش امام کاظم^(ع)، مؤمن بر حسب مقدار فضیلت‌هایش پس از مرگ به دیدار خانواده‌اش می‌آید و کمترین آن‌ها هر جمعه می‌باشد. «نکته‌ی طلایی» این حدیث، از مشابهت زمانی دنیا و برزخ سخن می‌گوید.	

گزینه ۳	۶۴۳
از آیه‌ی شریفه‌ی: «ینبأ الانسان یومئذ بما قدم و آخر»، برداشت می‌شود که برخی از اعمال هستند که آثارشان حتی بعد از مرگ از بین نمی‌رود؛ علاوه بر آثار ماتقدم دارای آثار متأخر هستند و این تغییر در نامه‌ی اعمال از طریق دریافت آثار ما تأخر اعمال در عالم برزخ است. تحقق آگاهی از آثار ماتقدم و متأخر اعمال در آخرت صورت می‌گیرد، ولی در این آیه، دریافت آثار متأخر اعمال در برزخ مورد نظر طراح سؤال است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، چراکه همه‌ی آثار ماتقدم و متأخر نه در برزخ ثبت می‌شوند و نه در قیامت. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه قسمت اول این گزینه مربوط به برزخ است نه قیامت.	

گزینه ۲

۶۵۰

این بخش از آیه: «حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحا فِيمَا تَرَكْتُ - آن گاه که مرگ یکی از آن ها برسد می گوید: پروردگار! مرا (به دنیا) بازگردانید، شاید عمل صالحی انجام دهم؛ آن چه را در گذشته ترک کرده ام» که درخواست «مشرکان» از خداوند در برزخ است، به اولین مرحله کیفر و پاداش انسان در برزخ اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه (۱) نادرست است، چرا که عالم برزخ غیر مادی و بسیار وسیع تر از دنیاست. گزینه های (۳) و (۴) نادرست اند، چرا که پس از تحقق توفی و ورود به برزخ، قدرت درک و آگاهی روحانی (نه جسمی و روحی) انسان افزایش می یابد.

گزینه ۳

۶۵۱

در برزخ و در آخرت، بساط اختیار و تکلیف پذیری انسان بر چیده می شود.

گزینه ۴

۶۵۲

از گفت و گو مشرکان با خداوند و ملائکه پس از تحقق توفی و مرگ که در این آیه به آن اشاره شده است، افزایش شعور و آگاهی روحانی آدمی در حیات برزخی مفهوم می گردد.

درس هشتم: واقعه ی بزرگ

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۶۳	۲۰	۳۲
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۳	۲	۴

گزینه ۲

۶۵۳

عبارت شریفه ی: «فصعق من فی السماوات و من فی الارض»، بیانگر دومین حادثه در مرحله ی اول قیامت است. در مرحله ی اول قیامت، سه اتفاق رخ می دهد: ۱- نفخ صور اول ۲- مدهوش شدن اهل آسمان ها و زمین ۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان ها.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «قسمت اول گزینه های (۱) و (۳) نادرست است، چرا که مربوط به مرحله ی دوم قیامت می باشند. قسمت دوم گزینه ی (۴) نادرست است، چرا که نورانی شدن زمین یا نوری از جانب خداوند، از رویدادهای مرحله ی دوم قیامت است.

گزینه ۲

۶۵۴

براساس آیه ی: «و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الارض الا من شاء الله»، اولین حادثه، نفخ صور است. نفخ صور، بانگ سهمگینی است که قرآن کریم از آن به «صیحه» نیز یاد کرده است و رویداد پس از آن، مدهوش شدن همه ی اهل آسمان ها و زمین، جز آن ها که خداوند خواسته است، می باشد.

گزینه ۳

۶۵۵

براساس آیه ی: «و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون...»، نفخ صور اول و مدهوش شدن همه ی اهل آسمان ها و زمین، مقدم بر نفخ صور دوم (ثم نفخ فيه اخرى) می باشد. و زنده شدن انسان ها یا معاد جسمانی (فاذا هم قيام ينظرون) رویداد پس از نفخ صور دوم می باشد.

روش مطالعه «برای پاسخ دادن به این سبک تست، سعی کنید تقدم و تأخر سه رویداد مرحله ی اول و هفت واقعه ی مرحله ی دوم قیامت را به خاطر بسپارید.

گزینه ۳

۶۵۶

دومین واقعه در مرحله ی دوم قیامت، «فاذا هم قيام ينظرون» است. یعنی همه ی مردگان دوباره زنده می شوند و از زمین بیرون می آیند و در پیشگاه خداوند حاضر می گردند. (معاد جسمانی) پس از این مرحله، با نوری از جانب پروردگار زمین روشن می شود و سرگذشت انسان ها و کارهای نیک و بدشان آشکار می گردد که عبارت شریفه ی: «و اشرق الارض بنور ربها»، بیانگر همین واقعه است.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ی (۱) و (۲) نادرست است، چرا که مرحله ی دوم قیامت با نفخ صور دوم آغاز می شود. گزینه ی (۴) نادرست است، چرا که تغییر ساختار آسمان ها و زمین، مربوط به مرحله ی اول قیامت است.

گزینه ۲

۶۵۷

سومین واقعه در مرحله ی دوم قیامت، «و اشرق الارض بنور ربها» است، یعنی در قیامت، با نوری از جانب پروردگار، زمین روشن می شود تا سرگذشت انسان ها و حوادث تلخ و شیرین و کارهای نیک و بد آن ها را که دیده است، آشکار کند. با روشن شدن زمین به نور خدا (و اشرق الارض بنور ربها) در آخرت، پرده ها کنار می رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، روشن می شود.

مقایسه «آشکار شدن اسرار و ضمائر انسان ها در آخرت، مفهوم عبارت شریفه ی: «يوم تبلى السرائر» می باشد. آشکار شدن حقایق و واقعیت هایی که بر زمین گذشته است، مفهوم عبارت شریفه ی: «و اشرق الارض بنور ربها» است.

گزینه ۱

۶۵۸

چهارمین واقعه در مرحله ی دوم قیامت، «و وضع الكتاب» می باشد که بیانگر «برپاشدن دادگاه عدل الهی» است، یعنی در قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می شود و ابتدا کتابی قرار داده می شود که در آن کتاب، همه ی اعمال انسان ها از کوچک و بزرگ ثبت است و مردم همه ی اعمال خود را در آن کتاب می یابند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ی (۲) نادرست است، چرا که ظاهر عمل از بین می رود و در آخرت تنها باطن و حقیقت اعمال مشاهده می شود. گزینه ی (۳) نادرست است، چرا که این آیه، مربوط به کیفر اخروی نیست. گزینه ی (۴) نادرست است، چرا که عبارت مورد سؤال، به این موضوع اشاره ندارد.

گزینه ۳

۶۵۹

پنجمین واقعه در مرحله ی دوم قیامت، «و جىء بالتبيين و الشهداء» است، یعنی پیامبران و امامان، شاهدان دادگاه عدل الهی هستند. علاوه بر شهادت عالیه ی پیشوایان (بالتبيين)، فرشتگان الهی و اعضای بدن انسان از دیگر شاهدان روز حساب (و الشهداء) می باشند. پیامبران و امامان بهترین گواهان قیامت اند، چرا که ظاهر و باطن اعمال انسان ها را در دنیا دیده اند و از هر خطایی مصون و محفوظ اند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه های (۱) و (۲) نادرست است، چرا که به نیاز دنیوی بشر اشاره دارند، نه مرحله ی دوم قیامت. گزینه ی (۴) نادرست است، چرا که منظور از «شهادت» در عبارت قرآنی: «و جىء بالتبيين و الشهداء» شاهدان روز حساب است نه شهیدان راه خدا.

گزینه ۴

۶۶۰

ششمین واقعه در مرحله ی دوم قیامت، عبارت شریفه ی: «قضاوت بر معیار حق-وقضی بینهم بالحق و هم لا يظلمون» است. یعنی پس از آماده شدن صحنه ی قیامت و حضور شاهدان، اعمال، افکار و نیت های انسان در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می شوند.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ی (۱)، به حضور شاهدان و گواهان در روز حساب اشاره دارد. گزینه ی (۲) نادرست است، چرا که قضاوت بر معیار حق و عدل است، نه براساس حکمت الهی. گزینه ی (۳) نادرست است، چرا که قضاوت بر معیار حق و عدل، مربوط به «آخرت» است نه «برزخ».

گزینه ۲	۶۶۷
مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه نامهی عمل در برگیرنده‌ی باطن و حقیقت اعمال است نه صورت و ظاهر آن‌ها.	

گزینه ۲	۶۶۸
مراجعه شود به پاسخ سه پرسش قبل.	

گزینه ۴	۶۶۹
نیکوکاران پس از دریافت نامهی عملشان در روز حساب می‌گویند: «هاؤم اقرءوا کتابیه - بیایید نامهی عمل مرا بخوانید» و از طریق این نامه، به باطن و حقیقت اعمال خود آگاه می‌شوند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه نامهی عمل در برگیرنده‌ی باطن و حقیقت اعمال است نه صورت و ظاهر آنان.	

گزینه ۱	۶۷۰
بدکاران پس از دریافت نامهی عمل خود می‌گویند: «فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه - کاش نامهی عمل من به من داده نمی‌شد.»	

گزینه ۱	۶۷۱
با توجه به آیه‌ی: «و الوزنُ یومئذُ الحقُّ»، معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حقّ است. یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است (ثقل عمل)، در غیر این صورت، سبک خواهد بود (خفّ عمل) و وزنی نخواهد داشت.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «مطابق متن آیه: «و الوزنُ یومئذُ الحقُّ»، قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است.	

گزینه ۳	۶۷۲
عبارت شریفه‌ی: «منها نخرجکم تارهً آخری» به معاد جسمانی و بازگرداندن حیات به جسم بی‌جان آدمیان پس از نفخ صور دوم (دوبار دمیده شدن در صور) اشاره دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه اعاده‌ی حیات به جسم بی‌جان آدمیان پس از دوبار دمیده شدن در صور مربوط به معاد جسمانی است نه برملاشدن اسرار در رستاخیز. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه خارج شدن آدمیان از قبرهایشان پس از دمیده شدن در صور بیانگر معاد جسمانی است نه آشکار شدن حقایق در آخرت. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه خارج شدن آدمیان از قبرهایشان پس از دمیده شدن در صور بیانگر معاد جسمانی است نه معاد روحانی.	

گزینه ۲	۶۷۳
پایان دوران زندگی انسان‌ها در این جهان، با قیامت همراه است که در دو مرحله انجام می‌گیرد و هر مرحله با وقایع خاصی همراه است.	

گزینه ۳	۶۷۴
اولین حادثه، نفخ صور است. نفخ صور بانگ سهمگینی است که قرآن کریم از آن به «صیحه» نیز یاد کرده است.	

گزینه ۱	۶۶۱
این قسمت از آیه‌ی شریفه‌ی: «و نضع الموازین القسط لیوم القیامة فلا تظلم نفسٌ شیئاً» به چهارمین واقعه از وقایع مرحله‌ی دوم قیامت یعنی «برپاشدن دادگاه عدل الهی» اشاره دارد. در این رویداد، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و ابتدا کتابی قرار داده می‌شود که در آن کتاب، همه‌ی اعمال انسان‌ها از کوچک و بزرگ ثبت است و مردم همه‌ی اعمال خود را در آن کتاب می‌یابند.	
توضیح بیش‌تر «دو عبارت شریفه‌ی: «و نضع الموازین القسط فلا تظلم نفسٌ شیئاً» و «و وضع الکتاب»، بیانگر «برپاشدن دادگاه عدل الهی» می‌باشند. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) به قضاوت بر معیار حق اشاره دارد.	

گزینه ۳	۶۶۲
عبارت شریفه‌ی: «و ان کان مثقال حبه من خردل آتینا بها و کفی بنا حاسبین»، بیانگر ششمین واقعه‌ی قیامت، «قضاوت بر معیار حق» است، در این مرحله، تمامی اعمال انسان از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین آن‌ها در ترازوی عدل الهی مورد محاسبه و سنجش قرار می‌گیرند و چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می‌گیرد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱) و (۲)، به حضور شاهدان و گواهان در روز حساب اشاره دارد که مرحله‌ی قبل از قضاوت بر معیار حق می‌باشد. گزینه‌ی (۴)، به دادن نامهی عمل که مرحله‌ی پس از قضاوت بر معیار حق است اشاره دارد.	

گزینه ۴	۶۶۳
عبارت شریفه‌ی: «و کفی بنا حاسبین» به ششمین واقعه‌ی قیامت یعنی «قضاوت بر معیار حق» اشاره دارد. یعنی پس از آماده شدن صحنه‌ی قیامت و حضور شاهدان، اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود. معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حقّ است؛ یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است، (ثقل عمل) در غیر این صورت، سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت (خفّ عمل)	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌ی (۱) و (۳) مربوط به مرحله‌ی پس از قضاوت بر معیار حق می‌باشد و نادرست است. قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نیز مربوط به دادن نامهی عمل و مرحله‌ی پس از قضاوت بر معیار حق می‌باشد و نادرست است.	

گزینه ۱	۶۶۴
هفتمین رویداد قیامت، «دادن نامهی عمل» است. در این مرحله، نامهی عمل نیکوکاران را به دست راست آن‌ها می‌دهند. مصداق آیه‌ی شریفه‌ی: «فأما من اوتی کتابهً بيمينه فیکول هاؤم اقرءوا کتابیه - اما کسی که کارنامه‌اش به‌دست راستش داده شود می‌گوید بیایید نامهی عمل مرا بخوانید.»	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه نامهی عمل در برگیرنده‌ی باطن و حقیقت اعمال است نه صورت و ظاهر آن‌ها.	

گزینه ۴	۶۶۵
در روز حساب، نامهی عمل بدکاران را به دست چپ آن‌ها می‌دهند. (و اما من اوتی کتابهً بشماله) این افراد پس از دریافت نامهی عمل خود می‌گویند: «فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه - کاش نامهی عمل من به من داده نمی‌شد.» و از طریق آن از باطن و حقیقت اعمال خود آگاه می‌شوند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه نامهی عمل در برگیرنده‌ی باطن و حقیقت اعمال است نه صورت و ظاهر آنان.	

گزینه ۳	۶۶۶
مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.	
روش مطالعه «برای پاسخ دادن به این نوع تست‌ها، باید متن آیات را حفظ نمایید.	

۶۸۲	گزینه ۳
آیهی شریفه: «و اشرقّت الارض بنور ربّها»، به نورانی شدن زمین که سومین واقعه از وقایع مرحلهی دوم قیامت است، اشاره دارد.	
۶۸۳	گزینه ۱
در مرحلهی دوم قیامت، هفت واقعه رخ می‌دهد تا انسان‌ها آمادهی دریافت پاداش و کیفر شوند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۲) و (۴)، تحولات جهان در مرحلهی اول قیامت را نشان می‌دهند. گزینهی (۳) نادرست است، زیرا اعمال انسان در روز حساب در ترازوی عدل الهی سنجیده می‌شود.	
۶۸۴	گزینه ۱
مرحلهی دوم قیامت با نفخ صور دوم آغاز می‌گردد. بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و مقدمه‌ی حیات مجدد انسان‌ها فراهم می‌شود.	
نکته «نفخ صور دوم (و نفخ فيه أخرى)، مقدمه‌ی حیات مجدد انسان‌ها یا تمهید معاد جسمانی است.	
۶۸۵	گزینه ۴
اولین واقعه‌ی پس از نفخ صور دوم، معاد جسمانی یا زنده شدن همه‌ی انسان‌ها در نزد خداست. (فإذا هم من الأجدث إلى ربهم ينسلون) و پس از این واقعه، زمین به نور خداوند روشن می‌شود. (و اشرقّت الارض بنور ربها)	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینهی (۱)، به مرحلهی اول قیامت و گزینهی (۳)، به دادن نامه‌ی عمل اشاره دارد.	
۶۸۶	گزینه ۲
سومین واقعه در مرحلهی دوم قیامت، «و اشرقّت الارض بنور ربّها» است، یعنی در قیامت، با نوری از جانب پروردگار، زمین روشن می‌شود تا سرگذشت انسان‌ها و حوادث تلخ و شیرین و کارهای نیک و بد آن‌ها را که دیده است، آشکار کند. با روشن شدن زمین به نور خدا (و اشرقّت الارض بنور ربها) در آخرت، پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، روشن می‌شود.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینهی (۴)، مطابق توضیحات بالا نادرست است.	
۶۸۷	گزینه ۴
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «سایر گزینه‌ها، مفهوم عبارت شریفه: «و اشرقّت الارض بنور ربها» نمی‌باشد.	
۶۸۸	گزینه ۴
کنار رفتن پرده‌ها و روشن شدن واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته، مفهوم آیهی شریفه: «و اشرقّت الارض بنور ربها» است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینهی (۱) به مدهوش شدن همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین در مرحلهی اول قیامت و پس از نفخ صور اول اشاره دارد. گزینهی (۲)، به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین در مرحلهی اول قیامت اشاره دارد. گزینهی (۳)، به معاد جسمانی کافران اشاره دارد.	
۶۸۹	گزینه ۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۶۷۵	گزینه ۱
سومین رویداد در مرحلهی اول قیامت، «تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین» است، بدین صورت که تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد، آن‌گونه که وضع کنونی تغییر می‌کند. این تغییر چنان عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند تا مناسب احوال و شرایط قیامت گردند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینهی (۲)، به مرحلهی دوم قیامت و گزینهی (۳)، به برپاشدن دادگاه عدل الهی و گزینهی (۴)، به دومین واقعه در مرحلهی دوم قیامت یعنی زنده شدن انسان‌ها اشاره دارند.	
۶۷۶	گزینه ۴
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۶۷۷	گزینه ۱
براساس آیهی شریفه: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَاذُنُ لَرْبِهَا وَحَقَّتْ وَاذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَاذُنُ لَرْبِهَا وَحَقَّتْ - آن‌گاه که آسمان از هم بشکافد و پروردگار را فرمان برد و چنین سزد و آن‌گاه که زمین کشیده شود و آن‌چه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود و پروردگار را فرمان برد و چنین سزد.» که به تغییر در ساختار آسمان‌ها و زمین در مرحلهی اول اشاره دارد.	
۶۷۸	گزینه ۳
از دقت در آیهی: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَاذُنُ لَرْبِهَا وَحَقَّتْ - آن‌گاه که آسمان از هم بشکافد و پروردگار را فرمان برد و [چنین] سزد» موضوع تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین در مرحلهی اول قیامت مفهوم می‌گردد تا مناسب احوال و شرایط قیامت گردند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینهی (۴) نادرست است، چراکه این تحولات قبل از برپایی مرحلهی دوم قیامت و معاد جسمانی است نه برزخ.	
۶۷۹	گزینه ۲
آیهی شریفه: «وَاذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ - و آن‌گاه که زمین کشیده شود و آن‌چه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود.» به تغییر ساختار زمین در مرحلهی اول قیامت اشاره دارد و با آیهی شریفه: «فَصَعَقَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مِنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ - و میده شود در صور پس بیهوش می‌شود هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، مگر کسانی که خدا بخواهد» که به مدهوش شدن اهل آسمان و زمین در مرحلهی اول قیامت اشاره دارد، مطابقت مفهومی دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینهی (۱)، به نورانی شدن زمین با نور خداوند در مرحلهی دوم قیامت اشاره دارد. گزینهی (۳)، به زنده شدن کافران در آخرت یا معاد جسمانی اشاره دارد. گزینهی (۴)، به زنده شدن انسان‌ها در مرحلهی دوم قیامت و به ثبت آثار ماتقدم و ماتاخر در دنیا و برزخ اشاره دارد.	
۶۸۰	گزینه ۲
آیات نخستین سوره‌ی تکویر: «إِذَا السَّمَاءُ كُورَتْ وَاذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ وَاذَا الْجِبَالُ سَوِيتْ وَاذَا الْعُشَارُ عَطَلَتْ وَاذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَاذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» که از در هم پیچیده شدن خورشید، تیره شدن ستارگان و به رفتار درآمدن کوه‌ها و... سخن گفته است، به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین و برجیده شدن بساط حیات مخلوقات در مرحلهی اول قیامت، اشاره دارد.	
۶۸۱	گزینه ۴
عبارت شریفه: «وَاذَا الْعُشَارُ عَطَلَتْ - و آن‌گاه که شتران ماده و انهدا شوند.» و عبارت شریفه: «وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ - و آن‌چه را که در آن (زمین) است بیرون افکند و تهی شود.» هر دو به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین در مرحلهی اول قیامت اشاره دارند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «سایر گزینه‌ها به مرحلهی دوم قیامت اشاره دارند.	

گزینه ۲	۶۹۹
وقتی دشمنان خدا به دوزخ می‌رسند، این سه عضو آنان «سمعهم و أبصارهم و جلودهم» به آن چه کرده‌اند، شهادت می‌دهند. دشمنان خدا پس از شهادت «گوش و چشم و پوست‌شان» در دوزخ، به پوست خود اعتراض کرده و می‌گویند: «لم شهدتم علينا - چرا بر ضد ما شهادت دادید؟» پوست در پاسخ به این اعتراض دشمنان خدا که: «لم شهدتم علينا - چرا بر ضد ما شهادت دادید؟»، به سه موضوع اشاره می‌کند: الف- «قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء»، ب- «و هو خلقكم أول مرة» ج- «و إليه ترجعون»	
گزینه ۱	۷۰۰
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
گزینه ۳	۷۰۱
علت پنهان کردن گناهان از سوی دشمنان خدا (معاندان)، ترس آنان از شهادت اعضای خود (گوش و چشم و پوست) نبوده، بلکه به تعبیر قرآن: «و لكن ظننتم أن الله لا يعلم كثيرا مما تعملون - لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آن چه را که می‌کنید نمی‌داند.» است.	
گزینه ۲	۷۰۲
معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حق است، یعنی به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد ارزشمند و سنگین است. در غیر این صورت سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، سبک و ارزشمند و در گزینه‌های (۳) و (۴)، سنگین و بی ارزش نادرست است.	
گزینه ۱	۷۰۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۴)، عبارت «سنگین و وزین» مفهوم مادی داشته و نمی‌تواند صحیح باشد.	
گزینه ۴	۷۰۴
چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می‌گیرد. هرچه عمل انسان‌ها به راه و روش آن‌ها نزدیک‌تر باشد ارزش افزون‌تری خواهد داشت.	
گزینه ۲	۷۰۵
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
گزینه ۳	۷۰۶
نامه‌ی اعمال انسان با نامه‌های این دنیا یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که نامه‌های این دنیا صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته‌ها درآمده، ولی نامه‌ی عمل انسان در آخرت، «خود عمل و حقیقت آن» را در بردارد، یعنی به صورت تجسم اعمال است.	
گزینه ۴	۷۰۷
نامه‌ی عمل انسان به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت آن را در بر دارد. از این رو همه‌ی اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین عمل خود را می‌بیند.	

گزینه ۱	۶۹۰
در آیه‌ی ۴۹ از سوره‌ی کهف آمده است که گناهکاران پس از یافتن همه‌ی اعمالشان در کتاب قرار داده شده می‌گویند: «این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را از قلم نینداخته و همه را به حساب آورده است؟» این آیه به بر پا شدن دادگاه عدل الهی اشاره دارد.	
گزینه ۱	۶۹۱
نامه‌ی عمل در روز حساب، مانند نامه‌های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل به صورت کلمات و نوشته‌ها نیست، بلکه یک واقعیت معنوی است که خود عمل و حقیقت آن را دربردارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می‌شوند و انسان عین عمل خود را می‌بیند.	
گزینه ۴	۶۹۲
چهارمین واقعیۀ قیامت، برپا شدن دادگاه عدل الهی است، یعنی با آماده شدن صحنه‌ی قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و ابتدا کتابی قرار داده می‌شود که در آن کتاب، همه‌ی اعمال انسان‌ها از کوچک و بزرگ ثبت است و مردم همه‌ی اعمال خود را در آن کتاب می‌یابند.	
«توضیح بیش‌تر» دو عبارت شریفه‌ی: «و وضع الکتاب» و «و نضع موازين القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئا»، بیانگر برپا شدن دادگاه عدل الهی است.	
گزینه ۱	۶۹۳
براساس آیات و روایات، پیامبران و امامان بهترین گواهان قیامت‌اند، چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ می‌باشند.	
«مقایسه» ناظر و شاهد بر اعمال در دنیا، پیامبران و امامان هستند و ناظر و مراقب اعمال در طول زندگی، فرشتگان الهی می‌باشند.	
گزینه ۲	۶۹۴
طبق آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی نسا، رسول خدا(ص) نیز شاهد و ناظر بر همه‌ی پیامبران و امت‌هاست.	
گزینه ۳	۶۹۵
تعبیر مراقب بودن مربوط به ملائکه و فرشتگان می‌باشد و بنابر آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره‌ی انفطار، فرشتگان و مأموران الهی، در طول زندگی انسان‌ها همواره مراقب آن‌ها بوده و حقیقت و باطن تمامی اعمال آدمیان را ثبت و ضبط نموده‌اند.	
گزینه ۲	۶۹۶
بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.	
«نکته‌ی طلایی» شهادت اعضا و جوارح، بر اعمال همه‌ی انسان‌ها نمی‌باشد و تنها بر اعمال بدکاران دروغگو صورت می‌گیرد.	
گزینه ۴	۶۹۷
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
گزینه ۳	۶۹۸
عبارت ذکر شده با توجه به مهر خاموشی زن بر دهان بدکاران، به شهادت و گواهی اعضای گناهکاران در روز حساب پس از دروغ گفتن و سوگند دروغ آنان اشاره دارد.	

۷۱۶	گزینه ۱
عبارت: «و وضع الكتاب»، بیانگر چهارمین واقعه در مرحله‌ی دوم قیامت یعنی بر پا شدن دادگاه عدل الهی است. بر این اساس، با آماده شدن صحنه‌ی قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود. ابتدا کتابی قرار داده می‌شود که در آن کتاب، همه‌ی اعمال انسان‌ها از کوچک و بزرگ ثبت است. مردم اعمال خود را در آن کتاب می‌یابند.	

۷۱۷	گزینه ۱
در گزینه‌ی (۱)، عبارت شریفه‌ی: «و اشرقت الارض بنور ربها»، به نورانی شدن زمین و عبارت شریفه‌ی: «و منها نخرجكم تاره اخرى»، به زنده شدن انسان‌ها در آخرت اشاره دارد که دو واقعه‌ی متفاوت می‌باشند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» هر دو عبارت گزینه‌ی (۲)، به حضور شاهدان و گواهان در روز حساب و هر دو گزینه‌ی (۳)، به معاد جسمانی و هر دو عبارت گزینه‌ی (۴)، به قضاوت بر معیار حق اشاره دارد.	

۷۱۸	گزینه ۴
علت پنهان کردن گناهان از سوی دشمنان خدا (معاندان)، ترس آنان از شهادت اعضای خود (گوش و چشم و پوست) نبوده، بلکه به تعبیر قرآن: «و لَکِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا یَعْلَمُ کَثِیرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ» - لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آن‌چه را که می‌کنید نمی‌داند. است.	

۷۱۹	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الارض الا من شاء الله»، به مرحله‌ی اول قیامت اشاره دارد ولی عبارت: «در این نفخ صور، حیات مجدد آغاز شده و همگی در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند»، بیانگر معاد جسمانی در مرحله‌ی دوم قیامت است.	

۷۲۰	گزینه ۴
این سخن امام صادق (ع)؛ «خداوند متعال به یاد او می‌آورد؛ لذا هیچ چشم بر هم زدن و گام برداشتن و سخن و عملی نیست که به یاد نیآورد.» و عبارت شریفه‌ی: «فاما من اوتی کتابه یمینه فیقول هاؤم اقرءوا کتابیه»، هر دو به هفتمین واقعه از مرحله‌ی دوم قیامت، یعنی «دادن نامه‌ی عمل انسان» اشاره دارند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» براساس گزینه‌ی (۱)، قطعی بودن خبر از معاد به دلیل صادق القول بودن خداوند است. گزینه‌ی (۲) به سومین واقعه‌ی قیامت یعنی «نورانی شدن زمین» و گزینه‌ی (۳) به هفتمین واقعه‌ی قیامت یعنی «قضاوت بر معیار حق»، اشاره دارند.	

۷۲۱	گزینه ۱
با این‌که دادگاه عدل الهی مانند دادگاه دنیا نیست و همه چیز برای خداوند روشن است، اما باز هم در این دادگاه شاهد وجود دارد. این شهادت‌ها نه برای اثبات چیزی به قاضی دادگاه است، بلکه برای خود شخص گناهکار است تا حقیقت وضع خود را دریابد. عبارت شریفه‌ی: «ان کان مثقال حبه من خردل اتینا بها و کفی بنا حاسبین»، مؤید «قضاوت بر معیار حق» در رستاخیز موعود است.	

۷۲۲	گزینه ۱
عبارت شریفه‌ی: «فإذا هم من الأجداث الی ربهم ینسلون»، به برخاستن کافران از قبرها در مرحله‌ی دوم قیامت که مبین معاد جسمانی است، اشاره دارد.	

۷۰۸	گزینه ۱
در آخرت، کارهای خوب با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند و کارهای بد با صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزاردهنده مجسم می‌شوند.	

۷۰۹	گزینه ۳
از امام صادق (ع) پرسیدند: هنگامی که قیامت برپا می‌شود و نامه‌ی اعمال انسان را به او می‌دهند و از او می‌خواهند که نامه را بخواند، آیا او با آن‌چه در نامه هست، آشناست؟ در پاسخ فرمودند: خداوند متعال «به یاد او» می‌آورد، لذا هیچ چشم بر هم زدن و گام برداشتن و سخن و عملی نیست که به یاد نیآورد؛ چنان‌که گویی در همان لحظه انجام داده است. بنابراین منظور از «خواندن» نامه‌ی عمل آدمی در آخرت «به یاد آوردن» باطن و حقیقت اعمال می‌باشد.	

۷۱۰	گزینه ۴
براساس فرمایش امام صادق (ع)؛ خواندن پرونده‌ی اعمال در روز حساب، یعنی تمامی اعمال خود را به یاد آورد و از آن آگاه شود؛ گویی در همان لحظه انجام داده است.	

۷۱۱	گزینه ۳
در آیه‌ی مورد سؤال، عبارت شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور»، به نفخ صور دوم و عبارت شریفه‌ی: «فإذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون» به مرحله‌ی زنده شدن همه‌ی انسان‌ها و معاد جسمانی اشاره دارد که هر دو از وقایع مرحله دوم قیامت است. عبارت دوم با آیه‌ی شریفه‌ی: «ثم اذا دعاکم دعوة من الارض اذا انتم تخرجون» با توجه به وقوع معاد جسمانی، هم مفهوم است.	

۷۱۲	گزینه ۱
کافران پس از خروج از قبرها در قیامت می‌گویند: «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مردقنا - ای وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟» و پاسخ خداوند به آنان عبارت «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» است.	

۷۱۳	گزینه ۳
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مردقنا»، کافران پس از نفخ صور دوم و خروج از قبرها، می‌پرسند: چه کسی ما را از خوابگاه برانگیخت؟ منظور از: «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون»، همان قیامت و زنده شدن انسان‌ها در آخرت و مؤید معاد جسمانی است. یکی از حقایق بر ملا شده در رستاخیز، «ثبوت راستگویی پیامبران» در ابلاغ دعوت الهی و انذار معاد است که عبارت شریفه‌ی: «و صدق المرسلون»، به تحقق همین موضوع اشاره دارد.	

۷۱۴	گزینه ۳
ظلم در قیامت، از دو جهت منتفی است: ۱- نه گناهکار می‌تواند چیزی را از خدا مخفی کند. ۲- نه خداوند به کسی ظلم خواهد کرد، زیرا ظلم از صفات سلبیه است و خداوند از هر نقصی مبرا است.	

۷۱۵	گزینه ۱
با این‌که دادگاه عدل الهی مانند دادگاه دنیا نیست و همه چیز برای خداوند روشن است، اما باز هم در این دادگاه شاهد وجود دارد. این شهادت‌ها نه برای اثبات چیزی به قاضی دادگاه است، بلکه برای خود شخص گناهکار است تا حقیقت وضع خود را دریابد.	



۷۳۰	گزینه ۱
آیه‌ی: «و ما کنتم تسترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لا جلودکم و لکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون»، به پنجمین واقعه از مرحله‌ی دوم قیامت یعنی «حضور شاهدان و گواهان» در روز حساب اشاره دارد که مقدمه‌ی تحقق «قضاوت بر معیار حق» (و قضی بینهم بالحق) می‌باشد و براساس این آیه، علت اختفای گناهان توسط گناه کاران گمان نادرست آن‌ها مبنی بر عدم علم خداوند بر افعال آدمیان می‌باشد.	

۷۳۱	گزینه ۲
عبارت: «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدا...»، سخن کافران پس از نفخ صور دوم و زنده شدن در محشر و عبارت شریفه‌ی: «فاداهم من الاجداث الی ربهم ینسلون»، بیانگر زنده شدن کافران در مرحله‌ی دوم و پس از نفخ صور دوم است. عبارت شریفه‌ی: «و اقلت ما فیها و تخلت»، مربوط به مرحله‌ی اول قیامت و پس از نفخ صور اول است.	

۷۳۲	گزینه ۱
ظرف تحقق عبارت شریفه‌ی: «و جی بالنبین و الشهداء»، مرحله‌ی دوم قیامت بوده و بیانگر قضاوت بر معیار حق است. ظرف تحقق عبارت شریفه‌ی: «کلا انها کلمة هو قائلها»، عالم برزخ است. عبارت شریفه‌ی: «ما واهم جهنم و ساء مصیرا»، بیانگر جهنم برزخی ظالمین به خود است که با مورد دوم تناسب دارد.	

۷۳۳	گزینه ۳
دو عبارت شریفه‌ی: «و قضی بینهم بالحق» و «و کفی بنا حاسین»، هر دو به قضاوت بر معیار حق اشاره دارند. عبارت شریفه‌ی: «اشرقت الأرض بنور ربها»، بیانگر بروز واقعیت حوادث گذشته بر زمین است که مرحله‌ی مؤخر (پس) از زنده شدن همه‌ی انسان‌ها یعنی تحقق «فاداهم قیام ینظرون» می‌باشد.	

۷۳۴	گزینه ۱
عبارت: «و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا...»، به «شهادت اعضای بدن انسان» در روز حساب و عبارت شریفه‌ی: «و اذنت لربها و حقت»، به «تغییر در ساختار زمین و آسمان»، در مرحله‌ی اول قیامت و عبارت شریفه‌ی: «فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون»، به «زنده شدن همه‌ی انسان‌ها» در آخرت اشاره دارند.	

۷۳۵	گزینه ۱
براساس تعالیم قرآنی، آنگاه در عالم قیامت مهر خاموشی بر دهان بدکاران زده می‌شود که برای نجات از عذاب الهی سوگند دروغ می‌خورند و نشانه‌ی آن، شهادت اعضا و جوارح علیه آنان است و واقعی که در نفخ صور دوم رخ می‌دهد، بدان جهت است که انسان‌ها آماده‌ی دریافت پاداش و کیفر شوند.	

۷۳۶	گزینه ۳
نامه‌ی عملی که انسان با خود به قیامت می‌برد، صورت حقیقی اعمالی است که اکنون در این دنیا برای ما قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه‌ی مادی و ظاهری و یک جنبه‌ی باطنی و غیبی دارد. جنبه‌ی مادی و ظاهری آن بعد از عمل از بین می‌رود، اما جنبه‌ی باطنی و غیبی آن هرگز از بین نمی‌رود و در نفس و روح باقی می‌ماند. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: وقتی قیامت فرا می‌رسد، انسان اعمال خود را حاضر می‌یابد و می‌شناسد (تجسم عمل) گرچه به اندازه‌ی ذره‌ای باشد. بنابراین، در عرصه‌ی قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱)، گزارش اعمال، در گزینه‌ی (۲)، تصویر اعمال و در گزینه‌ی (۴)، جنبه‌ی مادی و ظاهری اعمال نادرست و در آخرت وجود ندارند.	

۷۳۳	گزینه ۳
علت پنهان کردن گناهان از سوی دشمنان خدا، به دلیل ترس آنان از شهادت اعضای خود (گوش و چشم و پوست) نبوده، بلکه می‌پنداشتند که خداوند بسیاری از کارهای آنان را نمی‌داند. (و لکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون)	

۷۳۴	گزینه ۳
یکی از مفاهیمی که از آیات شریفه‌ی: «حتی اذا ما جاءوها شهد علیکم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما کانوا یعملون و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء و هو خلقکم اول مرة و الیه ترجعون»، برداشت می‌شود این است که گواهی و شهادت گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های گناهکاران در دادگاه عدل الهی بر اعمال مستمر دنیایی صاحبان خود، ناظر بر حضور جسم در آخرت و تحقق معاد جسمانی است.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱) و (۴) نادرست است، زیرا در قیامت، گزارشی از اعمال و همچنین تصویری از اعمال وجود ندارد. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا پوست بر ضد صاحب خویش شهادت می‌دهد به طوری که اعتراض صاحب خود (لم شهدتم علینا) را به همراه دارد.	

۷۳۵	گزینه ۳
عبارت شریفه‌ی: «این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را از قلم نینداخته و همه را به حساب آورده است» و عبارت شریفه‌ی: «و نضع الموازین القسط لیوم القیامة»، هر دو به چهارمین واقعه‌ی قیامت یعنی به «بر پا شدن دادگاه عدل الهی» اشاره دارند.	

۷۳۶	گزینه ۲
«زدن مهر خاموشی بر دهان بدکاران»، در نفخ صور دوم صورت می‌گیرد و بیانگر «حضور شاهدان و گواهان» در روز حساب است و «افسوس و حسرت در برابر زشت کاری‌ها»، که پس از دریافت «نامه‌ی عمل در آخرت» صورت می‌گیرد، پیام عبارت شریفه‌ی: «یا لیتنی لم اوت کتابیه» می‌باشد.	

۷۳۷	گزینه ۳
بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند. عبارت شریفه‌ی: «شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما کانوا یعملون»، نیز به حضور شاهدان و گواهان در روز حساب اشاره دارند.	

۷۳۸	گزینه ۴
عبارت شریفه‌ی: «و کفی بنا حاسین»، به ششمین رویداد قیامت یعنی «قضاوت بر معیار حق» اشاره دارد و از این نظر با عبارت شریفه‌ی: «و نضع الموازین القسط» تناسب دارد. عبارت شریفه‌ی: «فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون»، به دومین واقعه از قیامت، یعنی زنده شدن همه‌ی انسان‌ها اشاره دارد و از این نظر با آیه‌ی شریفه‌ی: «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم» تناسب دارد.	

۷۳۹	گزینه ۲
عبارت‌های: «و اذا الارض مدت»، «و اقلت ما فیها و تخلت» و «و اذنت لربها و حقت»، از تحولات مربوط به زمین در مرحله‌ی اول قیامت و مربوط به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین در این مرحله است.	

۷۴۳	گزینه ۲
عبارت قرآنی: «هَامِ اقْرَءُوا كِتَابِيَه»، سخن نیکوکاران بعد از دریافت نامه‌ی عمل خود است و بیانگر «تَجَسُّم حَقَائِقِ اَعْمَالٍ» پس از نفخ صور دوم و در مرحله‌ی دوم آخرت است. عبارت قرآنی: «وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشَّاهِدَاءِ»، به حضور شاهدان و گواهان در دادگاه عدل الهی اشاره دارد و مبین این حقیقت است که اعمال انبیا و امامان (ع)، معیار سنجش اعمال انسان‌ها پس از نفخ صور دوم و در مرحله‌ی دوم قیامت می‌باشد.	

۷۴۴	گزینه ۱
بدکاران در قیامت آرزو می‌کنند که ای کاش نامه‌ی اعمال خود را نمی‌دیدند. (فیقول یا لیتنی لم أوت کتابیه) کسی که کتابش به دست راستش داده شده (فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِينَهُ) رو به فرشتگان می‌کند و می‌گوید: بیایید نامه‌ی عمل مرا بگیرید و بخوانید (فیقول هَؤُمَ اقْرَءُوا كِتَابِيَه) که چگونه به سعادت من حکم می‌کند. معیار و میزان اعمال در آخرت عین حق و حقیقت است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چرا که رفتار پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است نه خود پیامبران و امامان.	

۷۴۵	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، بیانگر «بروز و آشکار شدن واقعیت حوادث گذشته بر زمین» در آخرت و پس از نفخ صور دوم است. و آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَذَا الْأَرْضُ مَدَّتْ وَالْقَت مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ»، مؤید «تغییر در ساختار زمین و آسمان»، در مرحله‌ی اول قیامت و پس از نفخ صور اول است.	

۷۴۶	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَنفَخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا» و در صور دمیده خواهد شد. پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند و می‌گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاه‌هایمان برانگیخت؟»، در مورد کافران و بیانگر معاد جسمانی و آیه‌ی شریفه‌ی: «هَؤُمَ اقْرَءُوا كِتَابِيَه»، سخن نیکوکاران پس از دریافت نامه‌ی عمل خود در مرحله‌ی دوم قیامت است. و آیه‌ی شریفه‌ی: «لَقَّتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» و آن‌چه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود»، مربوط به تغییر ساختار زمین پس از نفخ صور اول است.	

۷۴۷	گزینه ۲
نامه‌ی عمل انسان با نامه‌های ثبت شده در دنیا تفاوت اساسی دارد؛ نامه‌های این دنیا صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است اما نامه‌ی عمل انسان در آخرت به گونه‌ای است که خود عمل و حقیقت آن را در بر دارد. به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل (صلاح) باشد، ارزشمند و سنگین است (ثقل عمل)، در غیر این صورت (فساد)، سبک خواهد بود (خفت عمل) و وزنی نخواهد داشت.	

۷۴۸	گزینه ۲
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، نورانی شدن زمین سومین واقعه پس از نفخ صور دوم است. آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَنفَخَ فِي الصُّورِ فَفُصِّعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَن فِي الْأَرْضِ»، به مدهوش شدن اهل زمین و آسمان بعد از نفخ صور اول اشاره می‌کند. با اشراق و نورانیت آخرت از جانب خداوند که از آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» برداشت می‌شود پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته، روشن می‌شود.	

۷۴۹	گزینه ۲
آیات شریفه‌ی: «هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ»، «وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ» و «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، به ترتیب به «معاد جسمانی»، «قضاوت بر معیار حق» و «نورانی شدن زمین» اشاره دارند که همگی مربوط به نفخ صور دوم است.	

۷۳۷	گزینه ۲
برای پاسخ دادن به این تست، باید آیات درس ۷ و ۸ دوم را حفظ بود. در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَأَنفَخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمَرْسُلُونَ»، عبارت قرآنی: «فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ»، به برخاستن کافران از قبرها که مبین معاد جسمانی است، اشاره دارد. و عبارت قرآنی: «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا»، سخن کافران پس از نفخ صور دوم و خروج از قبرها است که می‌پرسند: چه کسی ما را از خوابگاه‌هایمان برانگیخت؟	

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، سخن بدکاران پس از دریافت نامه‌ی عمل خود در آخرت است. گزینه‌ی (۳)، سخن مشرکان پس از ورود به برزخ است که تقاضای بازگشت به دنیا دارند. گزینه‌ی (۴)، گفتگوی ظالمین به خود با ملائکه در برزخ است.

۷۳۸	گزینه ۱
در مرحله‌ی اول قیامت، تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد، آن‌گونه که وضع کنونی تغییر می‌کند. این تغییر چنان عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند تا مناسب احوال و شرایط قیامت گردند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، مفهوم عبارت شریفه‌ی: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» می‌باشد.	

۷۳۹	گزینه ۱
آیه‌ی شریفه‌ی: «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، به پنجمین واقعه‌ی قیامت یعنی «شهادت اعضای انسان در آخرت» اشاره دارد، یعنی در قیامت جوارح انسان به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، عام بوده و به سه واقعه از وقایع هفت‌گانه‌ی مرحله‌ی دوم قیامت اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، به دادن نامه‌ی اعمال در مرحله‌ی دوم قیامت و گزینه‌ی (۴)، به شهادت فرشتگان در روز حساب (نه شهادت اعضای انسان‌ها) اشاره دارد.	

۷۴۰	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «وَقَالُوا لَجُودْهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ.....»، بیانگر اعتراض بدکاران به شهادت اعضای خود در روز حساب و پاسخ پوست آنان به این اعتراض است.	

۷۴۱	گزینه ۳
سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۴) به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین در مرحله‌ی اول قیامت اشاره دارند ولی آیه‌ی شریفه‌ی: «فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بَیْمِينَهُ فَيَقُولُ هَؤُمَ اقْرَءُوا كِتَابِيَه»، به هفتمین رخداد یعنی «دادن نامه‌ی عمل» از اتفاقات مرحله‌ی دوم قیامت اشاره دارد.	

۷۴۲	گزینه ۱
معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حق است، یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است (ثقل عمل)، در غیر این صورت، سبک خواهد بود (خفت عمل) و وزنی نخواهد داشت. و بازتاب سبکی عمل از سوی بدکاران پس از مشاهده‌ی نامه‌ی عمل خود بر آوردن فریاد: «لِیتنی لم أوت کتابیه» - ای کاش نامه‌ی عمل من داده نمی‌شد. می‌باشد.	



۷۵۷	گزینه ۱
مرحله‌ی دوم قیامت با واقعه‌ی نفخ صور دوم (و نفخ فیه آخری) آغاز می‌شود، یعنی ابتدا بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و مقدمه‌ی حیات مجدد انسان‌ها فراهم می‌شود (فاذا هم قیام ينظرون) تا قضاوت بر معیار حق صورت گیرد. تمرین تست‌زنی بیش‌تر تست‌های سه درس ۷، ۸ و ۹ سال دوم را می‌توان با روش حذف گزینه‌های نادرست پاسخ گفت.	

۷۵۸	گزینه ۳
از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «و اشرقت الارض بنور ربّها - و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود»، مفهوم می‌گردد که با نورانیت الهی، پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، روشن می‌شود. و از این قسمت آیه: «و وضع الكتاب و حیء بالنیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق - و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند و میان آن‌ها به حق داوری شود ...» موضوع شهادت پیامبران و امامان در روز حساب براساس حق و در پی آن قضاوت بر معیار حق در دادگاه عدل الهی، برداشت می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌های (۱) و (۲)، عبارت: «و ظلمت‌ها برطرف می‌شود»، مفهوم مادی داشته و مفهوم عبارت قرآنی: «و اشرقت الارض بنور ربّها» نمی‌باشد. در گزینه‌ی (۴)، عبارت: «پیامبران و شهیدان براساس میزان وجودی گواهی می‌دهند» نادرست است.	

۷۵۹	گزینه ۲
چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار می‌گیرد. هرچه عمل انسان‌ها به راه و روش آن‌ها نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت. نکته‌ی طلایی این‌که اعمال پیامبران عین حق و حقیقت است، بیانگر «قضاوت بر معیار حق» و این‌که پیامبران و امامان ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بیانگر «حضور شاهدان و گواهان»، از وقایع مربوط به مرحله‌ی دوم قیامت است.	

۷۶۰	گزینه ۲
آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون - و در صور دمیده خواهد شد. پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند»، مربوط به نفخ صور دوم و بیانگر معاد جسمانی همه‌ی انسان‌ها در روز قیامت است. کافران پس از خروج از قبرها در قیامت می‌گویند: «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون - ای وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده‌ی خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.» نکته‌ی طلایی عبارت قرآنی: «و نفخ فی الصور»، هم برای نفخ صور اول آمده و هم برای نفخ صور دوم که البته عبارت‌های پس از آن مشخص می‌کند که کدام نفخ صور مورد نظر است.	

۷۶۱	گزینه ۲
بنابر آیات قرآن، فرشتگان و مأموران الهی، در طول زندگی انسان‌ها همواره مراقب آن‌ها بوده و تمامی اعمال آدمیان را ثبت و ضبط نموده‌اند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) درباره‌ی پیامبران و امامان صادق است، به عبارتی پیامبران و امامان بهترین گواهان روز حساب‌اند، زیرا «ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از آرایش به خطا محفوظ و مصون‌اند».	

۷۵۰	گزینه ۴
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون»، دعوت پیامبران در دنیا، انذار معاد جسمانی است که اثبات راست بودن این دعوت (صدق المرسلون)، با تحقق معاد جسمانی (فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون) محقق می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، از دلایل عقلی در اثبات امکان معاد جسمانی می‌باشند.	

۷۵۱	گزینه ۱
عبارت شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون»، مربوط به زنده شدن کافران در مرحله‌ی دوم قیامت است. این افراد پس از خروج از قبرها، می‌گویند چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا) آیه‌ی شریفه‌ی: «ثم نفخ فیه آخری فاذا هم قیام ينظرون»، به زنده شدن انسان‌ها پس از نفخ صور دوم اشاره دارد. روش مطالعه برای کسب مهارت بیش‌تر در تست‌زنی، سعی کنید آیات سه درس ۷، ۸ و ۹ سال دوم را حفظ نمایید.	

۷۵۲	گزینه ۱
بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خدا شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.	

۷۵۳	گزینه ۴
آیه‌ی شریفه‌ی: «ثم نفخ فیه آخری فاذا هم قیام ينظرون»، به زنده شدن انسان‌ها پس از نفخ صور دوم اشاره دارد که پس از آن ابتدا زمین روشن می‌شود تا واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است روشن شود. (و اشرقت الارض بنور ربّها) و سپس دادگاه عدل الهی برپا شده و کتابی قرار داده می‌شود (و وضع الكتاب) که همه‌ی اعمال انسان‌ها در آن ثبت شده است.	

۷۵۴	گزینه ۳
آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون - و در صور دمیده خواهد شد. پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند»، مربوط به نفخ صور دوم و بیانگر معاد جسمانی کافران در روز قیامت است.	

۷۵۵	گزینه ۱
از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «و اشرقت الارض بنور ربّها - و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود» مفهوم می‌گردد که با نورانیت الهی، پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت حوادثی که بر زمین گذشته است، روشن می‌شود. از دقت در عبارت شریفه‌ی: «وضع الكتاب»، مفهوم «برپاشدن دادگاه عدل الهی» در آخرت برداشت می‌شود. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، سخن بدکاران پس از دریافت نامه‌ی عمل خود در آخرت است.	

۷۵۶	گزینه ۲
از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «منها خلقتکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارةً آخری»، موضوع زنده شدن همه‌ی انسان‌ها در مرحله‌ی دوم قیامت برداشت می‌شود. جمع‌بندی عبارت‌های شریفه‌ی: «و منها نخرجکم تارةً آخری»، «فاذا هم قیام ينظرون» و «فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون»، به معاد جسمانی و زنده شدن انسان پس از مرگ اشاره دارند.	

درس نهم: فرجام کار

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۳	۲۱	۳۰
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۳	۳	۳

گزینه ۲

۷۶۸

آیهی شریفه: «و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زَمْرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا فَتَحْتِ أَبْوَابَهَا»، سیمای کافران را در جهنم اخروی بیان می‌کند که هنگام ورودشان به دوزخ درهای آن گشوده شود. نگهبانان جهنم (ملائکه) در بدو ورود کافران به جهنم اخروی، در اولین سؤال خود از آنان در خصوص مقام نبوت و رسالت (ألم یأتکم رسل منکم) و دو مسئولیت انبیای الهی: الف- آوردن پیام هدایت از طریق وحی (یتلون) و ب- و انداز معاد (و ینذرونکم لقاء یومکم هذا) توسط ایشان سؤال می‌کند.

«توضیح» در برزخ، فقط بعد روحانی انسان حضور دارد ولی در دنیا و آخرت، هر دو بعد جسمانی و روحانی انسان حیات دارند. بنابراین تمام لذتها و عذابهای بهشت و جهنم موعود، جسمانی و روحانی می‌باشند.

گزینه ۱

۷۶۹

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۴

۷۷۰

مطابق آیهی شریفه: «و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا»، در هنگام ورود کافران به دوزخ، ملائکه در اولین پرسش خود از آنان درباره‌ی ارسال پیامبرانی از جنس خودشان به منظور ابلاغ آیات الهی و انداز رستاخیز از آنان سؤال می‌کنند.

گزینه ۳

۷۷۱

کافران در پاسخ به اولین سؤال نگهبانان جهنم هنگام ورود به دوزخ، با بیان عبارت (قالوا بلی)، چاره‌ای جز تأیید دو مقام انبیا (یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا) ندارند و در ادامه‌ی آیه، عبارت شریفه: «و لکن حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ» حکایت از این دارد که این تأیید چیزی از عذاب آنان نمی‌کاهد.

«نکته‌ی طلایی» عبارت قرآنی: «قالوا بلی»، سخن کافران و تأیید ضمنی «ارسال انبیای الهی برای ابلاغ آیات الهی و انداز معاد» می‌باشد.

گزینه ۲

۷۷۲

مخاطب عبارت قرآنی: «قیل ادخلوا ابواب جهنم خالدين فیها»، متکبران در هنگام ورود به دوزخ است، زیرا در ادامه‌ی آیه آمده «فبئس مثوی المتکبرین» و جهنم اخروی، جسمانی و روحانی است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا این آیه، مربوط به جهنم اخروی است نه برزخی و جهنم اخروی جسمانی و روحانی است.

گزینه ۳

۷۶۲

عبارت شریفه: «و اشرق الارض بنور ربها - و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود»، به «نورانی شدن زمین» و عبارت شریفه: «... و جیء بالنبین و الشهداء و قضی بینهم بالحق - و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند و میان آن‌ها به حق داوری شود و به ایشان ستم نمی‌شود»، به «حضور شاهدان و گواهان» و «قضاوت بر معیار حق» اشاره دارند. براساس این عبارت قرآنی، زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و پیامبران و شاهدان، آورده می‌شوند تا قضاوت براساس «حق» فیصل پذیرد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا پیامبران و امامان عین حق و حقیقت هستند، نه الگوی حق.

گزینه ۳

۷۶۳

آیهی شریفه: «و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلا من شاء الله - و دمیده شود در صور. پس بیهوش می‌شود هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، مگر کسانی که خدا بخواهد»، به مرحله‌ی اول قیامت اشاره دارد و بیانگر این است که در نفخ صور اول تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد و آسمان‌ها و زمین به آسمان و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که مفهوم آیه از ما خواسته شده است، نه ترجمه‌ی آن.

گزینه ۲

۷۶۴

بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ یاد می‌کنند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال خداوند بر دهان آن‌ها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آن‌ها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه آن‌ها شهادت می‌دهند. بی اثر شدن کارها (فحبطت أعمالهم) و بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستاخیز (فلا نقیم لهم یوم القيامة وزنا) معلول و بازتاب کفر به نشانه‌های الهی و دیدار خدا در آخرت (کفروا بآیات ربهم و لقاءه) است.

گزینه ۱

۷۶۵

معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حق و عدل است؛ یعنی به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است. در غیر این صورت، سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت. عبارت شریفه: «و الوزن یومئذ الحق» نیز بیانگر همین مفهوم است.

گزینه ۱

۷۶۶

اولین حادثه‌ی در مرحله‌ی اول قیامت، نفخ صور است. نفخ صور بانگ سهمگینی است که قرآن کریم از آن به «صیحه» نیز یاد کرده است. و پس از نفخ صور، همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین، جز آن‌ها که خداوند خواسته است مدحش می‌شوند.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، مربوط به تغییر ساختار آسمان‌ها و زمین است که سومین حادثه در مرحله‌ی اول قیامت است. قسمت سوم گزینه‌ی (۳)، سومین واقعه از وقایع مرحله‌ی دوم قیامت است.

گزینه ۴

۷۶۷

بهترین گواهان قیامت، پیامبران و امامان می‌باشند، زیرا «ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از آلائش به خطا محفوظ و مصون‌اند».

روش مطالعه برای پاسخ به این نوع تست‌ها، ویژگی‌های بهشت و جهنم در این درس باید به دقت حفظ شود.

گزینه ۱

مأموران عذاب، ملائکه‌ای هستند که بسیار سخت‌گیر و شدیدالعمل‌اند و از انجام وظیفه‌ی خود سرپیچی نمی‌کنند.

گزینه ۴

دوزخیان، پس از چشیدن عذاب، ناله‌ی حسرتشان برمی‌خیزد و می‌گویند: ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر خدا را پیروی می‌کردیم. دروغ بر ما به خاطر آن‌چه درباره‌ی آن کوتاهی نمودیم.

گزینه ۲

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۳

دوزخیان در آخرت به خداوند می‌گویند: «پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم، ما را از این‌جا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم». پاسخ قطعی خداوند به این افراد این است که: «آیا در دنیا به اندازه‌ی کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به راه آید؟»

عبارت: «ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.» پاسخ دیگر خداوند به این افراد است. (پاسخ قطعی خداوند نیست).

مقایسه آیه‌ی شریفه‌ی: «هنگامی که مرگ یکی از گناهکاران فرا می‌رسد، از خداوند تقاضای بازگشت دارد تا شاید عمل صالحی انجام دهد»، درخواست مشرکان در برزخ است.

گزینه ۳

دوزخیان به خدا می‌گویند: «پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم، ما را از این‌جا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم». پاسخ خداوند این است: «ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.» (انعام، ۲۸)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱) و (۲) مربوط به برزخ است، در صورتی‌که این آیه، مربوط به دوزخ موعود یا اخروی است.

گزینه ۴

دوزخیان گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: «بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.»

گزینه ۳

در جهنم، هنگامی که دوزخیان، شیطان را مسبب گمراهی خود می‌شمارند، شیطان پاسخ می‌دهد: «خدا به شما وعده‌ی راست داد و من به شما وعده‌ی دروغ دادم، اما من بر شما تسلطی نداشتم؛ جز این‌که شما را فراخواندم و شما نیز این دعوت را پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.»

توضیح این سخن شیطان به گناهکاران، حاکی از ارادی بودن گناهان و معاصی توسط خود انسان است و جبری بودن آن‌ها را رد می‌نماید.

گزینه ۱

عبارت: «فتحت أبوابها - درهای آن گشوده می‌شود»، بیانگر جهنم اخروی و شامل کافران می‌شود. اما عبارت: «و فتحت أبوابها - درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند»، بیانگر بهشت اخروی است که شامل متقین می‌شود. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.

مقایسه فتحت أبوابها = جهنم اخروی - کافران - ۷ درب

و فتحت أبوابها = بهشت اخروی - متقین - ۸ درب

گزینه ۴

ملائکه هنگام ورود متقین به بهشت، به آنان می‌گویند: «قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدين» از این آیه بر می‌آید که متقین قبل از ورود به بهشت، از گناه پاک (طبتم) می‌شوند.

مقایسه آیه‌ی شریفه‌ی: «سلام علیکم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»، سخن ملائکه به پاکان (طیبین) هنگام ورود به بهشت برزخی (روحانی) است.

گزینه ۴

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشاء فنعم أجر العالمین»، اولین ذکر متقین هنگام ورود به بهشت بیان عبارت: «الحمد لله» است. آنان هنگام ورود به بهشت، خدا را سپاس می‌گویند، چراکه خداوند به وعده‌ی خود وفا کرد. (الذی صدقنا وعده)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا منظور از تحقق وعده‌ی الهی در این آیه: «صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشاء»، ورود آنان به بهشت اخروی است نه برزخی.

گزینه ۲

رستگاران، هنگام ورود به بهشت می‌گویند خدای را سپاس (الحمد لله). علت تشکر پرهیزکاران از خداوند، این سه دلیل است: الف- خداوند به وعده‌ی خود وفا کرد (الذی صدقنا وعده) ب- و ما وارث بهشت شدیم (و اورثنا الأرض) ج- تعیین جایگاهمان در بهشت به اراده‌ی خودمان است. (نتبوا من الجنة حیث نشاء)

گزینه ۳

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۳)، سخن ملائکه به متقین در هنگام ورود به بهشت موعود است.

گزینه ۳

مطابق این سخن متقین در هنگام ورود به بهشت: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشاء فنعم أجر العالمین»، وراثت بهشت از آن پرهیزکاران و تقواییان است. و براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «أنگاه کافران و مجرمان، هر دسته، در جایگاه مناسب خود افکنده می‌شوند؛ جایگاهی بسیار تنگ»، جایگاه بسیار تنگ، مجازات کافران و مجرمان است.

نکته‌ی طلایی تعیین جایگاه به اراده‌ی خود، مفهوم عبارت شریفه‌ی: «نتبوا من الجنة حیث نشاء» می‌باشد که جایگاه متقین در بهشت اخروی است.

گزینه ۲

آتش جهنم بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و لذا از درون جان آن‌ها شعله می‌کشد. این آتش و عذاب از خود کافران و مجرمان و ستمکاران سرچشمه می‌گیرد. وقتی به جهنم افکنده می‌شوند به آن‌ها می‌گویند: شما و آنچه را می‌پرستیدید، هیزم دوزخ خواهید بود.

۷۹۶	گزینه ۱
بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت لقا و دیدار اوست که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می‌کنند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چون اولیای خدا عام‌تر از انبیای الهی است.	

۷۹۷	گزینه ۳
طبق آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی یونس، بهشتیان پیوسته با خدا هم‌صحبت‌اند و به «سبحانک اللهم - خدایا تو پاک و منزّهی» مترنم‌اند.	

۷۹۸	گزینه ۴
بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است، زیرا هیچ نقصانی، اندوهی، غصه‌ای، خوف و ترس، عجزی، مرضی، جهلی، مرگ و هلاکتی و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آن‌جا نیست.	

۷۹۹	گزینه ۲
بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می‌کنند، لقاء و دیدار خداست. بالاترین درجه‌ی بهشت از دیدگاه پیامبر اسلام^(ص) فردوس است.	

۸۰۰	گزینه ۱
پاداش کسی که به‌خاطر انجام کار خود با کیفیت عالی، مبلغی را به عنوان پاداش دریافت می‌کند، قراردادی است که توسط خود انسان‌ها وضع و با تغییر داده می‌شود. در مورد ابتلا به امراض، باید گفت که نتیجه‌ی طبیعی عمل انسان، یعنی سیگار کشیدن یا رعایت نکردن بهداشت است.	

۸۰۱	گزینه ۱
دریافت دستمزد مشخص به ازای کاری معین، یک پاداش قراردادی است که خود انسان‌ها آن را وضع می‌کنند و با وضع قانون جدید تغییر می‌کند. آن‌چه در کیفر قراردادی مهم است، تناسب میان جرم و کیفر می‌باشد تا عدالت برقرار گردد.	

۸۰۲	گزینه ۲
جریمه شدن مطابق با قانون، یک قانون قراردادی است و آن‌چه در کیفر قراردادی مهم است، باید میان جرم و کیفر تناسب باشد تا عدالت برقرار گردد. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا تأمین تندرستی با ورزش یک پاداش و کیفر طبیعی است و در کیفرهای طبیعی تناسب کیفر با جرم مطرح نمی‌باشد.	

۸۰۳	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۸۰۴	گزینه ۳
ویژگی قوانین طبیعی: ۱- محصول طبیعی خود عمل است. ۲- انسان‌ها نمی‌توانند با وضع قوانین آن را تغییر دهند. ۳- بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا با افزایش علم و آگاهی نمی‌توان رابطه‌های طبیعی را تغییر داد بلکه می‌توان از آن سود برد.	

۷۸۷	گزینه ۳
مطابق آیات قرآن، دوزخیان به سوی نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آن‌ها برایشان از خداوند تخفیف بگیرند ولی فرشتگان می‌گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟» آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آن‌ها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بی‌جا می‌دانند.	

۷۸۸	گزینه ۲
این عبارت، پاسخ نگهبانان جهنم به دوزخیانی است که از آن‌ها درخواست کرده‌اند تا از خداوند برایشان تخفیف بگیرند. «مقایسه» ملائکه در دو موقعیت خطاب به دوزخیان از موقعیت انبیای الهی سخن می‌گویند: ۱- هنگام ورود کافران به دوزخ ۲- هنگام تقاضای تخفیف در دوزخ	

۷۸۹	گزینه ۲
از هشت در بهشت، یک در ویژه‌ی پیامبران و صدیقان است و یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر نیز برای گروه‌های دیگر می‌باشد.	

۷۹۰	گزینه ۴
هنگامی که بهشتیان (نیکوکاران و رستگاران) به بهشت اخروی وارد می‌شوند، نگهبانان بهشت به آنان سلام می‌کنند و خوش‌آمد می‌گویند و به آنان وعده می‌دهند که همیشه در این جایگاه نیکو و در امنیت و سلامت به سر می‌برند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، ویژگی نفس مطمئنه را در بهشت اخروی بیان می‌کند. گزینه‌ی (۲)، ویژگی استفاده از نعمت‌های بهشت است. گزینه‌ی (۳)، سیمای نیکوکاران در بهشت است.	

۷۹۱	گزینه ۳
براساس آیه‌ی: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض تنبؤا من الجنة حیث نشاء»، رستگاران هنگام ورود به بهشت اخروی، خدا را سپاس می‌گویند به خاطر وفاداری به وعده‌ی خویش که آن‌ها را وارث بهشت نمود تا هر جای آن که بخواهند، ساکن شوند.	

۷۹۲	گزینه ۱
هر یک از بهشتیان متناسب با اعمالشان در درجه‌ای از بهشت قرار می‌گیرند (نعم اجر العالمین) و بنابر حدیث پیامبر^(ص)، بالاترین درجه‌ی بهشت، «فردوس» است.	

۷۹۳	گزینه ۳
رسول خدا^(ص) فرمودند: «بالاترین درجه‌ی بهشت، فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواهید، فردوس را طلب کنید.» «مقایسه» بالاترین درجه‌ی بهشت، فردوس و بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت، دیار روحانی و باطنی خداوند است.	

۷۹۴	گزینه ۲
در بهشت هیچ آلودگی و ناپاکی وجود ندارد. کسی سخن لغو و گناه‌آلود نمی‌شنود و گفتارشان سلام و درود است.	

۷۹۵	گزینه ۱
براساس آیاتی از سوره‌ی فاطر، بهشتیان هنگام سکونت در بهشت، خداوند را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه از آنان زوده‌و آن‌ها را از رنج و درماندگی دور کرده است. «مقایسه» بهشتیان در دو موقعیت خدا را سپاس می‌گویند: ۱- هنگام ورود به بهشت ۲- هنگام اقامت در بهشت.	

۸۱۳	گزینه ۳
نامه‌ی عمل گزارش اعمال نیست، بلکه شامل خود اعمال است و به همین جهت هرگز از انسان جدا نمی‌شود.	
۸۱۴	گزینه ۱
اگر شخصی عمری براساس حق و حقیقت زندگی کرده و به تحصیل فضایل و کمالات پرداخته است، همین کمالات و فضایل در آخرت برای او محقق می‌شوند و در بهشت به صورت نعمت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شوند.	
۸۱۵	گزینه ۴
اگر شخصی زندگی خود را بر گناه، حق‌کشی و ستم بنا کرده، همین زشتی‌ها در آخرت به صورت عذاب‌هایی گریبان او را خواهند گرفت.	
۸۱۶	گزینه ۴
در آیه‌ی شریفه‌ی: «بپسید آن‌چه را می‌اندوختید»، قرآن کریم خطاب به کسانی که زر و سیم گنجینه کرده و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، می‌فرماید که روزی با همین سیم و زرها بر پشت‌ها و پهلوهایشان داغ می‌زنند.	
۸۱۷	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۸۱۸	گزینه ۱
فردی که در دنیا از اموال کودکان یتیم غذا تهیه کرده و خورده است، این غذا در آخرت در شکم او آتش می‌شود و او را می‌سوزاند.	
۸۱۹	گزینه ۲
می‌دانیم که در مجازات‌های قراردادی، امکان عدم رعایت مساوات و ظلم وجود دارد، یعنی، مجازاتی بیش از گناه یک شخص به او بدهند. اما وقتی خود عمل به صورت مجازات ظاهر می‌شود، ظلم معنا ندارد. پس، اصولاً در مجازات نوع سوم (اخروی) که همان عینیت یافتن عمل است، ظلم امکان‌پذیر نیست.	
۸۲۰	گزینه ۴
در برزخ محاکمه‌ای صورت نمی‌گیرد تا امکان فریب‌کاری در آن باشد.	
۸۲۱	گزینه ۴
مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی مورد سؤال این است که در جهان‌بینی اسلامی، فرمان الهی و حکم قطعی‌اش در رابطه با عذاب گناه‌کاران بعد از اتمام حجت با آنان است.	
تمرین تست‌زنی برای پاسخ به این سؤال مفهومی، ابتدا باید گزینه‌های نادرست را حذف نماییم تا در نهایت به پاسخ صحیح برسیم. گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که پاسخ آنان به اولین سؤال ملائکه (قالوا بلی) حاکی از این واقعیت است که آگاهی داشتند. گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا این آیه به آخرت اشاره دارد و این گزینه بیانگر عذاب برزخی است. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا به دلیل آگاهی خداوند و محاسبه‌ای کامل، عبارت: «به هر حيله‌ای مستمسک می‌شود.» نادرست است.	

۸۰۵	گزینه ۲
هر عملی یک جنبه‌ی مادی و ظاهری و یک جنبه‌ی باطنی و غیبی دارد. جنبه‌ی مادی و ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود، اما جنبه‌ی باطنی و غیبی هرگز از بین نمی‌رود و در نفس و روح باقی می‌ماند. در واقع، هر عملی که از ما سر می‌زند، دو نقش دارد: نقشی در جان ما دارد و نقشی در خارج. نقش خارجی از بین می‌رود ولی نقشی که در جان ما دارد، باقی می‌ماند و از بین رفتنی نیست.	
۸۰۶	گزینه ۱
جنبه‌ی باطنی و غیبی عمل، هرگز از بین نمی‌رود، چرا که در نفس و روح انسان باقی می‌ماند و همین جنبه‌ی اعمال است که نامه‌ی عمل انسان در قیامت را تشکیل می‌دهد.	
۸۰۷	گزینه ۴
آیه‌ی: «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یراه من یعمل مثقال ذرة شرّا یراه» هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای نیکی انجام دهد آن را می‌بیند و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای بدی کند آن را می‌بیند»، مؤید این است که در قیامت، باطن و حقیقت اعمال، پاداش و کیفر اخروی را می‌سازند.	
نکته‌ی طلایی در عرصه‌ی قیامت، تصویر اعمال انسان با گزارشی از عمل یا ظاهر عمل انسان نمایش داده نمی‌شود بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.	
۸۰۸	گزینه ۲
عملی که ما در دنیا انجام می‌دهیم، همان عمل به صورت پاداش یا کیفر در آخرت واقعیت می‌یابد. این واقعیات با لذت‌بخش و زیبا هستند یا دردآور و زشت.	
۸۰۹	گزینه ۱
این فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) که «برای تو به ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد با تو دفن می‌گردد در حالی که تو مرده‌ای و او زنده است...»، مبین این واقعیت است که عملی که ما در دنیا انجام می‌دهیم، همان عمل به صورت پاداش یا کیفر در آخرت واقعیت می‌یابد. این واقعیات یا لذت‌بخش و زیبا هستند یا دردآور و زشت.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۲)، به صورت مکتوب و در گزینه‌ی (۳)، روح و نفس نیکوکار و در گزینه‌ی (۴)، فرشتگان نورانی نادرست می‌باشند.	
۸۱۰	گزینه ۲
در این فرمایش رسول خدا (ص): «برای تو به ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد، با تو دفن می‌شود در حالی که تو مرده‌ای و او زنده است. این هم‌نشین تو اگر شریف باشد، تو را گرامی خواهد داشت و اگر شریف نباشد، تو را به دامان حوادث می‌سپارد. آن‌گاه آن هم‌نشین با تو محشور می‌گردد و در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه‌ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد. «آن هم‌نشین، کردار توست»، کردار انسان به هم‌نشین او تشبیه شده است. براساس این روایت، حقیقت و باطن عمل از انسان جدا نمی‌شود و پاداش و کیفر اخروی انسان را تشکیل می‌دهد.	
۸۱۱	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۸۱۲	گزینه ۱
مطابق فرمایش رسول خدا (ص): «پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد، زیرا اگر او نیک باشد، مایه‌ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد.»	

۸۲۲

گزینه ۲

عبارت: «آیا در دنیا به اندازه‌ی کافی به شما عمر ندادیم؟»، پاسخ قطعی خداوند به دوزخیانی است که برای انجام عمل صالح تقاضای بازگشت به دنیا را دارند. عبارت: «اگر بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید»، پاسخ دیگر خداوند به دوزخیانی است که برای انجام عمل صالح تقاضای بازگشت به دنیا را دارند. عبارت: «تنها خود را ملامت کنید»، سخن شیطان به دوزخیان است. و عبارت: «پیامبران دلایل روشنی برای شما آوردند»، پاسخ ملائکه به آن دسته از دوزخیانی است که از آنان تقاضای تخفیف دارند.

۸۲۳

گزینه ۱

می‌دانیم که در مجازات‌های قراردادی، امکان عدم رعایت مساوات و ظلم وجود دارد، یعنی، مجازاتی بیش از گناه یک شخص به او بدهند. اما وقتی خود عمل به صورت مجازات ظاهر می‌شود، ظلم معنا ندارد. پس، اصولاً در مجازات نوع سوم (اخروی) که همان عینیت یافتن عمل است، ظلم امکان‌پذیر نیست. آیه‌ی شریفه‌ی: «فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و...» به محاسبه‌ی کامل تمامی اعمال در آخرت اشاره دارد.

۸۲۴

گزینه ۱

با توجه به آگاهانه بودن گناهان کفار در دنیا و اعتراف آنان به سرپیچی از دستورات انبیای الهی که از عبارت شریفه‌ی: «...الم یاءتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا بلی ...» برداشت می‌شود می‌توان از این آیه، علت جاودانه بودن عذاب اخروی کافران را برداشت کرد.

تمرین تست‌زنی

برای پاسخ دادن به این تست که پاسخ روشنی ندارد نیز باید به حذف گزینه‌های نادرست بپردازیم. گزینه‌های (۳) و (۴)، مربوط به جهنم برزخی است نه جهنم اخروی. گزینه‌ی (۲)، به جاودانگی عذاب اخروی کافران اشاره دارد نه علت این جاودانگی.

۸۲۵

گزینه ۱

عبارت شریفه‌ی: «فنعیم اجر العالمین»، پاداش متقین در بهشت اخروی و عبارت شریفه‌ی: «فبئس مثوی المتکبرین»، مجازات کافران در جهنم اخروی و عبارت شریفه‌ی: «طبتم فادخلوها خالدین»، سخن ملائکه به متقین در هنگام ورود به بهشت اخروی است.

۸۲۶

گزینه ۲

عبارت «فتحت أبوابها - درهای آن گشوده می‌شود»، بیانگر جهنم اخروی و شامل کافران می‌شود. عبارت «و فتحت أبوابها - درهای آن را به روی خود گشوده می‌بیند»، بیانگر بهشت اخروی و شامل متقین می‌شود. در آستانه‌ی ورود کافران به جهنم اخروی ملائکه به آنان می‌گویند: «قیل ادخلوا أبواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا این عبارت قرآنی، مربوط به آخرت است نه برزخ. قسمت اول گزینه‌ی (۴) مربوط به بهشت اخروی است.

۸۲۷

گزینه ۴

عبارت شریفه‌ی: «تنبؤ من الجنة حیث نشاء»، بیانگر این حقیقت است که تعیین جایگاه‌مان در بهشت به اراده‌ی خودمان است.

۸۲۸

گزینه ۳

عبارت شریفه‌ی: «حاق بال فرعون سوء العذاب»، بیانگر جهنم برزخی آل فرعون و عبارت شریفه‌ی: «ادخلوا آل فرعون اشد العذاب»، بیانگر جهنم اخروی آل فرعون و عبارت شریفه‌ی: «فبئس مثوی المتکبرین»، بیانگر جهنم اخروی کافران است.

تمرین تست‌زنی برای پاسخ دادن به این نوع سؤال‌های چند قسمتی هم باید از همان ابتدا به حذف گزینه‌های نادرست بپردازیم تا به پاسخ صحیح برسیم. قسمت دوم گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به برزخ اشاره دارند نه رستخیز.

۸۲۹

گزینه ۴

دوزخیان به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آن‌ها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند ولی فرشتگان می‌گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟» عبارت شریفه‌ی: «و لكن حققت کلمة العذاب علی الکافرین»، سخن ملائکه به کافرانی است که در پاسخ به اولین سؤال ملائکه از آنان: «الم یاءتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا»، پاسخ می‌دهند: «قالوا بلی»

۸۳۰

گزینه ۱

رسول خدا^(ص) فرمودند: «پس دقت کن، همنشینی که انتخاب می‌کنی نیک باشد، زیرا اگر او نیک باشد، مایه‌ی انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌گردد. آن همنشین، کردار توست.» این سؤال ملائکه از کافران در هنگام ورود به دوزخ که: «الم یاءتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم ...» تأیید ضمنی اختیاری بودن اعمال انسان در دنیا است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا عبارت: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها»، سخن ملائکه به ظالمین به خود در برزخ است.

۸۳۱

گزینه ۱

مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «حتى اذا جاءوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزننها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین»، این است که انسان پرهیزکار شایستگی آن را دارد که در قیامت، سلام و تهنیت ملائکه را نصیب خود کند. هر یک از بهشتیان، در درجه‌ای از بهشت قرار می‌گیرند و دارالسلام بودن بهشت، بدان معناست که هیچ ناراحتی و رنجی در آن جا نیست.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۲)، سیمای پاکان را در هنگام ورود به بهشت برزخی که روحانی است، بیان می‌کند. قسمت سوم گزینه‌های (۳) و (۴)، با توجه به توضیح بالا نادرست است.

۸۳۲

گزینه ۲

آیه‌ی شریفه‌ی: «و سيق الذین ... الى الجنة زمرا حتى اذا جاءوها و فتحت ابوابها» بهشت اخروی (موعود) را جایگاه متقین معرفی کرده است. آیه‌ی شریفه‌ی: «و سيق الذین ... الى جهنم زمرا حتى اذا جاءوها فتحت ابوابها»، جهنم اخروی (موعود) را جایگاه کافران می‌داند.

۸۳۳

گزینه ۱

اگر بخواهیم در اندیشه‌های اصیل اسلامی تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ ترسیم کنیم باید بگوییم: در دنیا فقط آثار دنیایی عمل ظهور دارد و در برزخ بهره‌ای از آثار اخروی عمل ظهور پیدا می‌کند و در آخرت آثار اخروی عمل به طور کامل ظاهر می‌شود.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) نادرست است، زیرا پاداش و کیفر اخروی از نوع حقیقت عمل است و متفاوت با دنیا می‌باشند.

۸۳۴

گزینه ۴

عبارت شریفه‌ی «تنبؤ من الجنة حیث نشاء»، بیانگر این است که تعیین جایگاه‌مان در بهشت اخروی به اراده‌ی خودمان است. براساس عبارت شریفه‌ی: «فنعیم اجر العالمین - چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان»، هر یک از بهشتیان متناسب با اعمالشان در درجه‌ای از بهشت قرار می‌گیرند. یکی از دلایل تشکر متقین از خداوند در هنگام ورود به بهشت این است که خداوند به وعده‌ی خود وفا کرد (الذی صدقنا وعده)

۸۳۵

گزینه ۳

عبارت شریفه: «و لكن حقت كلمة العذاب»، مربوط به جهنم اخروی است که جایگاه کافران است. و عبارت شریفه «و فتحت ابوابها»، مربوط به بهشت موعود و جایگاه متقین است. و عبارت شریفه «طبتم فادخلوها خالدین»، سخن ملائکه به متقین در هنگام ورود به بهشت موعود است.

۸۳۶

گزینه ۴

ظرف تحقق عبارت شریفه: «حتى اذا جاءوها فتحت ابوابها»، جهنم اخروی جایگاه ابدی کافران است. ظرف تحقق عبارت شریفه: «قالوا الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها»، برزخ و این عبارت سخن ملائکه به ظالمین به خود است. ظرف تحقق عبارت شریفه: «الذين تتوفاهم الملائكة طيبين»، بهشت برزخی و ظرف تحقق عبارت شریفه: «فاولئك ماواهم جهنم و ساءت مصيرا»، جهنم برزخی و جایگاه آل فرعون است.

۸۳۷

گزینه ۳

اولین سؤال فرشتگان از کافران در دوزخ این است که: «و قال لهم خزنتمها الم یاأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا - آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما می خوانند و شما را از دیدار این روزتان انداز می داند؟» بر این اساس تمام انبیای الهی، منذر و بیم دهنده (ینذرون) بوده اند و پاسخ کافران تصدیق این امر است. (قالوا بلی)

۸۳۸

گزینه ۱

در پاداش و کیفر از نوع محصول طبیعی خود عمل، انسان هانمی تواند با تغییر قوانین، آن را تغییر دهند بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند. (تغییرناپذیری همراه با تطبیق پذیری، مربوط به پاداش و کیفر طبیعی است). رابطه ی مادی و باطنی، مربوط به پاداش و کیفر اخروی است، که ظرف اعمال انسان، بعد روحانی و تجزیه ناپذیر انسان است، چراکه هر عمل یک جنبه ی مادی و ظاهری و یک جنبه ی باطنی و غیبی دارد، جنبه ی مادی و ظاهری بعد از عمل از بین می رود، اما جنبه ی باطنی و غیبی هرگز از بین نمی رود و در روح و نفس باقی می ماند.

۸۳۹

گزینه ۱

ظرف تحقق عبارت شریفه: «فبئس مثوی المتکبرین»، رستاخیز و جایگاه کافران در جهنم اخروی است. عبارت شریفه: «النار یعرضون علیها غدواً و عشیا»، مجازات آل فرعون در جهنم برزخی است. ظرف تحقق عبارت شریفه: «سلام علیکم طبتم»، رستاخیز و این عبارت، سخن ملائکه به متقین در هنگام ورود به بهشت اخروی است. عبارت شریفه: «ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون»، سخن ملائکه به پاکان در هنگام ورود به بهشت برزخی است.

۸۴۰

گزینه ۴

دوزخیان به سوی نگهبانان جهنم رو می آورند تا آن ها برایشان از خداوند تخفیف بگیرند ولی فرشتگان می گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟» جمله ی: «بچشید آن چه را می اندوختید»، خطاب به زراندوزان غیر متفق می باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: قسمت اول گزینه ی (۲)، سخن خداوند به دوزخیانی است که برای انجام عمل صالح تقاضای بازگشت به دنیا دارند.

۸۴۱

گزینه ۲

بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است، زیرا هیچ نقصانی، اندوهی، غصه ای، خوف و ترسی، عجزی، مرضی، جہلی، مرگ و هلاکتی و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آن جا نیست. بالاترین مرتبه ی نعمت های بهشت، لقاء و دیدار اوست که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می کنند.

۸۴۲

گزینه ۴

براساس آیه ی شریفه: «و سيق الّذین کفروا إلى جهنّم زمرا حتّی إذا جاؤوها فتحت أبوابها و قال لهم خزنتمها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا بلی و...»، نگهبانان جهنم (ملائکه) در بدو ورود کافران به جهنم اخروی، در اولین سؤال خود از آنان در خصوص مقام نبوت و رسالت (ألم یأتکم رسل منکم) و دو مسئولیت انبیای الهی: الف- آوردن پیام هدایت از طریق وحی (یتلون علیکم آیات ربکم) ب- و انداز معاد (و ینذرونکم لقاء یومکم هذا) توسط ایشان سؤال می کنند.

۸۴۳

گزینه ۱

دوزخیان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: «بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.» شیطان می گوید: «خدا به شما وعده ی راست داد و من به شما وعده ی دروغ دادم و من بر شما تسلطی نداشتم. فقط شما را فراخواندم و شما نیز این دعوت را پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.»

۸۴۴

گزینه ۱

اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی به ازای آن کار دریافت می کند. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می یابد یا اگر روزانه مقداری ورزش کند به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است. این پاداش و کیفرها محصول عمل است. در پاداش و کیفر از نوع محصول طبیعی خود عمل، افراد نمی توانند با تغییر قوانین، آن را تغییر دهند بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند.

۸۴۵

گزینه ۳

رستگاران (متقین)، هنگام ورود به بهشت می گویند: خدای را سپاس (الحمد لله). علت تشکر پرهیزکاران از خداوند، این سه دلیل است که: الف- خداوند به وعده ی خود وفا کرد (الذی صدقنا وعده) ب- و ما وارث بهشت شدیم (و أورثنا الأرض) ج- تعیین جایگاهمان در بهشت به اراده ی خودمان است. (نتبوء من الجنة حیث نشاء)

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: گزینه ی (۴) نادرست است، زیرا این آیه به آخرت اشاره دارد نه برزخ. گزینه ی (۱) و (۲)، هر کدام قسمتی از آیه را بیان کرده و ناقص هستند.

۸۴۶

گزینه ۴

عبارت شریفه: «ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم»، اولین سؤال نگهبانان جهنم از کافران به هنگام ورود به دوزخ در قیامت است. پس از مرگ که فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، روح همچنان به فعالیت آگاهانه ی خویش در عالم برزخ ادامه می دهد.

۸۴۷

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الأرض ننبوء من الجنة حیث نشاء فنعلم اجرُ العاملين»، عبارت شریفه: «تنبوء من الجنة حیث نشاء»، بیانگر این حقیقت است که تعیین جایگاهمان در بهشت اخروی به ارادهی خودمان است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، سیمای پاکان را در بهشت برزخی بیان می‌کند. گزینه‌ی (۲)، به برپایی دادگاه عدل الهی و قضاوت بر معیار حق از وقایع قبل از ورود به بهشت و جهنم اخروی است. گزینه‌ی (۴)، سیمای متقین را در هنگام ورود به بهشت اخروی بیان می‌کند.

۸۴۸

گزینه ۱

مطابق حدیثی از رسول گرامی اسلام^(ص)، تنها مصاحب و همنشینی که مصاحبتش از انسان، در همه‌ی مراتب حیات از او، انفسال ناپذیر است، صورت حقیقی اعمال می‌باشد که در عرصه‌ی قیامت، عین آن، نمایان می‌شود.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا در آخرت گزارش و تصویر اعمال وجود ندارد.

۸۴۹

گزینه ۱

«دستیابی به علم و آگاهی از راه مطالعه و تحقیق» و «پاسداری از نعمت سلامت به کمک ورزش و ریاضت»، هر دو پاداش و کیفر طبیعی است که وضع قوانین در تغییر آن مؤثر نیست. و انسان‌ها باید خود را با آن تطبیق دهند و با آگاهی کامل از آن‌ها سود برند و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند.

۸۵۰

گزینه ۴

آتش دوزخ، از آن جهت از درون جان دوزخیان زبانه می‌کشد که حاصل عمل اختیاری خود انسان‌هاست و گفتار بهشتیان سلام و درود می‌باشد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا اولین ذکر متقین در هنگام ورود به بهشت، ذکر الحمد لله است.

۸۵۱

گزینه ۳

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله «خدایا! تو پاک و منزهی: سبحانک اللهم» مترنم‌اند. بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است، زیرا هیچ نقصانی، اندوهی، غصه‌ای، خوف و ترسی، عجزی، مرضی، جہلی، مرگ و هلاکتی و خلاصه هیچ ناراحتی و رنجی در آن‌جا نیست.

۸۵۲

گزینه ۲

آیهی شریفه: «حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ»، در مورد قطعی شدن عذاب اخروی کافران در دوزخ است. و آیهی شریفه: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا»، در مورد جهنم برزخی آل فرعون است. و آیهی شریفه: «فَاُولَئِكَ مَاوَاهُم جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»، در مورد جهنم برزخی آل فرعون و آیهی شریفه: «ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون»، سخن ملائکه به پاکان در هنگام ورود به بهشت برزخی است.

۸۵۳

گزینه ۱

رسول خدا^(ص) فرموده است: «بالاترین درجه‌ی بهشت فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواهید، فردوس را طلب کنید». آتش جهنم بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و لذا از درون جان آن‌ها شعله می‌کشد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا در صورت سؤال نظر رسول خدا^(ص) خواسته شده است نه بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت.

۸۵۴

گزینه ۱

دوزخیان به خدا می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم، ما را از این‌جا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم. پاسخ خداوند این است که ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید همان راه گذشته را پیش می‌گیرید. عبارت شریفه: «و لكن حقت کلمة العذاب علی الکافرين»، سخن ملائکه به کافران است که در پاسخ به اولین سؤال ملائکه از آنان: «الم یاءتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا»، پاسخ می‌دهند: «قالوا بلی»

۸۵۵

گزینه ۱

به بیان نبی گرامی اسلام^(ص): «برای تو به ناچار همنشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد، با تو دفن می‌شود در حالی که تو مرده‌ای و او زنده است... آن همنشین، کردار توست.» و ثبت حقیقت آن به عهده‌ی فرشتگان می‌باشد.

۸۵۶

گزینه ۲

ناله‌ی حسرت دوزخیان به خاطر این است: «ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر او را اطاعت می‌کردیم. دریغ بر ما به خاطر آن کوتاهی‌هایی که کردیم».

۸۵۷

گزینه ۱

بهشتیان پیوسته با خدا هم صحبت‌اند و به جمله‌ی «خدایا تو پاک و منزهی» مترنم‌اند. اعمال انسان‌ها، تعیین کننده‌ی جایگاه آن‌ها در بهشت است. (نعم اجر العاملين)

۸۵۸

گزینه ۱

در پاداش و کیفر قراردادی انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند. آن‌چه در این‌جا اهمیت دارد تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد. اما در پاداش و کیفر از نوع محصول طبیعی خودِ عمل، انسان‌ها نمی‌توانند با تغییر قوانین آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن تطبیق دهند.

۸۵۹

گزینه ۲

رسول خدا فرمودند: «بالاترین درجه‌ی بهشت فردوس است. اگر چیزی از خدا می‌خواهید فردوس را طلب کنید». بهشتیان پیوسته با خدا هم صحبت‌اند و به جمله‌ی «خدایا تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.

۸۶۰

گزینه ۲

براساس آیهی شریفه: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض ننبوء من الجنة حیث نشاء» ذکر «الحمد لله»، ذکر متقین هنگام ورود به بهشت جاودانه‌ی اخروی است و خداوند را سیاس می‌گویند به خاطر وفاداری به وعده‌ی خویش که آن‌ها را وارث بهشت نمود تا هر جای آن که بخواهند، ساکن شوند.

۸۶۱

گزینه ۳

طبق آیات قرآن، نگهبانان جهنم هنگام ورود دوزخیان (کافران) به جهنم می‌گویند: «آیا رسولانی از جنس خودتان برایتان نیامدند تا آیه‌های پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را برحذر دارند؟» و کافران آن را تأیید.

گزینه ۴ **۸۶۹**

بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت، لقا و دیدار خداست که اولیای خدا در طلب آن هستند و به شوق آن زندگی می‌کنند. رسول خدا (ص) فرمودند: «بالاترین درجه‌ی بهشت، فردوس است. اگر چیزی از خدا می‌خواهید، فردوس را طلب کنید.»

گزینه ۱ **۸۷۰**

فرشتگانی که نامه‌ی اعمال را تنظیم می‌کنند، در واقع حقیقت اعمال را ثبت و نگهداری می‌کنند. نامه‌ی اعمال، در بر گیرنده‌ی جنبه‌ی باطنی و غیبی اعمال می‌باشد. جنبه‌ی باطنی و غیبی اعمال که نابود نشدنی است، در روح و نفس باقی می‌ماند و در قیامت، به صورت پاداش یا کیفر تجسم می‌یابد.

گزینه ۳ **۸۷۱**

عملی که ما در دنیا انجام می‌دهیم، همان عمل به صورت پاداش یا کیفر در آخرت واقعیت می‌یابد. قرآن کریم خطاب به کسانی که زر و سیم گنجینه کرده و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، می‌فرماید: «بپشید آن چه را می‌اندوختید.»

درس دهم: اعتماد بر او		
تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۴۸	۱۳	۲۵
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۲	۳	۵

گزینه ۳ **۸۷۲**

آیه‌ی شریفه‌ی: «الیس الله بکاف عبده - آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست»، ناظر بر اصل «توکل و اعتماد بر خداوند» است که یکی از راه‌های تقویت عزم و اراده می‌باشد و با عبارت: «قل حسبی الله - بگو خدا مرا بس است.» که مبنای اصلی توکل است، هم آوایی دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌ی (۱)، نادرست است، زیرا آیه‌ی مورد سؤال، مربوط به توکل است نه صبر و ایمان. قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا قبل از توکل عزم و اراده لازم است نه عزت نفس.

گزینه ۲ **۸۷۳**

خداوند خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «فیما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک - به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر درشت‌خو بودی و سنگدل از اطرافت پراکنده می‌شدند.»، بنابر این آیه، سرچشمه‌ی وحدت کلمه در بین مسلمانان صدر اسلام، عطوفت و ملایمت پیامبر اسلام (ص) معرفی شده است که معلول و نتیجه‌ی رحمت الهی است.

جمع‌بندی رحمت الهی: ۱- عامل دورماندن از وسوسه‌های نفس اماره است. ۲- عامل مهربان بودن و نرم‌خویی رسول گرامی اسلام (ص) با امت خود است.

گزینه ۳ **۸۶۲**

طبق آیات قرآن، ننگهبانان جهنم هنگام ورود دوزخیان (کافران) به جهنم می‌گویند: «آیا رسولانی از جنس خودتان برایتان نیامدند تا آیه‌های پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را برحذر دارند؟» و کافران آن را تأیید می‌کنند. این سؤال ملائکه زمینه‌ساز قبول نتیجه‌ی جبری اعمال اختیاری کافران (قالوا بلی) در رستخیز است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به ورود متقین به بهشت اخروی اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، به پاداش و کیفر اخروی اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، دلیل تشکر متقین از خداوند هنگام ورود به بهشت است.

گزینه ۲ **۸۶۳**

عبارت شریفه‌ی: «سلام علیکم اَدْخِلُوا الْجَنَّةَ بما كنتم تعملون»، سخن ملائکه به پاکان و محل تحقق آن برزخ است. (درس ۷) محل تحقق عبارت شریفه‌ی: «و حاق بال فرعون سوء العذاب»، برزخ (درس ۷) و عبارت شریفه‌ی: «سلام علیکم طِبْتُمْ فادخلوها خالدین»، سخن ملائکه به متقین و محل تحقق آن آخرت است.

گزینه ۳ **۸۶۴**

طبق آیات قرآن، ننگهبانان جهنم هنگام ورود دوزخیان (کافران) به جهنم می‌گویند: «آیا رسولانی از جنس خودتان برایتان نیامدند تا آیه‌های پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را برحذر دارند؟» و کافران آن را تأیید می‌کنند.

تمرین تست‌زنی ضرورتی ندارد همیشه قسمت اول سؤال را در نظر بگیرید و به آن پاسخ دهید. در این تست، ابتدا با توجه به قسمت دوم و سپس با در نظر گرفتن قسمت اول سؤال به آن پاسخ دهید.

گزینه ۱ **۸۶۵**

عبارت شریفه‌ی: «و من يعمل مثقال ذرة شرا یره» و آیه‌ی شریفه‌ی: «بپشید آن چه را می‌اندوختید»، هر دو به کیفر اخروی از نوع تجسم عمل اشاره دارند.

گزینه ۴ **۸۶۶**

محل تحقق آیه‌ی شریفه‌ی: «نفعم اجر العاملين - چه نیکوست پاداش عمل کنندگان»، بهشت اخروی و جایگاه متقین است. محل تحقق آیه‌ی شریفه‌ی: «الذین تتوفاهم الملائکه... اَدْخِلُوا الْجَنَّةَ بما كنتم تعملون - آنان که فرشتگان دریافتشان می‌کنند، در حالی که پاکیزه‌اند به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید»، بهشت برزخی پادش پاکان است و محل تحقق آیه‌ی شریفه‌ی: «فبئس مثوی المتکبرین - چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران»، جهنم اخروی و مجازات کافران است.

گزینه ۴ **۸۶۷**

عبارت شریفه‌ی: «سلام عیکم فادخلوها خالدین - درود بر شما! پاک شدید، داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید»، سخن ملائکه به متقین است و آیه‌ی شریفه‌ی: «و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده - و آن‌ها گفتند حمد و سپاس خدای را که به وعده‌های خویش دربارہ‌ی ما وفا کرد» سخن متقین به هنگام ورود به بهشت اخروی می‌باشد.

گزینه ۳ **۸۶۸**

آیه‌ی شریفه‌ی: «الم یاتکم رسل منکم - آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند؟» سخن ملائکه به کافران هنگام ورود به جهنم اخروی است. آیه‌ی شریفه‌ی: «الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها - گفتند مگر سرزمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟»، سخن ملائکه به ظالمین به خود، هنگام ورود به جهنم برزخی است. آیه‌ی شریفه‌ی: «النار یرضون علیها - آنان بر آتش عرضه می‌شوند هر بامداد و شامگاه»، مجازات روحانی آل فرعون در جهنم برزخی است.

۸۷۴

گزینه ۴

نرم و مهربان شدن پیامبر اسلام (ص) با امتش (لنت لهم)، معلول رحمت الهی (فیما رحمة من الله) بوده است. چراکه به تعبیر قرآن، اگر ایشان، درشتخو و سنگدل می‌بودند، مردم از پیرامون‌شان پراکنده می‌شدند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا در این آیه، مهربان بودن پیامبر در زمان حیات ایشان مورد نظر است نه در طول تاریخ.

۸۷۵

گزینه ۲

به تعبیر قرآن کریم، در صورت وجود درشتخویی (فظاً) و سنگدل بودن (غلیظ القلب) در رسول گرامی اسلام (ص)، این دو صفت می‌توانست عاملی بر پراکنده شدن مردم از پیرامون ایشان باشد. (و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولك) **توضیح** نبودن این دو صفت (درشتخویی و سنگدل بودن) در وجود رسول گرامی اسلام (ص)، به تبع رحمت الهی بوده است.

۸۷۶

گزینه ۱

مفهوم کلی آیه‌ی شریفه‌ی: «فیما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولك...»، آراستگی به فضایل اخلاقی (خوش خلقی) و دوری از رذایل اخلاقی (درشتخو و سنگدل نبودن) با الگو گرفتن از پیامبر اسلام (ص) مفهوم می‌گردد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** در این آیه، از مفاهیم مطرح شده در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، سخن به میان نیامده است.

۸۷۷

گزینه ۴

این دو دستور خداوند: «فَاعْفُ عَنْهُمْ»، «و استغفر لهم»، وظیفه‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) در برابر مردم یا حق مردم بر ایشان می‌باشد. **توضیح** تمام عبارت‌های این آیه، بیانگر حقوق مردم یا به عبارت دیگر وظایف رهبر در برابر مردم می‌باشد. (درس ۱۲ سوم)

۸۷۸

گزینه ۴

خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «و شاورهم فی الأمر فإذا عزمته فتوکل علی الله»، یعنی ابتداء مشورت و سپس عزم و انجام وظیفه باید پیش از توکل و اعتماد بر خداوند باشد. **نکته‌ی طلایی** عزم، بیانگر انجام وظیفه است و مشورت برای تصمیم بهتر است.

۸۷۹

گزینه ۱

از دقت در این فرمایش خداوند به پیامبر اکرم (ص): «و شاورهم فی الأمر فإذا عزمته فتوکل علی الله إِنَّ الله یحب المتوکلین»، تقدّم مشورت و عزم بر توکل مفهوم می‌گردد. چراکه، توکل جانشین تنبلی و ندانم کاری نیست و در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود (عزم) را به خوبی انجام دهد و سپس بر خدا توکل کند تا محبوب خدا واقع شود. (إِنَّ الله یحب المتوکلین)

نکته‌ی طلایی توکل از عوامل محبوب خدا واقع شدن است و مقدمات توکل در آیات قرآن، مشورت و عزم است.

۸۸۰

گزینه ۳

با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «و توکل علی الحی الذی لا یموت و سیح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا»، می‌توان گفت به دلیل اینکه: الف - خداوند زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، پس تنها او است که می‌تواند وکیل باشد. (الحی الذی لا یموت) ب - و از گناهان بندگان آگاه است. (و کفی به بذنوب عباده خبیرا) باید بر خداوند توکل کرد و به حمد و تسبیح خداوند پرداخت.

نکته‌ی طلایی در این درس دو آیه درباره‌ی علت توکل کردن به خدا آمده است: ۱ - آیه‌ی بالا ۲ - عبارت قرآنی: «قل حسبی الله». دومی مبنای اصلی توکل است.

۸۸۱

گزینه ۱

صورت کامل آیه چنین است: «و توکل علی حی الذی لا یموت و سیح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا» این آیه، بر توکل به خداوند تأکید داشته و علت آن را آگاهی خداوند به گناهان بندگان (کفی به بذنوب عباده خبیر) بیان می‌کند.

روش مطالعه برای پاسخ دادن به این نوع تست‌ها باید قسمت‌های اصلی آیه را حفظ نمود. به طوری که با مشاهده‌ی قسمت مورد سؤال، قسمت حذف شده از آیه را به یاد آوریم.

۸۸۲

گزینه ۳

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لئن سألتهم من خلق السّماوات و الأرض ليقولنّ الله - و اگر از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده حتماً می‌گویند خدا»، که خالق بودن خداوند را اولین مبنای توکل معرفی می‌کند، مشرکان در پاسخ به این سؤال که چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده، حتماً می‌گویند خدا. (لیقولنّ الله)

نکته‌ی طلایی برخی از انسان‌ها خالقیت خداوند را باور دارند (لیقولنّ الله) اما گرفتار شرک در ربوبیت می‌شوند که ادامه‌ی همین آیه به این شرک پاسخ می‌دهد.

۸۸۳

گزینه ۲

دومین مبنای توکل این است: «قل أفرأیتم ما تدعون من دون الله إن أردانی الله بضّر هل هنّ کاشفات ضره - بگو چه می‌گویید درباره‌ی آن‌چه جز خدا می‌خوانید؟ اگر خدا خواهد که به من گزندی رسد آیا آنان دورکننده‌ی گزند او هستند؟» منظور از «هنّ» همان «تدعون من دون الله - آن‌چه جز خدا می‌خوانید» است که از دور کردن گزند الهی ناتوانند.

نکته‌ی طلایی ناتوانی غیر خدا در دفع ضرر الهی و ممانعت از رسیدن رحمت الهی به انسان‌ها، دلیل عدم توکل بر غیر خدا می‌باشد.

۸۸۴

گزینه ۴

سومین مبنای توکل بر خداوند این است که اگر خدا بخواهد به کسی رحمتی برسد، غیر خدا (تدعون من دون الله - هرآنچه مشرکان جز خدا می‌خوانند)، نمی‌توانند بازدارنده‌ی آن رحمت باشند. (و أردانی برحمه هل هنّ ممسكات رحمة)

نکته‌ی طلایی تنها دافع ضرر الهی به انسان و عامل رسیدن رحمت الهی به انسان، توکل و اعتماد بر خداوند است.

۸۸۵

گزینه ۳

آیه‌ی شریفه‌ی: «ان أردانی الله بضّر هل هنّ کاشفات ضره أو أردانی برحمه هل هنّ ممسكات رحمة قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون»، به مبنای دوم، سوم و نهایی توکل و واگذار کردن امور خود به خداوند پس از انجام وظیفه اشاره دارد. بر این اساس اگر خداوند بخواهد که به کسی گزندی رسد، آیا غیر خدا دورکننده‌ی گزند او هستند؟ یا اگر رحمتی برای کسی بخواهد آیا آنان بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟ در نتیجه خدا انسان را بس است و همه‌ی توکل‌کنندگان تنها بر او توکل می‌کنند.

نکته‌ی طلایی مهم‌ترین دلیل توکل و اعتماد و واگذار کردن کارهای خود به خداوند، کفایت خداوند در رسیدن به نتیجه (قل حسبی الله) است.

گزینه ۲	۸۹۲
خداوند تکیه‌گاهی مطمئن برای انسان متوکل است. انسان متوکل در عین عمل به وظایف، آموزش را به خداوند واگذار می‌کند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۴)، عبارت بی‌واسطه نادرست است.	

گزینه ۱	۸۹۳
توکل در شروع هر کار و عملی نیست، بلکه در عین عمل به وظایف، نتیجه را به خداوند واگذار کردن است. نکته‌ی طلایی «شرایط توکل حقیقی به ترتیب عبارت است از: ۱- فکر ۲- مشورت ۳- انتخاب بهترین راه ۴- عزم و اراده. توکل بعد از این ۴ مرحله باید باشد.	

گزینه ۲	۸۹۴
انسان متوکل، خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه هر نتیجه‌ای که به‌دست آید به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد، زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. نکته‌ی طلایی «حقیقت توکل انجام مسئولیت و سپردن نتیجه‌ی کارها به خداوند است.	

گزینه ۴	۸۹۵
از آن‌جا که خداوند از هر کس نسبت به انسان مهربان‌تر است و دور کننده‌ی گزندها و رساننده‌ی رحمت به انسان‌ها تنها اوست، باید بر او توکل کرد. آیه‌ی شریفه‌ی: «إِن أَرَادَنِی اللَّهُ بِضَرْءٍ هَلْ هُنَّ کَاشِفَاتُ ضَرْهٍ أَوْ أَرَادَنِی بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ»، به همین موضوع اشاره دارد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، وظایف مردان مؤمن را درباره‌ی عفاف بیان می‌کند. گزینه‌ی (۲)، ساده‌ترین راه پذیرش معاد را تفکر در خلقت اولیه‌ی مخلوقات معرفی می‌کند. گزینه‌ی (۳)، به محبت همراه با پیروی از خداوند اشاره دارد.	

گزینه ۲	۸۹۶
تکیه و اعتماد به خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند. زیرا می‌داند که اگر نتیجه را به خدا واگذار کند، هر نتیجه‌ای که به‌دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، نادرست است، زیرا منفعت نقطه‌ی مقابل مصلحت است. در گزینه‌ی (۴)، مجاهدت نادرست است.	

گزینه ۴	۸۹۷
امام علی^(ع) در یکی از دعاهايشان می‌گویند: «خداوند! تو با آنان که به تو بیش‌تر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری.»	

گزینه ۲	۸۹۸
امام علی^(ع) در یکی از دعاهايشان در خصوص توکل کنندگان می‌فرمایند: «برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی و بر میزان بیش‌تر آنان دانایی.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا خداوند بر میزان بیش‌تر توکل کنندگان دانایی دارد نه بر میزان ایمان آنان.	

گزینه ۱	۸۸۶
عبارت شریفه‌ی: «قل حسبی الله»، بیانگر مبنای اصلی توکل بر خداوند است، چراکه ارتباط داشتن با خدا برای رسیدن به نتیجه، کافی است و با اعتماد به اوست که کارها و تلاش‌های انسان به نتیجه می‌رسد. نکته‌ی طلایی «این عبارت‌ها: «کفایت خداوند در رسیدن به نتیجه»، «سر رشته و تدبیر امور» و «چاره‌جویی از مشکلات»، بیانگر توکل بر خداوند می‌باشند.	

گزینه ۲	۸۸۷
این گزینه، جزو چهار مبنای توکل نیست. عبارت شریفه‌ی: «یحییکم الله و یغفر لکم ذنوبکم»، بیانگر نتایج محبت همراه با پیروی از دستورات خداوند است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، عبارت شریفه‌ی: «إِن أَرَادَنِی اللَّهُ بِضَرْءٍ هَلْ هُنَّ کَاشِفَاتُ ضَرْهٍ»، مبنای دوم توکل و در گزینه‌ی (۳)، عبارت شریفه‌ی: «قل حسبی الله علیه یَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ»، مبنای اصلی توکل و در گزینه‌ی (۴)، عبارت شریفه‌ی: «وَلِئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»، مبنای نخست توکل است.	

گزینه ۴	۸۸۸
در پاسخ به این سؤال که چرا باید بر خدا توکل کرد؟ مگر خداوند دارای چه ویژگی‌هایی است؟ قرآن کریم پاسخ می‌دهد: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ لَا يَمُوتُ وَنَحْبُوحَمْدُهُ وَكَفَى بِهِ ذُنُوبًا خَبِيرًا - خداوند زنده‌ای است که هرگز مرگ را نمی‌پذیرد و بر گناهان بندگان خود خبیر و آگاه است.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، بیانگر نتایج محبت همراه با پیروی از دستورات خداوند است. گزینه‌ی (۲)، وظایف رسول گرامی اسلام^(ص) را در برابر امت خود بیان می‌کند. گزینه‌ی (۳)، مقدمات محبوب خدا واقع شدن است.	

گزینه ۱	۸۸۹
چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟ کسی قدرت ایستادگی در مقابل اراده‌ی خدا را ندارد. کسی نیست که بتواند در کار خدا دخالت کند و باز دارنده‌ی رحمت یا دور کننده‌ی گزند باشد. که مفهوم عبارت شریفه‌ی: «إِن أَرَادَنِی اللَّهُ بِضَرْءٍ هَلْ هُنَّ کَاشِفَاتُ ضَرْهٍ - اگر خدا بخواهد به کسی ضرری برسد، هیچ کس نمی‌تواند دور کننده‌ی آن ضرر باشد.» می‌باشد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، از مبناهای توکل بر خداوند نمی‌باشد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، به مقدمات توکل بر خدا (مشورت و عزم) اشاره دارد نه بر دلیل عدم توکل بر غیر خدا.	

گزینه ۳	۸۹۰
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ - پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها طلب استغفار کن و در کارها با آنان مشورت کن. پس وقتی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. همانا خداوند متوکلان را دوست دارد.» برای رسیدن به تصمیم بهتر باید مشورت کنیم. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، نادرست است، زیرا راه رسیدن به تصمیم بهتر، مشورت است نه اراده بر انجام کارهای بزرگ. قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، به مشورت برای رسیدن به تصمیم بهتر اشاره دارد.	

گزینه ۲	۸۹۱
توکل به معنای اعتماد و تکیه نمودن بر خداست و انسان متوکل، همراه با انجام دادن مسئولیت و وظیفه‌ی خود، نتیجه‌ی آموزش را به خداوند واگذار می‌کند؛ چون می‌داند خدا از هر کس نسبت به او مهربان‌تر و در انجام کارها، تواناتر است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است، چراکه واگذار کردن نتیجه به خدا باید پس از تفکر و مشورت باشد نه قبل از آن.	

۹۰۶	گزینه ۴
دلیل توکل قلبی و همراه با اخلاص بر خداوند این است که خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم، در حالی که به ضرر ماست و یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم، در حالی که به نفع ماست، بنابراین شایسته است با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست.	
۹۰۷	گزینه ۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۹۰۸	گزینه ۳
بنابر فرمایش امام صادق (ع)، چاره‌جویی خداوند از کاربندگان، با وجود خیزش آسمان‌ها و زمین و اهل آن علیه وی، نتیجه‌ی توکل و اعتماد و پناه بردن خالصانه به خداست. تمرین تست‌زنی فقط با توجه به متن حدیث باید به این نوع سوالات پاسخ گفت نه با استدلال‌های ذهنی.	
۹۰۹	گزینه ۴
امام صادق (ع) فرمود: «خداوند به داود (ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌هاست، علیه او برخیزند.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها این حدیث، به توکل خالصانه و نتیجه‌ی آن که چاره‌جویی از مشکلات است، اشاره دارد.	
۹۱۰	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۹۱۱	گزینه ۳
توکل، وقتی معنا دارد که آدمی، مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها توکل پس از انجام مسئولیت، توکل حقیقی است.	
۹۱۲	گزینه ۱
توکل، وقتی معنا دارد که آدمی، مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد. یعنی ۱- فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد. ۲- با دیگران مشورت کند. ۳- بهترین راه ممکن را انتخاب نماید. ۴- با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. توضیح این ۴ مورد شرایط توکل حقیقی به خداوند است.	
۹۱۳	گزینه ۳
توکل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست، بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. نکته‌ی طلایی توکل حقیقی و پس از انجام مسئولیت و وظیفه، کمک‌کننده و امیددهنده به صاحبان آن (اهل همت، تعقل و پشتکار) است.	
۹۱۴	گزینه ۱
از این که پیامبر اکرم (ص) افراد بیکار توکل‌کننده را سربار دیگران خواندند، مفهوم تقدم انجام مسئولیت بر توکل برداشت می‌شود. نکته‌ی طلایی سربار دیگران از دیدگاه رسول خدا (ص)، توکل حقیقی را ندارد.	

۸۹۹	گزینه ۱
فرمایش امام علی (ع) در خصوص توکل کنندگان: «رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد.» روش مطالعه عین عبارت‌های احادیث را باید حفظ کنید.	
۹۰۰	گزینه ۳
طبق فرمایش امام علی (ع): «اگر مصیبت‌ها بر توکل‌کنندگان فرو بارد، به خدا پناه آورند و روی به درگاه او دارند چون می‌دانند سر رشته‌ی کارها، فقط به‌دست خداوند است.»	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است، زیرا امام علی (ع) در خصوص توکل کنندگان می‌فرماید: «اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد.»	
۹۰۱	گزینه ۳
جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی‌هاست و شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است، مانند برخی از بزرگسالان به ثروت یا مقام که قدرت تصمیم‌های بزرگ را از او می‌گیرد دل نبسته است. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد آرمان‌هایی که از نوع پروازند. از نوع رفتن و صعود کردن؛ نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴)، ویژگی بزرگسالان است. در قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، قدرت تصمیم‌های بزرگ را از او می‌گیرد نادرست است.	
۹۰۲	گزینه ۴
رهایی از تمنیات و وابستگی‌ها از ویژگی‌های دوره‌ی نوجوانی و جوانی است که نیاز به توکل در این دوره شدیدتر است زیرا دوران تصمیم‌های بزرگ است. نکته‌ی طلایی گرفتن تصمیم‌های بزرگ، علت نیازمندی بیش‌تر به توکل است.	
۹۰۳	گزینه ۱
توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله‌ی «خدا یا بر تو توکل می‌کنم» نیست، بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا او را تکیه‌گاه خود ببیند. نکته‌ی طلایی توکل دو نوع است: ۱- توکل قلبی و خالصانه ۲- توکل حقیقی و پس از انجام وظیفه.	
۹۰۴	گزینه ۱
انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این‌گونه باشیم (توکل قلبی همراه با اخلاص) خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. نکته‌ی طلایی چاره‌جویی از کارها به بهترین وجه توسط خداوند متعال، نتیجه‌ی توکل قلبی و خالصانه بر خداوند است.	
۹۰۵	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	



۹۲۱	گزینه ۴
از توجه در آیهی شریفه‌ی: «... و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله...»، می‌توان دریافت که توکل، سبب تحرک است و نه تنبلی زیرا توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب کند و با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند و مهم‌ترین عامل برای تحقق عزم و تصمیم، جهت‌دستیابی به اهداف مورد نظر در زندگی، توکل و اعتماد به خدا است. از دقت در آیهی شریفه‌ی: «ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره»، در می‌یابیم که اگر خدا بخواهد به کسی آسیب برسد، هیچ کس نمی‌تواند مانع او شود (ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره)، به این دلیل به غیر خدا نمی‌توان توکل کرد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، دلیل توکل بر خداوند را بیان می‌کند و پاسخ این سؤال که چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟ نمی‌باشد.	

۹۲۲	گزینه ۱
دلیل توکل قلبی و همراه با اخلاص بر خداوند این است که خداوند آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم، در حالی که به ضرر ماست و یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم، در حالی که به نفع ماست، بنابراین شایسته است با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، بیانگر توکل حقیقی و پس از انجام وظیفه و مسئولیت است نه توکل قلبی و خالصانه.	

۹۲۳	گزینه ۱
یکی از راه‌های رسیدن به تصمیم درست، مشورت کردن است که در آیهی شریفه‌ی: «فما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله» به این امر اشاره شده است. براساس این حدیث امام صادق (ع): «هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، علیه او برخیزند»، چاره‌جویی از کارها معلول توکل خالصانه بر خداوند است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، بیانگر توکل حقیقی و پس از انجام وظیفه و مسئولیت است نه توکل قلبی و خالصانه. قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴)، به راه رسیدن به تصمیم بهتر که مشورت است، اشاره ندارد.	

۹۲۴	گزینه ۳
اکنون که دانستیم سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است بار دیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان گونه که خدا از ما خواسته است، ببیماییم و عوامل تقویت کننده‌ی عزم را به یاد داشته باشیم و در هر برنامه‌ای به کار بندیم.	

۹۲۵	گزینه ۳
صورت سؤال به توکل قلبی و خالصانه اشاره دارد. چون خداوند، آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم، در حالی که به ضرر ماست و یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم، در حالی که به نفع ماست، بنابراین شایسته است با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۱) و (۲)، به توکل حقیقی و پس از انجام مسئولیت و وظیفه اشاره دارند.	

۹۱۵	گزینه ۲
از بیت مطرح شده، برداشت می‌شود که توکل کننده‌ی اهل معرفت، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش از ابزار و اسباب (واسطه‌ها) بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب، بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، به مثابه‌ی بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است. نکته‌ی طلایی «توکل کننده‌ی اهل معرفت، از تقدیرات الهی برای رسیدن به نیازها و خواسته‌هایش بهره می‌جوید.	

۹۱۶	گزینه ۴
در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌ها، ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی (نه حکمت و رحمت الهی) است. نکته‌ی طلایی «استفاده از ابزار و واسطه‌ها و همچنین انجام مسئولیت و وظیفه، از شرایط توکل حقیقی است.	

۹۱۷	گزینه ۴
توکل کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش از ابزار و اسباب بهره جوید زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در قسمت سوم گزینه‌ی (۲)، بی‌توجهی به علم و حکمت الهی صحیح است نه عدل و حکمت الهی.	

۹۱۸	گزینه ۲
توکل بر خدا و اعتماد به او، از مهم‌ترین عوامل تقویت کننده‌ی عزم است.	

۹۱۹	گزینه ۱
توکل، وقتی معنا دارد که آدمی، مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد. بنابراین توکل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست، بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. پس توکل مؤخر بر مشورت و عزم است.	

۹۲۰	گزینه ۳
امام علی (ع) تعبیر: «می‌دانند که سر رشته‌ی کارها به دست خداست.» را درباره‌ی توکل کنندگان به کار برده‌اند. ایشان در توصیف این افراد می‌فرمایند: «برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی.» در ادامه می‌گوید: «رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته‌ی کارها به دست توست.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۳) سخن امام صادق (ع) در مورد توکل کنندگان است که فرمودند: «هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، علیه او برخیزند.»	

۹۲۶

گزینه ۳

بیت: «گر توکل می کنی در کار کن / کشت کن پس تکیه بر جبار کن» و عبارت شریفه‌ی: «فاذا عزم فتوکل علی الله»، هر دو به «توکل حقیقی و پس از انجام مسئولیت و وظیفه‌ی خود» اشاره دارند.

۹۲۷

گزینه ۱

اکنون که دانستیم سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است بار دیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان گونه که خدا از ما خواسته است، ببیماییم و عوامل تقویت کننده‌ی عزم را به یاد داشته باشیم و در هر برنامه‌ای به کار بندیم. حضرت امام علی (ع) در یکی از دعاهايشان می‌گویند: «خداوند تو با آنان که به تو بیش‌تر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری.»

۹۲۸

گزینه ۳

عبارت شریفه‌ی: «قل حسبی الله»، مبنای اصلی توکل است، چراکه ارتباط داشتن با خدا برای رسیدن به نتیجه، کافی است و با اعتماد به اوست که کارها و تلاش‌های انسان به نتیجه می‌رسد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به خالقیت خداوند که اولین مبنای توکل است، اشاره دارد. گزینه‌های (۲) و (۴) به دومین مبنای توکل بر خداوند که ناتوانی غیر خدا در دفع ضرر الهی می‌باشد، دلالت دارند.

۹۲۹

گزینه ۱

عبارت صورت سؤال، به توکل قلبی و خالصانه اشاره دارد. خداوند، آینده‌هایی را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم، در حالی که به ضرر ماست و یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم، در حالی که به نفع ماست، بنابراین شایسته است با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم هیچ قدرتی در جهان مانع چاره‌سازی خدا نیست. روزی، پیامبر اکرم (ص) به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود: شما چگونه مردمی هستید؟ گفتند: ما توکل‌کنندگان بر خدا هستیم. فرمود: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.

۹۳۰

گزینه ۴

توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره‌جوید، زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

۹۳۱

گزینه ۱

در سؤال «چرا باید بر خدا توکل کرد؟»، علت توکل بر خداوند مطرح می‌شود و باید به اوصافی از خداوند توجه کرد که منشأ توکل و اعتماد بر اوست. مطابق با آیه‌ی شریفه‌ی: «و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبّح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا» خداوند زنده‌ای است که هرگز مرگ را نمی‌پذیرد و بر کار بندگان خود آگاه است.

۹۳۲

گزینه ۳

انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر این‌گونه باشیم (توکل حقیقی همراه با اخلاص) خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد.

۹۳۳

گزینه ۳

مشرکان خالقیت خداوند را قبول دارند ولی دچار شرک در ربوبیت می‌شوند. این قسمت از آیه‌ی شریفه‌ی: «... إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کاشفات ضرّه أو أرادنی برحمة هل هنّ ممسکات رحمته»، ضمن یادآوری ربوبیت و تدبیر الهی، به آنان متذکر می‌شود که اگر خداوند بخواهد به کسی آسیب برسد، هیچ کس نمی‌تواند مانع او شود (إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کاشفات ضرّه)، به این دلیل به غیر خدا نمی‌توان توکل کرد. و همچنین اگر خدا بخواهد به کسی رحمتی برسد، هیچ کس نمی‌تواند او را باز دارد (أو أرادنی برحمة هل هنّ ممسکات رحمته)، به این دلیل به غیر خدا نمی‌توان توکل کرد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، بیانگر خالقیت خداوند است که مشرکان به آن اعتراف می‌کنند. گزینه‌ی (۲)، بیانگر عشق و محبت الهی است. گزینه‌ی (۴)، به علت توکل بر خداوند اشاره دارد.

۹۳۴

گزینه ۴

حضرت علی (ع) در یکی از دعاهای خویش درباره‌ی توکل‌کنندگان می‌گویند: «رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته‌ی کارها به دست توست.»

۹۳۵

گزینه ۴

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «... و استغفر لهم و شاورهم فی الأمر فاذا عزم فتوکل علی الله إن الله یحبّ المتوکلین»، پس از مشورت و عزم باید توکل بر خداوند انجام گردد. چراکه، توکل جانشین تبلی و ندانم کاری نیست و در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود (عزم) را به خوبی انجام دهد و سپس بر خدا توکل کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به علت توکل بر خدا اشاره دارد. گزینه‌ی (۲)، مفهوم صورت سؤال است و به توکل اشاره ندارد. گزینه‌ی (۳)، به محبت همراه با اطاعت از خداوند و نتیجه‌ی آن اشاره دارد.

۹۳۶

گزینه ۲

تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند. عبارت شریفه‌ی: «قل حسبی الله»، مبنای اصلی توکل است و باور به آن آرامش قلبی می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، دلیل عدم توکل بر غیر خدا می‌باشد.

۹۳۷

گزینه ۱

توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش از ابزار و اسباب بهره‌جوید، زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۲) و (۴) شرایط توکل حقیقی به صورت کامل رعایت نشده است. گزینه‌ی (۳)، مصداق سربار دیگران از نظر پیامبر اسلام (ص) است.



۹۴۳	گزینه ۲
امام صادق (ع) فرمود: «خداوند به داود^(ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، (توکل حقیقی) از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، علیه او برخیزند.» ابزار و اسباب لازم برای رسیدن به خواسته‌ها، بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» با توجه به قسمت دوم سؤال، گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است. گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا عبارت صورت سؤال بیانگر توکل حقیقی است.	

۹۴۴	گزینه ۴
توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش از ابزار و اسباب بهره‌جوید زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است. آیه‌ی شریفه‌ی: «ان ارادنی الله بضّر هل هنّ کاشفات ضره او ارادنی برحمة هل هنّ ممسكات رحمة»، بیانگر مبنای دوم و سوم توکل است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» با توجه به توضیحات بالا، قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است. و قسمت سوم گزینه‌ی (۲)، بیانگر عزت نفس است نه توکل و اعتماد بر خداوند.	

۹۴۵	گزینه ۱
نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. نوجوان و جوان می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد آرمان‌هایی که از نوع پروازند. از نوع رفتن و صعود کردن؛ نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن. از این‌رو، در این دوره، نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود. مبنای توکل، اعتقاد همراه با اخلاص به خداوند است. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) و قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است.	

۹۴۶	گزینه ۳
متوکل اهل معرفت می‌داند که انسان در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش می‌بایست از اسباب و ابزار بهره‌جوید. توکل در جایی درست است که مسئولیت خود را انجام دهیم و با مشورت بهترین راه را انتخاب و با عزم برای رسیدن به هدف تلاش کنیم. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا پس از انجام مسئولیت و وظیفه باید کارها را به خدا واگذار کنیم.	

۹۴۷	گزینه ۲
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و توکل علی الحی الذی لا یموت و سیح بحمده و کفی به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است»، کسانی بر خدا توکل می‌کنند که حیات را صفت ذات خدا بدانند (الحی الذی لا یموت) و زبان به حمد و تسبیح او بگشایند (سیح بحمده) و خود را در محضر او بیابند. (کفی بذنوب عباده خبیرا) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، دقیقاً ترجمه‌ی آیه است و به زنده‌بودن خداوند و آگاهی از گناهان انسان اشاره دارد. سایر گزینه‌ها مفهوم این آیه نمی‌باشند.	

۹۳۸	گزینه ۴
دوره‌ی نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم‌های بزرگ است، زیرا نوجوان و جوان آزاد از تمّیّات و وابستگی‌هاست. شجاعت روحی بالایی دارد. دست و پای اندیشه‌اش به رشته‌های دنیایی بسته نشده است. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد آرمان‌هایی که از نوع پروازند. از نوع رفتن و صعود کردن؛ نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن. به همین خاطر نیاز شدیدتری به توکل بر خدا و اعتماد به او دارد. امام صادق (ع) فرمود: خداوند به داود^(ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، علیه وی برخیزند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) و قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است.	

۹۳۹	گزینه ۱
توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش از ابزار و اسباب (واسطه‌ها) بهره‌جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است. توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد، یعنی: ۱- فکر و اندیشه‌ی خود را به کار گیرد. ۲- با دیگران مشورت کند. ۳- بهترین راه ممکن را انتخاب نماید. ۴- و با عزم و اراده‌ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. «روش مطالعه» برای پاسخ به این نوع تست‌های حفظی، فقط و فقط باید متن کتاب را حفظ بود و براساس محفوظات خود به آن‌ها پاسخ داد. و در پاسخ به این تست‌ها نباید به شیوه‌ی استدلالی عمل کرد.	

۹۴۰	گزینه ۳
انسان متوکل، خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. (نتیجه: قبول نتایج کار از سوی متوکل به خداوند مبتنی بر حکیمانه بودن نظام آفرینش است). «نکته‌ی طلایی» توکل بر خداوند در کارها، توحیدعبادی است ولی فراهم شدن نتیجه‌ی آن برای توکل‌کننده، براساس توحید در ربوبیت و حکمت الهی است.	

۹۴۱	گزینه ۴
عبارت صورت سؤال: «یکی از مبانی قابل تمسک اعتماد به خداوند، کفایت آگاهی او، نسبت به بندگان و اعمال برخاسته از اختیار آنان (گناهان) است»، دقیقاً مفهوم قسمت آیه‌ی شریفه‌ی: «و توکل علی الحی الذی لا یموت و سیح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا»، چرا که براساس این آیه، دو دلیل توکل پیامبر (ص) بر خداوند عبارت است از: الف- خدایی که زنده است و هرگز نمی‌میرد، پس تنها او است که می‌تواند وکیل باشد. (الحی الذی لا یموت) ب- و از گناهان بندگانش آگاه است. (کفایت آگاهی او، نسبت به بندگان و اعمال برخاسته از اختیار آنان (گناهان) - و کفی به بذنوب عباده خبیرا)	

۹۴۲	گزینه ۱
عبارت شریفه‌ی: «قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون»، مبنای اصلی توکل بر خداوند است. چراکه ارتباط داشتن با خدا برای رسیدن به نتیجه، کافی است و با اعتماد به اوست که کارها و تلاش‌های انسان به نتیجه می‌رسد. (قل حسبی الله) «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۴) هم بیانگر علت توکل بر خداوند است ولی گزینه‌ی (۱)، مبنای اصلی توکل بر خداوند است.	

۹۴۸

گزینه ۲

از این فرمایش امام صادق (ع) که پیرامون توکل قلبی و همراه با اخلاص است، مفهوم می‌گردد که توکل فقط به معنای گفتن جمله‌ی «خدا یا به تو توکل می‌کنم» نیست، بلکه یک امر کاملاً قلبی و درونی است و باید همواره با معرفت و اخلاص باشد و در این صورت خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد. توکل کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب (واسطه‌ها) بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

نکته‌ی طلایی توکل کننده‌ی اهل معرفت باید توکل حقیقی و پس از انجام مسئولیت و وظیفه داشته باشد.

۹۴۹

گزینه ۴

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. هر چه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی‌هاست و شجاعت روحی بالایی دارد. مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته و یا در حسادت نسبت به دوستش بسوزد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

۹۵۰

گزینه ۱

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لئن سألتهم من خلق السماوات و الارض ليقولن الله قل افرايتم ما تدعون من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره او ارادني برحمه هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون»، اولین علت توکل بر خداوند این است که خالق آسمان‌ها و زمین فقط خداست. که حتی مشرکان به آن اعتراف دارند. (و لئن سألتهم من خلق السماوات و الارض ليقولن الله) آخرین مبنای توکل این است: «ارتباط داشتن با خدا برای رسیدن به نتیجه، کافی است و با اعتماد به اوست که کارها و تلاش‌های انسان به نتیجه می‌رسد.» (قل حسبي الله)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، دومین مبنای توکل بر خداوند است.

۹۵۱

گزینه ۴

صورت سؤال به مبنای دوم و سوم توکل بر خدا اشاره دارد. مبنای توکل بر خدا این است که: ۱- خالق آسمان‌ها و زمین فقط خداست. (و لئن سألتهم من خلق السماوات و الارض ليقولن الله) ۲- اگر خدا بخواهد به کسی آسیب برسد، هیچ‌کس نمی‌تواند مانع او شود. («قل افرايتم ما تدعون من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره») ۳- اگر خدا بخواهد به کسی رحمتی برسد، هیچ‌کس نمی‌تواند او را بازدارد. (او ارادني برحمه هل هن ممسكات رحمته) ۴- کفایت خداوند در حل مشکلات (قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون)

۹۵۲

گزینه ۲

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) نادرست است، زیرا در این آیه، سخن از مبنای توکل برای توکل کنندگان است نه مؤمنان. در گزینه‌ی (۴)، علاوه بر اشکال قبل، مبنای توکل به ترتیب بیان نشده است، یعنی ابتدا مبنای ۳ و بعد مبنای ۲ آمده است.

۹۵۳

گزینه ۲

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند به داود (ع) وحی کرد هر بنده‌ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هر چه در آن‌هاست، علیه او برخیزند.» از این حدیث پیامبر (ص) برداشت می‌گردد که توکل باید پس از انجام کار و مسئولیت انجام گیرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

۹۵۴

گزینه ۱

توکل رابطه‌ی مستقیم با معرفت به خدا و ایمان به او دارد. هر چه درجه‌ی ایمان بالاتر باشد، اعتماد و توکل انسان بر خدا نیز افزایش می‌یابد. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا محول کردن کارها به خداوند از مقدمات توکل است نه نتیجه‌ی آن.

۹۵۵

گزینه ۱

افزایش معرفت به خدا و ایمان به او علت افزایش اعتماد، توکل و اطمینان به خداوند است، همان‌گونه که تکیه و اعتماد به او، علت دست‌یابی به آرامش و امید به آینده است. **تمرین تست‌زنی** ساده‌ترین راه تشخیص علت و معلول این است که علت تقدم وجودی بر معلول دارد، یعنی اول علت وجود دارد و بعد معلول به وجود می‌آید. به طور مثال ابتدا توکل و اعتماد بر خدا وجود دارد سپس آرامش به وجود می‌آید.

۹۵۶

گزینه ۱

بهره‌مندی از عزم و اراده‌ی قوی، معلول توکل و اعتماد بر خداوند است. معرفت و ایمان به خداوند، علت و گذاری نتایج کارها به باری تعالی است. توکل به خدا، اراده را تقویت می‌نماید و همان‌طور که قبلاً اشاره شده است، توکل رابطه‌ی مستقیم با معرفت و ایمان به او دارد.

۹۵۷

گزینه ۳

از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر درشت‌خو بودی و سنگدل از اطرافت پراکنده می‌شدند»، مفهوم می‌گردد که بازتاب فضایل نیک اخلاقی پیامبر این بود که مردم پیرامون او بودند و در صورت وجود ردایی مانند درشت‌خو و سنگدل بودن مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند.

درس یازدهم: دوستی با حق

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۱	۱۹	۳۳
تعداد سوالات سراسری	تعداد سوالات سراسری	تعداد سوالات سراسری
۴	۵	۹۶

۹۵۸

گزینه ۴

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد. خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود: «رحمتی وسعت کل شیء» **نکته‌ی طلایی** هستی مخلوقات برگرفته از رحمت الهی است. و هدف‌مندی مخلوقات برخاسته از حکمت الهی است.

گزینه ۳ ۹۶۵

این قسمت آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ - بعضی از مردم همتایانی به جای خدا می‌گیرند، آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند»، مصداق شرک به خداست.

توضیح کسانی که در طول تاریخ، محور زندگی خود را براساس محبت به غیر خدا بنا کرده‌اند، در بینش اسلامی همان جبهه‌ی باطل را تشکیل می‌دهند که در گستره‌ی زمان با اهل حق در ستیز بوده‌اند.

گزینه ۴ ۹۶۶

ابیات مذکور، ندای مشتاقان عشق الهی است و با آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وِ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» که بیانگر محبت و عشق به خداوند است، تناسب معنایی دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، به پیروی از خداوند و آثار این پیروی اشاره دارد.

گزینه ۱ ۹۶۷

ابیات مذکور ندای طالبان عشق الهی است. چراکه عشق و محبت الهی، افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می‌برد و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت می‌بخشد. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت و ناشکیبا را متحمل و شکیمیا می‌کند. آدمی را از خودخواهی و نفع‌پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. همت و اراده را قوی، غل و غش‌ها را پاک و اندیشه را خلاق می‌کند. خلاصه، عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی می‌دهد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا پیامد گسترده‌ی عشق به خداوند را محدود به دنیا ساخته‌اند. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا سخنی از علم و دانش در پیامدهای عشق و محبت ذکر نشده است.

گزینه ۱ ۹۶۸

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا عشق و محبت الهی، نیروهای بسته و مهارشده‌ی وجود آدمی را آزاد می‌سازد نه اینکه در بند بکشد.

گزینه ۱ ۹۶۹

عشق و محبت الهی، آدمی را از خودخواهی و نفع‌پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عبارت شریفه‌ی: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» - و اما کسانی که ایمان دارند به خدا محبت بیش‌تری دارند»، به تأثیر عشق به خدا در زندگی انسان اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیه‌ی گزینه‌ی (۳)، بیانگر عشق به غیرخدا می‌باشد و شرک عبادی محسوب می‌شود.

گزینه ۴ ۹۷۰

براساس بیت: «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست/ دل افسرده غیر از آب و گل نیست»، عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند.

نکته‌ی طلایی اکسیر حیات بخش به مرده و عطا بخش زندگی حقیقی مفهوم عبارت شریفه‌ی: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» است.

گزینه ۱ ۹۵۹

خداوند با همین اسم «رحمان» آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای بازگشت (توبه که دروازه‌ی رحمت الهی است. درس ۷ چهارم) را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش رو کنند و بدین گونه اسم «غفار» خود را به نمایش گذاشت.

نکته‌ی طلایی توبه‌ی انسان برگرفته از رحمت الهی است و یاد خداوند در دل گناه‌کاران افتادن، ناشی از غفار بودن خداوند است.

گزینه ۳ ۹۶۰

حافظ در این بیت می‌گوید که الفت و محبت قبل از این که دو جهان خلق شود، وجود داشت و محبت مقدم بر آفرینش جهان است.

نکته‌ی طلایی هرگاه سوال شود علت آفرینش چیست؟ باید بگوییم رحمت الهی ولی اگر سوال شود از بین رحمت و محبت کدامیک مقدم است؟ باید بگوییم محبت مقدم بر آفرینش جهان است.

گزینه ۱ ۹۶۱

محبت و دوستی سرچشمه‌ی اصلی تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدم‌ها جهت می‌بخشد. هر قدر این محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است.

نکته‌ی طلایی زندگی حقیقی بخش به انسان، عشق به خداست و جهت دهنده به زندگی آدم، محبت‌ها و علاقه‌ها و دل‌بستگی‌های اوست.

گزینه ۲ ۹۶۲

«سرگرم بودن به کارها و علاقه‌های شخصی خود»، بیانگر خودمحوری و خودخواهی است ولی «تقدّم یافتن خواسته‌های همسر بر خواسته‌های خود» و «از دست دادن راحتی خود برای رفع نیازهای زن و فرزند»، بیانگر دیگرخواهی و یا خروج از خودمحوری است. محبت به فرزند سبب می‌شود دختر یا پسر از خود محوری درآید، خود را فراموش کند و فردی ایثارگر، بارداره، نیرومند، مصمم و پرکار شود.

توضیح نقطه‌ی مقابل خودخواهی همان دیگر خواهی یا خروج از خودمحوری است که مفهومی دیگر از عشق و محبت و علاقه است.

گزینه ۱ ۹۶۳

قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وِ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ»، سخن از رویارویی و تقابل دو گروه در طول تاریخ می‌گوید. گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده‌اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده‌اند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در آن به جای عشق به خدا، عبارت عشق به دنیا آمده است.

گزینه ۴ ۹۶۴

آن کس که به خدا ایمان دارد، محبت او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می‌گیرد، محبتش فزون‌تر و عمیق‌تر می‌شود. (مفهوم آیه‌ی: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ» - و اما کسانی که ایمان دارند به خدا محبت بیش‌تری دارند) و همچنین، با افزایش ایمان، احساس حیاتی دوباره می‌کند. و شور و شوقی فرخ‌بخش وجودش را فرا می‌گیرد.

سؤال از بین افزایش ایمان به خدا و افزایش عشق به خداوند کدامیک علت است؟

۹۷۱

گزینه ۳

نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد، اما از فرمایش سرپیچی کند؛ و بنابر سخن امام صادق^(ع): «خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟ به جان خودم این رفتاری شگفت است. اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛ زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.» این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی و رفتاری شگفت است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم و سوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا در روایات اسلامی، به همراهی حب و اطاعت تأکید شده است و «اظهار دوستی با خدا» و «نافرمانی از او»، رفتاری شگفت‌انگیز و نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است.

۹۷۲

گزینه ۳

در شعری منسوب به امام صادق^(ع) آمده است: «اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛ زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا محبوب، علاوه بر عاشق محب خود بودن باید پیرو او هم باشد.

۹۷۳

گزینه ۱

آیه‌ی شریفه: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم»، محبت را مشروط به اطاعت کرده است یعنی شرط دوست داشتن خداوند، پیروی از دستورات الهی است. در زمهری محبوبین خدا قرار گرفتن (یحیبکم الله) و بخشیده شدن گناهان ما (و يغفر لكم ذنوبكم) بازتاب و نتیجه‌ی اطاعت از پیامبر^(ص) (فاتبعوني) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، از نتایج محبت و اطاعت از خداوند است ولی در صورت سؤال آمده که کدام نتیجه را به همراه ندارد.

۹۷۴

گزینه ۴

از توجه در آیه‌ی شریفه: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم» - بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید»، مفهوم محبت همراه با اطاعت از خداوند مفهوم می‌گردد. براساس این آیه، نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمایش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا آیه به صراحت به محبت همراه با اطاعت (إن كنتم تحبون الله فاتبعوني) تأکید دارد. قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا این آیه، به همراهی محبت قلبی و اطاعت از احکام و دستورات الهی تأکید دارد.

۹۷۵

گزینه ۳

نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد، اما از فرمایش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ی عدم صداقت در دوستی است. آیه‌ی شریفه: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني ...» - بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید»، که به دوست داشتن همراه با اطاعت از خداوند تأکید می‌کند. و این مفهوم «قلب انسان با خدا باشد کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد» که تنها بر حب و دوستی تأکید می‌کند، را مردود می‌شمارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، به محبت حق اشاره دارد نه به محبت و اطاعت از خداوند که مورد نظر سؤال است.

۹۷۶

گزینه ۳

خداوند به کسانی که معتقدند «اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست. آنچه اهمیت دارد درون و باطن است» و «قلب انسان با خدا باشد کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد»، می‌فرماید: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني ...» - اگر مرا دوست دارید و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، شایسته است از دستورات من پیروی کنید.»

نکته‌ی طلایی مفهوم عبارت: «فاتبعوني»، در آیه‌ی شریفه: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم»، پیروی از دین همان برنامه‌ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست.

۹۷۷

گزینه ۱

در روایتی که میب‌اولین اثر محبت به خدا، یعنی «پیروی از خداوند» است، امام صادق^(ع) می‌فرماید: «ما احب الله من عساه - کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او (خدا) را دوست ندارد.» این حدیث، بیانگر این است که گناه‌کار خدا را دوست ندارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها با این توضیح، قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست است و قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، چون این حدیث، به پیروی از خدا (اولین اثر محبت به خدا) اشاره دارد نه دوستی دوستانه خدا.

۹۷۸

گزینه ۴

این روایت امام صادق^(ع): «ما احب الله من عساه - کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او (خدا) را دوست ندارد.» و آیه‌ی شریفه: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني ...» - بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید»، هر دو به اولین اثر محبت به خدا، یعنی «پیروی از خدا» اشاره دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است. آیه‌ی گزینه‌ی (۳)، به سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» اشاره دارد.

۹۷۹

گزینه ۱

خداوند در فرمان‌هایش، فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد و مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته‌ی دل ما توجه کند. او ناصحانه به ما هشدار می‌دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می‌آید ولی به ضرر شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می‌آید اما به نفع شماست.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۳) نادرست است، چون توجه به مصلحت ویژگی خداوند است نه دوستان صمیمی. قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است. قسمت سوم گزینه‌ی (۴)، سخن خداوند به مشرکان است نه هشدار ناصحانه‌ی خداوند به مردم.

۹۸۰

گزینه ۲

براساس آموزش‌های دینی، حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است. باید اجازه دهیم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد.

نکته‌ی طلایی راه آسان شدن احکام سخت الهی، عشق به سعادت حقیقی است.

۹۸۷	گزینه ۳
حضرت علی^(ع) در یکی از مراسم حج که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند از طرف رسول خدا مأموریت یافت که این خبر را به «مردم» برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به «مشرکین» اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید که این امر بیانگر «بیزاری از دشمنان خدا» است. نکته طلایی: مفهوم این دو سخن رسول خدا^(ص) به مردم و مشرکان در آیهی شریفه: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من ...» تجلی یافته است.	

۹۸۸	گزینه ۲
آیهی شریفه: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من حادّ الله و رسوله و لو كانوا آبائهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم - مردمی را نیایی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند در حالی که دوستی کنند با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند، گرچه آنان پدرانشان باشند یا فرزندان و برادرانشان باشند یا خویشان آن‌ها»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» می‌باشد، یعنی «عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد و دوستدار زندگی و بقاء، از نیستی و نابودی متنفر است. دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ریا و بی‌وفایی بیزار است و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضد خدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.» دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، بیانگر مبارزه با دشمنان خدا است نه بیزاری از دشمنان خدا.	

۹۸۹	گزینه ۴
براساس این آیه: «مردمی را نیایی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند در حالی که دوستی کنند با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند، گرچه آنان پدرانشان باشند یا فرزندان و برادرانشان باشند یا خویشان آن‌ها»، بیزاری و تنفر از دشمنان خدا و رسولش (حادّ الله و رسوله)، هرچند آن دشمنان از نزدیکان خود شخص (آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم) باشند، شرط ایمان به خدا و آخرت (یؤمنون بالله و الیوم الآخر) است. به عبارت دیگر، بیزاری از دشمنان خدا، لازمه‌ی ایمان به خدا و آخرت است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: آیهی گزینه‌های (۲) و (۳)، به مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارند. قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا بیزاری و تنفر از دشمنان خدا و رسولش (حادّ الله و رسوله)، شرط ایمان به خدا و آخرت است.	

۹۹۰	گزینه ۱
با توجه به توضیحات سؤال قبل، بیزاری از دشمنان خدا، مشروط بر (شرط تحقق) ایمان به خدا و آخرت است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، زیرا بیزاری از دشمنان خدا نه مبارزه با دشمنان خدا مورد نظر است. گزینه‌ی (۳)، بر عکس بیان شده است.	

۹۹۱	گزینه ۴
حضرت علی^(ع) در یکی از مراسم حج که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند از طرف رسول خدا مأموریت یافت که این خبر را به «مردم» برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به «مشرکین» اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید که این امر بیانگر «بیزاری از دشمنان خدا» است.	

۹۸۱	گزینه ۲
امام سجاد^(ع) در این مناجات خود، «خدایا، کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟»، طلب غیر خدا را برای کسی که حلاوت شیرینی با او را چشیده باشد، محال می‌داند. ایشان در ادامه‌ی دعا، «دوستی خدا و هر که خدا را دوست دارد و هر کاری که او را به خدا نزدیک می‌کند» را از خداوند درخواست می‌کند. توضیح راهگشا: مفهوم کلی این دعا در خصوص پیروی از خداوند (فاتبعونی) می‌باشد ولی اگر به صورت جداگانه مورد سؤال واقع شود، بیانگر سه موضوع متفاوت است: «دوستی تو را از تو می‌خواهم (و الذین آمنوا أشدّ حبا لله - محبت به حق) و هر که تو را دوست دارد (دوستی دوستان خدا - موده فی القربى) و هر کاری که من را به تو نزدیک می‌کند. (فاتبعونی - پیروی از خداوند)»	

۹۸۲	گزینه ۲
امام سجاد^(ع) در این قسمت از مناجات خود: «ای آرزوی دل مشتاقان و ای نهایت آرمان دوستان، دوستی تو را از تو می‌خواهم»، دوستی خداوند را طلب می‌کند. همان مفهومی که مشتاقان عشق الهی در بیت «کرامت کن درونی درد پرورد / دلی در وی درون درد و برون درد» از خداوند درخواست دارند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، به عشق به مخلوقات خداوند در جهان اشاره دارد و در این سؤال، عشق به خود خدا مورد نظر است.	

۹۸۳	گزینه ۳
وقتی محبت و عشق به خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه‌ی کسانی که رنگ و نشانی از او دارند (دوستان خدا)، را در خود می‌یابد و به مقداری که این رنگ و نشان (عشق و دوستی خدا) در آنان بیش‌تر باشد، علاقه و محبت به آنان نیز فزون‌تر می‌شود. (دوستی با دوستان خدا یا تولی)	

۹۸۴	گزینه ۱
رسول خدا^(ص) و اهل بیت ایشان^(ع)، مظهر تمام و کمال حق و جلوه‌ی زیبایی‌های اویند. هر کس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می‌یابد. (دوستی با دوستان خدا یا تولی) دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، بخشی از زیبایی‌های آنان است.	

۹۸۵	گزینه ۳
این عبارت که: «عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد و دوستدار زندگی و بقاء، از نیستی و نابودی متنفر است. دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ریا و بی‌وفایی بیزار است و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضد خدایی است، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.»، و آیهی شریفه: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من حادّ الله و رسوله»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از باطل و دشمنان خدا» می‌باشند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: آیهی گزینه‌ی (۱)، به محبت به حق اشاره دارد نه بیزاری از دشمنان خدا.	

۹۸۶	گزینه ۲
آیهی شریفه: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من حادّ الله و رسوله و لو كانوا آبائهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم» و سه گزینه‌ی دیگر به سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» اشاره دارند ولی عبارت: «نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند»، بیانگر پیروی از خدا می‌باشد.	

۹۹۸	گزینه ۱
از آیهی: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي اِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَنَا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتَّى تَوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ»، که بیانگر چهارمین اثر محبت به خدا یعنی مبارزه با دشمنان خداست، مفهوم می گردد که اعلام برائت حضرت ابراهیم ^(ع) و یارانش، از قوم مشرک خود و بت های آنان (آنا براء منکم و مما تعبدون من دون الله)، علت اسوه بودن ایشان برای مسلمانان است.	
۹۹۹	گزینه ۴
در آیات قرآن، موضع حضرت ابراهیم ^(ع) در برابر قوم مشرک خود به ترتیب این گونه معرفی شده است: ۱- بیزاری جستن از آن ها و بت هایشان (آنا براء منکم و مما تعبدون من دون الله) ۲- کفر به آن ها (کفرنا بکم) ۳- ایجاد دشمنی و کینه ی دائمی بین آن ها و مشرکان (بدأ بیننا و بینکم العداء و البغضاء ابدًا حتی تؤمنوا بالله وحده)	
۱۰۰۰	گزینه ۳
تنها عامل از بین برنده ی دشمنی (العداوة) و کینه ی دائمی (و البغضاء ابدًا) حضرت ابراهیم ^(ع) و یارانش نسبت به قوم مشرک خود، ایمان آنان به خدای یگانه (حتی تؤمنوا بالله وحده) است.	
۱۰۰۱	گزینه ۳
این آیه، بیانگر محبت و دوستی به خداست است نه آثار محبت به خداوند. دلیل نادرستی سایر گزینه ها «گزینه ۱)، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» می باشد. گزینه ۲)، بیانگر دومین اثر محبت به خدا یعنی «پیروی از خدا» می باشد. گزینه ۴)، بیانگر چهارمین اثر محبت به خدا یعنی «مبارزه با دشمنان خدا» می باشد.	
۱۰۰۲	گزینه ۱
دین داری، گرچه با دوستی خدا آغاز می شود، تنفر از خدا را نیز به دنبال دارد. پس آغاز دین داری، دوستی خداست و به دنبال آن، تنفر از هر چه ضد اوست.	
۱۰۰۳	گزینه ۴
این مفهوم که: «اگر کسی بخواهد قلبش را خانه ی خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون نماید، زیرا دین داری با دوستی با خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد.» و آیه ی شریفه ی: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤدّون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا ابناء هم أو ابناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» می باشند. دلیل نادرستی سایر گزینه ها آیه ی گزینه های (۱) و (۳)، بر خلاف صورت سؤال به مبارزه اشاره دارند نه بیزاری از دشمنان خدا. قسمت سوم گزینه ی (۲) نادرست است، زیرا این عبارت به بیزاری از دشمنان خدا اشاره ندارد و همچنین شیطان به سوء و فحشا امر می کند.	
۱۰۰۴	گزینه ۳
جمله ی «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نفی و یک اثبات است؛ «نه» به هر چه غیر خدایی و «آری» به خدای یگانه. به میزانی که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل نیز عمیق تر است.	
۱۰۰۵	گزینه ۱
جمله ی «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نفی و یک اثبات است؛ «نه» به هر چه غیر خدایی و «آری» به خدای یگانه. پس دین داری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا) و تبری (بیزاری از باطل)	

۹۹۲	گزینه ۲
در چهارمین اثر محبت به خدا که مبارزه با دشمنان خداست، آمده است: «عاشقان خدا، پرچم دار مبارزه با زشتی ها، ستم و ستمگران بوده اند. همه ی پیامبران، از حضرت نوح ^(ع) و حضرت ابراهیم ^(ع) تا پیامبر اسلام ^(ص) زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.»	
۹۹۳	گزینه ۱
این عبارت که: «نمی شود کسی دوست دار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان، زشتی و نامردمی و ستم ببیند و بتواند قرار و آرام بگیرد»، بیانگر مبارزه با دشمنان خدا و مفهوم آیه ی شریفه ی: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي اِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَنَا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتَّى تَوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ» می باشد. دلیل نادرستی سایر گزینه ها عبارت صورت سؤال، به مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارد بنابراین گزینه ی (۲) و (۴) نادرست است. آیه ی گزینه ی (۳)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارد نه مبارزه با دشمنان خدا.	
۹۹۴	گزینه ۳
در چهارمین اثر محبت به خدا که مبارزه با دشمنان خداست، این عبارت آمده است که: «نمی شود کسی دوست دار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان، زشتی و نامردمی و ستم ببیند و بتواند آرام و قرار بگیرد. از این رو جهاد در راه خدا در برنامه ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش تر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند.» آیه ی شریفه ی: «أَنَا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتَّى تَوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ»، نیز به چهارمین اثر محبت خدا، یعنی مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه ها آیه ی گزینه ی (۱) و (۲)، به محبت به حق اشاره دارد نه مبارزه با دشمنان خدا. قسمت اول گزینه ی (۴) نادرست است.	
۹۹۵	گزینه ۲
امروزه وقتی به حوادث جهان می نگریم مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و لذا یز دنیا یی خود حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین نمونه ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه برطرف نخواهد شد.	
۹۹۶	گزینه ۲
به تعبیر خداوند در آیه ی شریفه ی: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي اِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَنَا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتَّى تَوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ»، حضرت ابراهیم ^(ع) و کسانی که با او بودند (فی ابراهیم و الذین معه) در مبارزه با دشمنان خدا، «اسوه حسنه - نمونه ی نیکویی» برای مسلمانان (لکم) هستند. نکته ی طلایی در آیات قرآن، حضرت ابراهیم ^(ع) «اسوه حسنه»، «حنیف»، «شیعه و پیرو نوح» و «مسلم» خوانده شده است.	
۹۹۷	گزینه ۴
سه عبارت شریفه ی: «أَنَا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» «کفرنا بکم» و «و بدأ بیننا و بینکم العداء و البغضاء ابدًا»، سخن حضرت ابراهیم ^(ع) و یارانش به قوم مشرک خود بوده و بیانگر مبارزه با دشمنان خداست. و علت اسوه بودن حضرت ابراهیم برای مسلمین در این آیه، مبارزه با مشرکان است.	

گزینه ۱۰۱۲

اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است. باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، (علت) آن‌گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد. (معلول) عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند.

گزینه ۱۰۱۳

در پاسخ به این شبهه که برخی می‌گویند «قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد. اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن‌چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.» مطابق فرمایش خداوند در آیهی شریفه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...» باید به آنان گفت که: «ظاهر ارادت و علاقه‌ی قلبی به خداوند (ان کنتم تحبون الله) حتماً باید همراه با پیروی از دستورات الهی (فاتبعونی) و عمل به احکام دین و انجام اعمال ظاهری باشد.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به مبارزه با دشمنان خدا، گزینه‌ی (۳)، به محبت به حق و گزینه‌ی (۴) به بی‌زاری از دشمنان خدا اشاره دارد.

گزینه ۱۰۱۴

خداوند با اسم «رحمان» آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش رو کنند و بدین گونه اسم «غفار» خود را به نمایش گذاشت. آیهی شریفه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» به آمرزش نیکوکاران توسط خداوند (یغفرلکم ذنوبکم) اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا خداوند با اسم غفار خود یاد خود را در دلشان انداخت.

گزینه ۱۰۱۵

این عبارت که: «عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد و دوستدار زندگی و بقا، از نیستی و نابودی متنفر است، دل‌بسته‌ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ریا و بی‌وفایی بیزار است»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بی‌زاری از دشمنان خدا» می‌باشد. در چهارمین اثر محبت به خدا که مبارزه با دشمنان خداست، این عبارت آمده است که: «نمی‌شود کسی دوست‌دار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان، زشتی و نامردمی و ستم ببیند و بتواند آرام و قرار بگیرد. از این رو جهاد در راه خدا در برنامه‌ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش‌تر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند.»

گزینه ۱۰۱۶

خداوند به مدعیان محبت به خدا که از او پیروی نکرده و بی‌بهره و تهی از اطاعت‌اند و معتقدند که «قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد. اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن‌چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.» در آیهی شریفه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...» هشدار می‌دهد که: «ظاهر ارادت و علاقه‌ی قلبی به خداوند (ان کنتم تحبون الله) حتماً باید همراه با پیروی از دستورات الهی (فاتبعونی) و عمل به احکام دین و انجام اعمال ظاهری باشد.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۱)، به مبارزه با دشمنان خدا، گزینه‌ی (۲)، به محبت به حق و گزینه‌ی (۳) به بی‌زاری از دشمنان خدا اشاره دارد.

گزینه ۱۰۰۶

«مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟» این سخن را امام خمینی^(ع) بعد از تعیین دقیق مرزهای دوستی و بی‌زاری بیان کردند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است زیرا تبیین دقیق مرزهای دوستی و بی‌زاری باید باشد نه تعیین دقیق مرزهای بی‌زاری و دشمنی. قسمت سوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا خشم و برائت نسبت به باطل باید باشد نه جهل.

گزینه ۱۰۰۷

از نظر امام خمینی^(ع): «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.» این جمله با عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، که بیانگر تولی و تبری است، هم مفهوم می‌باشد.

گزینه ۱۰۰۸

امام خمینی^(ع) سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را لبریز کنند از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا» این سخن، بیانگر بی‌زاری از دشمنان خدا و هم مفهوم با آیهی شریفه: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ...» می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «آیهی گزینه‌ی (۱)، به پیروی از خداوند اشاره دارد نه بی‌زاری از دشمنان خدا.

گزینه ۱۰۰۹

آیهی شریفه: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»، دو معیار و مقیاس متفاوت برای بنای زندگی انسان‌ها معرفی کرده است: الف- گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده‌اند. ب- گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده‌اند (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا).

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲)، شرط دوست داشتن خدا را عمل کردن به دستورات او معرفی کرده است. گزینه‌ی (۳)، به بی‌زاری از دشمنان خدا به عنوان آثار محبت به خدا اشاره دارد. گزینه‌ی (۴)، دلیل عدم توکل به غیر خدا را بیان می‌کند.

گزینه ۱۰۱۰

نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد. از این رو «جهاد در راه خدا» در برنامه‌ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش‌تر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. آیهی شریفه: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ...» از قول حضرت ابراهیم^(ع) بیان شده و بیانگر «مبارزه با دشمنان خدا» از آثار محبت به خداست.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا ایجاد حکومت در برنامه‌ی تمام پیامبران نبوده است. آیهی گزینه‌ی (۳)، به بی‌زاری از دشمنان خدا اشاره دارد نه مبارزه با دشمنان خدا.

گزینه ۱۰۱۱

در آیهی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»، قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می‌گوید: الف- گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده‌اند. ب- گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده‌اند (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا).

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲)، شرط دوست داشتن خدا را عمل کردن به دستورات او معرفی کرده است. گزینه‌ی (۳)، به مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارد.

۱۰۱۷

گزینه ۴

حضرت علی^(ع) در یکی از مراسم حج که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند از طرف رسول خدا مأموریت یافت که این خبر را به «مردم» برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به «مشرکین» اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید که این امر بیانگر «بیزاری از دشمنان خدا» و مفهوم آیهی شریفه: «لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من حادَّ الله و رسوله و لو کانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم» است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینهی (۳)، به محبت به حق اشاره دارد.

۱۰۱۸

گزینه ۳

در آیهی شریفه: «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، بازتاب و نتیجهی پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) را محبوب خدا شدن (یحببکم الله) و آموزش گناهان (و یغفر لکم ذنوبکم) معرفی کرده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینهی (۱)، به محبت به حق، آیهی گزینهی (۲)، به مبارزه با دشمنان خدا و آیهی گزینهی (۴)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارد.

۱۰۱۹

گزینه ۱

این مفهوم: «جهاد در راه خدا در برنامهی تمام پیامبران الهی بوده و بیش‌تر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند.» و آیهی شریفه: «أنا برأئ منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، هر دو به چهارمین اثر محبت خدا، یعنی مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارند. براساس آیهی شریفه: «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، لازمه‌ی محبت و دوستی با خداوند (إن کنتم تحبون الله)، پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینهی (۳)، به بیزاری از دشمنان خدا و قسمت سوم آن به محبت به حق اشاره دارد.

۱۰۲۰

گزینه ۲

این سخن امام خمینی^(ره): «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟»، بیانگر تولی و تبری است. آیهی شریفه: «لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یؤادون من حادَّ الله و رسوله و لو کانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «بیزاری از دشمنان خدا» می‌باشند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینهی (۱)، به محبت به حق اشاره دارد، در صورتی که سخن امام خمینی^(ره)، به بیزاری از باطل اشاره دارد. قسمت اول و دوم گزینه‌های (۳) و (۴)، بر عکس بیان شده است.

۱۰۲۱

گزینه ۲

مطابق آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی إبراهیم و الذین معه إذ قالوا لقومهم أنا برأئ منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، مقام الگویی حضرت ابراهیم^(ع) و پیروان راستین او معلول تبری و براءت جستن از قوم مشرک و بت‌هایشان بود و ایمان به خدا سبب از بین رفتن دشمنی و کینه میان آنان با مشرکان است و این آیه ناظر بر مبارزه با دشمنان خدا از آثار محبت به خدا می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت سوم گزینهی (۱) نادرست است.

۱۰۲۲

گزینه ۲

این عبارت که: «نمی‌شود کسی دوست‌دار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان، زشتی و نامردمی و ستم ببیند و بتواند آرام و قرار بگیرد.» و آیهی شریفه: «أنا برأئ منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، به چهارمین اثر محبت خدا، یعنی مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارند. براساس این آیه، بین موحدان (حضرت ابراهیم^(ع) و یارانش) و مشرکان، دشمنی و کینه‌ی دائمی وجود دارد تنها عامل از بین برندهی این دو مورد (العداوة و البغضاء ابدأ)، ایمان آنان به خدای یگانه (حتی تؤمنوا بالله وحده) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینه‌های (۱) و (۳)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارد. قسمت دوم گزینهی (۴) نادرست است.

۱۰۲۳

گزینه ۲

اگر بگوییم: «خواسته و فرمان خداوند، یعنی دین، همان برنامه‌ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست»، بر فهم پیام آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم» که بیانگر پیروی از خداست، تأکید کرده‌ایم. دینداری با دوستی خدا (تولی) آغاز می‌شود و براءت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا (تبری) را به دنبال دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینه‌های (۱) و (۳)، به محبت به حق اشاره دارد نه پیروی از خداوند. قسمت دوم گزینهی (۴)، رکن دوم دین‌داری را بیان کرده است نه رکن اول را.

۱۰۲۴

گزینه ۲

در مناجات امام سجاده^(ع): «ای آرزوی دل مشتاقان و ای نهایت آرمان دوستان دوستی تو را از تو می‌خواهم و دوستی هر که تو را دوست دارد و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌کند...» این عبارت که: «و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌کند...» و آیهی شریفه: «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی...» مطابقت داشته و هر دو به «پیروی از خداوند» تأکید دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها آیهی گزینهی (۱)، به محبت به حق، آیهی گزینهی (۳)، به مبارزه با دشمنان خدا و آیهی گزینهی (۴)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارند.

۱۰۲۵

گزینه ۲

آیهی شریفه: «و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً یحبونهم کحب الله و الذین ءامنوا اشد حبا لله»، بیانگر عشق و محبت به خداست و از این آیه، مفهوم می‌گردد که عشق به خداوند چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند. مطابق فرمایش سخن امام خمینی^(ره): «حاشا که خلوص عشق موحدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارند. قسمت دوم گزینهی (۴)، به مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارد نه به بیزاری از دشمنان خدا.

۱۰۲۶

گزینه ۴

رفتاری شگفت‌انگیز از دیدگاه امام صادق^(ع): «خدا را نافرمانی کردن و اظهار دوستی با او نمودن است.» این حدیث و آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون...»، به محبت همراه با اطاعت از خداوند تأکید دارند. «شهادت انبیای الهی در مبارزه با ستمگران»، بیانگر مبارزه با دشمنان خدا است که آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی إبراهیم و الذین معه أنا برأئ منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، نیز بیانگر همین موضوع است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، به محبت به حق اشاره دارد نه پیروی از خداوند. قسمت دوم گزینهی (۲)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارد نه مبارزه با دشمنان خدا.

۱۰۳۳ **گزینه ۲**
عبارت: «عاشق روشنایی از تاریکی می‌گریزد و دوستدار زندگی و بقا از نیستی و نابودی متنفّر است.» و آیهی: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و...»، بیانگر بیزاری از باطل و دشمنان خدا از آثار محبت به خداست.

۱۰۳۴ **گزینه ۴**
دوستی با خداوند، آثار و تجلیاتی دارد که اگر این آثار و تجلیات موجود باشد، شخص می‌تواند دریابد که در دوستی با خدا صادق است. کسی می‌تواند بگوید با خدا دوست است که: الف- ببیند واقعا دوستان خدا را هم دوست دارد نه کسانی را که اهل فساد و گناهاند؛ ب- هم‌چنین، از دستورات خداوند پیروی می‌کند نه این‌که دست به گناه می‌زند و هر بار هم آن را توجیه می‌کند؛ راه رسیدن به خدا را دوست دارد ج- و بالاخره، با کسانی که دشمن خدا هستند، دشمنی قلبی و عملی دارد. مفهوم این سه قسمت «لبریز نمودن عالم از عشق به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا» است.

۱۰۳۵ **گزینه ۲**
حضرت علی^(ع) از طرف رسول خدا مأموریت یافت که این خبر را به مردم برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به مشرکین اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید که این امر بیانگر بیزاری از دشمنان خداست. این مأموریت امام علی^(ع) و آیهی شریفه: «لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله...»، بیانگر سومین اثر محبت به خدا یعنی «مبارزه با باطل و دشمنان خدا» می‌باشد.

۱۰۳۶ **گزینه ۴**
لازمه‌ی دوستی با خدا، اطاعت و پیروی از دستورات خداوند است که این روایت امام صادق^(ع)؛ «ما احب الله من عصابة به همین موضوع اشاره دارد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها**» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه عبارت شریفه‌ی «و الذین آمنوا اشد حبا لله» بیانگر محبت به حق می‌باشد.

۱۰۳۷ **گزینه ۲**
جمله‌ی «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نفی و یک اثبات است؛ «نه» به هرچه غیر خدایی و «آری» به خدای یگانه. پس دین‌داری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا) تبری (بیزاری از باطل) به میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل نیز عمیق‌تر است.

۱۰۳۸ **گزینه ۳**
خداوند با گشودن درهای بازگشت به روی گناه‌کاران و انداختن یاد خود در دل آنان، زمینه‌ساز بازگشت آن‌ها از گناه می‌شود و این‌گونه غفار بودن خود را به نمایش می‌گذارد.

۱۰۳۹ **گزینه ۳**
خداوند درهای بازگشت را به روی گناه‌کاران گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش رو کنند. بدین گونه اسم غفار خود را به نمایش گذاشت که آیه‌ی شریفه‌ی «الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فلانک یدخل الله سیئاتهم حسنات و کان الله عفورا رحیما»، به همین مفهوم اشاره دارد. (درس ۷ چهارم) **نکته ی طلایی**» اگر فقط صحبت از گشودن درهای بازگشت به روی گناه‌کاران باشد، صفت رحمان بودن خداوند مورد نظر است ولی اگر سخن از انداختن یاد خدا در دل گناه‌کاران باشد، غفار بودن خدا مورد نظر است.

۱۰۲۷ **گزینه ۲**
براساس فرمایش خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی: «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، حضرت ابراهیم^(ع) به قوم مشرک خود می‌گفت که بین ما و شما دشمنی و کینه‌ی دائمی (العداوة و البغضاء) وجود دارد و تنها عامل از بین برنده‌ی آن، ایمان به خدای یگانه است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارند نه به مبارزه با دشمنان خدا. قسمت دوم و سوم گزینه‌ی (۴)، با توجه به توضیحات بالا نادرست است.

۱۰۲۸ **گزینه ۳**
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، لازمه‌ی محبت و دوستی با خداوند (ان کنتم تحبون الله)، پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) است. در این آیه، خداوند بازتاب و نتیجه‌ی پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) را محبوب خدا شدن (یحبکم الله) و آمرزش گناهان (و یغفر لکم ذنوبکم) معرفی کرده است.

۱۰۲۹ **گزینه ۳**
در آیه‌ی شریفه‌ی: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، این سه عبارت قرآنی: «انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله» «کفرنا بکم» و «و بدأ بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ»، از زبان «حضرت ابراهیم^(ع) و یارانش» و خطاب به «قوم مشرک خود» بیان شده و بیانگر «مبارزه با دشمنان خدا» است.

۱۰۳۰ **گزینه ۲**
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، لازمه‌ی محبت و دوستی با خداوند (ان کنتم تحبون الله)، پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) است. در این آیه، خداوند بازتاب و نتیجه‌ی پیروی از پیامبر^(ص) (فاتبعونی) را محبوب خدا شدن (یحبکم الله) و آمرزش گناهان (و یغفر لکم ذنوبکم) معرفی کرده است.

۱۰۳۱ **گزینه ۱**
امام خمینی^(ع) در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می‌گوید: «مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.» بر مبنای همین تحلیل، ایشان به مسلمانان جهان سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را لبریز کنند از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا.» و به میزانی که دوستی با خدا عمیق‌تر باشد نفرت از باطل هم عمیق‌تر است. (آیه‌ی تبری)

۱۰۳۲ **گزینه ۲**
براساس آیه‌ی: «و من الناس من یتخذ من دون الله أندادا یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله»، مردم بر دو دسته‌اند: الف- گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده‌اند. (و الذین آمنوا اشد حبا لله) ب- گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده‌اند (و من الناس من یتخذ من دون الله أندادا).

۱۰۴۷	گزینه ۲
الگو بودن حضرت ابراهیم ^(ع) برای مسلمانان در آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم»، به دلیل برائت جستن ایشان و یارانش از مشرکان است. امام خمینی ^(ع) در عبارت «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را لبریز کنند از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا» نیز به همین مفهوم اشاره دارند.	
۱۰۴۸	گزینه ۳
جملهی: «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نفی و یک اثبات است؛ نه به هر چیز غیر خدایی و آری به خدای یگانه. از دقت در آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم» که بیانگر مبارزه با دشمنان خداست، به نه گفتن حضرت ابراهیم ^(ع) به هر چیز غیر خدایی پی می‌بریم.	
۱۰۴۹	گزینه ۲
در آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، این عبارت قرآنی: «اَنَا بَرَاءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» بیانگر برائت جستن حضرت ابراهیم ^(ع) از بت پرستان و معبودانشان و علت اسوه بودن ایشان برای ما مسلمانان است. در این آیه، تنها ایمان به خدای واحد (حتی تؤمنوا بالله وحده)، تنها عامل از بین بردن دشمنی و کینهی (العداوة و البغضاء) بین موحدان و مشرکان است.	
۱۰۵۰	گزینه ۲
خدای بزرگ با همین اسم «رحمان» آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. یعنی مفهوم آیهی شریفه: «رحمتی وسعت کل شیء». برخی از انسان‌ها این محبت و رحمت را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند اما خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند. و بدین گونه اسم غفار خود را به نمایش گذاشت. (ان الله یحب التوابین)	
۱۰۵۱	گزینه ۴
این سخن امام خمینی ^(ع) و آیهی شریفه: «لا تجدد قوماً یؤمنون بالله و الیوم لآخر من حاد لله و رسوله»، به بیزاری از دشمنان خدا اشاره دارند.	
۱۰۵۲	گزینه ۴
عشق و محبت الهی، آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عشق و محبت الهی ثمره‌ی تبلور ایمان در انسان است یعنی به میزانی که ایمان انسان اوج می‌گیرد، محبتش فزون‌تر و عمیق‌تر می‌شود. آیهی شریفه: «و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله»، این حقیقت: «فزون‌تر و عمیق‌تر شدن محبت قلبی به خدا (اُشدَّ حَبًا لله)» را نتیجه‌ی افزایش ایمان به خدا معرفی می‌کند.	
۱۰۵۳	گزینه ۱
با توجّه به آیهی شریفه: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا براء منکم و مما تعبدون من دون الله...»، حضرت ابراهیم و هم‌کیشان هم گام با او به دلیل مبارزه با مشرکان و این که دوستی خدا را با تنفر از ضدّ او یک جا دارند، سرمشق و الگوی پسندیده‌ی پیروان پیامبر اسلام ^(ص) (لکم) قرار می‌گیرند.	

۱۰۴۰	گزینه ۱
اگر گفته شود: «دوستی خدا و دشمن خدا، از موارد جمع دو امر متضاد است (یعنی با هم بودن این‌ها مثل با هم بودن روز و شب است.)»، بیانگر بیزاری از باطل و دشمنان خداست که آیهی شریفه: «لا تجدد قوماً یؤمنون بالله و الیوم لآخر یوادون من حاد الله و رسوله» نیز به همین موضوع اشاره دارد. و اگر گفته شود: «لازمه‌ی محبت، سرسپردگی است»، بیانگر پیروی از خدا و مفهوم آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» می‌باشد.	
۱۰۴۱	گزینه ۳
عبارت: «چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه‌ی قلبی کند، اما بر خلاف خواسته‌ی او عمل کند»، بیانگر ضرورت همراه بودن محبت قلبی با پیروی عملی از دستورات خداوند است. آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم»، به همراه بودن محبت و اطاعت از خداوند اشاره دارد. پیروی از نشانه‌های تولی می‌باشد.	
۱۰۴۲	گزینه ۳
در شعری منسوب به امام صادق ^(ع) آمده است: «اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛ زیرا دوست‌دار، مطیع محبوب خود است». آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، به محبت همراه با اطاعت اشاره دارد.	
۱۰۴۳	گزینه ۳
عبارت: «اگر کسی بخواهد قلبش را خانه‌ی خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن، دور کند»، بیانگر تیزی و بیزاری از باطل و دشمنان خدا و مفهوم آیهی شریفه: «لا تجدد قوماً یؤمنون بالله و الیوم لآخر یوادون من حاد الله و رسوله» است.	
۱۰۴۴	گزینه ۳
بر اساس آیهی شریفه: «بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده»، بین موحدان (حضرت ابراهیم ^(ع) و یارانش) و مشرکان، دشمنی و کینه‌ی دائمی وجود دارد. تنها عامل از بین برنده‌ی این دو مورد (العداوة و البغضاء ابدأ)، ایمان آنان به خدای یگانه (حتی تؤمنوا بالله وحده) است. به عبارت دیگر فقط ایمان به خدای یگانه، عامل برقراری رشته‌ی محبت بین انسان‌ها است.	
۱۰۴۵	گزینه ۴
سه بیت مذکور و آیهی شریفه: «و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله»، بیانگر عشق و محبت به خدا می‌باشند.	
۱۰۴۶	گزینه ۴
آیهی شریفه: «و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله»، بیانگر عشق و محبت الهی است. عشق و محبت الهی، افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می‌برد و نشاط و تحرک و شجاعت و قدرت می‌بخشد. سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت و ناشکیبا را متحمل و شکیمیا می‌کند. همت و اراده را قوی، غل و غش‌ها را پاک و اندیشه‌ها را خلاق می‌کند. خلاصه عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند.	

درس دوازدهم: فضیلت آراستگی

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۲	۱۵	۲۳
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۲	۳	۶

گزینه ۲

۱۰۶۱

عبارت: «اِنَّ اللهَ جمیل و یحبُّ الجمال»، سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیرامون فضیلت آراستگی است. این حدیث، با این قسمت آیهی شریفه: «یا بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباسا یواری سوءاتکم و ریشا» که بیانگر اهمیت آراستگی و پوشش ظاهری است، تناسب معنایی دارد.

گزینه ۱

۱۰۶۲

از برنامه‌های ارزشمند مؤمنان حضور عزتمند، عقیف و آراسته در اجتماع است.

گزینه ۴

۱۰۶۳

براساس آیهی شریفه: «قل من حَرَمَ زینة الله الّتی أخرج لعباده و الطّیبات من الرزق قل هی للذّین آمنوا فی حیاة الدّنیَا خالصة یوم القیامة کذلک نُفَصِّلُ الآیات لقوم یعلمون» این دو مورد: «زینة الله الّتی أخرج لعباده» و «الطّیبات من الرزق» در دنیا، عام و قابل استفاده برای همگان و در آخرت، مخصوص مؤمنان (فی حیاة الدّنیَا خالصة یوم القیامة) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، به روزی‌های پاک (الطّیبات من الرزق) اشاره نکرده و ناقص است. قسمت دوم گزینه‌ی (۲) ناقص بیان شده است، چراکه زینت و طیبات در دنیا عام و برای همه‌ی انسان‌ها می‌باشد و در آخرت خاص مؤمنان است.

گزینه ۲

۱۰۶۴

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، به روزی‌های پاک (و الطّیبات من الرزق) اشاره نکرده و ناقص است. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا زینت و طیبات در دنیا عام و برای همه‌ی انسان‌ها می‌باشد ولی در آخرت فقط مخصوص مؤمنان است نه همه‌ی انسان‌ها.

گزینه ۳

۱۰۶۵

تعبیر قرآنی: «نُفَصِّلُ الآیات - به روشنی بیان کردن آیات»، برای دانایان (لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ) به کار رفته است.

نکته‌ی طلایی این دو مورد: «خلق السّماوات و الأرض» و «اختلاف ألسنتکم و ألوانکم»، از نشانه‌های خداوند برای دانایان است.

گزینه ۱

۱۰۶۶

در این آیه، این پنج مورد: الف- «فواحش ما ظهر منها و ما بطن - زشت کاری‌ها چه آشکار و چه پنهان»، ب- «إثم - گناه» ج- «بغی بغیر الحق - تجاوز به ناحق» د- «أن تشرکوا بالله - چیزی را شریک خدا سازید» ه- «أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون - این که به خدا نسبت دهید چیزی را که نمی‌دانید»، از محرمات الهی معرفی شده‌اند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱)، عبارت «زینة الله»، جزو محرمات نمی‌باشد.

گزینه ۳

۱۰۵۴

از توجّه در آیهی شریفه: «قد کانت لکم اُسوة حسنة فی ابراهیم و الذّین معه اذ قالوا لقومهم انا برّاء منکم و ممّا تعبّدون من دون الله»، این مفهوم: «نمی‌شود کسی دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.» که بیانگر مبارزه با دشمنان خدا است، برداشت می‌شود.

گزینه ۳

۱۰۵۵

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند و آیهی شریفه: «و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذّین آمنوا اشدّ حبا لله»، به محبت به حق (عشق به خدا) اشاره دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها با توجه به توضیح بالا، قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است. آیهی گزینه‌ی (۱)، به اولین اثر محبت به خدا یعنی «پیروی از خداوند» اشاره دارد.

گزینه ۳

۱۰۵۶

خدای بزرگ با همین اسم «رحمان» آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد. برخی از انسان‌ها این محبت و رحمت را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند اما خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود (توبه و رحمت الهی) و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند. و بدین گونه اسم غفار خود را به نمایش گذاشت.

گزینه ۱

۱۰۵۷

این سخن امام صادق (ع) که فرمودند: «ما احبّ الله من عصاه: کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او (گناه کار) خدا را دوست ندارد»، بیانگر پیروی از خداوند از آثار محبت به خدا می‌باشد. در راستای محبت همراه با اطاعت از خداوند، خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قل ان کنتم تحبون الله فاتّبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»

گزینه ۴

۱۰۵۸

آیهی شریفه: «قل ان کنتم تحبون الله فاتّبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم»، به محبت همراه با اطاعت از خداوند تأکید دارد. و گزینه‌ی (۴)، تنها به محبت و عشق به خداوند اشاره دارد که با مفهوم این آیه سازگاری ندارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها سایر گزینه‌ها، به پیروی از خداوند از آثار محبت به خدا اشاره دارند.

گزینه ۴

۱۰۵۹

امام سجاده (ع) از درگاه خداوند درخواست می‌کند: «دوستی تو را از تو می‌خواهم و دوستی هر که تو را دوست دارد و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌کند» که این حدیث به «محبت به راهی که ما را به خدا می‌رساند» اشاره دارد. اعمالی که انسان را به خدا می‌رساند، همان برنامه‌هایی است که به نام «دین» در اختیار ما قرار داده شده است.

گزینه ۳

۱۰۶۰

در آیهی شریفه: «قد کانت لکم اُسوة حسنة فی ابراهیم و الذّین معه اذ قالوا لقومهم انا برّاء منکم و ممّا تعبّدون من دون الله... همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وقتی که به قوم خود گفتند: به حقیقت که ما از شما بیزاریم و از آن چه که به جز خدا عبادت کنید»، مقام الگوی نیکو بودن حضرت ابراهیم (ع) و پیروان راستین او، معلول بیزاری و برائت جستن آنان از مشرکان و معبودهای آن‌ها بود.

نکته‌ی طلایی عبارت‌های قرآنی: «زینة الله» و «ریشا»، به آراستگی و زیبایی ظاهری اشاره دارند.

گزینه ۳

۱۰۷۴

این روایت پیامبر (ص): «لباس سفید و روشن بپوشید که پاک‌تر و پاکیزه‌تر است»، اهمیت تجمل و آراستگی را از نظر اسلام بیان می‌کند. و از نظر دلالت بر تجمل و آراستگی با آیه‌ی: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده...» که به تجمل و آراستگی ظاهری اشاره دارد، هم‌آوایی دارد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، نادرست است، چون این آیه به تجمل و آراستگی ظاهری اشاره ندارد نه عفاف.

گزینه ۳

۱۰۷۵

امام علی (ع) می‌فرماید: «آراستگی از اخلاق مؤمنان است.» و براساس فرمایش امام صادق (ع): «خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می‌آید.»

توضیح این دو حدیث، به تجمل و آراستگی ظاهری اشاره دارد و از این نظر با عبارت‌های قرآنی: «زینة الله» و «ریشا» تناسب دارند.

گزینه ۲

۱۰۷۶

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت بدون بوی خوش است.» این حدیث، از نظر تأکید بر تجمل و آراستگی با آیه‌ی شریفه‌ی: «یا بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباسا یواری سوءاتکم و ریشا» تناسب دارد. **یادآوری** امام صادق (ع) فرموده‌اند: «دو رکعت نماز شخص متأهل برتر از ۷۰ رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.»

گزینه ۳

۱۰۷۷

هنگامی که رسول خدا (ص) می‌خواست با دیگران ملاقات کند، به آینه نگاه می‌کرد، موهای خود را شانه می‌زد و مرتب می‌ساخت و می‌فرمود: «خدای تعالی دوست دارد وقتی که بنده‌اش به سوی دوستانش می‌رود خود را آماده و آراسته کند.» این حدیث و آیه‌ی شریفه‌ی: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الزرق قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة»، بر لزوم توجه به تجمل و آراستگی ظاهری اشاره دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها مطابق حدیث، فقط قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است.

گزینه ۴

۱۰۷۸

این شیوه‌ی رسول خدا (ص) و سایر پیشوایان دینی ما در توجه به فضیلت آراستگی سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق سایر ملت‌ها قرار گیرند.

گزینه ۱

۱۰۷۹

به توصیه‌ی پیشوایان، اهمیت آراستگی و پاکیزگی، به ترتیب عبارت است از: آراستگی در وقت عبادت و سپس حضور در خانواده و بعد اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها دارد.

گزینه ۳

۱۰۸۰

با توجه به تکرار دائمی نماز در شبانه روز، این آراستگی و پاکیزگی در طول روز حفظ می‌شود و زندگی را پاک و باصفا می‌کند.

روش مطالعه برای پاسخ به این نوع تست‌ها، بهتر است عین عبارت‌های کتاب را به حافظه‌ی خود بسپارید.

گزینه ۲

۱۰۶۷

عبارت شریفه‌ی: «ما لم یُنزل به سلطانا»، برای شرک به خدا به کار رفته است. **نکته‌ی طلایی** تعبیر قرآنی: «ما ظهر منها وما بطن»، برای فواحش و عبادت قرآنی: «ما لم یُنزل به سلطانا»، برای شرک به خدا و عبارت قرآنی: «و أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون»، درباره‌ی شیطان به کار رفته است.

گزینه ۴

۱۰۶۸

عبارت شریفه‌ی: «أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون» این‌که به خدا نسبت دهید چیزی را که نمی‌دانید، از محرمات الهی معرفی شده است. مفهوم کلی این آیه، این است که به منظور ایجاد اعتدال در ابعاد مادی و معنوی انسان، خداوند انسان را به جای روی گردانی از نعمت‌های حلال، به دوری از گناهان و کارهای زشت توصیه می‌کند. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت دوم گزینه‌ی (۲) در مورد این آیه صادق نیست.

گزینه ۲

۱۰۶۹

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن - بگو پروردگارم حرام کرده زشت‌کاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان»، حرام بودن فواحش چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهان، حاکی از آن است که سیئات انسان را از اعتدال خارج می‌کند و عامل روی گردانی از روزی‌های پاک الهی است. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا عبارت قرآنی: «ما لم یُنزل به سلطانا»، برای شرک به خدا به کار رفته است. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) در مورد این آیه صادق نیست.

گزینه ۳

۱۰۷۰

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «یا بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباسا یواری سوءاتکم و ریشا و لباس التقوا ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یدکرون»، خداوند پوشش ظاهری و جسمانی را برای دو هدف قرار داده است: اول، انسان را از ناپسندی‌ها حفظ کند و مایه‌ی عفاف باشد. (یواری سوءاتکم) دوم، آراستگی (و ریشا) می‌باشد. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا آیات درس بعد درباره‌ی حدود پوشش می‌باشند. با در نظر گرفتن ترجمه‌ی آیه، قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است.

گزینه ۴

۱۰۷۱

مطابق آیه‌ی: «ولباس التقوا ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یدکرون»، اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، مفهوم عبارت شریفه‌ی: «یدین علیهن من جلابیهن ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین» است.

گزینه ۲

۱۰۷۲

دو تعبیر قرآنی: «یواری سوءاتکم» و «و ریشا»، هدف از فرستادن لباس و پوشش ظاهری را برای انسان‌ها بیان می‌کنند. دو تعبیر قرآنی: «ذلک خیر» و «ذلک من آیات الله»، درباره‌ی فواید «لباس درونی تقوا» به کار رفته است. **دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها** قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳)، درباره‌ی لباس تقوا است در صورتی که باید درباره‌ی لباس ظاهری می‌بود. قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، فلسفه‌ی پوشیدن موی سر با جلباب را بیان می‌کند.

گزینه ۱

۱۰۷۳

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی باطنی خود می‌کوشیدند، بلکه به زیبایی و آراستگی ظاهر هم توجه داشتند و یاران خود را به رعایت آن (زیبایی و آراستگی ظاهری و باطنی) دعوت می‌کردند.

۱۰۸۷	گزینه ۳
برخی افراد، برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد.» این افراد نیز همانند ریاکار، بین ظاهر و باطن خود در آراستگی تناسب ندارند. نکته‌ی طلایی» این عبارت که: «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد.» به تأثیر درون بر بیرون اشاره دارد، زیرا از کوزه همان برون تراود که در اوست.	

۱۰۸۸	گزینه ۳
این جمله که بالاخره باطن زشت آن‌ها آشکار می‌شود و خود را نشان می‌دهند، مربوط به افراد ریاکاری است که به زیبایی ظاهری تنها بسنده کرده‌اند و ممکن است خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند. نکته‌ی طلایی» این عبارت: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» به تأثیر درون بر بیرون اشاره دارد و سیمای بدظاهران خوش‌باطن انگار را بیان می‌کند.	

۱۰۸۹	گزینه ۲
عفاف، یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و دیگران نتوانند از او هیچ‌گونه سوء استفاده‌ای کنند. تفاوت عفاف و حجاب» عفاف یک امر فطری و درونی و غیر اکتسابی است ولی حجاب یک امر بیرونی و اکتسابی و متأثر از عفاف است.	

۱۰۹۰	گزینه ۱
انسان عقیف، حیا دارد که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند.	

۱۰۹۱	گزینه ۴
انسان عقیف، حیا دارد از این‌که دیگران به خاطر بدنش (نه ارزش‌های وجودی) به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند. او در وجود خود ارزش‌های والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. آراسته است اما آراستگی او به گونه‌ای است که جسم او وسیله‌ی جلب توجه دیگران قرار نمی‌گیرد. او خود را بزرگ‌تر از آن می‌یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند.	

۱۰۹۲	گزینه ۴
به همان اندازه که رشته‌های عفاف در روح انسان ضعیف شود (علت)، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می‌کند و پوشش جنبه‌ی خودنمایی پیدا می‌کند. (معلول) نکته‌ی طلایی» خودنمایی، نتیجه‌ی کاهش رشته‌های عفاف در روح انسان است نه روح و جسم او.	

۱۰۹۳	گزینه ۳
با کاهش عفاف، پوشش جنبه‌ی خودنمایی پیدا می‌کند و هر اندازه که رشته‌ی عفاف مستحکم شود (علت)، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه‌گاه زیبایی‌های روح و شخصیت متعالی انسان می‌گردد. (معلول)	

۱۰۹۴	گزینه ۱
امام صادق (ع) فرموده‌اند: «لباس نازک و بدن‌نما نپوشید که نشانه‌ی سستی و ضعف در دین است.»	

۱۰۸۱	گزینه ۲
ظاهر هر کس تجلی (معلول) اندیشه و باور اوست. اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند و شکل می‌دهند. اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازد. نکته‌ی طلایی» عبارت قرآنی: «ذلک خیر»، به تأثیر درون بر ظاهر اشاره دارد.	

۱۰۸۲	گزینه ۱
به دلیل تناسب ظاهر و باطن، آن کس که نظم و برنامه‌ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان داشته باشد، دست به برنامه‌ریزی می‌زند و هر کاری را در زمان خاص خود انجام می‌دهد. نکته‌ی طلایی» عبارت قرآنی: «ذلک خیر»، به تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی اشاره دارد، چراکه اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.	

۱۰۸۳	گزینه ۱
رفتارهای ظاهری به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارند و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهند. شما می‌توانید نمونه‌های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز فکر افراد شده است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، تأثیر درون بر بیرون را بیان می‌کند در صورتی که صورت سؤال بر عکس است.	

۱۰۸۴	گزینه ۱
ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست؛ البته ممکن است انسان‌های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند، اما این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و بالاخره باطن (نه ظاهر) زشت آن‌ها آشکار می‌شود و خود را نشان می‌دهد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است، زیرا افراد ریاکار بین عقیده و عمل تناسب ندارند. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا افراد ریاکار باطن ناپاک خود را می‌پوشانند نه اینکه برای دیگران آشکار کنند.	

۱۰۸۵	گزینه ۴
عاریتی و موقتی بودن زیبایی افراد ریاکار یعنی کسانی که ظاهر خود را در میان جمع زیبا جلوه دهند در حالی که در باطن دل به زشتی‌ها داده‌اند، نمی‌تواند از چشمان تیزبین انسان‌های خردمند مخفی بماند. نکته‌ی طلایی» افراد ریاکار، تناسب بین ظاهر و باطن ندارند و مخفی کردن درون زشت‌شان برای خردمندان موقتی است.	

۱۰۸۶	گزینه ۱
انسان‌های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند، اما این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و بالاخره باطن زشت آن‌ها آشکار می‌شود و خود را نشان می‌دهد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا ظاهر زیبایشان عاریتی و موقتی است و نمی‌تواند از چشمان تیزبین افراد خردمند مخفی بماند. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا بالاخره باطن (نه ظاهر) زشت آن‌ها آشکار می‌شود و خود را نشان می‌دهد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا باطن زشت آن‌ها نمی‌تواند برای همیشه دوام داشته باشد.	

۱۱۰۳	گزینه ۴
عرضه‌ی نابجای زیبایی‌ها، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده ۱- عفت و حیا را از بین می‌برد. ۲- و این دو گوهر مقدس (عفت و حیا) را از او می‌گیرد و خانواده را نیز نابود می‌کند.	

۱۱۰۴	گزینه ۴
وقتی می‌گویند کسی دارای عزت نفس است بدان معناست که وی عظمت و صلابتی را در خود احساس می‌کند که موجب می‌شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد.	
«نکته‌ی طلایی» عزت نفس به معنای شکست ناپذیری در برابر گناه و هم به معنای حقارت و پستی ناپذیری است.	

۱۱۰۵	گزینه ۱
بزرگترین شکست، شکست روحی و معنوی است. چه بسا انسان‌هایی که در جنگ ظاهری شکست بخورند و کشته شوند اما روح بلندشان پیروزمند و عزیز باقی بماند.	

۱۱۰۶	گزینه ۳
یکی از اقسام پستی‌ها و حقارت‌ها آن است که افراد هوس‌ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس‌رانی خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه نکنند. انسانی که دارای عزت نفس است این حقارت و پستی را نمی‌پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه‌ای در جامعه ظاهر می‌شود که اجازه‌ی چنین تحقیری را به دیگران نمی‌دهد.	
«نکته‌ی طلایی» اینکه «انسان خود را بزرگ‌تر از آن می‌یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند»، بیانگر عفاف است. اینکه «انسان نمی‌پذیرد به چشم ابزار هوس‌رانی‌های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه نمایند»، بیانگر عزت نفس است.	

۱۱۰۷	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» با توجه به توضیحات بالا، قسمت دوم گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) نادرست است.	

۱۱۰۸	گزینه ۲
انسانی که دارای عزت نفس است اگر چه زیبایی و آراستگی را دوست دارد اما آن را در پوششی از حجاب نگه می‌دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگه می‌دارد نه عفاف. قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا رعایت حجاب برای جلوگیری از تحقیر دیگران بی ربط است.	

۱۱۰۹	گزینه ۴
برخی از نیازها در دوره‌ی نوجوانی و جوانی بیش‌تر خود را نشان می‌دهند که در این میان می‌توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد. جوان برای اثبات مفید بودن وجودش برای جامعه سعی می‌کند توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند.	

۱۰۹۵	گزینه ۳
امام علی (ع) فرموده‌اند: «بپرهیزید از این که خود را برای دیگران بیارایید و با انجام گناه، به جنگ با خدا برخیزید.»	
«نکته‌ی طلایی» اعلان جنگ با خدا و رسولش از نظر قرآن کریم، رباخواری است.	

۱۰۹۶	گزینه ۳
زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است احساس لطیف زن که بیانگر زیبایی درونی وی می‌باشد و همچون سایه‌ی رحمت الهی آرامش بخش کانون خانواده است با زیبایی ظاهری عجین شده است.	
«روش مطالعه» برای پاسخ به این تست‌ها فقط باید متن کتاب را حفظ باشید.	

۱۰۹۷	گزینه ۲
احساس لطیف زن که بیانگر زیبایی درونی وی می‌باشد و همچون سایه‌ی رحمت الهی آرامش بخش کانون خانواده است با زیبایی ظاهری عجین شده است.	
«تمرین تست‌زنی» برای پاسخ به این نوع تست‌های چند قسمتی حتما نباید از قسمت اول آن پاسخ دهید. هر قسمتی که پاسخش را می‌دانید در نظر بگیرید و با توجه به آن گزینه‌های نادرست را حذف نمایید.	

۱۰۹۸	گزینه ۴
زن، کانون عفاف خانواده است و همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می‌خواند.	

۱۰۹۹	گزینه ۲
روح بزرگ زن نمی‌پسندد که موهبت‌های خدایی وجودش ابزار حقارت و کوچکی وی شود.	

۱۱۰۰	گزینه ۱
زن می‌کوشد آراستگی او در جامعه به گونه‌ای باشد که گوهر زیبای وجودش از نگاه نالاهلان پاک بماند و روح بلندش تحقیر نشود. و این حاصل عفاف اوست که به صورت فطری و درونی است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) بی‌ربط و نادرست است. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا آراستگی به عفاف مربوط است نه فطرت خداجویانه‌ی انسان.	

۱۱۰۱	گزینه ۳
اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد. همان‌طور که اگر کسی به کمال علم زینده شد نباید علمش را ابزار دست قدرت‌مندان ستم‌پیشه کند، موهبت زیبایی نیز نباید در خدمت هوس‌رانان قرار بگیرد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، چراکه از بین رفتن دو گوهر مقدس (عفت و حیا) از نتایج عرضه‌ی نابجای زیبایی‌هاست.	

۱۱۰۲	گزینه ۱
همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه‌ی نابه‌جای زیبایی، عفت و حیا را از بین می‌برد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است، زیرا اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیتی (نه رفع مسئولیت) را نیز به همراه می‌آورد. قسمت اول گزینه‌ی (۴) نادرست است، اگر زیبایی ظاهری با پوشش همراه با عفاف همراه باشد، باعث تحسین می‌شود.	



گزینه ۱	۱۱۱۶
آیهی شریفه: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق»، به اعتدال در استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی اشاره دارد، به این معنا که مؤمنان باید در دنیا زیبا زندگی کنند و حضوری آراسته و به دور از انزوا با بهره‌گیری صحیح از نعمات الهی در میان مردم و جامعه داشته باشند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۲)، به منظور ایجاد اعتدال به جلوگیری از غرق شدن در دنیا و ارتکاب محرمات اشاره دارد. گزینه‌ی (۳)، بیانگر این حقیقت است که اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید. گزینه‌ی (۴)، به حدود پوشیدن موی سر با جلیاب و علت این پوشش را بیان می‌کند.	

گزینه ۳	۱۱۱۷
آن هنگام که فرشته‌ی وحی خطاب به حضرت مریم (س) گفت: «من فقط فرستاده‌ی پروردگارت هستم تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم»، در نگرانی عمیقی فرو رفت و «گفت: چگونه ممکن است من صاحب پسری شوم، در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته و هرگز زن آلوده‌ای نبوده‌ام؟! (قالت آئی یکنون لی غلام و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیا). «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، قبل از بیان مکالمه‌ای توسط حضرت مریم (س) بیان شد. گزینه‌ی (۲)، سخن حضرت یوسف (ع) در هنگام مواجهه شدن با دام زلیخا بود. گزینه‌ی (۴)، سخن حضرت مریم (س) است هنگامی که درد زایمان او را گرفت.	

گزینه ۲	۱۱۱۸
درد وضع حمل، حضرت مریم (س) را به کنار درخت خرمایی کشاند. در این حالت، توفانی از غم و اندوه، سراسر وجود پاک مریم را فرا گرفت. بی‌اختیار «گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و بکلی فراموش می‌شدم!» (قالت یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا منسیا). «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) سخن حضرت مریم (س) به فرشته‌ی وحی بود که به حضرت مریم (س) گفت: «من فقط فرستاده‌ی پروردگارت هستم تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم». گزینه‌ی (۳)، سخن حضرت مریم (س) به فرشته‌ی وحی بود. گزینه‌ی (۴)، سخن حضرت یوسف (ع) در هنگام مواجهه شدن با دام زلیخا بود.	

گزینه ۱	۱۱۱۹
با توجه به این که در آیه‌ی مبارکه‌ی: «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق»، به عدم ارتکاب محرمات الهی سفارش شده است. یکی از این موارد پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما می‌باشد که در روایت «لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است»، نهی شده است.	

گزینه ۳	۱۱۲۰
عبارت: «کسی که نظم و برنامه‌ریزی را قبول دارد و با ایمان دست به برنامه‌ریزی می‌زند»، به تأثیر درون بر ظاهر اشاره داشته و بیانگر این است که ظاهر هر کس تجلی اندیشه‌ی اوست. عبارت: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، پاسخ منطقی کسانی است که برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد».	

گزینه ۲	۱۱۲۱
آراستگی همواره با عفت و حیا نشانه‌ی شخصیت روحی و درک متعالی فرد از زندگی است و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. آیه‌ی شریفه: «یا بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباسا یوارى سوءاتکم و ریشاک»، به این مفهوم اشاره دارد.	

گزینه ۴	۱۱۱۰
برخی از نیازها در دوره‌ی نوجوانی و جوانی، بیش‌تر خود را نشان می‌دهند که در این میان می‌توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و نیاز به مقبولیت و پذیرش نام برد. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است، تلاش می‌کند که توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و آن‌ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند.	

گزینه ۲	۱۱۱۱
نوجوانی که می‌کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته‌ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، ارزش‌های وجودی خود را به زیبایی هرچه تمام‌تر آشکار کرده است. آن فردی که با لباسی نامناسب یا آرایش غیرمعمولی یا به کار بردن کلامی تند و نابه‌جا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می‌کند، به‌طور ناخودآگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده است.	

گزینه ۲	۱۱۱۲
آراستگی همواره با عفت و حیا نشانه‌ی شخصیت روحی و درک متعالی فرد از زندگی است و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. حتی آن فردی که نسبت به پوشش همراه با عفت و حیا دیگران روی خوش نشان نمی‌دهد در قلب و وجدان خود او را می‌ستاید.	

گزینه ۳	۱۱۱۳
برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد!» خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عقیف، ظاهر پاک و باعفاف را به دنبال می‌آورد و همان‌طور که گفته‌اند، «از کوزه همان برون تراود که در اوست». مگر می‌شود که کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری برضد آن انجام دهد؟ این عبارت: «کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه‌ی قلبی کند اما برخلاف خواسته‌ی او عمل نماید؟»، بیانگر پیروی از خداوند از آثار محبت به خدا می‌باشد.	

گزینه ۴	۱۱۱۴
بعد از این که زنان مصری به پاک‌ی یوسف گواهی دادند، همسر عزیز مصر که در آن‌جا حاضر بود احساس کرد موقع آن فرا رسیده است که سال‌ها شرمندگی و جدان را با شهادت قاطعش به پاک‌ی یوسف و گناه‌کاری خویش جبران کند، یک مرتبه، گویی انفجاری در درونش رخ داد. قرآن می‌گوید: «همسر عزیز مصر فریاد زد: الان حق آشکار شد، من پیشنهاد کامجویی به او کردم او راستگو است» و من اگر سخنی در باره‌ی او گفته‌ام دروغ بوده است دروغ! (قالت امرأة العزیز الان حصص الحق أنا راودته عن نفسه و إنه لمن الصادقین). همسر عزیز در ادامه سخنان خود چنین گفت: «من این اعتراف صریح را به خاطر آن کردم که (یوسف) بداند در غیابش نسبت به او خیانت نکردم» (ذلک لیعلم آئی لم أخنه بالغیب). چرا که من بعد از گذشتن این مدت و تجربیاتی که داشته‌ام فهمیده‌ام «خداوند نیرنگ و کید خائن را هدایت نمی‌کند» (و أن الله لا یهدی کید الخائنین).	

گزینه ۳	۱۱۱۵
همسر عزیز مصر از این فرصت استفاده کرد و یک‌باره تمام پرده‌ها را کنار زد و با صراحت تمام به گناه خود اعتراف کرد و گفت: «آری من او را به کام گرفتن از خویش دعوت کردم ولی او خویش‌داری کرد.» (و لقد راودته عن نفسه فاستعصم) این اعتراف زلیخا، بیانگر عفاف حضرت یوسف (ع) در قرآن است.	

۱۱۲۲

گزینه ۳

رفتارهای ظاهری به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهند. شما می‌توانید نمونه‌های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز فکر افراد شده است. این عبارت ها، بیانگر تناسب میان ظاهر و باطن و تأثیر ظاهر بر باطن است.

۱۱۲۳

گزینه ۳

این مفهوم که «اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند و شکل می‌دهند»، بیانگر این است که ظاهر هر کس تجلی‌گاه (معلول) اندیشه و باور اوست. این عبارت که «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، بیانگر تقدم باطن بر ظاهر است. و اینکه «رفتارهای ظاهری به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و روحیه‌ی فرد را تغییر می‌دهند»، بیانگر تأثیر ظاهر بر باطن است.

۱۱۲۴

گزینه ۳

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوءاتکم و ریشاً»، خداوند پوشش ظاهری و جسمانی را برای دو هدف قرار داده است: اول، انسان را از ناپسندی‌ها حفظ کند و مایه‌ی عفاف باشد. (یواری سوءاتکم) دوم، آراستگی (و ریشا) می‌باشد. که در این سؤال، برتری از آن هدف اول (یواری سوءاتکم) دانسته شده است.

۱۱۲۵

گزینه ۴

این مفهوم صورت سؤال که: «آن کس که نظم و برنامه‌ریزی را قبول دارد، اگر واقعا به آن ایمان و باور داشته باشد، دست به برنامه‌ریزی می‌زند و هر کاری را در زمان خاص خود انجام می‌دهد.» و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، به تأثیر درون بر ظاهر اشاره دارند.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۴)، به تأثیر بیرون بر درون اشاره دارد.

۱۱۲۶

گزینه ۱

عبارت: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، به تأثیر درون بر بیرون اشاره دارد و بیانگر این حقیقت است که اندیشه‌ها و روحیات نتیجه‌ی اعمال و ظواهر است. و این عبارت، پاسخی به توجیه‌کنندگان ظاهر نامناسب خود است.

۱۱۲۷

گزینه ۳

عفاف، یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد. این حدیث امام صادق^(ع): «لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است»، تأکیدی بر این موضوع است که هر قدر رشته‌ی عفاف مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه‌گاه زیبایی‌های روح و شخصیت متعالی انسان می‌گردد.

۱۱۲۸

گزینه ۱

به همان اندازه که رشته‌های عفاف در روح انسان ضعیف می‌شود (علت)، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می‌کند. و پوشش جنبه‌ی خودنمایی به خود می‌گیرد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌های (۲) و (۴)، نتیجه‌ی خودآرایی برای دیگران از دیدگاه امام علی^(ع) است. قسمت اول گزینه‌ی (۳) بی‌ربط و نادرست است.

۱۱۲۹

گزینه ۱

حضرت مریم از دیدن منظره‌ای که مرد بیگانه‌ی زیبایی به خلوتگاه او راه یافته ترس و وحشت زیادی به او دست داد. لذا بلا فاصله «صدا زد: من به خدای رحمان از تو پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی» (قالت انی أعوذ بالرحمن منك ان كنت تقیاً).

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۲) سخن حضرت مریم به قوم خود پس از روزه‌ی سکوت خود بود. گزینه‌ی (۳)، سخن برخی مردم به حضرت مریم^(س) بود. گزینه‌ی (۴)، سخن حضرت عیسی^(ع) در گهواره با مردم بود.

۱۱۳۰

گزینه ۱

در این هنگام که یوسف همه جریان‌ها را به سوی لغزش و گناه مشاهده کرد، و هیچ راهی از نظر ظاهر برای او باقی نمانده بود، در پاسخ زلیخا به این جمله قناعت کرد و «گفت: پناه می‌برم به خدا» (قال معاذ الله) سپس اضافه کرد: چگونه می‌توانم تسلیم چنین خواسته‌ای بشوم، در حالی که در خانه عزیز مصر زندگی می‌کنم و در کنار سفره او هستم «او صاحب نعمت من است و مقام مرا گرامی داشته است.» (انّه ربی احسن مثنوی) آیا این ظلم و ستم و خیانت آشکار نیست؟ «مسلماً ستمگران رستگار نخواهند شد» (انّه لا یفلح الظالمون).

روش مطالعه «با توجه به سوالات سراسری سال ۹۵ و ۹۶، موقع مطالعه‌ی آیات مربوط به عفاف حضرت مریم^(س) و حضرت یوسف^(ع) در این درس، حتماً شرایط بیان این آیات را هم با دقت فراگیرید.

۱۱۳۱

گزینه ۴

امام صادق^(ع) می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف در دین است.» پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوءاتکم و ریشاً»، حاکی از آن است که اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند.

۱۱۳۲

گزینه ۴

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في حياة الدنيا خالصة يوم القيامة كذلك نفصل الآيات لقوم يعلمون»، این دو مورد: «زینة الله التي اخرج لعباده» و «الطيبات من الرزق» در دنیا عام و قابل استفاده برای همگان است ولی در آخرت مخصوص مؤمنان (فی حياة الدنيا خالصة يوم القيامة) می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «آیه‌ی گزینه‌ی (۳)، محرمات الهی بیان شده است که شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود.

۱۱۳۳

گزینه ۲

براساس آیه‌ی: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوءاتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یذکرون»، اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند، خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در آیه‌ی گزینه‌ی (۴)، بنای زندگی براساس احکام و دستورات الهی سفارش شده است. (درس ۱۰ چهارم)

۱۱۳۴

گزینه ۴

آراستگی همراه با عفت و حیا نشانه‌ی شخصیت روحی و درک متعالی فرد از زندگی است و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. آیه‌ی شریفه‌ی: «قال معاذ الله انه ربی احسن مثنوی انه لا یفلح الظالمون»، مبین جلوه عفت و پاکدامنی حضرت یوسف^(ع) می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در آیه‌ی گزینه‌ی (۳)، به با اخلاص بودن حضرت یوسف^(ع) اشاره شده است نه عقیف بودن او.

گزینه ۱	۱۱۴۲
عفاف، یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است و سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و دیگران نتوانند از او هیچ گونه سوء استفاده‌ای کنند. امام علی^(ع) نیز می‌فرماید: «پرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی». لازم به ذکر است که حدیث: «لباس نازک و بدن نما نبوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.» را امام صادق^(ع) بیان کرده‌اند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها عفاف ویژگی هر انسانی است، پس قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است. قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، سخن امام صادق^(ع) است نه امام علی^(ع).	

گزینه ۴	۱۱۴۳
این عبارت که: «حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود»، به تناسب بین ظاهر و باطن و به تأثیر درون بر بیرون اشاره دارد. بر این اساس، بیانگر تقدم باطن بر ظاهر است. یادآوری گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، چرا که «ثبات شخصیت» و «رؤیای صادق»، دو دلیلی عقلی هستند که به اثبات بعد روحانی پرداخته و به دو بعدی بودن وجود انسان اشاره دارند.	

گزینه ۲	۱۱۴۴
آیه‌ی شریفه‌ی: «صدا زد: من به خدای رحمان از تو پناه می‌برم اگر پرهیزکار هستی» (قالَت اِنِّی اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْکَ اِنْ کُنْتَ تَقِیًّا) بیانگر عفاف حضرت مریم^(س) است. عبارت قرآنی: «گفت: پناه می‌برم به خدا او صاحب نعمت من است و مقام مرا گرامی داشته است مسلماً ستمگران رستگار نخواهند شد» (قالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهٗ رَبِّیْ اَحْسَنُ مَثْوٰی اِنَّهٗ لَا یَفْلَحُ الظّٰلِمُوْنَ) بیانگر عفاف حضرت یوسف^(ع) است. قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) و قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، سخن برخی مردم به حضرت مریم^(س) بود. نکته‌ی طلایی عبارت «أعوذ بالرحمن»، بیانگر عفاف حضرت مریم^(س) و عبارت «معاذ الله»، بیانگر عفاف حضرت یوسف^(ع) است.	

گزینه ۳	۱۱۴۵
براساس عبارت‌های این درس، عزت نفس آدمی، آن‌گاه لک‌دار می‌شود که پذیرای حقارت و پستی باشد و اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار دهد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۲) و (۴) نادرست است، چرا که عزت نقطه‌ی مقابل ذلت و حقارت و پستی است نه هواپرستی. گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که سخن از یک رفتار مخالف عزت نمی‌باشد و به صورت کلی سخن گفته است.	

گزینه ۱	۱۱۴۶
عزت نقطه‌ی مقابل حقارت است، انسان عزیز حقارت و پستی را نمی‌پذیرد و تن به شکست و زبونی نمی‌دهد. یکی از اقسام پستی‌ها و حقارت‌ها آن است که افراد هوس‌ران و گناه‌کار به انسان به چشم ابزار هوس‌رانی‌های خود نگاه کنند. و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه ننمایند. انسانی که دارای عزت نفس است، این حقارت و پستی (به چشم هوس نگریسته شدن) را نمی‌پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه‌ای در جامعه ظاهر می‌شود که اجازه‌ی چنین تحقیری را به دیگران نمی‌دهد. گرچه او هم زیبایی و آراستگی را دوست دارد، اما این زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگه می‌دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد. مقایسه انسان عزیز، دوست ندارد با نگاه‌های هوس‌آلود تحقیر شود و عفاف، پرهیز از خودنمایی و جلب توجه در پوشش و زیبایی‌های جسمانی است.	

گزینه ۱	۱۱۳۵
برخی برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد» و سخن حکیمانه‌ی مولای متقیان که می‌فرماید: «آراستگی از اخلاق مومنان است.» ناظر بر تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴)، پاسخ همین افراد است. قسمت دوم گزینه‌ی (۲) نادرست است، زیرا این حدیث به آراستگی ظاهری اشاره دارد.	

گزینه ۴	۱۱۳۶
این عبارت که: «حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود»، به تأثیر درون انسان بر بیرون او اشاره دارد، یعنی ظاهر هر کس تجلی درون اوست و اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا خود ما باید تناسب برقرار کنیم نه اینکه بین ظاهر و باطن تناسب برقرار است. گزینه‌ی (۲)، بر عکس صورت سؤال به تأثیر ظاهر بر باطن اشاره دارد. در گزینه‌ی (۳)، تقدم ظاهر بر باطن نادرست است.	

گزینه ۱	۱۱۳۷
عبارت قرآنی: «گفت: پناه می‌برم به خدا او صاحب نعمت من است و مقام مرا گرامی داشته است مسلماً ستمگران رستگار نخواهند شد» (قالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهٗ رَبِّیْ اَحْسَنُ مَثْوٰی اِنَّهٗ لَا یَفْلَحُ الظّٰلِمُوْنَ) بیانگر عفاف حضرت یوسف^(ع) است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۲) سخن حضرت یوسف^(ع) به زندانیان در دعوت به توحید بود. گزینه‌های (۳) و (۴)، سخن همسر عزیز مصر بود.	

گزینه ۳	۱۱۳۸
عبارت شریفه‌ی: «در دوضع حمل، او را به کنار درخت خرمایی کشاند گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم - فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت یا لیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیا منسیا»، بیانگر عفاف حضرت مریم^(س) است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۱) و (۲) سخن برخی مردم به حضرت مریم^(س) بود. گزینه‌ی (۴)، سخن حضرت مریم^(س) به قوم خود پس از گرفتن روزه‌ی سکوت بود.	

گزینه ۴	۱۱۳۹
به افرادی که برای توجیه ظاهر نامناسب خود می‌گویند: «دل باید پاک باشد و ظاهر چندان اهمیتی ندارد»، برای ایجاد تناسب میان ظاهر و باطن خود به آنان گفته می‌شود: «از کوزه همان برون تراود که در اوست». تا توجه کنند که دل پاک و باحیا و عقیف ظاهر پاک و باعفاف را به دنبال دارد. امام صادق^(ع) فرموده‌اند: «لباس نازک و بدن نما نبوشید زیرا چنین لباسی نشانه‌ی سستی و ضعف دین است.»	

گزینه ۳	۱۱۴۰
از سفارش و توصیه‌ی پیشوایان دین به رعایت آراستگی به تأثیر ظاهر بر باطن پی می‌بریم. ظاهر هر کس تجلی (معلول) اندیشه و باور اوست. اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می‌سازند و شکل می‌دهند.	

گزینه ۴	۱۱۴۱
عبارت مذکور پاسخی به هر دو گروه است. (افراد ریاکار و مدعیان پاک‌ی دل و بی توجه به ظاهر) دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) و (۲) نادرست است، چرا که هر دو قسمت این دو گزینه به یک معنای باشد. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چرا که طبق عبارت «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، صفت خوش باطن به این افراد تعلق نمی‌گیرد.	

گزینه ۲

۱۱۴۷

یکی از نیازهایی که دوره‌ی نوجوانی و جوانی، بیش‌تر خود را نشان می‌دهد توجه و تحسین دیگران و مقبولیت است. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است تلاش می‌کند که توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و آن‌ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند. ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، که به تناسب و هماهنگی بین ظاهر و باطن اشاره دارد، پاسخ کسانی است که ظاهر نامناسب خود را با پاک بودن دل توجیه می‌کنند و می‌گویند: «دل باید پاک باشد، ظاهر اهمیت چندانی ندارد.»

گزینه ۳

۱۱۴۸

این عبارت که «حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می‌رود»، به تناسب بین ظاهر و باطن اشاره دارد و پاسخ کسانی است که برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می‌شوند که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد.» این عبارت به تقدم باطن بر ظاهر اشاره دارد.

گزینه ۴

۱۱۴۹

کسی که «نظم و برنامه‌ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان داشته باشد (درونی و باطنی)، دست به برنامه‌ریزی می‌زند و هر کاری را در زمان خاص خود انجام می‌دهد. (ظاهری)»، میان ظاهر و باطن خود در آراستگی، تناسب و هماهنگی دارد. این عبارت، تأثیر درون را بر بیرون نیز بیان می‌کند و به عبارت دیگر، ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست. اندیشه‌ها، اخلاق و روحيات (علت)، اعمال و ظواهر (معلول) را می‌سازند و شکل می‌دهند.

گزینه ۳

۱۱۵۰

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی باطنی خود می‌کوشیدند، بلکه به زیبایی و آراستگی ظاهر هم توجه داشتند و یاران خود را به رعایت آن (زیبایی و آراستگی ظاهری و باطنی) دعوت می‌کردند.

درس سیزدهم: زیبایی عفت

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۴۵	۱۸	۱۹
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۴	۳	۱

گزینه ۳

۱۱۵۱

پوشش مناسب یکی از نشانه‌های عفاف و عزت نفس است. از نوع پوشش هر کس می‌توان هم توجه او به عفاف و هم اهتمام وی به عزت نفس را دریافت. **نکته‌ی طلایی** پوشش مناسب، در نگاه اول نشانگر عفاف است و در مرحله‌ی بعد نمایان‌گر عزت‌مندی است، زیرا عفاف ریشه در عزت‌مندی انسان دارد.

گزینه ۲

۱۱۵۲

در آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ، يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»، دستورالعمل قرآنی: «يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ»، خطاب به مردان مؤمن بیان شده که بیانگر کنترل نگاه است.

نکته‌ی طلایی در آیات قرآن، اولین وظیفه‌ی مردان مؤمن، مراقبت از چشم (يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ) و در کنار آن، رعایت پاکدامنی (يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ) می‌باشد.

گزینه ۴

۱۱۵۳

در آیه‌ی شریفه‌ی: «يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»، خداوند به مردان مؤمن یادآوری می‌کند که «کنترل نگاه» و «پاکدامنی» برای آنان پاکیزه‌تر (ذلک أَزْكَى لَهُمْ) است. چراکه اگر مردی، پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را زیر نظر بگیرد، مقدمات گناهان بزرگ‌تر را فراهم می‌کند و ممکن است نتواند خود را از لغزش حفظ نماید.

مقایسه عبارت قرآنی: «ذلک خیر و أحسن تأویلاً»، نتیجه‌ی ارجاع منازعات اجتماعی به خدا و رسولش است. و عبارت قرآنی: «ذلک أَزْكَى لَهُمْ»، نتیجه‌ی «کنترل نگاه» و «پاکدامنی» برای مؤمنان است.

گزینه ۲

۱۱۵۴

مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، زنان مؤمن (قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ) مانند مردان مؤمن دو وظیفه دارند: ۱- از نگاه به نامحرم خودداری کنند (يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ) ۲- و دامن خود را از گناه حفظ نمایند. (و يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ)

نکته‌ی طلایی از ۴ وظیفه‌ی زنان مؤمن، دو مورد اول آن (يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ و يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ)، مربوط به عفاف است و دو مورد دیگر آن (و لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا و لِيُضْرِبَ بِخَمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)، بیرونی و مربوط به حدود حجاب است.

گزینه ۲

۱۱۵۵

در آیه‌ی شریفه‌ی: «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا و لِيُضْرِبَ بِخَمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»، چهار وظیفه برای زنان مؤمن تعیین شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها عبارت شریفه‌ی: «يَبْدِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»، تعیین کننده‌ی حدود پوشیدن موی سر به «همسران و دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمنان» بیان شده است.

گزینه ۱

۱۱۵۶

چهارمین وظیفه‌ی زنان مؤمن این است که حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشانند. (و لِيُضْرِبَ بِخَمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)

نکته این عبارت قرآنی بیانگر حدود پوشش است.

گزینه ۳

۱۱۵۷

دو وظیفه‌ی مشترک مردان و زنان مؤمن، «کنترل نگاه» و «حفظ پاکدامنی» است. در ابتدا و مقدم بر هر چیز، وظیفه‌ی مردان (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ) است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند. (يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ) با رعایت این مسئولیت از جانب مردان، بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می‌شود.

۱۱۶۶ **گزینه ۲**
اگر مردی پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را زیر نظر بگیرد، این دو نتیجه حاصل می‌شود: ۱- مقدمات گناهان بزرگتر را فراهم می‌کند. ۲- ممکن است نتواند خود را از لغزش حفظ نماید.

۱۱۶۷ **گزینه ۳**
رسول خدا^(ص) فرموده‌اند: «نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه‌ی شیطان (عدو مبین) است. هر کس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خدا ایمانی به او می‌دهد که شیرینی آن را در دل احساس می‌نماید.»
«**یادآوری**» به تعبیر امام علی^(ع)، دشمن‌ترین دشمن انسان همان نفس اماره است. و به تعبیر قرآن، شیطان، دشمن آشکار انسان است. (إِنَّهٗ لَكُمۡ عَدُوٌّ مَّبِیْنٌ)

۱۱۶۸ **گزینه ۲**
به تعبیر رسول گرامی اسلام^(ص)، احساس حلاوت و شیرینی ایمان در دل، نتیجه‌ی ترک نگاه حرام و به پاس حرمت الهی است.

۱۱۶۹ **گزینه ۴**
زنان مؤمن (قُلُوبُ الْمُؤْمِنَاتِ) نیز مانند مردان وظیفه دارند که: ۱- از نگاه به مردان نامحرم بپرهیزند. یعنی نگاه شهوت آلود به مردان نکنند. (یَغُضُّنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ) ۲- و دامان خود را از گناه حفظ نمایند (و یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ) یعنی زنان مؤمن باید از رابطه‌ی جنسی با نامحرم خودداری کنند و مرتکب عمل زنا نشوند که گناه کبیره است و مجازات سنگین دارد.

۱۱۷۰ **گزینه ۱**
سومین وظیفه‌ی زنان مؤمن، رعایت دستورالعمل قرآنی: «و لا یبدین زینتهنَّ إِلَّا ما ظَهر منها» می‌باشد، یعنی استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

۱۱۷۱ **گزینه ۴**
چهارمین وظیفه‌ی زنان مؤمن این است که حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشانند. (و لیضربن بخمرهنَّ علی جیوبهنَّ)
«**دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها**» گزینه‌ی (۱) و (۳) نادرست است، چراکه شناخته شدن زن مسلمان به عفاف و مورد آزار و اذیت قرار نگرفتن، نتیجه‌ی نزدیک ساختن پوشش‌های خود به خود (بدن علین من جلابیهن) است. گزینه‌ی (۲) نادرست است، چراکه مفهوم مورد سؤال با عبارت قرآنی: «و لیضربن بخمرهنَّ علی جیوبهنَّ» بیش‌تر تناسب دارد.

۱۱۷۲ **گزینه ۲**
امام کاظم^(ع) در جواب برادرش که پرسید: دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟ فرمودند: چهره و دست‌ها تا مچ.
«**دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها**» گزینه‌های (۱) و (۳) نادرست است، زیرا امام صادق^(ع) به یکی از یاران خود به‌نام فضیل بن یسار پاسخ می‌گوید.

۱۱۷۳ **گزینه ۱**
رعایت این پوشش (بدن علین من جلابیهن)، سبب می‌شود که اولاً: زن به عفاف (نه حجاب) و پاکی شناخته شود (ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفَنَ) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجازه‌ی تعرض به او را ندهند (فَلا یُؤْذِیْنِ)

۱۱۵۸ **گزینه ۴**
خداوند در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نور به مردان مؤمن می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» و در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور به زنان مؤمن می‌فرماید: «و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» بر این اساس، زنان مؤمن مانند مردان مؤمن دو وظیفه دارند: ۱- از نگاه به نامحرم خودداری کنند (یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ) ۲- و دامان خود را از گناه حفظ نمایند. (و یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ)

۱۱۵۹ **گزینه ۲**
سومین وظیفه‌ی زنان مؤمن عمل به توصیه‌ی: «و لا یبدین زینتهنَّ إِلَّا ما ظَهر منها» است، یعنی استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

۱۱۶۰ **گزینه ۲**
دو عبارت قرآنی: «یَدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهِنَّ» و «ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفَنَ فَلَا یُؤْذِیْنِ»، به طور خاص به همسران و دختران پیامبر^(ص) و زنان مؤمنان (یا اَیَّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ) سفارش شده ولی به صورت عام شامل زنان مسلمان می‌شود.

۱۱۶۱ **گزینه ۴**
رعایت این پوشش (بدن علین من جلابیهن)، سبب می‌شود که اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفَنَ) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجترع می‌شود (فَلا یُؤْذِیْنِ)

۱۱۶۲ **گزینه ۲**
علت و فلسفه‌ی توصیه‌ی زنان مسلمان به رعایت این دستورالعمل قرآنی: «یَدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهِنَّ»، تحقق «ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفَنَ فَلَا یُؤْذِیْنِ» - این کار از این جهت بهتر است که [به عفاف] شناخته شوند تا مورد اذیت قرار نگیرند» می‌باشد.

۱۱۶۳ **گزینه ۱**
این عبارت که: «زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشانند و با حدود آن آشنا بودند» نادرست است، زیرا زنان مسلمان تا قبل از نزول این آیه، با وجود پوشاندن موی سر خود از همان ابتدا، ولی با حدود پوشاندن موی سر آشنا نبودند.

۱۱۶۴ **گزینه ۴**
پیامد رعایت این پوشش (بدن علین من جلابیهن) توسط زنان مسلمان این دو نتیجه را به همراه دارد: اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَعْرِفَنَ) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجازه‌ی تعرض به او را ندهند (فَلا یُؤْذِیْنِ)
«**نکته‌ی طلایی**» دو عبارت اول و ثانیاً، علت و فلسفه‌ی رعایت حجاب است.

۱۱۶۵ **گزینه ۲**
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِکَ اَزْکٰی لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌ بِمَا یَصْنَعُوْنَ»، وظیفه‌ی مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به نامحرم خودداری کرده و دامان خود را از گناه نگه دارند. با رعایت این مسئولیت از جانب مردان بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می‌شود.
«**دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها**» گزینه‌های (۱) و (۳)، بیانگر حدود پوشش زنان مؤمن است. گزینه‌ی (۴)، بیانگر حدود پوشش زنان مسلمان است.

۱۱۸۱	گزینه ۲
استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را (۱- تمام بدن خود را به‌جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند. ۲- پوشش آنان نباید چسبان و تحریک کننده باشد) به طور کامل دارد، سبب حفظ هرچه بیش‌تر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، پوشاندن تمام بدن جز دست و پاها نادرست است، چراکه پاها نیز باید پوشیده باشد. در گزینه‌ی (۳) و (۴)، پوشاندن بدن از نامحرم صحیح است نه از محارم.	
۱۱۸۲	گزینه ۴
محارم نسبی به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند که برای مردان عبارتند از: مادر و مادر بزرگ، خواهر و بچه‌ها و نوه‌های خواهر، دختر و نوه‌های دختر، دختر برادر و نوه‌های او، عمه و عمه‌ی پدر و مادر، خاله و خاله‌ی پدر و مادر.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱) نوه‌های دختر نسبی است نه سببی. در گزینه‌ی (۲)، زن پسر سببی است نه نسبی. در گزینه‌ی (۳)، عمه‌ی مادر نسبی است نه سببی.	
۱۱۸۳	گزینه ۱
محارمی را که به سبب ازدواج محرم می‌شوند محارم سببی می‌نامند که برای مردان عبارتند از: زن، مادر زن و مادر بزرگ او، زن پسر (عروس)	
۱۱۸۴	گزینه ۲
در گزینه‌ی (۲)، دختر دایی نامحرم است و جزو محارم نسبی برای مردها نیست.	
۱۱۸۵	گزینه ۴
مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.	
«تمرین تست‌زنی» برای پاسخ دادن به این تست، باید در هر گزینه یک مورد بر عکس آن‌چه از ما خواسته شده پیدا نموده و آن گزینه را حذف نماییم. به طور مثال در صورت سؤال محارم سببی خواسته شده، ما باید یک مورد نسبی پیدا کنیم. در گزینه‌ی (۱)، خاله‌ی مادر نسبی است.	
۱۱۸۶	گزینه ۲
محارم نسبی برای زن‌ها عبارتند از: ۱- پدر و پدر بزرگ ۲- پسر و پسر فرزند ۳- برادر ۴- برادرزاده ۵- خواهرزاده ۶- عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش) ۷- دایی (دایی خودش و پدر و مادرش)	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۲)، پسر عمه نامحرم بوده و جزو محارم نیست.	
۱۱۸۷	گزینه ۳
محارم سببی برای زن عبارتند از: شوهر، پدر شوهر و پدر بزرگ او، شوهر دختر (داماد).	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱) شوهر خواهر و در گزینه‌ی (۲) دایی شوهر و در گزینه‌ی (۴) عموی شوهر از محارم سببی نمی‌باشند.	
۱۱۸۸	گزینه ۳
مسئولیت‌های انسان در برابر هر نعمت و موهبتی که از جانب خداوند به او می‌رسد دو مورد است: «حفظ و نگهداری آن نعمت» و «بهره‌برداری از آن در جهت رشد و کمال است».	
«تمرین تست‌زنی» برای پاسخ به این تست باید عین عبارت کتاب را در نظر بگیرید.	

۱۱۷۴	گزینه ۳
یکی از یاران امام صادق (ع) به‌نام فضیل بن یسار می‌گوید: از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟	
۱۱۷۵	گزینه ۴
امام صادق (ع) در پاسخ به یکی از یارانش به‌نام فضیل بن یسار که از ایشان پرسید: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟ پاسخ دادند: بلی، آن‌چه زیر روسری قرار می‌گیرد نباید آشکار شود هم‌چنین از مچ به بالا باید پوشیده شود.	
۱۱۷۶	گزینه ۲
زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد روسری‌ها و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود. (یدنین علیهن من جلابیهن)	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا آیه‌ی شریفه: «یدنین علیهن من جلابیهن»، برای آشنا کردن زنان مسلمان با حدود پوشیدن موی سر نازل شد نه آیه‌ی: «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»	
۱۱۷۷	گزینه ۱
چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را به شروطی و نیز زنان را به دو شرط ملزم کرده است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه زن و مرد در پوشش مشابه نیستند.	
۱۱۷۸	گزینه ۴
اسلام ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی در نوع پوشش، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد.	
«روش مطالعه» این تست را فقط با توجه به متن کتاب که از قبل حفظ هستید باید پاسخ دهید.	
۱۱۷۹	گزینه ۳
پوشیدن لباسی که مردان را نزد مردم انگشت‌نما کند و یا وسیله‌ی جلب توجه زن نامحرم قرار گیرد، حرام است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱) نادرست است، رعایت حجاب بیش‌تر در مقابل زنان نامحرم است نه محارم (البته بجز خواهر زن).	
۱۱۸۰	گزینه ۴
زنان موظفند دو شرط را رعایت کنند: ۱- تمام بدن خود را به‌جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند. ۲- پوشش آنان نباید چسبان و تحریک کننده باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، پوشاندن دست‌ها نادرست است. در گزینه‌ی (۲) و (۳)، پوشاندن تمام بدن جز دست و پاها نادرست است، چراکه پاها نیز باید پوشیده باشد.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت سوم گزینه‌ی (۲)، مربوط به مردان است نه زنان.

گزینه ۲

۱۱۹۸

پسر دایی، برادر شوهر و شوهر خواهر (داماد)، برای زنان نامحرم می‌باشند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، پسر دختر و در گزینه‌ی (۳)، نوه‌ی خواهر و در گزینه‌ی (۴)، برادر مادر جزو محارم هستند.

گزینه ۱

۱۱۹۹

عبارت شریفه‌ی: «ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین»، که علت و فلسفه‌ی حجاب را بیان می‌کند، بیانگر این مفهوم است که جهت شناخته شدن زن به عفاف و اثبات پاکی (ذلک أدنی أن يعرفن) و حفظ حرمت وی (فلا يؤذین)، حجاب واجب و مقرر گردیده است.

گزینه ۴

۱۲۰۰

رعایت این پوشش مورد نظر اسلام برای زنان مسلمان: «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ»، موجب شناخته شدن آن‌ها به عفاف و پاکی می‌گردد که فرصت آزادی و حضور مؤثر در جامعه آن‌ها را هم فراهم می‌نماید. (ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین)

گزینه ۲

۱۲۰۱

«پدر شوهر، شوهر دختر (داماد) و فرزند شوهر»، از محارم سببی برای زن می‌باشند که پس از ازدواج بر زن محرم می‌شوند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، برادر شوهر و در گزینه‌ی (۳) و (۴)، عموی شوهر نامحرم است.

گزینه ۳

۱۲۰۲

مادر بزرگ مادر و برادر مادر (دایی)، برای مردان و زنان جزء محارم نسبی هستند که از طریق خویشاوندی محرم می‌شوند و شوهر دختر (داماد) و مادر همسر برای زنان و مردان جزء محارم سببی هستند که به سبب ازدواج محرم می‌شوند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، مادر بزرگ زن جزو محارم سببی است نه نسبی. در گزینه‌ی (۲)، شوهر خواهر یا داماد به صورت دائم محرم نمی‌باشد. گزینه‌ی (۴)، خاله‌ی مادر جزو محارم سببی نمی‌باشد.

گزینه ۲

۱۲۰۳

قرآن کریم در عبارت شریفه‌ی: «و لا یدین زینتهن إلا ما ظهر منها»، خطاب به زنان مؤمن جلوه‌گری در برابر بیگانگان را حرام اعلام کرده است.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، فواید پوشش ظاهری و تقوا را بیان کرده است.

گزینه ۱

۱۲۰۴

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و زن به شکرانه‌ی این نعمت باید در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد و از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره ببرد. پس مسئولیت‌های زن در برابر برخورداری بیش‌تر از موهبت زیبایی، منشأ زمینه‌ساز تفاوت پوشش زنان و مردان است.
 عبارت شریفه‌ی: «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ»، می‌توان پاسخ به سؤال آیا در قرآن کریم درباره‌ی عفاف و حجاب دستور خاصی وجود دارد؟ را دریافت نمود.
نکته‌ی طلایی «نحوه و شکل پوشش در آیات قرآن نیامده است، چراکه چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد.

گزینه ۱

۱۱۸۹

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و همین نعمت را پشتوانه‌ی مهمی برای ازدواج زن و مرد و تحکیم خانواده قرار داده است.

گزینه ۴

۱۱۹۰

زن به شکرانه‌ی برخورداری بیش‌تر از نعمت زیبایی، باید اولاً در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد. ثانیاً از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره ببرد.

گزینه ۲

۱۱۹۱

جلوه‌گری در عرصه‌ی جامعه و در مقابل نامحرمان سرانجامی جز گسترش روابط نامشروع و افزایش طلاق و جدایی نخواهد داشت؛ بلایی که امروز جوامع غربی گرفتار آن هستند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، علت گسترش روابط نامشروع و افزایش طلاق و جدایی در جوامع غربی نیست.

گزینه ۱

۱۱۹۲

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و زن به شکرانه‌ی این نعمت باید در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد و از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره ببرد. پس مسئولیت‌های زن در برابر برخورداری بیش‌تر از موهبت زیبایی، منشأ زمینه‌ساز تفاوت پوشش زنان و مردان است.

گزینه ۳

۱۱۹۳

به میزانی که پوشش یک زن از حدود اسلامی فاصله می‌گیرد، به همان میزان یکی از آن مسئولیت‌ها یا همه زمین گذاشته می‌شود. البته فایده و ثمره‌ی این وظیفه و مسئولیت‌ها، مانند سایر مسئولیت‌ها، ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می‌رسد.

گزینه ۱

۱۱۹۴

پوشش زنان بنا به فرموده‌ی قرآن کریم، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان در جامعه را سلب نمی‌کند (رد گزینه‌ی ۱)، بلکه فعالیت‌های مؤثر، مفید و بدون زیان آنان را ممکن می‌سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا می‌برد، حریم و حرمت زن را حفظ می‌کند و آرامش روانی او را افزایش می‌دهد.

گزینه ۴

۱۱۹۵

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل

گزینه ۱

۱۱۹۶

این روایت: «امام کاظم^(ع) در جواب برادرش که پرسید: دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟ فرمودند: چهره و دست‌ها تا مچ»، بیانگر حد حجاب است و میزان پوشش زن را از نظر اسلام بیان می‌کند و مفهوم عبارت شریفه‌ی: «و لا یدین زینتهن إلا ما ظهر منها» می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) و قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا عبارت شریفه‌ی: «ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین»، علت و فلسفه‌ی حجاب را بیان می‌کند.

گزینه ۴

۱۱۹۷

عبارت شریفه‌ی: «ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین»، نتیجه‌ی رعایت این دستورالعمل قرآنی: « یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ»، توسط زنان مسلمان را بیان می‌کند. و عبارت شریفه‌ی: «ذلک أزکی لهم»، نتیجه‌ی کنترل نگاه (یغضوا من ابصارهم) و پاکدامنی (و یحفظوا فروجهن) را برای مردان مؤمن پاکیزه‌تر (ذلک أزکی لهم) بیان می‌کند.

گزینه ۴	۱۲۱۲
«پوشاندن تمام بدن به جز چهره و دست تا مچ» که حدود پوشش زن را از نظر اسلام بیام می‌کند، مفهوم این قسمت از آیه: «إِلا ما ظهر منها» می‌باشد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌های (۱) و (۲)، حدود پوشش را بیان می‌کند و گزینه‌ی (۳)، فلسفه‌ی حجاب را بیان می‌کند.	

گزینه ۱	۱۲۱۳
عبارت شریفه‌ی: «یدنین علیهن من جلابیهن»، حدود حجاب را برای زنان مسلمان که با حدود پوشیدن موی سر آشنا نبودند، تعیین می‌کند. عبارت شریفه‌ی: «ذلک ادنی ان یعرفن»، شناخته شدن زن مسلمان به عفاف را «علت و فلسفه‌ی حجاب» معرفی می‌کند. «زمینه‌ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان»، مسئولیت‌های زن در برابر زیبایی خود است. تمرین تست‌زنی «برای پاسخ به این تست، لزومی ندارد با توجه به قسمت اول تست، گزینه‌های نادرست را حذف نمایید بلکه می‌توانید با توجه به قسمت دوم یا سوم تست، گزینه‌های نادرست را حذف نمایید.	

گزینه ۳	۱۲۱۴
به میزانی که پوشش یک زن از حدود اسلامی فاصله می‌گیرد، به همان میزان، آن مسئولیت‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرند. البته فایده و ثمره‌ی این وظیفه و مسئولیت‌ها، مانند سایر مسئولیت‌ها، ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می‌رسد.	

گزینه ۴	۱۲۱۵
محارم نسبی برای زنان که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند: ۱- پدر و پدر بزرگ ۲- برادر و بچه‌ها و نوه‌های او ۳- پسر و نوه‌های پسر ۴- پسر خواهر و نوه‌های او ۵- عمو و عموی پدر و مادر ۶- دایی و دایه‌ی پدر و مادر ۷- نوه‌های پسر و دختر. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، پدر شوهر و در در گزینه‌ی (۲)، خواهر همسر و در گزینه‌ی (۳)، همسر دختر از محارم سببی می‌باشند.	

گزینه ۲	۱۲۱۶
مرد نمی‌تواند با خواهر زن، تا وقتی که خواهر دیگر، همسر اوست، ازدواج کند اما باید نسبت به یکدیگر احکام حجاب را رعایت کنند.	

گزینه ۴	۱۲۱۷
زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند لذا خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد روسری‌ها و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود. (یدنین علیهن من جلابیهن)	

گزینه ۳	۱۲۱۸
محارم نسبی برای مردها عبارتند از: ۱- مادر و مادر بزرگ ۲- دختر و دختر فرزند ۳- خواهر ۴- خواهر زاده (دختر خواهر) ۵- برادر زاده (دختر برادر) ۶- عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش) ۷- خاله (خاله خودش و پدر و مادرش) دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در گزینه‌ی (۱)، عروس از محارم سببی می‌باشد و خواهر زن نامحرم است. در گزینه‌ی (۲)، مادر زن از محارم سببی است و در گزینه‌ی (۴)، مادر زن از محارم سببی می‌باشد و دختر عمو نامحرم است.	

گزینه ۲	۱۲۱۹
با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک از کی لهم»، کنترل نگاه، علت حفظ از گناه است و پیامبر گرامی اسلام (ص) نگاه به نامحرم را تیری زهرآلود از ناحیه‌ی شیطان معرفی کرده‌اند.	

گزینه ۲	۱۲۰۵
این روایت: «امام کاظم (ع) در جواب برادرش که پرسید: دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟ فرمودند: چهره و دست‌ها تا مچ»، بیانگر حدود حجاب است و میزان پوشش زن را از نظر اسلام بیان می‌کند. عبارت شریفه‌ی: «و إلا ما ظهر منها»، حدود پوشیدن زن را تمام بدن به جز آن‌چه که نمایان است (چهره و دست‌ها تا مچ) را معرفی کرده است.	

گزینه ۴	۱۲۰۶
چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد. آیات قرآنی، تعیین‌کننده‌ی «حدود و اندازه‌ی پوشش» است و آیات شریفه‌ی: «یدنین علیهن من جلابیهن» و «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»، مؤید مفهوم حدود پوشش است.	

گزینه ۴	۱۲۰۷
عبارت شریفه‌ی: «یدنین علیهن من جلابیهن»، به تعیین حدود حجاب برای زنان مسلمان پرداخته و عبارت شریفه‌ی: «ذلک ادنی ان یعرفن»، بیانگر علت و فلسفه‌ی پوشش است. عبارت شریفه‌ی: «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»، بیانگر حدود پوشش زنان مؤمن و کیفیت رعایت حجاب زنان است.	

گزینه ۲	۱۲۰۸
اسلام مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی هماهنگ باشد. (علت) بنابراین پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله‌ی جلب توجه زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است. قرآن کریم در عبارت شریفه‌ی: «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»، با توجه به کلمه‌ی: «جیوب»، حدود پوشیدن گریبان و گردن را مشخص می‌کند و از زنان مؤمن می‌خواهد که روسری‌های خود را بر روی سینه و گریبان خویش ببندازند.	

گزینه ۴	۱۲۰۹
محارم نسبی: به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند. و محارم سببی: به سبب ازدواج محرم می‌شوند. بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، عمه‌ی پدر و مادر جزء محارم نسبی مرد می‌شوند و زن پسر (عروس) و شوهر دختر، محارم سببی زن و مرد هستند.	

گزینه ۲	۱۲۱۰
بنابر آیه‌ی شریفه‌ی: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً»، ثمره‌ی عبارت نزدیک ساختن پوشش‌های خود به خود (یدنین علیهن من جلابیهن)، عبارت: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین: این کار از آن جهت بهتر است که (به عفاف) شناخته شوند تا مورد اذیت قرار نگیرند» می‌باشد. پیام این آیه، آشنا ساختن زنان مسلمان که با حدود پوشیدن موی سر خود آشنا نبودند با حدود حجاب است و در آن از لزوم نزدیک‌سازی پوشش‌ها به خود سخن به میان آمده است.	

گزینه ۲	۱۲۱۱
عبارت شریفه‌ی: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین»، نتیجه‌ی نزدیک ساختن پوشش‌های خود به خود (یدنین علیهن من جلابیهن) توسط زنان مسلمان است. و عبارت شریفه‌ی: «ذلک از کی لهم»، نتیجه‌ی کنترل نگاه (یغضوا من ابصارهم) و پاکدامنی (و یحفظوا فروجهم) برای مردان مؤمن است.	

گزینه ۴	۱۲۲۶
رعایت این پوشش: «یدنین علیهنّ من جلابیهنّ»، سبب می‌شود که اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذلک أدنی أن یعرفن) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجازه‌ی تعرّض به او را ندهند (فلا یؤذین).	

گزینه ۴	۱۲۲۷
در آیه‌ی شریفه‌ی: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً - ای پیامبر بگو به همسران و دختران و زنان مؤمنان، پوشش‌های خود را به خود نزدیک سازند. این کار از این جهت بهتر است که [به عفاف] شناخته شوند تا مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند همواره آمرزنده‌ی رحیم است.»، علاوه بر تعیین حد پوشش (یدنین علیهنّ من جلابیهنّ)، علت آن نیز (ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین) بیان شده است.	

گزینه ۲	۱۲۲۸
زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند لذا خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد روسری‌ها و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود. (یدنین علیهنّ من جلابیهنّ) رعایت این پوشش (یدنین علیهنّ من جلابیهنّ)، سبب می‌شود که اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذلک أدنی أن یعرفن) و ثانیاً: این پوشش سبب می‌شود که مردان چشم چران و هوس باز که در جامعه وجود دارند نتوانند زنان را مورد تعرض قرار دهند. (فلا یؤذین).	

گزینه ۴	۱۲۲۹
رسول خدا ^(ص) فرموده‌اند: «نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه‌ی شیطان است. هر کس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خدا ایمانی به او می‌دهد که شیرینی آن را در دل احساس می‌نماید.»	

گزینه ۳	۱۲۳۰
در گزینگی (۱)، خواهر زن نامحرم است. در گزینگی (۲)، زن برادر و در گزینگی (۴)، زن برادر و خواهر زن، نامحرم می‌باشند.	

گزینه ۲	۱۲۳۱
فقط در گزینگی (۲)، تمامی موارد نامحرم هستند. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینگی (۱)، مادر بزرگ زن و عمه مادر، محرم می‌باشند. در گزینگی (۳)، عمه مادر و دختر خواهر، محرم نسبی می‌باشند. و در گزینگی (۴)، مادر بزرگ زن و زن پسر از محارم سببی می‌باشند.	

گزینه ۱	۱۲۳۲
براساس فرمایش پیامبر ^(ص) بازتاب کنترل نگاه به نامحرم، برخورداری از احساس شیرینی ایمان است. (یعنی علت پدید آمدن احساس شیرینی ایمان، کنترل نگاه است.) در حدیث امام صادق ^(ع) : «پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما، نشانه‌ی سستی و ضعف در دین معرفی شده است.»	

گزینه ۴	۱۲۲۰
امام صادق ^(ع) در پاسخ به فضیل بن یسار که در مورد پوشاندن ساعد از ایشان سؤال پرسیده بودند فرمود: «بلی، آن‌چه زیر روسری قرار می‌گیرد نباید آشکار شود، همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود.» براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً»، علت و فلسفه‌ی دستور به پوشش (یدنین علیهنّ من جلابیهنّ) این است که اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذلک أدنی أن یعرفن) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجازه‌ی تعرّض به او را ندهند. (فلا یؤذین)	

گزینه ۲	۱۲۲۱
«خواهر همسر» نامحرم، «خاله‌ی مادر» محرم نسبی، «عمه‌ی پدر» محرم نسبی و «مادربزرگ همسر» از محارم سببی است.	

گزینه ۴	۱۲۲۲
رعایت این پوشش: «یدنین علیهنّ من جلابیهنّ»، سبب می‌شود که اولاً: زن به عفاف و پاکی شناخته شود (ذلک أدنی أن یعرفن) و ثانیاً: افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، در مقابل چنین زنی احساس حقارت کرده و به خود اجازه‌ی تعرّض به او را ندهند (فلا یؤذین).	

گزینه ۳	۱۲۲۳
«پوشاندن تمام بدن بجز چهره و دست تا مچ» که حدود پوشش زن مسلمان را از نظر اسلام بیان می‌کند، مفهوم این قسمت از آیه‌ی شریفه‌ی: «و لا یُبدین زینتهنّ الا ما ظهر منها» می‌باشد.	

گزینه ۴	۱۲۲۴
آیه‌ی شریفه‌ی: «و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ»، مبین «کیفیت رعایت حجاب زنان» است؛ یعنی حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشاند. آیه‌ی شریفه‌ی: «و لا یُبدین زینتهنّ الا ما ظهر منها»، بیانگر «استفاده از زیورات برای زنان است؛ یعنی استفاده از زینت و زیورات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند. عبارت شریفه‌ی: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین» «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینگی‌های (۱) و (۲)، بیانگر علت حجاب است نه حدود و کیفیت آن. عبارت شریفه‌ی: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین»، در گزینگی (۳)، بیانگر علت حجاب است و پیرامون استفاده از زیورات نمی‌باشد.	

گزینه ۴	۱۲۲۵
عفاف، یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است و سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوءاستفاده کنند. انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می‌یابد که موجب می‌شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد. عفاف ریشه در عزت نفس دارد.	

گزینه ۴

۱۳۳۷

شدت اختلاف و دشمنی اعراب در قبل از اسلام به حدی بود که به تعبیر قرآن جامعه‌ی اعراب را بر لبه‌ی پرتگاه آتش قرار داده بود (و کنتم علی شفا حفره من النار) و چیزی نمانده بود همگی در آتشی که در اثر تفرقه و اختلاف به دست خود افروخته بودند بسوزید، اما خدا شما را از آتش رهایی بخشید. (فأنقذکم منها) بنابراین، و این نعمت اسلام بود که اعراب را با هم برادر کرد. (فأصبحتم بنعمته إخوانا) و خداوند اینگونه جامعه‌ی آن‌ها را از پرتگاه آتش اختلاف نجات داد. (فأنقذکم منها)

گزینه ۱

۱۳۳۸

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۱

۱۳۳۹

خداوند، پس از یادآوری تأثیر اسلام در ایجاد وحدت اجتماعی و نجات جامعه‌ی اعراب از پرتگاه آتش اختلاف و دودستگی، علت نشان دادن آیات الهی را (کذلک یبین الله لکم آیاته)، امکان برخورداری از هدایت الهی (لعلکم تهتدون) معرفی کرده است. منظور از آیات الهی در این آیه، یادآوری تأثیر اعجاز آور اسلام در ایجاد وحدت اجتماعی است.

گزینه ۱

۱۳۴۰

در آیه‌ی شریفه‌ی: «و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، دعوت به خیر و نیکی مقدم بر امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده و به عنوان یک عامل پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را کم می‌کند. دعوت به خیر (یدعون الی الخیر)، برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کم شود.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» عبارت: «اقامه‌ی همه‌ی واجبات و انتقام از دشمنان» در گزینه‌ی (۳)، از نتایج امر و نهی است.

گزینه ۱

۱۳۴۱

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، دعوت به خیر و نیکی یک عامل پیش‌گیری است که مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را کم می‌کند. این دعوت، مقدم بر امر به معروف است تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» تعبیر «نظارت همگانی» در گزینه‌ی (۳)، در مورد امر به معروف و نهی از منکر صادق است.

گزینه ۴

۱۳۴۲

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر - به کارهای پسندیده امر کنند و از کارهای ناپسند بازدارند»، اقدام مناسب در برابر گناهکار، وظیفه‌ی دوم مسلمانان به صورت درمان است که همان امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و به صورت نظارت همگانی است.

گزینه ۲

۱۳۴۳

دعوت به خیر و نیکی (یدعون الی الخیر)، سلامت جامعه را دوام می‌بخشد و به تعالی آن کمک می‌کند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یک‌دیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناه‌کار اقدام مناسب (امر به معروف و نهی از منکر) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند.

درس چهاردهم: نظارت همگانی

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۵۸	۱۴	۳۰
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۱	۳	۳

گزینه ۴

۱۳۳۳

براساس عبارت شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»، قرآن کریم، عامل اصلی وحدت جامعه‌ی اسلامی را، چنگ زدن به ریسمان الهی (حبل الله)، یعنی قبول فرمان‌های خدا می‌داند. و همگان را به چنگ زدن به این ریسمان امر می‌کند. و در ادامه اختلاف و دشمنی مسلمانان را در پیش از اسلام به آنان یادآوری می‌کند و می‌فرماید که این نعمت اسلام (حبل الله) بود که مسلمانان را با هم برادر کرد. (فأصبحتم بنعمته إخوانا).

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، با ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود.

گزینه ۴

۱۳۳۴

در عبارت شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»، قرآن کریم برای رهایی مسلمانان از اختلاف و دودستگی آنان را به اطاعت از فرامین الهی و تبعیت از قرآن او و جانشینان به حق او که همان حبل متین است، دعوت می‌کند تا امت واحد اسلامی محقق شود.

گزینه ۱

۱۳۳۵

قرآن در عبارت شریفه‌ی: «و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء»، اختلاف و دشمنی مسلمانان در پیش از اسلام را به آنان یادآوری می‌کند و تأثیر نعمت اسلام را در ایجاد اخوت و برادری بین آن‌ها بیان می‌کند (فأصبحتم بنعمته إخوانا) تا آنان با تمسک به حبل الله جامعه‌ی خود را از اختلاف و دودستگی مصون دارند.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است. زیرا این آیه مربوط به جنگ اُحد نمی‌باشد. قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا با ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر می‌توان بهترین امت شد.

گزینه ۲

۱۳۳۶

قرآن در عبارت شریفه‌ی: «و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء»، اختلاف و دشمنی مسلمانان را در پیش از اسلام به آنان یادآوری می‌کند و می‌گوید که زمانی که شما با هم دشمن بودید، خداوند میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد (فألف بین قلوبکم) و این نعمت اسلام بود که شما را با هم برادر کرد. (فأصبحتم بنعمته إخوانا) و جامعه‌ی شما را از پرتگاه آتش اختلاف نجات داد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا نعمت اسلام بین آن‌ها اخوت (إخوانا) برقرار کرد.

۱۲۵۱	گزینه ۲
افراد جامعه نمی‌توانند هدف‌های مخالف هم داشته باشند؛ زیرا هر کس جامعه و امکانات آن را به سمتی می‌برد و در پایان، نتیجه‌ای به دست نمی‌آید و امکانات هم از دست می‌رود. البته جامعه می‌تواند چند هدف که در یک جهت و تکمیل‌کننده‌ی هم باشند، داشته باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) و (۳) نادرست است، چراکه حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، ناامیدی یا امیدواری افراد در لحظه‌های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه‌ی ساکنان را تغییر می‌دهد. گزینه‌ی (۴) نادرست است، چراکه جامعه می‌تواند چند هدف که در یک جهت و تکمیل‌کننده‌ی هم باشند، داشته باشد.	
۱۲۵۲	گزینه ۱
آیا هر فردی به بهانه‌ی استقلال در مسائل شخصی، می‌تواند بگوید «من هرطور که میل دارم زندگی می‌کنم و انتخاب‌های من ارتباطی به دیگران ندارد؟» خیر، چنین استقلالی در جامعه امکان‌پذیر نیست. حتی کارهای شخصی افراد هم در جامعه تأثیر دارد؛ مثلاً کسی که با لباس نامناسب از منزل بیرون می‌آید، بر روحیه‌ی دیگران تأثیر می‌گذارد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در عین حال که همه مسئولند، لازم است گروه خاصی (و لکن منکم أمه) هم برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود.	
۱۲۵۳	گزینه ۴
دعوت به خیر (یدعون إلى الخیر)، برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کم شود. این دعوت، مقدم بر امر به معروف و نهی از منکر و به عنوان یک عامل پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را کم می‌کند. و ایجاد فضایی مناسب برای شایستگی‌هاست.	
۱۲۵۴	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۱۲۵۵	گزینه ۳
نتایج اجتماعی دعوت به خیر: ۱- هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد. ۲- هم به تعالی آن کمک می‌کند. ۳- هم به عنوان پیشگیری، مانع گسترش گناه می‌شود. ۴- نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم است، کم می‌کند. با توجه به این توضیحات، دعوت به خیر یک عامل پیش‌گیری است نه یک عامل درمان.	
۱۲۵۶	گزینه ۴
دعوت به خیر و نیکی، یک عامل پیش‌گیری است، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر، عامل درمان است.	
۱۲۵۷	گزینه ۴
از نتایج دعوت به خیر: ۱- هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد. ۲- هم به تعالی آن کمک می‌کند. ۳- هم به عنوان پیشگیری، مانع گسترش گناه می‌شود.	
۱۲۵۸	گزینه ۳
امام صادق (ع) فرموده است: «مؤثرترین راه فراخوانی به خیر و نیکی دعوت عملی است.» و همچنین می‌فرماید: «دعوت‌کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی که این رفتارها خود دعوت کننداند.»	

۱۲۴۴	گزینه ۴
امر به معروف و نهی از منکر مؤخر (پس) از دعوت به خیر و نیکی است که ضرورت انجام آن به دلیل ارتباط و پیوند عمیق انسان‌ها با یک‌دیگر و تأثیرپذیری فراوانی است که از یک‌دیگر دارند.	
۱۲۴۵	گزینه ۲
در آیه‌ی شریفه‌ی: «و لکن منکم أمة یدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و أولئک هم المفلحون»، تعبیر قرآنی: «و أولئک هم المفلحون - و آن‌ها هستند که رستگارانند.» بیانگر فرجام کسانی است که با «دعوت به خیر» و «امر به معروف و نهی از منکر» به حفظ وحدت جامعه کمک می‌کنند.	
۱۲۴۶	گزینه ۱
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، جامعه‌ی اسلامی مسئول رفتارهای یکدیگرند، (یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)، زیرا خداوند آن‌ها را سرپرستان یکدیگر (بعضهم أولیاء بعض) قرار داده است.	
«نکته‌ی طلایی» ولایت مؤمنان بر یکدیگر علت وجوب امر و نهی بین آنان است.	
۱۲۴۷	گزینه ۴
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله أولئک سیرحهم الله»، انجام این پنج عمل: «امر به معروف، نهی از منکر، نماز، زکات، اطاعت از خدا و رسولش»، عوامل برخورداری اهل ایمان از رحمت الهی (اولئک سیرحهم الله) است.	
«مقایسه» شرایط رسیدن جامعه‌ی اسلامی به فلاح و رستگاری، «دعوت به خیر و انجام امر و نهی» است. شرایط برخورداری جامعه‌ی اسلامی از رحمت الهی، «انجام امر به معروف، نهی از منکر، نماز، زکات، اطاعت از خدا و رسولش» است.	
۱۲۴۸	گزینه ۳
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله»، در صورتی جامعه‌ی اسلامی یک «جامعه‌ی نمونه» (خیر أمه) می‌شود که علاوه بر ایمان به خدا (و تؤمنون بالله) وظیفه‌ی امر به معروف (تأمرون بالمعروف) و نهی از منکر (تنهون عن المنکر) را به درستی انجام دهد.	
«مقایسه» شرایط تبدیل شدن به بهترین امت، «ایمان به خدا و انجام امر و نهی» است. شرایط رسیدن جامعه‌ی اسلامی به فلاح و رستگاری، «دعوت به خیر و انجام امر و نهی» است.	
۱۲۴۹	گزینه ۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
«نکته‌ی طلایی» شرط تبدیل شدن به امت وسط، پیامبر اسلام (ص) را الگو و شاهد خود گرفتن است. (و یكون الرسول علیکم شهیداً)	
۱۲۵۰	گزینه ۱
هیچ‌یک از ساکنان کشتی نمی‌تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت کشتی را تغییر دهند.	

۱۳۶۸	گزینه ۳
امام صادق (ع) درباره یک دسته از افراد قوم بنی اسرائیل می‌فرماید: «گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند، اما هنگامی که آن‌ها را ملاقات می‌کردند به روی آن‌ها می‌خندیدند و با آن‌ها مأنوس می‌شدند» «نتحه‌ی طلایی» انس با گناه‌کاران و ترک نهی از منکر علت شریک شدن قوم بنی اسرائیل به سرنوشت گناه‌کاران بود.	

۱۳۶۹	گزینه ۱
از پیام حدیث امام صادق (ع) درباره‌ی قوم بنی اسرائیل، درمی‌یابیم که اگرچه این گروه خود را به گناه آلوده نمی‌کردند ولی چون نهی از منکر را ترک کردند و با رفتارشان کارهای ناپسند دیگران را تأیید نمودند، در سرنوشت جامعه شریک شدند.	

۱۳۷۰	گزینه ۲
کسانی امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهند: ۱- در خیر و خوبی‌های جامعه شریک می‌شوند. ۲- و نزد خدا پاداش آن خوبی را خواهند داشت.	

۱۳۷۱	گزینه ۴
رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کسی به کار نیکی امر کند یا از کار بدی باز دارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن عمل سهیم و شریک است. و همچنین هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.»	

۱۳۷۲	گزینه ۱
امام علی (ع) در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره‌ی آبی است در برابر دریای پهناور.»	

۱۳۷۳	گزینه ۴
شرایط واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: ۱- بداند چیزی را که شخص مکلف ترک کرده و انجام نداده از واجبات است و یا آن‌چه را انجام داده از محرمات است. (حکم عمل را بداند) ۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد پس اگر نداند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست (بدانیم تکرار می‌کند). ۳- احتمال بدهد امر و نهی مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا این کار دارای تأثیر باشد (احتمال تأثیر بدسیم). ۴- بداند که در این امر و نهی مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجهی دارد، واجب نیست (بدانیم ضرر ندارد).	

۱۳۷۴	گزینه ۳
دومین شرط از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که امر به معروف و ناهی از منکر بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد پس اگر نداند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست (بدانیم تکرار می‌کند).	

۱۳۵۹	گزینه ۲
دعوت به خیر و نیکی، گرایش مردم به آن‌ها را افزایش می‌دهد و زمینه‌ی گناه را کم می‌کند. اما همواره افرادی هستند که از فرمان‌های الهی سرپیچی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند. در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند. این اقدام مناسب همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید.	

۱۳۶۰	گزینه ۲
به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یک‌دیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند.	

۱۳۶۱	گزینه ۱
در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند. این اقدام مناسب همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید.	

۱۳۶۲	گزینه ۲
امام حسین (ع)، هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای امر به معروف و نهی از منکر دانست.	

۱۳۶۳	گزینه ۴
حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در واقع وصیتی به همگان است، می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که: ۱- افراد شرور و بدکار بر شما مسلط می‌شوند. ۲- و آن‌گاه هرچه دعا کنید به اجابت نمی‌رسد.»	

۱۳۶۴	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۳۶۵	گزینه ۱
امام باقر (ع) فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ی بزرگ الهی است که: ۱- همه‌ی واجبات با آن برپا می‌شود. ۲- و به وسیله‌ی آن امنیت برپا می‌شود. ۳- کسب و کار مردم حلال ۴- و حقوق افراد تأمین می‌شود. ۵- و در سایه‌ی آن آبادانی می‌آید. ۶- و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود. ۷- و کارها رو به راه می‌شود.» «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» برپاداشتن امر به معروف و نهی از منکر، باعث برپاداشتن واجبات می‌شود نه واجبات و مستحبات.	

۱۳۶۶	گزینه ۴
مطابق فرمایش امام باقر (ع) با انجام امر به معروف و نهی از منکر همه‌ی واجبات برپا می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود.	

۱۳۶۷	گزینه ۲
قوم بنی اسرائیل هم در زمان حضرت داود (ع) و هم در عصر حضرت عیسی (ع) راه نافرمانی از خدا را در پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.	

۱۲۸۴	گزینه ۲
در مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر (موعظه و نصیحت) می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطقی بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و نتایج عمل خود بهتر پی ببرد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، نادرست است، زیرا بهره بردن از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطقی از مراحل امر و نهی است نه از شرایط آن.	

۱۲۸۵	گزینه ۴
اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم.	

۱۲۸۶	گزینه ۴
«روبرگرداندن از گناه کار»، مربوط به مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر و «نصیحت»، مربوط به مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر است.	

۱۲۸۷	گزینه ۲
اگر امر به معروف و نهی از منکر به روش درست انجام نگیرد نتیجه‌ی معکوس دارد، به طوری که گاهی سبب می‌شود شخص گناهکار بر گناه خود اصرار ورزد و اخوت اسلامی از بین برود.	

۱۲۸۸	گزینه ۲
امام خمینی ^(۵) در مورد روش اول امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند موظف است در انجام آن مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر- نشود. براساس دومین روش امر به معروف و نهی از منکر از نظر امام خمینی ^(۶) ، شخص باید مانند طبیعی مهربان عمل کند.	

۱۲۸۹	گزینه ۴
براساس چهارمین روش امر به معروف و نهی از منکر از نظر امام خمینی ^(۷) ، امر و نهی کننده باید از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد. براساس سومین روش امر به معروف و نهی از منکر از نظر امام خمینی ^(۸) ، امر و نهی کننده باید مصلحت مخاطب را رعایت کند.	

۱۲۹۰	گزینه ۱
باید که خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار نبیند و قصدش تنها رضای خدا (نه خلق) باشد. در روش امر به معروف و نهی از منکر، اگر بداند یا احتمال دهد که با تکرار مؤثر واقع می‌شود، باید آن را تکرار کند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در قسمت دوم گزینه‌ی (۳)، رضایت خلق نادرست است.	

۱۲۹۱	گزینه ۳
به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یک‌دیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناه کار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند. این اقدام مناسب همان «نظارت همگانی» است که به صورت «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» با توجه به کلمه‌ی اقدام مناسب در صورت سؤال که مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است، گزینه‌های (۱) و (۲) که مربوط به دعوت به خیر است نادرست می‌باشند.	

۱۲۷۵	گزینه ۲
کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناه کار عمل خود را تکرار نمی‌کند، امر و نهی کردن برای او واجب نیست. و اگر انسان احتمال صحیح بدهد که امر یا نهی ضرر جانی یا آبرویی دارد، انجام آن واجب نیست.	

۱۲۷۶	گزینه ۴
سومین شرط از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که امر به معروف و نهی از منکر کننده احتمال بدهد امر و نهی مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا این کار دارای تأثیر باشد.	

۱۲۷۷	گزینه ۱
اگر شرط سوم (احتمال تأثیر) نباشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.	

۱۲۷۸	گزینه ۱
با توجه به شرط سوم از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، با علم به عدم تأثیر امر و نهی، حکم وجوب (واجب بودن) امر و نهی رفع می‌شود.	

۱۲۷۹	گزینه ۲
براساس شرط چهارم از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اگر فرد بداند یا احتمال دهد که امر و نهی او ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجهی دارد، واجب نیست.	
«توضیح» لازم به ذکر است که اگر ضرر داشتن در اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیادی می‌دهد، پذیرش بسیاری از ضررها واجب است.	

۱۲۸۰	گزینه ۲
اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیادی می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ عقاید مسلمانان و قرآن مجید یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم؛ زیرا ممکن است به خاطر برپاداشتن یک معروف مهم یا از بین بردن یک منکر بزرگ، پذیرش بسیاری از ضررها واجب باشد.	

۱۲۸۱	گزینه ۴
مراحل امر به معروف و نهی از منکر به ترتیب عبارت است: ۱- رفتاری مثل این که از او روی برگردانیم یا به او اخم کنیم یا دوستی با او را ترک کنیم. (ترک مراوده) ۲- زبانی و با موعظه و نصیحت ۳- توسل به زور و جبر.	

۱۲۸۲	گزینه ۱
مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر این است که با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۲)، عبارت «یقین کند» نادرست است. قسمت اول گزینه‌های (۳) و (۴)، مربوط به مرحله‌ی سوم است نه دوم.	

۱۲۸۳	گزینه ۳
مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر این است که با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این عمل به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی برگردانیم یا به او اخم کنیم یا دوستی با او را ترک کنیم. (ترک مراوده)	

۱۲۹۲

گزینه ۲

تعبیر قرآنی: «و کنتم علی شفا حفرة من النار». بیانگر شدت اختلاف و دشمنی اعراب در قبل از اسلام است که به تعبیر قرآن جامعه‌ی اعراب را بر لبه‌ی پرتگاه آتش قرار داده بود و چیزی نمانده بود همگی در آتشی که در اثر تفرقه و اختلاف به دست خود افروخته بودند بسوزند، اما خدا آن‌ها را از آتش رهایی بخشید. (فأنقذکم منها) تعبیر قرآنی: «و أولئک هم المفلحون». فرجام کسانی است که با «دعوت به خیر» و «امر به معروف و نهی از منکر» به حفظ وحدت جامعه کمک می‌کنند.

۱۲۹۳

گزینه ۲

«علم به تکرار گناه توسط شخص گناهکار»، بیانگر دومین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر است. «ورود حاکم اسلامی برای منع گناه»، بیانگر مرحله‌ی سوم امر به معروف و نهی از منکر یعنی توسل به زور و جبر است. «احتمال تأثیر بیش‌تر امر و نهی با تغییر روش»، بیانگر سومین شرط امر به معروف و نهی از منکر است. و «رعایت مصلحت مخاطب امر به معروف و نهی از منکر»، از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر است.

تمرین تست‌زنی برای پاسخ دادن به تست‌های مربوط به شرایط و مراحل و روش امر به معروف و نهی از منکر، حتماً به روش رد گزینه‌های نادرست عمل کنید.

۱۲۹۴

گزینه ۲

مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله أولئک سیرحهم الله»، افراد جامعه‌ی اسلامی مسئول رفتارهای یکدیگرند (یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر)، زیرا خداوند آن‌ها را سرپرستان یکدیگر (بعضهم أولياء بعض) قرار داده است. انجام این پنج عمل (امر به معروف، نهی از منکر، نماز، زکات، اطاعت از خدا و رسولش)، زمینه‌ساز برخورداری اهل ایمان از رحمت الهی است. (أولئک سیرحهم الله)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۳)، نتیجه‌ی عبارت قرآنی: «کنتم خیر امة اخرجت للناس» نمی‌باشند. قسمت دوم گزینه‌ی (۴)، در صورت دعوت به خیر و انجام امر و نهی محقق می‌شود.

۱۲۹۵

گزینه ۲

مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر این است که با شخص گناه‌کار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم. در توضیح چهارمین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر آمده است که اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم.

۱۲۹۶

گزینه ۱

اقدام مناسب در برابر گناه‌کار همان «نظارت همگانی» است که به صورت «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید. انجام این پنج عمل: «امر به معروف، نهی از منکر، نماز، زکات، اطاعت از خدا و رسولش»، زمینه‌ساز برخورداری اهل ایمان از رحمت الهی است. (أولئک سیرحهم الله)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها با توجه به کلمه‌ی نظارت همگانی در صورت سؤال که مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است، گزینه‌های (۲) و (۴) که مربوط به دعوت به خیر است نادرست می‌باشند.

۱۲۹۷

گزینه ۲

اگر امر به معروف و نهی از منکر به روش درست انجام نگیرد، نتیجه‌ی معکوس دارد به طوری که گاهی سبب می‌شود فرد گناهکار بر گناه خود اصرار بورزد و اخوت اسلامی از بین برود. از نظر امام خمینی^(ع)، یکی از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر برای کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، این است که مصلحت مخاطب را رعایت کند.

۱۲۹۸

گزینه ۴

مطابق آیه‌ی شریفه‌ی: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله أولئک سیرحهم الله»، افراد جامعه‌ی اسلامی مسئول رفتارهای یکدیگرند (یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر)، زیرا خداوند آن‌ها را سرپرستان یکدیگر (بعضهم أولياء بعض) قرار داده است. براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله»، در صورتی جامعه‌ی اسلامی یک «جامعه‌ی نمونه» (خیر امة) می‌شود که علاوه بر ایمان به خدا (و تؤمنون بالله) وظیفه‌ی امر به معروف (تأمرون بالمعروف) و نهی از منکر (تنهون عن المنکر) را به درستی انجام دهد.

۱۲۹۹

گزینه ۴

در انجام امر به معروف و نهی از منکر «اگر احتمال دهد که از طریق امر و نهی او ضرر قابل توجهی دارد»، باید روش دیگری پیش بگیرد. و «اگر انجام یک معروف از امور مهم و احکام ضروری دین باشد و ضرر مورد توجه مکلف قرار گیرد»، باید ضررهای آن را بپذیرد و «اگر احتمال دهیم با موعظه از گناه دست برمی‌دارد»، لازم است به همین اکتفا کند.

۱۳۰۰

گزینه ۴

اگر وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به روش درست انجام نگیرد، نتیجه‌ی معکوس دارد. در توضیح چهارمین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر آمده است که اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. در موعظه و نصیحت که دومین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر است می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناه‌کار به عواقب و نتایج عمل خود بهتر پی ببرد.

۱۳۰۱

گزینه ۳

این که «او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد»، مربوط به سومین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر یعنی توسل به زور و جبر است. «استفاده از منطق برای افزایش تأثیر گذاری»، مربوط به دومین مرحله و «نبودن مفسده در امر و نهی»، چهارمین شرط در امر به معروف و نهی از منکر و «رعایت مصلحت مخاطب» از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر است.

۱۳۰۲

گزینه ۴

«نبودن مفسده در امر و نهی»، مربوط است به چهارمین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر و «رعایت مصلحت مخاطب» و «پرهیز از ارتکاب گناهانی چون دروغ و توهین»، در رابطه با روش‌های امر به معروف و نهی از منکر است.

گزینه ۱	۱۳۱۰
«علم به واجبات و محرمات»، اولین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر است. و در توضیح چهارمین شرط از شرایط امر به معروف و نهی از منکر آمده است که اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. اکتفا به «موعظه و نصیحت»، دومین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر و «تنها به قصد رضای خدا انجام دادن آن»، از روش‌های انجام آن است.	

گزینه ۲	۱۳۱۱
با این که دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌ها (وظیفه‌ی اول)، گرایش به آن‌ها را در مردم افزایش می‌دهد و زمینه‌های گناه را کم می‌کند. اما همواره افرادی هستند که از فرمان‌های الهی سرپیچی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یک‌دیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناه کار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند. این اقدام مناسب همان «نظارت همگانی» است که به صورت «امر به معروف و نهی از منکر» (وظیفه‌ی دوم) در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می‌شوند و آن‌گاه هرچه دعا کنید به اجابت نرسد.»	

گزینه ۲	۱۳۱۲
امام صادق^(ع) درباره‌ی یک دسته از افراد قوم بنی‌اسرائیل فرمود: «گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن‌ها را ملاقات می‌کردند به روی آن‌ها می‌خندیدند و با آن‌ها مأنوس می‌شدند.» این گروه با این که خود به گناه آلوده نبودند ولی به دلیل انس و ورزیدن با گناهکاران و ترک نهی از منکر و تأیید کارهای ناپسند دیگران با رفتارشان، در سرنوشت جامعه شریک شدند.	

گزینه ۴	۱۳۱۳
سربلندی جامعه در گرو انجام دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر است و بنابر سخن امام علی^(ع) ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب مستجاب نشدن دعا و تسلط افراد شرور می‌شود.	

گزینه ۱	۱۳۱۴
مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا این عبارت سخن امام صادق^(ع) نمی‌باشد.	

گزینه ۲	۱۳۱۵
از دیدگاه حضرت علی^(ع) ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث تسلط افراد شرور و بدکار جامعه بر مردم و عدم اجابت دعا می‌شود. امام صادق^(ع) مؤثرترین راه فراخوانی به خیر و نیکی را دعوت عملی می‌داند و می‌فرماید: «دعوت کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت کننده هستند.»	

گزینه ۱	۱۳۱۶
دعوت به خیر، به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم (امر به معروف و نهی از منکر) است، کم می‌کند. امام صادق^(ع) مؤثرترین راه فراخوانی به خیر و نیکی را دعوت عملی می‌داند.	

گزینه ۳	۱۳۰۳
از نظر امام باقر^(ع) امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ی بزرگ الهی است که ۱- همه‌ی واجبات با آن برپا می‌شود ۲- و به وسیله‌ی آن امنیت برقرار می‌گردد، ۳- کسب و کار مردم حلال ۴- و حقوق افراد تأمین می‌شود ۵- و در سایه‌ی آن آبادانی می‌آید ۶- و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود ۷- و کارها رو به راه می‌گردد. در آیه‌ی شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذكروا نعمه الله علیکم...»، علت نشان دادن آیات الهی (کذلک یتبین الله لکم آیاته)، امکان برخورداری از هدایت الهی (لعلکم تهتدون) معرفی شده است. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت اول گزینه‌ی (۱)، مطابق حدیث امام علی^(ع) صحیح است نه امام باقر^(ع).	

گزینه ۴	۱۳۰۴
«رفتاری همانند طبیب مهربان داشتن» و «رعایت مصلحت مخاطب»، هر دو مربوط به روش امر به معروف و نهی از منکر و «جدی تلقی کردن احکام ضروری دین»، مربوط به شرایط و «امر به معروف به اجازه‌ی حاکم اسلامی»، مربوط به مرحله‌ی سوم امر به معروف و نهی از منکر است.	

گزینه ۴	۱۳۰۵
با توجه به ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذكروا نعمت الله علیکم اذ كنتم اعداء فآلف بین قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً و كنتم علی شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك یتبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون»، لازمه‌ی تمسک به ریسمان محکم الهی (و اعتصموا بحبل الله جمیعاً)، همدلی، برادری (فأصبحتم بنعمته إخواناً) و دوری از اختلاف و تفرقه در جامعه‌ی اسلامی (لا تفرقوا) است.	

گزینه ۱	۱۳۰۶
در آیه‌ی شریفه‌ی: «و لتكن منكم أمةٌ يدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و أولئک هم المفلحون»، تعبیر قرآنی: «و أولئک هم المفلحون»، فرجام کسانی است که با «دعوت به خیر» و «امر به معروف و نهی از منکر» به حفظ وحدت جامعه کمک می‌کنند.	

گزینه ۱	۱۳۰۷
چهارمین شرط از شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر این است که: بداند که در این امر و نهی او مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری را پیش گیرد.	

گزینه ۱	۱۳۰۸
دعوت به خیر و نیکی مقدم بر امر به معروف و نهی از منکر است: ۱- برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌ها ۲- تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد. دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌های (۲) و (۳)، از نتایج امر به معروف و نهی از منکر است.	

گزینه ۳	۱۳۰۹
نتایج اجتماعی دعوت به خیر: ۱- هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد. ۲- هم به تعالی آن کمک می‌کند. ۳- هم به عنوان پیشگیری، مانع گسترش گناه می‌شود. ۴- نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم است، کم می‌کند.	

۱۳۲۴	گزینه ۲
پنجمین روش امر به معروف و نهی از منکر، فقط به قصد کسب رضای خدا عمل کردن است. هفتمین روش امر به معروف و نهی از منکر، تکرار در احتمال اثر داشتن است.	
دومین مرحله امر به معروف و نهی از منکر استمداد از استدلال و منطق برای تحقق تأثیر است.	
۱۳۲۵	گزینه ۲
دعوت به خیر و نیکی، یک عامل پیشگیری و مقدم بر امر به معروف نهی از منکر است تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد.	
۱۳۲۶	گزینه ۴
«توسل جستن به موعظه و نصیحت» بیانگر دومین مرحله از مراحل، «هم‌چون طیبی مهربان رفتار کردن» بیانگر روش، «آگاهی به مفسده نداشتن» بیانگر چهارمین شرط از شرایط، «با استدلال و منطق کار را پیش بردن»، بیانگر دومین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر است.	
۱۳۲۷	گزینه ۲
دعوت به خیر، مقدم بر امر و نهی است و به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم (امر به معروف و نهی از منکر) است، کم می‌کند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، آیه‌ی شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»، به مسأله‌ی وحدت جامعه‌ی اسلامی پیرامون «حبل الله» اشاره دارد. در گزینه‌ی (۳)، آیه‌ی شریفه‌ی: «کنتم خیر امة اخرجت للناس»، از شرایط تبدیل شدن به امت نمونه سخن گفته است. در گزینه‌ی (۴)، آیه‌ی شریفه‌ی: «و اذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء»، به نقش اسلام در رفع اختلاف قبایل عرب اشاره دارد.	
۱۳۲۸	گزینه ۴
مطابق فرمایش امام علی ^(ع) ، تسلط افراد شرور بر جامعه و عدم استجابت دعا، بازتاب و نتیجه‌ی ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است.	
۱۳۲۹	گزینه ۱
حضرت علی ^(ع) در وصیت خود به امام حسن ^(ع) و امام حسین ^(ع) که در واقع وصیتی به همگان است، می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می‌شوند و آن‌گاه هرچه دعا کنید به اجابت نرسد.»	
۱۳۳۰	گزینه ۴
امام علی ^(ع) می‌فرماید: «تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ی آبی است در برابر دریای پهنای پناه‌آور.»	
۱۳۳۱	گزینه ۳
دومین شرط از شرایط وجوب امر و نهی این است که بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست. (در صورتی که در این گزینه «واجب است» آمده است.)	

۱۳۱۷	گزینه ۳
در گزاردن فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، «ترک خود برترینی»، بیانگر روش امر به معروف و نهی از منکر، «رعایت مصلحت مخاطب»، بیانگر روش، «آگاهانیدن گناهکار به عواقب عمل زشت» مربوط به مراحل (در موعظه و نصیحت می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناه‌کار به عواقب و نتایج عمل خود بهتر پی ببرد)، و «اکتفاء به نصیحت با احتمال تأثیر»، مربوط به مراحل امر و نهی (با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم) است.	
۱۳۱۸	گزینه ۳
عبارت شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً»، بیانگر هم‌بستگی اجتماعی و عبارت: «و یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، مبین نظارت همگانی است.	
۱۳۱۹	گزینه ۲
«توسل جستن به موعظه و نصیحت»، بیانگر مرحله‌ی دوم و «هم‌چون، طیبی مهربان رفتار کردن»، بیانگر روش و «آگاهی به مفسده نداشتن»، بیانگر شرایط و «با استدلال و منطق کار را پیش بردن» بیانگر مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر است.	
۱۳۲۰	گزینه ۳
«خود را برتر از گناه‌کار و منزّه از گناه نپنداشتن»، بیانگر روش امر به معروف و نهی از منکر، «احتراز (پرهیز) از ارتکاب به گناه دروغ، توهین و تحقیر»، بیانگر روش و «تفهم عملی روی گرداندن و اخم کردن نسبت به کار زشت»، بیانگر مرحله‌ی اول امر به معروف و نهی از منکر است.	
۱۳۲۱	گزینه ۴
اولین شرط از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که بداند چیزی را که شخص مکلف ترک کرده و انجام نداده از واجبات است و یا آن‌چه را انجام داده از محرمات است. (حکم عمل را بدانیم.)	
براساس سومین روش امر به معروف و نهی از منکر از نظر امام خمینی ^(ره) ، امر و نهی کننده باید مصلحت مخاطب را رعایت کند.	
امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ نظام اسلامی و از بین بردن ظلم و فساد بنی‌امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند. (چهارمین شرط)	
۱۳۲۲	گزینه ۲
قرآن در آیه‌ی شریفه‌ی: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا...»، مسلمانان را به یاد وضعی که پیش از اسلام داشتند می‌اندازد و می‌گوید این نعمت اسلام بود که شما را با هم برادر کرد.	
۱۳۲۳	گزینه ۳
در چهارمین روش امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی کننده باید از خودخواهی و خودستایی پرهیزد.	
سومین مرحله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، توسل به زور و جبر است.	
اولین شرط وجوب، بداند چیزی را که شخص مکلف ترک کرده و انجام نداده از واجبات است و یا آن‌چه را انجام داده از محرمات است.	
دومین مرحله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم.	

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «فی سبیل الله» در گزینه‌ی (۲) زکات تعلق می‌گیرد.

گزینه ۱

«للفقراء والمساكين والعاملین علیها»، از موارد مصرف زکات می‌باشند.

گزینه ۱

به هر گونه غنیمتی که به دست آید (و اعلمو انما غنمتم من شیء)، خمس تعلق می‌گیرد که «یتیمان و مساکین و در راه ماندگان»، از موارد مصرف خمس می‌باشند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۳)، غارمین از موارد مصرف زکات می‌باشد.

گزینه ۳

«فی سبیل الله» و «فقراء» از موارد مصرف زکات است و «و ابن السبیل»، از موارد مصرف خمس و زکات می‌باشد.

گزینه ۲

در آیه‌ی شریفه: «و ذروا ما بقی من الرّبا ان کنتم مؤمنین»، مؤمنان، پیش از ترک ربا، به رعایت تقوای الهی (اتقوا الله) سفارش شده‌اند تا زمینه‌ساز ترک ربا باشد. و همچنین براساس این آیه، ترک ربا مشروط (شرط شده) بر ایمان است.

گزینه ۴

براساس عبارت شریفه: «و ذروا ما بقی من الرّبا ان کنتم مؤمنین»، ترک ربا مشروط (شرط شده) بر ایمان است. به عبارت دیگر ترک ربا شرط مؤمن بودن است.

گزینه ۱

در عصر رسول خدا^(ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند (و ذروا ما بقی من الرّبا) و ترک آن نیز از نشانه‌های ایمان به خدا معرفی شده است.

گزینه ۳

پس از اعلام حرمت ربا از سوی خداوند برای مردمی که آلوده‌ی «ربا» بودند؛ دستور آمد هر کس به رباخواری ادامه دهد (فان لم تغفلوا)، با خدا و رسول او^(ص) اعلان جنگ کرده است. (فأذنوا بحرب من الله و رسوله) و براساس آیه‌ی شریفه: «و ان تبتم فلکم رؤوس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون»، توبه از ربا و ترک آن، این سه نتیجه را به همراه دارد: الف- فلکم رؤوس أموالکم ب- لا تظلمون ج- و لا تظلمون

گزینه ۴

با استناد به عبارت شریفه: «فلکم رؤوس أموالکم»، برای تحقق توبه از ربا، توبه‌کار باید تنها اصل سرمایه‌ی خود را دریافت کند و آن چه را علاوه بر اصل سرمایه از مردم گرفته به صاحبانش برگرداند.

گزینه ۲

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها سایر گزینه‌ها، بی‌ربط و نادرست است.

گزینه ۴

«احتمال تأثیر (به معنای اینکه احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود)»، شرط سوم از شرایط وجوب امر و نهی است. «خود را از گناه کار برتر نبیند»، از روش‌های امر و نهی است. «علم به واجبات و محرمات»، اولین شرط از شرایط وجوب امر و نهی است.

گزینه ۲

طبق فرمایش امام باقر^(ع)، با امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی واجبات برپا می‌شود نه همه‌ی مستحبات.

گزینه ۱

«رعایت مصالح مخاطب»، از روش‌های امر و نهی است. «موعظه و نصیحت»، دومین مرحله‌ی امر و نهی است. «دانستن تکرار گناه توسط گناه کار»، دومین شرط از شرایط وجوب امر و نهی است.

درس پانزدهم: کار و درآمد حلال

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۶۵	۱۵	۲۰
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۵	۳	۷

گزینه ۱

زکات بر ۹ مال (گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند، طلا و نقره) واجب شده است که موارد مصرف آن در آیه‌ی شریفه: «انما الصدقات للفقراء و المساکین...»، ۸ مورد ذکر شده است: ۱- فقرا (للفقراء) ۲- مساکین (المساکین) ۳- جمع‌کنندگان آن (العاملین علیها) ۴- پیوند قلب‌ها (مقصود از «مؤلفه قلوبهم» کسانی هستند که با دادن سهمی از زکات به ایشان، دل‌هایشان به طرف اسلام متمایل می‌شود و به تدریج به اسلام درمی‌آیند). ۵- آزاد کردن بردگان (فی الرقاب) ۶- عرغامت دیدگان (لغارمین) ۷- در راه خدا (فی سبیل الله) ۸- در راه ماندگان (ابن السبیل)

گزینه ۲

رسول خدا^(ص) و سادات، از موارد مصرف خمس می‌باشند.

گزینه ۴

تعبیر قرآنی: «فریضة من الله»، درباره‌ی زکات به کار رفته که یکی از واجبات شرعی و لازمه‌ی مسلمانی (نه انسانی) است. این سه مورد: «و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل»، از موارد مصرف زکات می‌باشند.
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌ی (۲)، از موارد مصرف خمس است نه زکات.

گزینه ۴

خمس یک اتفاق واجب است که به هفت چیز، از جمله منفعت کسب و کار (رایج‌ترین آن‌ها) و به هر گونه غنیمتی که به دست آید (و اعلمو انما غنمتم من شیء)، تعلق می‌گیرد. موارد مصرف خمس که در این آیه آمده است به ترتیب عبارت است از: ۱- خداوند (الله) ۲- رسول خدا^(ص) (للسول) ۳- ذی‌القربی (لذی القربی) ۴- یتیمان (الیتامی) ۵- مساکین (المساکین) ۶- در راه ماندگان (ابن السبیل)

۱۳۵۷	گزینه ۲
در عصر رسول خدا ^(ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند، تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و هر کس به رباخواری ادامه دهد، با خدا و رسول او ^(ص) اعلان جنگ کرده است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که آلودگی اعراب به ربا تا بعد از پذیرش اسلام نیز ادامه داشت.	
۱۳۵۸	گزینه ۴
در هر فعالیت اقتصادی دو عامل دخالت دارد: ۱- سرمایه، ۲- کار. سودی که نتیجه‌ی این فعالیت است بنابر توافق قبلی میان صاحب سرمایه و انجام دهنده‌ی کار تقسیم می‌شود.	
۱۳۵۹	گزینه ۱
برنامه‌ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع محرومیت و فاصله‌ی طبقاتی است.	
۱۳۶۰	گزینه ۲
سرمایه باید مانند خون در رگ‌های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.	
۱۳۶۱	گزینه ۱
اگر سرمایه‌ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود چرخ تولید به راه می‌افتد و ثروتی که از این راه به دست می‌آید، باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود.	
۱۳۶۲	گزینه ۴
سودی که از راه مشارکت کار و سرمایه به دست می‌آید: ۱- نه تنها حلال و پاک است ۲- بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.	
۱۳۶۳	گزینه ۳
توزیع عادلانه‌ی سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه، یکی از راه‌های برقراری عدالت است.	
۱۳۶۴	گزینه ۴
در نظام اسلامی، بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می‌کند تا وام گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، چرا که سود حاصل از این کار، میان بانک و صاحب سرمایه (نه صاحبان مشاغل) تقسیم می‌شود.	
گزینه‌ی (۲) نادرست است، چرا که بانک به عنوان صاحب سرمایه (نه صاحب کار) با افراد جامعه وارد مشارکت می‌شود. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چرا که بانک (نه سرمایه‌دار)، سرمایه خود را به صورت وام در اختیار افراد جامعه می‌گذارد و طبق قراردادی با آنان در کار مشخصی شرکت می‌کند.	
۱۳۶۵	گزینه ۳
اساس بانکداری در نظام اسلامی بر مشارکت بانک و افراد است. آن چه اهمیت دارد این است که بانک‌ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه بتوانند همکاری سازنده با بانک را داشته باشند.	

۱۳۴۸	گزینه ۱
منطق فطرت برای پدید آورنده‌ی یک شیء، حق تصرف (ولایت) در آن را می‌پذیرد و او را مالک آن می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه‌ی موجودات خداست.	
۱۳۴۹	گزینه ۳
منطق فطرت آدمی که برای پدید آورنده‌ی یک شیء، حق تصرف (ولایت) و مالکیت قائل است (علت)، به همین دلیل مالکیت اصلی و حقیقی موجودات را از آن خداوند می‌داند که خالق تمامی مخلوقات است.	
۱۳۵۰	گزینه ۲
مطابق این سخن پیامبر ^(ص) که فرمودند: «هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود»، کار باید مولد و خلاق باشد و یا نتیجه‌ی مفیدی داشته باشد. تا بتوان نام کار بر آن گذاشت، در غیر این صورت کاری کاذب و دروغین است.	
۱۳۵۱	گزینه ۴
در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.	
۱۳۵۲	گزینه ۴
روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد، یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده‌اند.	
۱۳۵۳	گزینه ۳
رسول خدا ^(ص) فرمودند: «هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود.»	
۱۳۵۴	گزینه ۱
پول وسیله‌ای برای مبادله‌ی کالا است. اگر پول خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد بدون این که فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» سایر گزینه‌ها مصداق ربا نمی‌باشند.	
۱۳۵۵	گزینه ۱
ادامه‌ی ربا سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و طبقه‌ای استثمارگر در جامعه پدید آید.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۳)، طبقه‌ی فسادگر نادرست است.	
۱۳۵۶	گزینه ۴
امروزه، سرمایه‌داران بزرگ جهانی با بهره‌های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می‌دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی‌کنند، ناچار می‌شوند معادن و ثروت‌های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه‌داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.	

۱۳۷۵	گزینه ۲
زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات (شتر، گاو، گوسفند ...) به حد معین یا تعداد معین برسد. هر یک از این اموال نه گانه حد نصاب خاصی دارند.	

۱۳۷۶	گزینه ۴
زکات بر طلا و نقره در صورتی واجب می شود که به صورت سکه های باشد که معامله با آن رواج دارد.	

۱۳۷۷	گزینه ۳
زکات یک عبادت است و باید (واجب است) به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.	

۱۳۷۸	گزینه ۲
زکات بر طلا و نقره در صورتی واجب می شود که به صورت سکه های باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین زیور آلات خانمها، زکات ندارد. توضیح: زیور آلات خانمها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آنها باشد و جنبه ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخته شود.	

۱۳۷۹	گزینه ۳
کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ، عاقل و هشیار است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلوگرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند اینها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی است.	

۱۳۸۰	گزینه ۴
کسی که نمی تواند مخارج سال خود و خانواده اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج خود و خانواده اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست و همچنین کسی که دیگری باید فطره ی او را بدهد واجب نیست فطره ی خود را بدهد.	

۱۳۸۱	گزینه ۳
انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خدا بپردازد و موقع پرداختن نیت زکات فطره نماید. نکته ی طلایی: هم در زکات و هم در زکات فطره، حکم نیت به قصد قرب الهی در هنگام پرداخت دو مورد واجب است.	

۱۳۸۲	گزینه ۱
خمس، یکی از راه های تأمین هزینه های عمومی است که به هفت چیز تعلق می گیرد و رایج ترین آنها منفعت کسب و کار است. یادآوری: زکات بر ۹ مال تعلق می گیرد که موارد مصرف آن در آیات قرآن ۸ مورد عنوان شده است.	

۱۳۸۳	گزینه ۳
رایج ترین مورد تعلق خمس، منفعت کسب و کار است. یعنی کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می کنند، پس از صرف هزینه های سالانه ی زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آن چه را باقی مانده به عنوان خمس بپردازند.	

۱۳۶۶	گزینه ۱
روشن است اگر بانکها بخش بیش تری از سود به دست آمده را بپردازند، روش عادلانه ای را پیش نگرفته اند.	

۱۳۶۷	گزینه ۳
قانون بانکداری جمهوری اسلامی که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است، مبنای عمل بانکهاست. و براساس مشارکت کار و سرمایه استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.	

۱۳۶۸	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۳۶۹	گزینه ۴
قانون بانکداری جمهوری اسلامی براساس مشارکت کار و سرمایه استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.	

۱۳۷۰	گزینه ۳
جامعه ی اسلامی هزینه هایی دارد که دو راه برای تأمین آن پیش بینی شده است: الف) اتفاق که به دو صورت مستحب (صدقه) و واجب (خمس و زکات) است. ب) مالیات	

۱۳۷۱	گزینه ۳
تحصیل طلاب، دانش آموزان، دانشجویانی که از تمکن کافی برخوردار نیستند، از طریق اتفاق مستحب است.	

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: در گزینه ی (۱)، رسول خدا و ذی القربی و یتیمان، از موارد مصرف خمس و در گزینه ی (۲)، آزاد کردن بردگان و غرامت دیدگان و در راه خدا، از موارد مصرف زکات و در گزینه ی (۴)، سید فقیر و یتیم و در راه مانده، از موارد مصرف خمس می باشند.	
--	--

۱۳۷۲	گزینه ۱
زکات یک اتفاق واجب است که به نه مال تعلق می گیرد.	

۱۳۷۳	گزینه ۳
بر این ۹ مال زکات تعلق می گیرد: الف- غلات: گندم، جو، خرما، کشمش ب- دامها: شتر، گاو، گوسفند ج- سکه ها: طلا و نقره (به برنج زکات تعلق نمی گیرد)	

دلیل نادرستی سایر گزینه ها: در گزینه ی (۱)، برنج از موارد مصرف زکات نمی باشد. در گزینه ی (۲)، زیور آلات از موارد مصرف زکات نمی باشد و در صورت اضافه بودن، به آنها خمس تعلق می گیرد. در گزینه ی (۴)، اسب از موارد مصرف زکات نمی باشد.	
---	--

۱۳۷۴	گزینه ۲
به کشمش و خرما زکات تعلق می گیرد و از موارد مصرف آن «فی سبیل الله» می باشد. دلیل نادرستی سایر گزینه ها: در گزینه ی (۴)، تعریف «ابن السبیل» نادرست است، چرا که «ابن السبیل»، کسی است که در سفر درمانده شود.	

نکته‌ی طلایی» خمس و زکات، هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه را تأمین می‌کند و مالیات، هزینه‌های برآمده از زندگی اجتماعی و شرعی را تأمین می‌کند.

گزینه ۱

۱۳۹۲

امام علی^(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر حاکم مصر فرمود: «کار دیگران سامان نیابد، مگر آن که کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه‌ی مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند.»

سؤال» اینکه همه‌ی مردم جیره‌خوار مالیات هستند، سامان‌یابی کار مردم را ضروری می‌سازد یا مالیات دهندگان؟

گزینه ۳

۱۳۹۳

امام علی^(ع) در ادامه‌ی نامه‌ی خود به مالک اشتر فرمود: «باید بیش از آن که به جمع مالیات بیندیشی در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به‌دست نیابد.»

گزینه ۲

۱۳۹۴

امام علی^(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر حاکم مصر فرمود: «هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.»

گزینه ۲

۱۳۹۵

قرض بدون ربا، قرض الحسنه است. دو عبارت: «یضاعف لهم» و «لهم أجر کریم»، پاداش خداوند به کسانی است که صدقه و قرض‌الحسنه می‌دهند.

نکته‌ی طلایی» اجر کریم و پاداشی مضاعف، نتیجه‌ی صدقه و قرض‌الحسنه است.

گزینه ۴

۱۳۹۶

اگر قوم بنی‌اسرائیل این پنج عمل را انجام دهند: ۱- برپاداشتن نماز (لئن أقمتم الصلاة) ۲- دادن زکات (و آتیتهم الزکاة) ۳- ایمان آوردن به فرستادگان الهی (و آمنتم برسلی) ۴- یاری کردن آنان (و عزّرتموهم) ۵- دادن قرض‌الحسنه (و أقرضتم الله قرضاً حسناً) علاوه بر این که خداوند همراه آنان خواهد بود، دو پاداش دیگر نیز مشمول آنان خواهد شد: الف- بخشش گناهان آنان (لأکفرن عنکم سیئاتکم) ب- وارد شدن به بهشت (و لدخلنکم جنّات تجری من تحتها الانهار)

گزینه ۱

۱۳۹۷

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۳

۱۳۹۸

تعبیر قرآنی: «فقد ضلّ سواء السبیل - در حقیقت از راه راست گمراه شده است»، در مورد کافران (فمن کفر بعد ذلک منکم) به کار رفته است.

یادآوری» سیمای کافران در آیات سال دوم: درس ۸ (و نفخ فی الصور فإذا هم من الأجدات إلى ربهم ینسلون قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون) و درس ۹ (و سیق الذین کفروا إلى جهنم زمراً حتی إذا جاؤوها فتحت أبوابها و ... قبل ادخلوا أبواب جهنم خالدين فیها فبئس مثوی المتکبرین) و درس ۱۵ (فقد ضلّ سواء السبیل)

گزینه ۴

۱۳۸۴

هر کس باید برای پرداخت خمس حساب سال داشته باشد، یعنی هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس خود قرار دهد و در هر سال، وقتی به آن روز رسید ببیند آیا پرداخت خمس بر عهده‌اش هست یا نه.

گزینه ۱

۱۳۸۵

پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد - چه به صورت پول چه به صورت کالا- باید یک پنجم آن را به عنوان خمس جدا کرده و به حاکم اسلامی و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا در راه‌هایی که قرآن کریم و رسول اکرم^(ص) و ائمه‌ی اطهار^(ع) معین کرده‌اند، به مصرف برساند.

روش مطالعه» عین عبارت‌های احکام را باید حفظ باشید تا بتوانید به این نوع تست از احکام پاسخ درست بدهید.

گزینه ۲

۱۳۸۶

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۴

۱۳۸۷

تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست. اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه‌ای خریداری شود، نماز خواندن در آن باطل است.

روش تست‌زنی» در پاسخ به سؤالات احکام، فقط باید براساس عبارت‌های کتاب پاسخ دهید. سعی کنید کمتر براساس استدلالی که بر پایدی اطلاعات ناقص است، پاسخ دهید.

گزینه ۳

۱۳۸۸

آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریداری شده است - مانند برنج، روغن و چای - اگر در آخر سال زیاد بیايد - باید خمس آن چه باقی مانده است، پرداخته شود.

نکته‌ی طلایی» به برنج، زکات فطره (در صورتی که غذای اصلی شخص باشد) و خمس (در صورتی که از مصرف سال شخص زیاد بیايد) تعلق می‌گیرد.

گزینه ۴

۱۳۸۹

به زیور آلات خانم‌ها در صورتی که ۱- بیش از مقدار مصرفی متداول آن‌ها باشد ۲- و جنبه‌ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است که باید پرداخته شود.

یادآوری» به طلا و نقره در صورتی که سکه‌ی مورد معامله باشند، زکات تعلق می‌گیرد.

گزینه ۲

۱۳۹۰

پرداخت مالیات برای تأمین هزینه‌های شهر و کشور است و پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌مان در جامعه است. از این رو پرداخت‌کننده‌ی مالیات نباید متنی بر کسی داشته باشد.

گزینه ۴

۱۳۹۱

امام علی^(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر حاکم مصر فرمود: «برنامه‌ی مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است.»

گزینه ۱	۱۴۰۴
عبارت: «لاکفرن عنکم سیئاتکم» به «پوشاندن گناهان» و عبارت «یضاعف لهم و لهم اجر کریم» به «پاداش دو چندان و ارزشمند»، اشاره دارند.	

گزینه ۴	۱۴۰۵
با توجه به حرف «ان» که از ادات شرط است و در آیهی شریفه: «ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم و یغفر لکم و الله شکور حلیم»، مشروط بودن افزایش سرمایه به دادن وام بدون ربا است، یعنی دادن قرض الحسنه (نه صدقه) که همان وام بدون ربا می باشد به افزایش سرمایه از سوی خداوند می انجامد. و عبارت «لا تظلمون» در آیهی شریفه: «یا ایها الذین ءامنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم...»، نتیجهی توبه از ربا و در صورت تحقق دست یابی قرض دهنده به اصل سرمایهی خویش است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه ها» قسمت اول گزینهی (۱) نادرست است، چون در این آیه شرط نشده و ادات شرط وجود ندارد. در این آیه، خداوند تأکید می کند اگر صدقه و قرض الحسنه بدهید، قطعاً پاداشی دو چندان و اجری کریم نصیبتان خواهد شد.	

گزینه ۱	۱۴۰۶
مطابق آیهی شریفه: «ان المصدقین و المصدقات و اقضوا الله قرضا حسنا یضاعف لهم و لهم اجر کریم»، پاداش «لهم اجر کریم»، نتیجهی صدقه و قرض الحسنه است. و مطابق آیهی شریفه: «ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم و یغفر لکم و الله شکور حلیم»، پاداش «یضاعفه لکم و یغفر لکم»، نتیجهی قرض الحسنه می باشد و و مطابق آیهی شریفه: «لا تظلمون و لا تظلمون»، از نتایج توبه از ربا می باشد.	

گزینه ۲	۱۴۰۷
راهکار قرآنی انسداد محاربه با خدا و رسول ^(ص) ، ترک ربا است که در آیهی شریفه: «... و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین و ان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون»، معرفی شده است. و ثمره و پاداش برپایی نماز همواره با پرداخت زکات و ایمان به رسولان خداوند و یاری آن ها در آیهی کریمه: «و قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلاه و ءاتیتم الزکاه و ءامنتم برسلی عزرتموهم و اقرضتم الله قرضا حسنا لأکفرن عنکم سیئاتکم و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار» تصریح شده است.	
«تمرین تست زنی» این تست را باید با توجه به قسمت دوم سؤال پاسخ دهید.	

گزینه ۳	۱۴۰۸
خمس بر ۷ چیز واجب می شود که موارد مصرف خمس در آیات قرآن، شش مورد عنوان شده است و از جملهی این موارد: «لذی القربی و الیتامی» است و به سکه هایی که با آن ها معامله رواج دارد، زکات تعلق می گیرد.	

گزینه ۱	۱۴۰۹
اگر گفته شود: «شرط افزایش سرمایه و آموزش الهی، وام بدون بهره همراه با حسن فاعلی است»، این مفهوم آیهی شریفه: «ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم...» است.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه ها» در گزینهی (۲)، نتیجهی صدقه و قرض الحسنه، افزایش سرمایه و پاداشی نیکو معرفی شده است. در گزینهی (۳)، پاداش قرض الحسنه، پوشاندن گناهان و ورود به بهشت معرفی شده است. در گزینهی (۴)، منظور از صدقات، همان زکات واجب می باشد.	

گزینه ۲	۱۳۹۹
وعدۀی خداوند به کسانی که قرض الحسنه می دهند این است که پاداش آنان را دو چندان می گرداند (یُضاعِفُهُ لَکُمْ) و گناهان آنان را می بخشد. (وَ یَغْفِرُ لَکُمْ)	
«جمع بندی» عبارت شریفه: «یضاعف لهم و لهم اجر کریم»، پاداش خداوند به صدقه و قرض الحسنه دهندگان است. و عبارت شریفه: «لاکفرن عنکم سیئاتکم و لادخلنکم جنات...»، پاداش انجام «نماز، زکات، ایمان به پیامبران، یاری آن ها و دادن قرض الحسنه» است. «یضاعفه لکم و یغفر لکم»، پاداش صدقه است.	

گزینه ۱	۱۴۰۰
در آیهی شریفه: «اقرضتم الله قرضا حسنا لاکفرن عنکم سیئاتکم و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل»، پاداش قرض الحسنه، وارد شدن به بهشت (و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار) و کفر به نعمت های الهی (فمن کفر بعد ذلک منکم) علت گمراهی (فقد ضل سواء السبیل) معرفی شده است.	
«نکتهی طلایی» در دین و زندگی سال دوم، دو کلمه ای احباط و تکفیر آمده است. احباط گناهانی است که حسنات را از بین می برند. (کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت أعمالهم). تکفیر حسناتی هستند که گناهان را از بین می برند. (اقرضتم الله قرضا حسنا لاکفرن عنکم سیئاتکم)	

گزینه ۳	۱۴۰۱
کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می کنند، پس از صرف هزینه های سالانۀ زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آن چه را باقی مانده به عنوان خمس بپردازند. قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپا داشتن نماز (مقدم) بر پرداخت زکات (مؤخر) تأکید کرده است.	
«نکتهی طلایی» منظور از زکات در آیهی ولایت، زکات مستحب یا صدقه می باشد. (و یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاة و هم راکعون)	

گزینه ۴	۱۴۰۲
امام علی ^(ع) در نامه ای به مالک اشتر حاکم مصر فرمود: «برنامه ی مالیات را به گونه ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات دهندگان است.» و همچنین فرموده اند: «باید بیش از آن که به جمع مالیات بیندیشی در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیابد.»	

گزینه ۱	۱۴۰۳
در آیهی شریفه: «ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم و یغفر لکم و الله شکور حلیم»، وعدهی خداوند به کسانی که قرض الحسنه می دهند این است که پاداش آنان را دو چندان می گرداند (یضاعفه لکم) و گناهان آنان را می بخشد. (و یغفر لکم) چون خداوند سپاس پذیر (شکور) است، پاداش بندگان مخلصی که قرض الحسنه می دهند را مضاعف و آنان را مشمول رحمت خود می گرداند.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه ها» با توجه به آخر آیه، قسمت دوم گزینهی (۳) نادرست است، زیرا آموزش مفهوم عبارت: «اُکْفِرُنْ» می باشد که در آیهی شریفه: «و قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلاه و ءاتیتم الزکاه و ءامنتم برسلی عزرتموهم و اقرضتم الله قرضا حسنا لاکفرن عنکم سیئاتکم و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار» به آن اشاره شده است.	



نکته‌ی طلایی» پرداخت مالیات، برای هزینه‌های برآمده از زندگی اجتماعی و شهری است. پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌ی خودمان در جامعه است؛ از این‌رو پرداخت‌کننده‌های مالیات نباید منتی بر کسی داشته باشند.

گزینه ۳

۱۴۱۷

با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون»، برای تحقق توبه از ربا، توبه کار باید تنها اصل سرمایه خود را دریافت کند (فلکم رؤوس اموالکم) و چیزی مازاد بر آن از قرض گیرنده دریافت نکند. توبه از ربا و ترک آن، این سه نتیجه را به همراه دارد: الف- فلکم رؤوس اموالکم ب- لا تظلمون ج- و لا تظلمون

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۱)، نتیجه‌ی توبه از ربا نمی‌باشد.

گزینه ۱

۱۴۱۸

امام علی^(ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «باید بیش از آن که به جمع مالیات بیندیشی در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به‌دست نیاید. هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.»

گزینه ۳

۱۴۱۹

«المؤلفه قلوبهم» و «فی سبیل الله»، از موارد مصرف زکات و «لذی القربی» یا «سادات»، از موارد مصرف خمس می‌باشند.

نکته‌ی طلایی» مساکین و ابن السبیل، از موارد مشترک خمس و زکات می‌باشند.

گزینه ۴

۱۴۲۰

«المؤلفه قلوبهم» و «العاملین علیها»، از موارد مصرف زکات و «الیتامی»، از موارد مصرف خمس می‌باشند.

گزینه ۳

۱۴۲۱

رعایت «حد نصاب» در مورد زکات می‌باشد و کاربرد «غارمین» در مورد زکات و «ابن السبیل»، از موارد مشترک خمس و زکات می‌باشد.

گزینه ۲

۱۴۲۲

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم...»، خدای متعال، قرض بدون ربا را بدان جهت «قرض الحسنه» نامیده است که به افزایش سرمایه‌ها می‌انجامد (یضاعفه لکم) و قرض‌دهنده مورد غفران خداوند قرار می‌گیرد. (و یغفر لکم)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) در مورد آیه‌ی شریفه‌ی: «اقرضتم الله قرضاً حسناً لا کفرن عنکم سیئاتکم و لا دخلکم جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل» صادق است. گزینه‌ی (۳) و (۴) در مورد آیه‌ی شریفه‌ی: «ان المصدقین و المصدقات و اقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعف لهم و لهم اجر کریم» صادق است.

گزینه ۱

۱۴۱۰

بنابر آیه‌ی «و لقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منهم اثني عشر نقيباً و قال الله ائني معکم لئن اقمتم الصلاة و ءاتیتم الزکاه و ءامنتم برسلی عزرتهم و اقرضتم الله قرضاً حسناً ... فقد ضل سواء السبیل»، خداوند پس از ارسال پیامبر برای قوم بنی اسرائیل با آنان اتمام حجت کرد و پیمان بست که اگر کسی نماز را بر پا دارد، زکات بپردازد، به رسولان ایمان بیاورد و قرض الحسنه بدهد، گناهان او زوده می‌شود (لا کفرن عنکم سیئاتکم) و زندگی در بهشت جاوید نصیب او می‌شود. (و لا دخلکم جنات تجری من تحتها الانهار)

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» قسمت دوم گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا پاداش این ۵ مورد پوشاندن گناهان است، نه افزایش سرمایه.

گزینه ۲

۱۴۱۱

حساب سال به پرداخت خمس مربوط می‌شود که از جمله موارد مصرف آن «الیتامی» و «المساکین» می‌باشد.

گزینه ۴

۱۴۱۲

در آیه‌ی شریفه‌ی: «فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون»، که خداوند به مسلمانان دستور به ترک ربا می‌دهد، توبه از ربا را نشانه‌ی ظلم نکردن و مورد ظلم واقع نشدن معرفی می‌کند. و «لا تظلمون» زمانی تحقق می‌یابد که اصل سرمایه به صاحبانش برگردد.

تمرین تست‌زنی» برای پاسخ به این تست، حتماً از روش ردّ گزینه‌های نادرست استفاده کنید.

گزینه ۴

۱۴۱۳

به «حساب سال» خمس تعلق می‌گیرد. و «حد نصاب» در مورد زکات می‌باشد و در آیه‌ی شریفه‌ی: «و اعلموا انما غنمتم من شئ فان الله خمسہ...»، که به خمس اشاره دارد، «ابن السبیل»، از موارد مصرف خمس است.

گزینه ۳

۱۴۱۴

امام علی^(ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد و حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.»

گزینه ۲

۱۴۱۵

خمس یکی از راه‌های تأمین نیازهای جامعه است که به هفت چیز تعلق می‌گیرد و رایج‌ترین آن‌ها منفعت کسب و کار است. موارد مصرف خمس در آیات قرآن، شش مورد: «خدا، رسول خدا^(ص)، سادات، یتیمان، مساکین و در راه ماندگان» بیان شده است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱)، مربوط به زکات است.

گزینه ۳

۱۴۱۶

جامعه‌ی اسلامی هزینه‌های گوناگونی دارد که باید تأمین شود. این هزینه‌ها دو نوعند: هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه و هزینه‌های برآمده از زندگی اجتماعی و شهری. هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه، از طریق انفاق است. انفاق دو نوع است: واجب و مستحب. انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها قسمت دوم گزینه‌های (۱)، (۲) نادرست است، چراکه توبه از رباخواری، علت دفع ستمگری و ستم‌پذیری است نه معلول و نتیجه‌ی آن. گزینه‌ی (۳) نادرست است، چراکه در این آیه، ترک ربا خواری کمال ایمان معرفی نشده است.

گزینه ۳

۱۴۲۹

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «فَإِنْ تَبَتُّمُ فَلَكُمْ رُئُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، توبه از ربا و جبران رباخواری، از طریق دست‌یابی قرض دهنده به سرماییه‌ی مورد قرض (اصل سرمایه - فلکم رُئُوسُ اموالکم) است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها سایر گزینه‌ها، با توبه از ربا در ارتباط نیست.

گزینه ۴

۱۴۳۰

خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ...»، می‌فرماید: آن‌چه از ربا باقی می‌ماند را رها کنید اگر ایمان دارید. سپس از نتیجه‌ی تداوم ربا (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ) سخن می‌گوید و در آخر از نتایج توبه از ربا (فَإِنْ تَبَتُّمُ فَلَكُمْ رُئُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) سخن گفته است.

گزینه ۲

۱۴۳۱

قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپا داشتن نماز بر واجب بودن پرداخت زکات تأکید کرده است. زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد.

گزینه ۳

۱۴۳۲

به گندم، جو و خرما و کشمش، زکات تعلق می‌گیرد. **یادآوری** به برنج، زکات تعلق نمی‌گیرد. به برنج زکات فطره و خمس می‌تواند تعلق بگیرد.

گزینه ۲

۱۴۳۳

از فرمایش پیامبر^(ص) مستفاد می‌شود که کار باید مولد و خلاق باشد و ارزش افزوده‌ای ایجاد کند تا بتوان نام کار بر آن گذاشت، در غیر این صورت کاری کاذب و دروغین است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا ملاک کار در اسلام علمی بودن نیست. گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا مالک اصلی و حقیقی همه چیز خداست. در غیر این صورت، دچار شرک می‌شویم. گزینه‌ی (۴) نادرست است، زیرا تناسب چندانی با حدیث ذکر شده در سؤال ندارد. بنابراین گزینه‌ی (۲) مناسب‌تر است.

گزینه ۱

۱۴۳۴

«غارمین» به معنای غرامت دیدگان از موارد مصرف زکات، «ذی القربی یا سادات» از موارد مصرف خمس، «مؤلفه قلوبهم» به معنای تألیف قلوب از موارد مصرف زکات و «بتیمان» نیز از موارد مصرف خمس می‌باشند.

گزینه ۳

۱۴۲۳

در آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، دو عبارت: «يُّضَاعَفْ لَهُمْ» و «لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، پاداش خداوند به کسانی است که صدقه (انفاق) و قرض‌الحسنه می‌دهند. انفاق و وام غیر مشروط، مفهوم صدقه و قرض الحسنه و عبارت قرآنی «الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» می‌باشد.

تمرین تست‌زنی یکی از مهارت‌های تست‌زنی، فهم سریع و دقیق صورت سؤال و منظور طراح سؤال است که از جمله در این تست، کمک زیادی به تشخیص پاسخ صحیح می‌نماید.

گزینه ۲

۱۴۲۴

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفْ لَكُمْ وَيُغْفَرَ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»، دادن قرض الحسنه، به برخورداری از پاداشی مضاعف و آمرزش گناهان می‌انجامد. پاداشی مضاعف و آمرزش گناهان، معنای عبارت قرآنی «يُّضَاعَفْ لَكُمْ وَيُغْفَرَ لَكُمْ» می‌باشد.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها در گزینه‌ی (۱)، تعبیر قرآنی: «لَا كُفْرًا عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»، به معنای پوشاندن گناهان می‌باشد. در گزینه‌ی (۳)، صدقه و قرض‌الحسنه، پاداشی مضاعف و اجری نیکو دارد.

گزینه ۱

۱۴۲۵

براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، صدقه و قرض الحسنه، به افزایش سرمایه‌ها می‌انجامد (يُّضَاعَفْ لَهُمْ) و اجر و مزد با کرامت (لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ) به همراه دارد.

نکته‌ی طلایی در مورد این آیه، دو نشانه وجود دارد: ۱- در آیات اندیشه و تحقیق این درس، تنها در این آیه، در مورد پاداش صدقه و قرض‌الحسنه (انفاق و وام غیر مشروط) سخن گفته است. ۲- اجر کریم فقط در این آیه آمده است.

گزینه ۳

۱۴۲۶

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنْ تَبَتُّمُ فَلَكُمْ رُئُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، نشانه‌ی ظلم نکردن خودداری کردن از رباخواری و مورد ظلم واقع شدن صیانت از مالکیت خصوصی می‌باشد.

گزینه ۴

۱۴۲۷

رعایت «حَدِّ نَصَابٍ» مربوط به زکات و «مَنْظُورِ» داشتن هزینه‌های سالانه‌ی زندگی خود و خانواده» مربوط به خمس و کاربرد «ذی القربی» از مصارف خمس و «المؤلفة قلوبهم» از مصارف زکات است.

گزینه ۴

۱۴۲۸

با توجه به آیه‌ی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»، خودداری کردن از رباخواری مشروط (شرط شده) بر تحقق ایمان است. براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنْ تَبَتُّمُ فَلَكُمْ رُئُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، اعلان جنگ با خدا و پیامبر، معلول ترک نکردن رباخواری برای مؤمنان است.

گزینه ۴

۱۴۴۲

براساس آیهی شریفه‌ی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید به صبر و نماز یاری خواهید، زیرا خدا با شکیبایان است.»، برای رسیدن به رستگاری، باید از دو عامل صبر و نماز کمک بگیریم. (استعینوا بالصبر و الصلاة)، چرا که خداوند با صابرين است.

«نکته‌ی طلایی» این عبارت قرآنی: «خداوند در کنار صابران است.»، بیانگر توحید در ربوبیت و سنت توفیق الهی است.

گزینه ۱

۱۴۴۳

خداوند، در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «كما كتب على الذين من قبلكم» یعنی روزه، منحصر به شما نبوده، بلکه در امت‌های پیشین (تعمیم روزه بر موحدان) نیز بوده است. مهم‌ترین ثمره‌ی روزه، تقواست. (لعلکم تتقون)

گزینه ۳

۱۴۴۴

تعبیر قرآنی: «كما كتب على الذين من قبلكم» همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد، مربوط به روزه است و روزه مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است که مهم‌ترین ثمره‌ی آن یعنی پرهیزگاری را به دنبال دارد.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱)، دوری از گناه و یاد خدا از ثمرات نماز است. گزینه‌های (۲) و (۴)، نادرست است، چون این آیه، مربوط به روزه است نه نماز.

گزینه ۴

۱۴۴۵

در آیهی شریفه‌ی: «اتل ما أوحى إليك من الكتاب و اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر و لذكر الله أكبر و الله يعلم ما تصنعون»، در کنار ابلاغ وحی، به برپا داشتن نماز و فواید آن توصیه شده است. یکی از آثار برپا داشتن نماز، دوری از فحشاء و منکرات است. (تنهى عن الفحشاء والمنكر)

«نکته‌ی طلایی» شیطان دعوت کننده به «سوء و فحشاء» است و اخلاص، بازدارنده از «سوء و فحشاء» است.

گزینه ۲

۱۴۴۶

برپا داشتن نماز دو فایده دارد: یکی از آثار برپا داشتن نماز، دوری از فحشاء و منکرات است. (تنهى عن الفحشاء والمنكر) اقامه‌ی نماز ثمره‌ی برتر دیگری دارد که همان یاد و ذکر خداست. (و لذكر الله أكبر)

«نکته‌ی طلایی» بازدارنده از فحشاء و منکر، نماز است. و بازدارنده از سوء و فحشاء، اخلاص است.

گزینه ۱

۱۴۴۷

یاد خدا (لذكر الله)، ثمره‌ی برتر اقامه‌ی نماز است و پرهیزگاری (لعلکم تتقون) نیز مهم‌ترین ثمره‌ی روزه است.

گزینه ۲

۱۴۴۸

اگر خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده و وظایفی بر دوش ما قرار داده، جز مصلحت و سعادت ما هدفی نداشته است. گرچه ما به مصلحت برخی از این وظایف پی نمی‌بریم اما یقین داریم که او دانای حکیمی است که جز براساس حکمت، وظیفه‌ای را تعیین نمی‌کند. با این وجود انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیش‌تر دستورات الهی را انجام دهد.

درس شانزدهم: یاری از نماز و روزه

تعداد سوالات تالیفی	تعداد سوالات آزمایشی	تعداد سوالات سراسری
۷۰	۱۷	۱۲
تعداد سوالات سراسری ۹۴	تعداد سوالات سراسری ۹۵	تعداد سوالات سراسری ۹۶
۵	۵	۶

گزینه ۱

۱۴۳۵

نماز، ستون خیمه‌ی دین و نشانه‌ی وفاداری ما به عهد خویش با خداست.

گزینه ۴

۱۴۳۶

جامعه‌ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می‌شود. در جامعه و خانواده‌ای که نماز راه نیافته گویا اسلام وارد نشده است.

گزینه ۲

۱۴۳۷

در کنار نماز، روزه قرار دارد. جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می‌کنند و رفتار مردم عوض می‌شود.

گزینه ۱

۱۴۳۸

براساس آیهی شریفه‌ی: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ - هرگاه بندگان من از تو درباره‌ی من بپرسند بگو من نزدیکم، اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند. باشد که راه یابند.»، تعبیر قرآنی: «فَأَنِّي قَرِيبٌ»، پاسخ خداوند به بندگان است که از صمیم قلب او را بخوانند و از او درخواستی بکنند که این امر حاکی از احاطه‌ی خداوند بر همه چیز است.

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۳)، قرب مکانی خداوند با بندگانش نادرست و شرک است.

گزینه ۳

۱۴۳۹

مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.

گزینه ۴

۱۴۴۰

در آیهی شریفه‌ی: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»، خداوند پس از اشاره به پاسخ‌دادن به درخواست کنندگان از او (فَأَنِّي قَرِيبٌ) اجیب دعوة الداء اذا دعان)، به پذیرش دعوت خداوند (فلیستجیبوا لی) و ایمان به خدا (و لیؤمنوا بی)، برای رسیدن به رستگاری (لعلهم یرشدون) دعوت می‌کند.

گزینه ۲

۱۴۴۱

پذیرش دعوت خداوند (فلیستجیبوا لی) و ایمان به خداوند (و لیؤمنوا بی)، راه رسیدن به رستگاری (لعلهم یرشدون) است.

«نکته‌ی طلایی» راه رسیدن به تقوا و پرهیزگاری، به جا آوردن روزه است.

۱۴۵۷	گزینه ۴
در قرآن کریم راه‌های متعددی برای پرورش مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا که همان نهال دوست داشتن خوبی‌ها و بی‌زاری از بدی‌هاست، وجود دارد، از جمله: نماز و روزه.	

۱۴۵۸	گزینه ۱
اثر نماز در بازداشتن انسان از زشتی‌ها و منکرات به تداوم و پیوستگی آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.	
نکته‌ی طلایی تأثیرپذیری سریع از نماز، با انجام نماز با کیفیت بهتر و با رعایت آداب آن ممکن می‌شود. انجام نماز با توجه بیش‌تر، باعث دوری بیش‌تر از برخی منکرات می‌شود.	

۱۴۵۹	گزینه ۴
همان‌طور که اگر گفته شود هر کس درس بخواند موفق می‌شود. طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آن‌ها بستگی دارد، بنابراین اگر نمازهای روزانه‌ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود از آن تأثیر خواهیم پذیرفت.	

۱۴۶۰	گزینه ۲
نمی‌توان انتظار داشت که با خواندن نماز شتاب‌زده و بدون رعایت ادب، فرد از کارهای غلط خود دست بردارد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و با رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر نماز را حس خواهیم کرد.	

۱۴۶۱	گزینه ۳
هر کدام از ما می‌توانیم با مشاهده‌ی اطرافیان و بستگان دریابیم افرادی که به نمازشان توجه بیش‌تری دارند در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند از برخی منکرات بیش‌تر دوری می‌کنند. اگر به زندانیان و خلافکاران جامعه نگاه کنیم می‌بینیم که چنین مجرمانی کم‌تر از میان افراد نمازخوان برمی‌خیزند.	

۱۴۶۲	گزینه ۳
اگر نماز را کوچک‌نماییم و نسبت به آن‌چه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم از گناهان و مکروهات دور خواهیم شد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «گزینه‌ی (۳) از این موارد نمی‌باشد.	

۱۴۶۳	گزینه ۴
اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد. اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، از آلودگی‌های ظاهری حفظ خواهیم شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد.	

۱۴۶۴	گزینه ۱
اگر در هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در توضیح گزینه‌ی (۲)، اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد. در توضیح گزینه‌ی (۳)، اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد. در توضیح گزینه‌ی (۴)، اگر عبارت: «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خدا بخواهیم، به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست.	

۱۴۴۹	گزینه ۳
خداوند فقط براساس حکمت، وظیفه‌ی ما را تعیین می‌کند. با این وجود انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیش‌تر دستورات الهی را انجام دهد.	

۱۴۵۰	گزینه ۴
براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَهَيِّئُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ»، دوری از گناه و یاد خدا از فواید نماز است. براساس آیه‌ی شریفه‌ی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ لِمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، مهم‌ترین فایده‌ی روزه تقواست.	

۱۴۵۱	گزینه ۱
امیر مؤمنان علی ^(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «مَثَلُ أَدَمَهِائِ بِي تَقْوَا مَثَلُ سَوَارِ كَارَانِي» است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوار کار گرفته و به بالا و پایین می‌برند و عاقبت سوار کار را در آتش می‌افکنند.	

۱۴۵۲	گزینه ۳
امیر مؤمنان علی ^(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: اما مَثَلُ أَدَمَهِائِ بِاتَّقْوَا مَثَلُ سَوَارِ كَارَانِي است که بر اسب‌های راهوار و رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا این‌که وارد بهشت شوند.	

۱۴۵۳	گزینه ۲
تقوا، به معنای حفاظت و نگهداری است. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می‌کند. به عبارت دیگر انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و اختیار دارد و نمی‌گذارد در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی‌جا در دره‌های هولناک سقوط کند.	

۱۴۵۴	گزینه ۲
تقوا یک ویژگی درونی است نه بیرونی و بدنی.	

۱۴۵۵	گزینه ۱
گناه، عمل زشتی است که از گناهکار سرمی‌زند و آتش قیامت را روشن می‌کند و انسان با تقوا توانمندی آن را دارد که خود را در برابر گناه حفظ کند. او می‌کوشد روز به روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نکه دارد. او مانند کسی است که بدن خود را چنان ورزیده ساخته که دچار بیماری نشود.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «در قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴)، سرکوب کردن غرایز نادرست است.	

۱۴۵۶	گزینه ۲
خداوند مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا را در وجود همه‌ی انسان‌ها قرار داده، به طوری که خوبی را دوست داریم و از بدی‌ها بی‌زاری می‌جوییم. اما این مرتبه‌ی تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است و در این صورت است که انسان می‌تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند. شکل اولیه‌ی تقوا که همان گرایش به نیکی و زیبایی است به صورت فطری و درونی و نا آموخته است. شهودی، یعنی درک شدن به صورت بی‌واسطه و مستقیم که تقوا از مسائل شهودی نمی‌باشد.	
دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها «قسمت سوم گزینه‌ی (۴)، بیانگر وجدان و نفس لَوَّاه است.	

۱۴۷۴	گزینه ۳
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۱۴۷۵	گزینه ۲
پیامبر اسلام (ص) فرمود نمازهای یومیه مانند چشمه‌ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو می‌کنند.	
۱۴۷۶	گزینه ۴
میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و تقواست، به طوری که هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد تقوای بیش‌تری می‌طلبد.	
۱۴۷۷	گزینه ۳
روانشناسان و کارشناسان تربیت کارهایی برای تسلط بر خود پیشنهاد کرده‌اند تا افراد بتوانند به موفقیت در درس، ورزش، کسب و کار و ... برسند. میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و تقواست، به طوری که هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد تقوای بیش‌تری می‌طلبد.	
۱۴۷۸	گزینه ۲
خداوند انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی و با معرفت انجام دهد چنان قدرت و تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت را به سوی برترین هدف‌های زندگی به خوبی بردارد و این عمل روزه است.	
۱۴۷۹	گزینه ۱
روزه مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است.	
۱۴۸۰	گزینه ۳
کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد به سوی آن نرود به راحتی از غذای خود برای سیر کردن گرسنگان می‌گذرد و برای رسیدن به غذای لذیذ و شیرین دست به هر کاری نمی‌زند. کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند و از دروغ و غیبت زبان خود را نگه دارد و گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد، خود را از گناهان چشم و زبان و گوش حفظ می‌کند. و کسی که یک ماه تمرین کرده از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند، احساس می‌کند هر کاری که خدا دستور داده می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.	
۱۴۸۱	گزینه ۴
کسی که یک ماه تمرین خوش‌رویی و خوش‌رفتاری با مردم نماید و بکوشد به مردم ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند، مردم از دست و زبان و رفتار او درامانند.	
۱۴۸۲	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۴۶۵	گزینه ۳
اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد.	
۱۴۶۶	گزینه ۲
اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد. اگر عبارت: «اهدنا الصراط المستقیم» را صادقانه از خدا بخواهیم به راه‌های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست. اگر عبارت: «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» را با توجه بگوییم خود را در زمره‌ی کسانی که خدا بر آن‌ها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند قرار نخواهیم داد.	
تمرین تست‌زنی: بهترین روش برای پاسخ به تست‌های چند قسمتی که حفظی یا مفهومی هستند، حذف گزینه‌های نادرست است. یعنی با توجه به اینکه پاسخ قسمت اول یا دوم و یا سوم سؤال را می‌دانیم، گزینه‌های نادرست را حذف می‌کنیم تا به جواب برسیم.	
۱۴۶۷	گزینه ۴
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۱۴۶۸	گزینه ۱
با تکرار درست آن چه در نماز می‌گوییم به تدریج چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کنیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.	
۱۴۶۹	گزینه ۳
برخی از کارها که خاصیت نماز را از بین می‌برند عبارتند از: خشم به پدر و مادر که بنابر سخن امام صادق (ع) «فرزندى که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست». غیبت کردن نیز از کارهایی است که خاصیت نماز را از بین می‌برد. همان‌طور که پیامبر به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نشود، مگر این که غیبت شده او را ببخشد.»	
۱۴۷۰	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	
۱۴۷۱	گزینه ۴
مراجعه شود به پاسخ دو پرسش قبل.	
۱۴۷۲	گزینه ۲
امام صادق (ع) می‌فرماید هر کس می‌خواهد بداند نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز او را از گناه و زشتی بازداشته یا نه. هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود این نماز قبول شده است.	
۱۴۷۳	گزینه ۱
کارهای مختلف روزانه، ارتباط با دیگران و عوامل برانگیزاننده به سوی گناه سبب می‌شود که پس از گذشت ساعتی از روز گرد و غبار غفلت بر دل نشیند و زمینه‌ساز شکستن عهد و لغزش ما شود. با انجام نمازهای ظهر و عصر در میان فعالیت روزانه، قلب را از این غبارها پاک می‌کنیم و مانع خانه کردن گناه در دل می‌شویم و در پایان روز، نماز مغرب و عشا را به‌جا می‌آوریم و با آرامش خیال، آماده‌ی خواب شبانه می‌شویم.	

۱۴۹۱	گزینه ۳
کسی که غسل جنابت بر او واجب است اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است عمداً تیمم ننماید نمی‌تواند روزه بگیرد.	

۱۴۹۲	گزینه ۴
کسی که غسل جنابت بر او واجب است اگر سهواً انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است اما در مورد غسل نکردن معصیت کرده است.	

۱۴۹۳	گزینه ۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۴۹۴	گزینه ۲
اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم، جو یا مانند آن‌ها به فقیر بدهد.	

۱۴۹۵	گزینه ۱
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۴۹۶	گزینه ۴
اگر کسی روزه‌ی ماه رمضان را عمداً نگیرد باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد. یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد (به هر فقیر یک مُد) و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.	

۱۴۹۷	گزینه ۴
اگر کسی به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود یعنی باید هر دو کفاره‌ی روزه نگرفتن را بپردازد یعنی ۶۰ روز روزه بگیرد و به ۶۰ فقیر طعام دهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد می‌تواند هر کدام را که ممکن است انجام دهد.	

۱۴۹۸	گزینه ۱
کسی که به سفر می‌رود اگر شرایط زیر را داشته باشد باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد: ۱- رقتن او کمتر از چهار فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموع رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد. ۲- بخواند کمتر از ده روز در جایی بماند پس کسی که می‌خواهد ده روز یا بیش‌تر در محلی که سفر کرده بماند باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد. ۳- برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با ظالم سفر کند باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهنی پدر و مادرش به سفری برود که آن سفر بر او واجب نباشد، باید نمازش را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.	

«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۱) نادرست است، زیرا اگر بخواند ۱۰ روز بماند، نمازش کامل است و روزه هم باید بگیرد.	
---	--

۱۴۹۹	گزینه ۴
حکم هر سه گزینه‌ی (۱)، (۲) و (۳) این است که شخص دارای این ویژگی‌ها مسافر نیست، یعنی نمازش کامل است و باید روزه بگیرد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» حکم گزینه‌ی (۴)، اگر فرزند با اجازه‌ی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نباشد، مسافر است و نمازش شکسته و نباید روزه بگیرد.	

۱۴۸۳	گزینه ۳
چنین فردی کم کم به جایی می‌رسد که به راحتی از غذای خود برای سیر کردن گرسنگان می‌گذرد، برای رسیدن به غذای لذیذ و شیرین دست هر کاری نمی‌زند، خود را از گناهان چشم و زبان و گوش حفظ می‌کند، مردم از دست و زبان و رفتار او در امانند، و بالاخره، احساس می‌کند هر کاری را که خداوند دستور داده، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.	

۱۴۸۴	گزینه ۴
از این سخن رسول خدا(ص) که فرمودند: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود»، برداشت می‌شود که روزه‌داری فقط تحمل گرسنگی و تشنگی نیست. رسول خدا(ص) فرموده که باید روزه را به گونه‌ای انجام دهیم که علاوه بر تحمل تشنگی و گرسنگی، صفت تقوا و خودنگهداری در مقابل گناه در ما پدید آید و اگر در ما هست تقویت شود.	

۱۴۸۵	گزینه ۱
انسان می‌تواند هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه‌ی همه‌ی ماه را بنماید.	

۱۴۸۶	گزینه ۱
نه چیز روزه را باطل می‌کند که عبارتند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به خلق، فروبردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح و قی کردن.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» گزینه‌ی (۳) نادرست است، زیرا خوردن و آشامیدن از روی سهو، روزه را باطل نمی‌کند.	

۱۴۸۷	گزینه ۲
تمام موارد گزینه‌ی (۲) از مبطلات روزه نمی‌باشد.	
«دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» در گزینه‌ی (۱) و (۳)، فرو بردن عمدی چیزی که لای دندان مانده است و در گزینه‌ی (۴)، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر(ص) روزه را باطل می‌کند.	

۱۴۸۸	گزینه ۴
انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه‌ی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود تحمل کرد می‌تواند افطار کند. اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌اش باطل نیست، اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده عمداً بخورد، روزه‌اش باطل است.	

۱۴۸۹	گزینه ۳
اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد باید قضای آن روزه را بگیرد، اما اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه‌اش باطل نیست.	

۱۴۹۰	گزینه ۱
الف- اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد روزه‌اش باطل نیست. ب- روزه‌دار نباید بخار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن‌ها را به خلق برساند. ج- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد.	

گزینه ۱	۱۵۰۹
اگر مسافری بعد از ظهر به وطنش یا آنجا که قصد سفر ده روزه دارد برسد نمی‌تواند در آن روز روزه بگیرد. و اگر بعد از ظهر مسافرت کند، چنانچه امساک (خودداری از خوردن و آشامیدن) کرده و کاری که مبطل روزه باشد نیز انجام نداده باشد، باید بر روزه‌ی خود باقی بماند و آن را ادامه دهد.	

۱۵۱۰	گزینه ۱
در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَاسْتَجِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»، پذیرش دعوت خداوند (فلیستجیبوا لی) و ایمان به خداوند (و لیؤمنوا بی)، راه رسیدن به رستگاری (یرشدون) است.	

گزینه ۳	۱۵۱۱
پیامبر به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نشود، مگر این که غیبت شده او را ببخشد.» امام صادق^(ع) می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز او را از گناه و زشتی بازداشته یا نه. هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود این نماز قبول شده است. و اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد.	

گزینه ۳	۱۵۱۲
نشانه‌ی وفاداری ما به عهد خویش با خدا، نماز است و با توجه به آیات قرآن کریم، ثمره‌ی برتر نماز، یاد خدا (الذکر الله اکبر) و مهم‌ترین ثمره‌ی روزه، دوری از گناه (لعلکم تتقون) است.	

گزینه ۲	۱۵۱۳
اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند، برسد نمی‌تواند در آن روز، روزه بگیرد. و اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه‌ی خود را ادامه دهد.	

گزینه ۴	۱۵۱۴
اگر نماز را کوچک و سخیف بشماریم و نسبت به آن چه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم و با توجه، نماز را بخوانیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. اثر نماز به تلاوم و پیوستگی آن و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد و هر قدر با توجه و دقت بیش‌تر انجام شود تأثیر آن بیش‌تر هم خواهد شد.	

گزینه ۱	۱۵۱۵
تقوا، پاکی و پارسایی (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)، مهم‌ترین ثمره‌ی روزه (کُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) است. در آیه‌ی شریفه‌ی: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَاسْتَجِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»، پذیرش دعوت خداوند (فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي) و ایمان به خداوند (و لِيُؤْمِنُوا بِي)، عامل رسیدن به رستگاری (يَرْشُدُونَ) است.	

گزینه ۱	۱۵۱۶
اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه‌ی روزه دار باطل نیست. دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر از مبطلات (باطل کننده‌های) روزه است. اگر کسی به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود یعنی باید به ازای هر روز دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را طعام دهد.	

۱۵۰۰

گزینه ۲

الف- شخصی که مجموعه‌ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ باشد. نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد. ب- مسافری که با داشتن دو شرط دیگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر نکند. باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد. ج- کسی که می‌خواهد ده روز یا بیش‌تر در محلی که سفر کرده بماند. نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

۱۵۰۱

گزینه ۳

اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند برسد، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید آن روز را روزه بگیرد و اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، روزه‌ی آن روز بر او واجب نیست.

گزینه ۱	۱۵۰۲
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

۱۵۰۳

گزینه ۳

اگر کسی که روزه گرفته پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد بیش از چهار فرسخ برود وقتی به حد ترخص برسد (یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند) باید روزه‌ی خود را باطل کند و اگر پیش از رسیدن به حد ترخص روزه‌اش را باطل کند کفاره بر او واجب است. اگر کسی که روزه است بعد از ظهر مسافرت کند باید روزه‌ی خود را تمام کند. اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد نباید روزه بگیرد.

گزینه ۲	۱۵۰۴
مراجعه شود به پاسخ پرسش قبل.	

گزینه ۲	۱۵۰۵
اگر شخص روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وقتی به حد ترخص برسد، باید روزه‌ی خود را افطار نماید.	

۱۵۰۶

گزینه ۱

براساس آیه‌ی مبارکه‌ی: «اتل ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلاة...»، برترین ثمره‌ی نماز یاد خدا می‌باشد. مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا این است که خوبی را دوست داریم و از بدی‌ها بی‌زاری می‌جویم. آیه‌ی شریفه‌ی: «و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها»، مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا را بیان می‌کند.

«**نکته‌ی طلایی**» مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا، همان گرایش فطری و درونی به نیکی‌ها و زیبایی‌ها می‌باشد که مفهوم عبارت قرآنی: «فالهمها فجورها و تقواها» می‌باشد.

گزینه ۳	۱۵۰۷
«عدم خضوع در مقابل مستکبران»، معلول در نظر داشتن عظمت خدا در رکوع و سجود است. «دل نیستن به راه‌های انحرافی دیگران»، نتیجه‌ی بیان صادقانه‌ی «اهدنا الصراط المستقیم» و «عدم تمایل به کسب درآمد حرام»، ثمره‌ی غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار می‌باشد.	

گزینه ۴	۱۵۰۸
مصدق انجام عملی برای پالایش روزانه‌ی دل از گناه، نماز است چراکه پیامبر اسلام(ص) نماز را به چشمه‌ساری تشبیه کرده‌اند که مردم روزی پنج بار خود را در آن شستشو می‌کنند. پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر»، حاکی از تأثیر نماز در پاکی داشته و بالاترین ثمره و فایده‌اش یاد خدا می‌باشد.	

۱۵۲۴	گزینه ۲
اگر در هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت. «دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها» اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد. با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کنیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم. اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.	

۱۵۲۵	گزینه ۴
خداوند مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا را در وجود همه‌ی ما انسان‌ها قرار داده به‌طوری‌که خوبی را دوست داریم و از بدی‌ها بیزار می‌شویم. (گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها) آیه‌ی شریفه: «و نفس و ما سواها فآلهمها فجورها و تقواها»، بیانگر گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها می‌باشد. قرآن کریم راه‌های متعددی برای رشد این نهال به ما نشان داده که آیات ابتدای درس به دو مورد مهم از آن‌ها، اشاره کرده است. یعنی «نماز» و «روزه»	

۱۵۲۶	گزینه ۱
برای پاسخ به این سؤال، آیه را باید حفظ بود. با توجه به آیه‌ی شریفه: «و إذا سألک عبادی عَنی فانی قریب أجیب دعوة الداع إذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون: و آنگاه بندگانم درباره‌ی من از تو می‌پرسند [بگو] من به آنان نزدیک هستم اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند». اکنون که خدا به ما نزدیک است و دعای ما را اجابت می‌نماید، وظیفه‌ی ما این است که: «فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون» با توجه به متن صریح آیه، سایر گزینه‌ها نادرست است.	

۱۵۲۷	گزینه ۴
اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.	

۱۵۲۸	گزینه ۴
امیر مؤمنان علی^(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «مثل آدم‌های بی‌تقوا مثل سوارکارانی است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته و به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت سوارکار را در آتش می‌افکنند». خداوند مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا را در وجود همه‌ی ما انسان‌ها قرار داده به‌طوری‌که خوبی را دوست داریم و از بدی‌ها بیزار می‌شویم. مرتبه‌ی اولیه‌ی تقوا، همان گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها (فالهمها فجورها و تقواها) می‌باشد.	

۱۵۲۹	گزینه ۴
در صورتی‌که رفتن مسافر کمتر از چهار فرسخ شرعی باشد و همچنین مجموع آن بیش از هشت فرسخ شرعی نباشد، شخص مسافر شرعی محسوب نمی‌شود و باید روزه بگیرد و نماز خود را تمام بخواند.	

۱۵۳۰	گزینه ۲
اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده، عمداً فرو ببرد روزه‌اش باطل می‌شود وظیفه‌ی او این است که قضای آن را به جا آورد و کفاره هم بدهد، یعنی دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد هر کدام یک مد طعام.	

۱۵۱۷	گزینه ۳
کسی که غسل جنابت بر او واجب است اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. اگر کسی روزه‌ی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفاره» بدهد یعنی باید به ازای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را طعام دهد.	

۱۵۱۸	گزینه ۱
تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است. در آن صورت است که انسان می‌تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند. نماز بازدارنده‌ی انسان از زشتی‌ها و منکرات (تنهی عن الفحشاء و المنکر) است و اثر نماز به تداوم و پیوستگی و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.	

۱۵۱۹	گزینه ۱
به‌جا آوردن نماز و روزه برای فرزندی که با نهی پدر و مادر به سفر غیر واجب برود به این صورت است که باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد. استفاده از مالی که خمس آن پرداخت نشده باشد، جایز نیست. مطابق سخن پیامبر^(ص): «کسی که غیبت مسلمانی را انجام داده باشد، تا چهل روز نماز و روزه‌اش پذیرفته نمی‌شود».	

۱۵۲۰	گزینه ۴
امام صادق^(ع) فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست». پیامبر اکرم^(ص) به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود، مگر این که غیبت‌شده او را ببخشد».	

۱۵۲۱	گزینه ۲
اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد. اگر کسی به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره‌ی جمع بر او واجب می‌شود یعنی باید هر دو کفاره‌ی یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.	

۱۵۲۲	گزینه ۳
اگر کسی از وطن خود ۴ فرسخ دور شود و ۵ روز در شهر «الف» بماند، چون قصد ده روز ماندن نداشته است، در شهر «الف» نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد، و اگر ۴ فرسخ دیگر برود و بخواهد یازده روز در شهر «ب» بماند، در شهر «ب»، چون قصد اقامت ده روز داشته است، نمازش تمام است و باید روزه بگیرد.	

۱۵۲۳	گزینه ۱
مسافر با داشتن شرایطی باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت به جا آورد و روزه نگیرد؛ شرط اول: سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ باشد مشروط به این که رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد. بر این اساس مسافر بودن یا نبودن چنین شخصی از نظر شرعی، بستگی به این دارد که برگشتن او کمتر از چهار فرسخ باشد یا بیش‌تر از چهار فرسخ باشد.	

گزینه ۲

۱۵۳۱

بنابر سخن امام صادق (ع) «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.»

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی (۴) در صورتی است که از کسی غیبتی کرده باشد.

گزینه ۱

۱۵۳۲

روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. در آیه‌ی شریفه‌ی: «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و...»، منظور از صبر همان روزه است. ثمره‌ی روزه، دست‌بابی به تقوا می‌باشد.

گزینه ۴

۱۵۳۳

اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، چنانچه آن مسافر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد. و اگر مسافر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده، روزه‌ی آن روز بر او واجب نیست و قضای روزه‌ی آن روز بر او واجب است.

